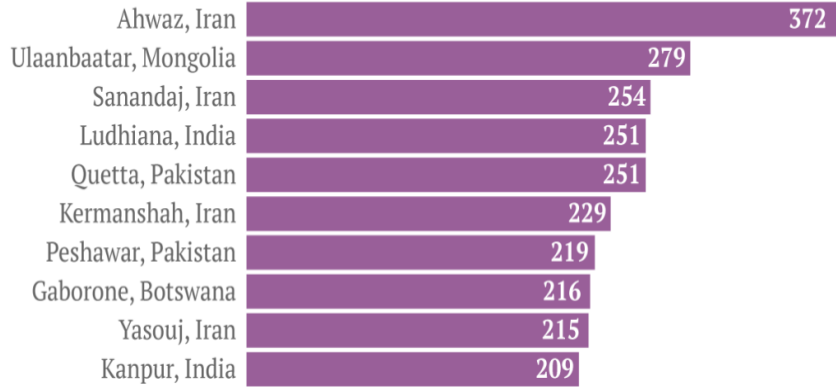


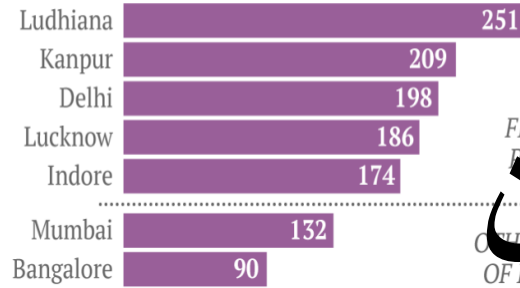
## Cities with the worst outdoor air pollution

Pollution is defined as airborne particles less than 10 micrometers in diameter (PM10).  
Values shown are annual averages in micrograms per cubic meter of air.

### Overall



### India



### China



احواز

آلوده ترین  
شهر جهان

پژوهش و تدوين:

جنش ملی دموکراتیک عرب الاحواز

التيار الوطني العربي الديمقراطي في الاحواز

مارس 2014

این پرونده را به روح بلند و آزادی خواه مرحوم محمد نواصری بنیانگذار جنبش ملی دموکراتیک عرب الاحواز، که زندگی خود را صرف دفاع از حیثیت ملت عرب احواز کرد تقدیم می کنیم. چنین نیز، این تحقیق به روح هزاران احوازی که سالانه در اثر آلودگی هوا و ابتلا به انواع بیماری های ناشی از نابودی محیط زیست جان خود را از دست می دهند تقدیم می شود.

امید که بتوانیم در راه دفاع از حقوق ملت عرب الاحواز قدمی موثر برداریم.

هیئت تحریریه سایت جنبش ملی دموکراتیک عرب الاحواز

[www.padmaz.org](http://www.padmaz.org)

### فصل اول – پیشینه بحران زیست محیطی احواز

9	نگاهی به شرایط زندگی مردم عرب احواز
15	بحران زیست محیطی در احواز (قسمت اول)
19	بحران زیست محیطی در احواز (قسمت دوم)
26	جنگ بر سر آب خاورمیانه و تبعات آن
35	رویه های قضایی در زمینه اختلافات بر سر آب رودخانه ها

### فصل دوم – بحران آب در اقلیم احواز

38	سد هایی که رودخانه های احواز را به کام مرگ کشیدند
39	سالانه بیش از دویست میلیون متر مکعب فاضلاب وارد کارون می شود
42	مرکز نشینان برای مصادره بیش از یک میلیارد متر مکعب آب کارون، بر روحانی فشار می آورند
44	مصرف سالانه در حدود سه میلیارد متر مکعب آب توسط طرح های توسعه نیشکر
46	طبق آمار های رسمی، انتقال آب کارون سبب آلودگی آب اقلیم احواز شده است
51	آلودگی شدید آب اقلیم احواز در پی آغاز بکار سدها و طرح های نیشکر
54	سلامتی مردم احواز در خطر است
57	تا دیر نشده است دریچه سدها را باز کنید!
59	روز جهانی آب و مناطق عرب نشین در ایران
62	کارون حق حیات ما
67	رویکرد امنیتی شورای تامین استان در تخریب محیط زیست احواز
73	سازمان رودخانه های بین المللی سدهای بزرگ را عامل زلزله های احواز می داند

### فصل سوم - بحران آلودگی هوای اقلیم احواز

- 76 ..... احواز بار دیگر به عنوان آلوده ترین شهر جهان شناخته شد
- 78 ..... سیاستهای که هور العظیم را خشکاند
- 83 ..... گوشه هایی از فاجعه احواز از نگاه آمار
- 91 ..... هوای احواز آلوده به اورانیوم است
- 93 ..... نتایج خیره کننده پژوهشی درباره دربارہ مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا
- 94 ..... حذف اعتبار مهار ریزگردها از بودجه، علی رغم تلفات جانی احوازیها
- 96 ..... بارندگی، دوباره بیش از ۲۰۰۰ احوازی را راهی بیمارستان کرد
- 98 ..... گازهای شیمیایی در احواز بیش از ۳۰۰۰ نفر را روانه بیمارستان کرد
- 99 ..... اعتراض شریف حسینی به سکوت دولت مرکزی بر فاجعه انسانی در احواز
- 100 ..... گزارش ابتکار از آلودگی همه جانبه اقلیم احواز بواسطه سیاستهای دولت مرکزی

### فصل چهارم - فاجعه انسانی

- 103 ..... ذرات ریز آلاینده هوا علت فوت 20 درصد متوفیان احوازی است
- 105 ..... پژوهشی درباره رشد چشمگیر سرطان در اقلیم احواز
- 109 ..... گزارشی از رشد چشمگیر سرطان در میان زنان احوازی
- 115 ..... گزارشی از رشد چشمگیر سرطان در میان مردان احوازی
- 122 ..... دستگاههای تولید میدان مغناطیسی روسی مردم احواز را راهی بیمارستانها کردند
- 126 ..... افزایش چشمگیر آمار مبتلایان به سرطان در احواز
- 129 ..... افزایش تولد کودکان ناقص الخلقه نزد حاشیه نشینان عرب
- 131 ..... فاجعه زیست محیطی در خور موسی
- 133 ..... ناگفته هایی که فاجعه آفرید

135 ..... جنایت علیه بشریت، جنایت زیست محیطی در ایران

### فصل پنجم - طرحهای جدید دولت مرکزی ایران

139 ..... محسن رضایی کارون را ضمانت عدم استقلال احواز از ایران می داند

145 ..... طرح غارت 800 هزار هکتار از اراضی احواز در راستای تغییر بافت جمعیتی

148 ..... دعوای اشغالگران برای تسلط بر ثروتهای احواز

150 ..... پشت پرده حضور غیربومیان در حلقه انسانی حفاظت از کارون

153 ..... سرسپردگان مرکز به سخن آمده اند

### فصل ششم - اعتراضات مردمی علیه تخریب محیط زیست اقلیم احواز

156 ..... بررسی بحران محیط زیست احواز در پارلمان بریتانیا

159 ..... بیانیه جنبش ملی دموکراتیک عرب الاحواز درباره انحراف آب کارون

162 ..... تجمع وسیع احوازیها برای نجات کارون

164 ..... سومین طوفان انسانی برای دفاع از کارون در احواز

166 ..... پنجمین حلقه انسانی دفاع از کارون با دخالت نیروهای امنیتی متفرق شد

167 ..... تجمع حمایت از کارون برگزار شد

169 ..... مردم احواز در گفتگو با صداوسیما دولت مرکزی، از نسل کشی سخن می گویند

170 ..... در دفاع از کارون و هور العظیم، احوازیها خواستار توقف انتقال آب و برجیدن سدها شدند

172 ..... اعتراض مردم عرب علیه تخریب هور فلاحیه

173 ..... طغیان خود محوری نزد مرکزگراها

175 ..... رویکرد بومی مخالف با تغییر ترکیب جمعیتی در احواز

**ضمیمه:**

- 179 ..... آلوده ترین شهرهای جهان
- 182 ..... تصاویری از تخریب هور العظیم
- 187 ... عکسهایی از تجمعات مردمی احوازیها در دفاع از کارون و هور العظیم و محیط زیست اقلیم احواز

### مقدمه:

مصادره زمینهای مردم عرب احواز از اولین سالهای لشکرکشی رضاخان به اقلیم احواز آغاز شد. از دهه 50 میلادی دولت مرکزی ایران اقدام به ساخت سدهایی بر روی رودخانه های اصلی اقلیم احواز کرد. همچنین کار بررسی های ساخت چندین سد دیگر، انجام شد.

طی حدود نه دهه سال گذشته همواره سلب زمینهای مردم عرب با ساخت پالایشگاه، مراکز صنعتی و کارخانه ها و پیتروشمی ها، تاسیس طرحهای عظیم نیشکر و تاسیس دهها طرح بزرگ دیگر برای تامین فرصتهای شغلی جهت ورود صدها هزار مهاجر غیرعرب به اقلیم احواز، همراه بوده است.

سیاستهای سلب زمینهای مردم عرب، ساخت طرحهای امنیتی بدون توجه گری اقتصادی و به ویژه توجه گری زیست محیطی، ورود مهاجران غیرعرب و به حاشیه رانده شدن ملت عرب احواز و نداشتن کمترین سهمی در تصمیم گیری برای اداره اقلیم احواز، همگی حلقه های زنجیر به هم پیوسته ای از سیاستهای حاکمان ایران است که بحران زیست محیطی بزرگی را در اقلیم احواز رقم زده است.

رویکرد صرف امنیتی حاکمان ایرانی در تعامل با اقلیم احواز ریشه اصلی بحران زیست محیطی فعلی در اقلیم احواز است. براساس این رویکرد، تغییر بافت جمعیتی احواز و نابودی هویت عربی این اقلیم بر هر چیز دیگر، حتی بر سلامتی محیط زیست نیز مقدم قرار داده شده است.

بحران زیست محیطی احواز در یک روند تاریخی از حدود 90 سال قبل آغاز شده و با آغاز بکار طرحهای ویرانگر نیشکر و به راه افتادن سدهای بزرگ در اقلیم مشرف به احواز در دهه شصت شمسی، شدت یافته است.

این بحران زیست محیطی بزرگ، احواز را به آلوده ترین شهر جهان مبدل ساخت و سالانه چند هزار احوازی در نتیجه این بحران جان می بازد. انواع بیماریهای سرطان و بیماریهای قلبی و عروقی در دو دهه اخیر افزایش چند صد درصدی داشته است.

این فاجعه عظیم انسانی همراه با استمرار رویکرد امنیتی حاکمان ایرانی نسبت به اقلیم احواز و بایکوت خبری درد و رنجهای عربهای احواز از سوی مرکزگرایان ایرانی در خارج از کشور، ما در جنبش ملی دموکراتیک عرب الاحواز را بر آن داشته است تا کار اطلاع رسانی درباره این فاجعه بزرگ انسانی را در اولویت فعالیتهای حقوقی و سیاسی خود قرار دهیم.

براین اساس، در این پرونده ما سعی کردیم تا شمه ای از سیاستهای اجرا شده در اقلیم احواز را به شکل گذرا در فصل اول تقدیم کرده سپس بحران آب، بحران هوا، فاجعه انسانی، سیاستهای جدید دولت ایران را در فصلهای بعدی ارائه کنیم. در پایان نیز فصلی را به اعتراضات مردمی احوازیها که به زنجیره دفاع از کارون معروف شد، اختصاص دهیم.

جنبش ملی دموکراتیک عرب الاحواز

(التیاری الوطنی العربی الیمقراتی فی الاحواز)

16 مارس 2014

فصل اول

## پیشینه بحران زیست محیطی احواز





## نگاهی به شرایط زندگی مردم عرب احواز

نویسنده: مهدی هاشمی

فوریه 2014

بررسی های تاریخی از قرون نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی حکایت از آن دارد که زندگی مردم عرب بر کشاورزی استوار بوده و براین اساس شهرها و روستاها در کنار رودخانه های بزرگ نظیر کارون، کرخه، دز، جراحی و زهره ساخته شده اند.

نوع کشاورزی مردم عرب در مناطق مختلف متفاوت بود. از شمال تا مرکز استان و همچنین در مناطق غرب استان نظیر حمیدیه، خفاجیه، حویزه و بسیتین مردم به کشت محصولات نظیر گندم، جو، برنج و صیفی جات شاغل بوده اند.

در مناطق جنوبی نظیر محمره، عبادان و فلاحیه زندگی مردم بسته به محصولات نخلستان ها دارد. علاوه بر کشاورزی، دامداری، پرورش طیور و ماهیگیری در مناطقی چون هور شاور، هور فلاحیه و هور العظیم نزد مردم عرب معمول بوده است.

در اوایل قرن بیستم، نوع مسکن مردم عرب در شهرها خانه های گلی بود که اتاق ها در کنار هم و به گرد حیات ساخته می شدند و در گوشه ای از حیات حوضچه آب و شستشو قرار داشت. در روستاها نیز خانه ها گلی و در برخی حالات نیز حصیری بودند. خانه های حصیری در مناطق نزدیک به تالاب ها بیشتر رواج داشتند.

علاوه بر بنادر محمره و عبادان، مردم عرب به واسطه خرده بازرگانان محلی با شهرهایی چون بصره، عماره و بغداد در عراق، کویت، بحرین و شام (سوریه) داد و ستد داشته اند که این وضعیت تا زمان انقلاب 1357 شمسی برقرار بود.

مذهب بیشتر مردم عرب احواز در سده گذشته شیعه اثنی عشری بوده است و در بخش های جنوبی در شهرهای عبادان و محمره و فلاحیه برخی قبایل عرب سنی مذهب در منطقه ساکن بوده اند.

ساخت پالایشگاه نفت عبادان در سال 1913 در زمان شیخ خزعل صورت گرفت و حضور شرکت های نفتی انگلیسی در این شهر سبب توسعه آن به سبک مدرن شده بود. کارگران عرب در کنار پاکستانی ها و هندی های و برخی خارجی های دیگر در پالایشگاه نفت مشغول به کار بودند. در آن زمان شهر عبادان جمعیتی در حدود 15 هزار نفر داشت.

در زمان حاکمیت شیخ خزعل مدارس و مکتب خانه هایی به زبان عربی در شهرهای احواز، عبادان و محمره تاسیس شده بود که به مدارس خزعلیه و چاسبیه معروف بودند. جهت پیگیری پیشرفت ها و توسعه سریع ایجاد شده در مناطق تحت حاکمیت شیخ خزعل موسوم به امارت عربستان، یکی از نویسندگان عرب آن زمان به نام "عبدالمسیح الانطاکی" با سرمایه شیخ خزعل نشریه ای به نام "العمران" در قاهره منتشر می کرد.

در این دوره "شیخ علی الدرویش" از موسیقی دانان مشهور آن دوران که اهل شهر حلب سوریه بوده با پیشنهاد شیخ خزعل در محمره یک مدرسه موسیقی تاسیس کرد. این مدرسه تا سال 1925 در این شهر فعالیت داشت. درباره شیخ علی الدرویش باید گفت که موسیقی دانان معروف جهان عرب چون؛ محمد عبدالوهاب، ریاض السنباطی، عمر البطش و محمد طیفوری از شاگردان ایشان بوده اند.

در راستای استفاده از تجربه مصر در زمینه کشاورزی، به دستور شیخ خزعل دهها کشاورز مصری به محمره فراخوانده شدند و محصولات نظیر پنبه در این منطقه رواج داده شد.

به دنبال لشکرکشی رضاخان به اقلیم احواز، مدارس فارسی زبان تاسیس شد و زبان رسمی رایج در امارت عربستان آن زمان از عربی به فارسی تغییر کرد. تاسیس راه آهن و ساخت جاده های ارتباطی با دیگر اقالیم ترکیب جمعیتی مناطق عرب را تغییر داد و تغییراتی نسبی در ساختار اجتماعی جامعه ایجاد کرد. تاسیس راه آهن و نیاز به نیروی کار سختکوش جوانان عرب را از روستاها و شهرهای کوچک به شهر احواز کشاند و مناطق جدیدی را در احواز بر پا کرد.

توسعه پالایشگاه نفت عبادان در دهه سی میلادی، سبب شد تا طبق آمارهای رسمی جمعیت شهر عبادان در نتیجه ورود مهاجران از دیگر استان ها جهشی بسیار شدید داشته باشد و در سال 1956 میلادی به 226 هزار نفر برسد (1). سیل ورود مهاجران جدید به شهر عبادان آنقدر سریع بود که سکونت گاههای موقت به نام "بنگله" برای اسکان تازه واردان ساخته شد.

برحسب آمارهای دولتی حدود ۶۲ درصد این مهاجران از اصفهان و یزد بودند و ۲۴ درصد از استان فارس و بنادر و ۸ درصد از کرمانشاه و الباقی از بقیه استانها. مهاجرت به عبادان تا انقلاب 1979 ادامه داشت به طوری که جمعیت این شهر در این سال در حدود 300 هزار نفر بود.

شهر عبادان جدید با فاصله چند هزار متری در کنار شهر قدیم عبادان ساخته شد. شهر جدید در کنار رودخانه و با نقشه و طرح انگلیسی ساخته شد. گرچه اولین سینماها در سال 1913 در زمان شیخ خزعل توسط انگلیسی ها ساخته شد اما به زودی در عبادان سینماهای زیادی ساخته شد. شیوه زندگی مدرن با سرعت به این شهر وارد شد. رادیو نفت ملی و رادیو "آبادان" در سالهای 1332 و 1335 شمسی آغاز به کار کردند.

پس از تهران، عبادان صاحب اولین شبکه تلویزیونی شد که در سال 1337 آغاز به کرد، این شبکه تلویزیونی زبان فارسی و فرهنگ زندگی شهری مدرن را تبلیغ می کرد.

در این دوره بیش از 80 درصد مردم عرب در روستاها زندگی می کردند. با افزایش مهاجرت بین استانی و درون اقلیم به شهرهای بزرگ نظیر عبادان و محمره میزان شهرنشینی در سال 1956 به حدود 30 درصد رسید.

در دهه 30 میلادی دولت مرکزی طی بخشنامه هایی نام رسمی اقلیم را از عربستان به خوزستان تغییر داد و شیخ خزعل را که در تهران زندانی بود، به قتل رساند. طی همین بخشنامه نام اکثر شهرهای اقلیم تغییر یافت. نام های فارسی جایگزین نام های مورد استفاده مورد عرب یعنی عبادان، محمره، فلاحیه، خفاجیه و دهها نام شهرها و روستاها و دیگر اماکن شد.

رسمیت یافتن یکباره زبان فارسی در کنار رواج شدید عادات غربی، سبب واکنش مردم عرب شد. شاعر معروف عرب شیخ ابراهیم دیراوی که در آن دوره جوانی بیش نبود در مقایسه مردم عرب با ساکنان مدرن شده آبادان، از غیرت عربها و اصالت و حمیت آنها می گفت. همچنین حمله رسانه های فارسی عبادان به فرهنگ مردم عرب، سبب شد تا شاعرانی نظیر دیراوی اشعار ماندگار در دفاع از هویت عربی بسرایند و شاعرانی نظیر فاضل سکرانی به امر شعر و ادب عربی اهتمام ویژه ای نشان دهند.

در برابر وضعیت جدید بوجود آمده مردم عرب به شدت به عادات قبلیه ای خود متمسک شدند و از هرگونه برقراری ارتباط فامیلی با غیر عربها و مهاجران حذر کردند.

تا دهه پنجاه میلادی شمار تحصیل کردگان عرب انگشت شمار بود. اما پس از جنگ جهانی دوم وضع تغییر کرده و شمار پسران مشغول به تحصیل افزایش یافت. در آن دوره به دلیل فضای باز اجتماعی حاکم بر مدارس و تعارض آن با فرهنگ عامه مردم عرب، خانواده ها تنها اجازه تحصیل تا ششم ابتدایی را به دختران می دادند.

مشکلات ناشی از وجود زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کار و تحصیل بلافاصله در دوره پس از سال 1925 و ورود چند صد هزار مهاجر جدید به مناطق عرب نشین نظیر عبادان، نشان می دهد که مردم عرب درصد اندکی از هزاران

فرصت شغلی ایجاد شده نصیبشان شد. این امر سبب شده بود که شکاف طبقاتی میان ساکنان شهر عبادان جدید با ساکن اصلی منطقه که در روستاها ویا مناطق اطراف عبادان حاشیه نشین بودند، به شدت افزایش یابد(2). در این شرایط مردم در برابر رواج شیوه زندگی مدرن واکنش نشان دادند و درمقابل آن ایستادگی کردند.

پس از جنگ جهانی دوم و آغاز برنامه های هفت ساله توسعه در دهه پنجاه میلادی دولت مرکزی در حدود 92 درصد اعتبارات برنامه های اول و دوم توسعه را اختصاص به اقلیم احواز داد(3). طرح های کشاورزی در شمال اقلیم در اطراف شهرهای سوس و درفول و شوشتر با تاسیس کارخانه قند در برنامه اول توسعه (1948-1955) و نیشکر هفت تپه در برنامه دوم توسعه (1955-1962) آغاز شد(4).

طی برنامه دوم توسعه دولت طرح بررسی ساخت 13 سد بر روی رودخانه های اقلیم احواز را به پایان رساند. در این دوره سد دز در شمال اقلیم ساخته شده و در سال 1962 به بهره برداری رسید. تاسیس طرح های کشاورزی بزرگ دولتی در اوایل دهه شصت میلادی سبب شد تا شمار زیادی از روستاهای عرب در اطراف شهرهای سوس و درفول برچیده شده و ساکنان این روستاها در شهرک ها جدید اسکان داده شدند. در نتیجه تغییرات وسیع در ملکیت زمین های کشاورزی در این منطقه مهاجرت از روستا به شهر سوس شدت یافت و روستائیان عرب مناطق فقیر نشینی را در حومه شهر قدیم سوس ایجاد کردند.

مصادر هزاران هکتار از زمین های کشاورزان عرب سبب خشم مردم عرب شده و سبب بروز دشمنی های شدید با دولت مرکزی شد. این امر در چند مورد سبب درگیری های نظامی گسترده در منطقه میناو، حومه سوس و غیره شد.

طی برنامه هفت ساله دوم توسعه، بندر محمره توسعه یافت و افزایش فعالیت تجاری در این شهر، ورود هزاران مهاجر را به همراه داشت. جمعیت این شهر در هر 10 سال دوبرابر شد و جمعیت آن از 44 هزار نفر در سال 1956 به 141 هزار در سالهای 1976 رسید(1).

طی برنامه هفت ساله دوم توسعه طرح های اداری، نظامی و صنعتی در شهر احواز انجام شد. در نتیجه این طرح ها ورود مهاجران جدید به این شهر جمعیت این شهر در هر 10 سال دوبرابر شد و جمعیت آن از 121 هزار نفر در سال 1956 به 335 هزار در سالهای 1976 رسید و 580 هزار نفر در سال 1986 رسید (1). طرح های نظامی رسماً از به کارگیری عربها امتناع می کردند. اکثر اداره ها نیز به بهانه ودلائل مختلف درصد اندکی را از مردم عرب به کارگرفته بودند. اداره راه آهن در میان استثنا بود و درصد بالایی از کارگران آن عرب بودند.

پس از آن در برنامه های پنج ساله سوم و چهارم توسعه (1962-1972) تاسیسات پتروشیمی در آبادان، بندر امام، معشور و کارخانه های صنعتی در احواز تاسیس شد. در بندر تجاری شاپور (امام خمینی) که در دهه 50 میلادی تاسیس شده بود، تاسیسات پتروشیمی نیز ایجاد شد. اغلب ساکنان جدید این بندر همگی از مهاجران قبلی که در شهرهای محمره و آبادان زندگی می کردند تشکیل شده بود(4).

شهر معشور جدید نیز بسان شهر عبادان جدید با فاصله چند کیلومتری در کنار معشور قدیم ساخته شد و طرح های پتروشیمی در برگرفت(4). تاحال حاضر معشور قدیم و جدید به خوبی از هم قابل تمییز هستند. تا به امروز محله های معروف به معشور قدیم از سوی شهرداری به عنوان محله های حاشیه نشین معرفی می شوند.

تا اوایل دهه شصت میلادی و قبل از تصویب قانون اصلاحات ارضی، فنودالهای غیر عرب در شمال و برخی شیوخ و سادات عرب در جنوب اقلیم احواز بر مردم حکمرانی می کردند. خوانین بختیاری نظیر مجیدخان و همچنین خوانین دیگری نظیر جزایری و یآوری بر زمین های اطراف شوشتر، فنودال هایی نظیر نظام مافی و خوانساری بر زمین اطراف سوس، عباس شرکت بر منابع طبیعی نظیر معادن ماسه کرخه و شاوور در اطراف منطقه عبدالخان و خانواده تقی زاده در شهرستان خلفیه

بر کشاورزان حکمرانی می کردند. دولت مرکزی با حمایت از این فئودالها توانست سطح وسیعی از زمین کشاورزان عرب را از دست آنها خارج سازد و عشایر مهاجر غیر عرب را در آن اسکان دهد.

در مناطق اطراف شهر احواز نیز سادات با استفاده از حمایت قاطع دولت مرکزی زمین های کشاورزی وسیعی را تحت سیطره خود داشتند. آنها آنچنان نزد دولت مرکزی نفوذ داشتند که مخالفان خود را مجازاتی نظیر شلاق و غیره می کردند. دولت مرکزی با حمایت از اینگونه فئودالها برای خود طرفداران محلی ایجاد کرده بود و مخالفان سیاست های دولت مرکزی را به شکل غیرمستقیم از سوی مخالفان محلی تحت فشار قرار می داد.

هزاران جوان عرب به منظور رهایی از یوغ فئودالها از شهرهای کوچک به شهر احواز و یا عبادان و محمره مهاجرت کردند اما چاره ای جز اشتغال کاذب و یا کارهایی نظیر نگهداری و رانندگی نداشتند. کمربند فقر در اطراف شهرهای عبادان و احواز عمق شکاف میان طبقه مهاجران و ساکنان اصلی رانشان می دهد.

اجرای قانون اصلاحات ارضی در سال 1962 در ابتدا سبب شد تا سطح وسیعی از زمین های کشاورزی از ملکیت فئودال ها به کشاورزان منتقل شود اما عدم حمایت مالی دولت از کشاورزان و نبود امکانات کافی نزد آنان جهت بهره وری از زمین هایشان سبب شد تا دولت زمین های وسیعی را از کشاورزان ورشکسته شده خریداری کند و کشت و صنعت های بزرگ نظیر کشت و صنعت های مشترک ایران با آمریکا در شمال اقلیم ایجاد شد.

در آن دوره شرایط سخت زندگی و دشواری وضعیت اقتصادی از یک سو و تحقیر و اهانت هایی که از سوی رسانه ها به مردم عرب می شد، سبب شد تا شخصی به نام علوان الشویع سبک موسیقی به شدت غمناکی را ابداع کند و طولی نکشید که این سبک در تمامی شهرهای رواج یابد و تا به امروز باقی بماند. ترانه های غمناک وی همگی در یادآوری گذشته افتخار آور عرب و مقایسه آن وضعیت فعلی بود.

نارضایتی مردمی از به حاشیه رانده شدن و هجوم علیه فرهنگ و زبان و عادات و رسوم عربی از سوی دولت مرکزی سبب شد تا شیوخ قبایل عرب نامه های عدیدی به رهبران عرب و اتحادیه عرب جهت خلاصی دادن آنها از جهنمی که رژیم پهلومی برای آنها ایجاد کرده بود، بنویسند. تا اینکه در اوایل دهه پنجاه میلادی و همزمان با به قدرت رسیدن جمال عبدالناصر در مصر، اولین جبهه آزادی بخش احواز تشکیل شد. مبارزه مسلحانه جبهه های آزادی بخش احوازی تا به امروز ادامه دارد.

عربها به امید رهایی از وضعیتی که در آن به عنوان شهروند درجه سه محسوب می شدند در انقلاب سال 57 شمسی شرکت کردند. بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، بنا به وعده های خمینی به مرجع تقلید عربهای احواز شیخ محمد طاهر شبیر خاقانی، عربهای احواز هیئتی را به تهران فرستادند و تقاضای خودمختاری کردند. تقاضای آنها از سوی دولت موقت پذیرفته نشد و بعد از یک ماه، قتل عام محمره و عبادان اتفاق افتاد که طی آن صدها عرب جان خود را از دست دادند.

نظام جمهوری اسلامی پروژه تغییر نام شهرها و روستاها که از زمان پهلوی آغاز شده بود را تکمیل کرد و حتی کوچکترین روستاها نام های عربی شان تغییر داده شد. تمامی مسئولیت های اداری و حتی سطح پایین اقلیم به غیربومی ها و یا غیر عربها داده شد و دولت رویکرد کاملاً امنیتی در تعامل با این اقلیم در پیش گرفت.

این اتفاق سبب شد تا خوش بینی مردم عرب به سرعت از بین رود و با آغاز جنگ هشت ساله شهرهای عرب نشین ضربات سنگینی رامتحمل شدند. شهرهای عبادان، محمره، حویزه، خفاجیه و بسیتین به شکل کامل تخریب شدند. هزاران تن از مردم عرب جان خود را از دست دادند.

در اواسط دوره جنگ و از سال 1364 شمسی دولت مرکزی کار ساخت سد هایی که مطالعه آنها در دوره دوم هفت ساله در دوره پهلوی صورت گرفته بود، را آغاز کرد.

پایان جنگ نظیر خود جنگ، تلفات سنگین را متوجه مردم عرب ساخت. هفت طرح توسعه نیشکر در قالب ده کشت نیشکر تقریباً تمامی زمین های حاصلخیز کشاورزی از شمال تا جنوب که در اطراف رودخانه های دز، کارون قرار دارند را مصادره کرد. جنگ و اجرای طرح ها نیشکر در اوایل دهه هفتاد شمسی سبب افزایش سریع حاشیه نشینی در شهر احواز شد. به گونه ای که پس از اتمام این طرح ها شمار حاشیه نشینان شهر احواز به مرز 450 هزار نفر رسید(5).

سپاه نوار مرزی ایران و عراق را با شیوه هایی نظیر عدم پاکسازی میادین مین ویا مصادره زمین ها تحت عناوین مختلف، از وجود روستائیان عرب پاکسازی کرد. مناطق آزاد تجاری و طرح های پرورش آبزیان و دهها طرح دیگر مساحت های وسیعی از زمین های کشاورزان عرب را مصادره کرد.

روستائیان عرب در اعتراض به مصادره زمین هایشان از عدم وجود هرگونه ارگان دولتی برای حمایت از کشاورزان و آبرسانی به زمین های واقع فاصله دور از رودخانه و بایر ماندن زمین ها جهت مصادره آنها از سوی دولت سخن می گویند.

پس از جنگ تغییراتی اجتماعی در میان جامعه عرب به سادگی به چشم می خورد. شمار تحصیل کردگان عرب افزایش یافت و درصد تحصیل میان دختران جهش شدیدی داشت. دیگر تحصیل دختران در شهرها و حتی در بیشتر روستاها یک امر عیبی نبود.

برسرکار آمدن اصلاح طلبان به رهبری خاتمی امیدواری های جدیدی را میان مردم عرب ایجاد کرد. فعالان عرب با استفاده از آزادی های نسبی ایجاد شده سعی کردند تا خواسته های مردم عرب را مطرح سازند. تشکیلی مردمی به نام "لجنه الوفاق" تاسیس شد و اجرای ماده 15 و 19 قانون اساسی به عنوان خواسته های پایه ای و اولیه خواستار شد.

طولی نکشید که نامه ای از دفتر رئیس جمهور ایران محمد خاتمی به بیرون درز کرد که طرح دولت مرکزی برای کوچ دادن عربها و جایگزینی آنها به واسطه غیر عربها را برملا کرد. اعتراضات مردمی گسترده ای به راه افتاد که بعدها به انتفاضه 15 آوریل شهرت یافت. دهها نفر در این اعتراضات به دست نیروهای امنیتی ایران کشته شدند.

کشت نیشکر در سطح وسیع و میزان زیاد پساب های به شدت شور تولید شده از یک سو، و ذخیره آب رودخانه های کارون و کرخه و دز و جراحی در پشت دهها سد در استانهای مشرف به اقلیم احواز و انتقال سالانه چند میلیارد مترمکعب آب از این رودخانه ها به فلات مرکزی سبب خشک شدن اقلیم احواز و آلودگی شدید آب و هوا و خاک شده است.

خشک شدن تالاب های مهم احواز نظیر هور العظیم و هور فلاحیه سبب به راه افتادن طوفان های شن و تبدیل شدن احواز به آلوده ترین شهر جهان شد. در نتیجه این آلودگی های شدید میزان سرطان و بیماری های قلبی و عروقی به شدت افزایش یافته است. مردم شهر احواز برای نجات رودخانه ها کارون از خشکی کامل حلقه هایی انسانی در اعتراض به انتقال آب این رودخانه به زاینده رود تشکیل دادند.

سدسازی بی رویه، خشک شدن رودخانه ها و آلودگی محیط زیست، کشاورزی که تنها منبع کسب روزی برای بخش وسیعی از مردم عرب است را با خطر روبرو ساخته است. خشک شدن تالاب العظیم دهها روستای واقع در اطراف آن خالی از سکنه شدند.

گرچه درصد شهرنشینی در اقلیم افزایش یافته است اما این امر نتیجه ای جز استقرار روستائیان عرب در حاشیه شهرها نداشته است. میزان حاشیه نشینی در شهر احواز 450 هزار نفر که طبق پژوهش دانشگاه جندی شاپور احواز بیش از 95 درصد آن عرب هستند(5)، حاشیه نشینان شهر 220 هزار نفری معشور 100 هزار نفر هستند. جمع حاشیه نشینان شهرهای اقلیم رقم خیلی بالایی را نشان می دهد.

نگاهی کلی به نه دهه اخیر نشان می دهد که گرچه طرح های صنعتی و تجاری و اداری و نظامی عدیدی در اقلیم احواز ایجاد شده است اما وجود صدها هزار مهاجر از استانهای دیگر و حذف شدن کامل عربها از مسئولیت های اداری اقلیم سبب شده است تا عربها فرصت تجربه شرایط اقتصادی منجر به توسعه اجتماعی را نیاافته و به تبع آن فرصت رسیدن به تغییرات اجتماعی که مهاجران به آن رسیده اند را نیابند.

ساختار قبیله ای گاه به دلیل حمایت دولت مرکزی از آن، جهت سرکوب مخالفان دولت و گاه به دلیل اهمال فرهنگ عربی از سوی دولت مرکزی و بی علاج ماندن مشکلات اجتماعی، همچنان به حیات خود ادامه می دهد و مشکلات زیادی را برای اقشار مختلف جامعه به ویژه زنان به همراه داشته است.

روحانی رئیس جمهور فعلی ایران در 15 ژانویه در احواز طرح انتقال آب کارون را نفی نکرد. در عوض وی برای اجرای طرح 800 هزار هکتار کشاورزی تاکید کرد. این اقدام دولت در شرایطی که عربها همچنان هیچ یک از مسئولیت های اداری اقلیم را در دست ندارند، از سوی فعالان احوازی طرحی کاملاً مشابه با طرح های نیشکر قلمداد می شود و آن را خطری بزرگ برای آینده ملت عرب احواز می دانند، به ویژه که در حال حاضر بیش از 70 درصد جمعیت در شهرها و حاشیه های فربه آنها زندگی می کنند و اکثریت بیکاران در این مناطق به سر می برند و بعید به نظر می رسد که طرح های کشاورزی این گروه را مورد هدف داشته باشد.

مراجع:

- 1- نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1375 جلد خوزستان انتشار 1376
- 2- احسانی، کاوه، " تجدد و مهندسی اجتماعی در شرکت - شهرهای خوزستان" نگاهی به تجربه آبادان و مسجد سلیمان، فصلنامه گفتگو، شماره 25، پائیز 1378، صفحات 9 - 45.
- 3- گزارش برنامه اول و دوم توسعه قبل از انقلاب، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، صفحه 66.
- 4- دکتر سید مرتضی افقه - تحقیق بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی استان خوزستان (قبل از انقلاب)، خبرنامه آموزشی، تخصصی، اقتصادی خانه صنعت و معدن استان خوزستان سال اول، شماره دوم
- 5- دانشگاه شهید چمران احواز، 1385، معاونت پژوهشی، مرحله اول و دوم، مطالعات توانمند سازی و اسکان غیررسمی محلات شهر احواز، کارفرما مسکن و شهرسازی استان خوزستان

## بحران زیست محیطی در احواز (قسمت اول)

انتشار 01 اکتبر 2012

بررسی مشکلات زیست محیطی در اقلیم احواز کار ساده ای نیست. دلیل آن نیز یکی پیچیده بودن مسائل محیط زیست است و دیگری به دلیل شمار زیاد این مشکلات است لذا در این مقاله سعی می شود به جای پرداختن به تک تک این مشکلات، سیاستها و طرحهایی که این مشکلات را در پی داشتند بررسی شوند.

تعادل طبیعی موجود در محیط زیستمان امری بسیار پیچیده است بطوری که فاکتورهای بسیار متعددی در حفظ آن نقش دارند، هرگونه تغییر خارج از اراده طبیعت در هریک از این فاکتورها می تواند نقش مخربی داشته باشد و تعادل موجود در محیط زیست را بهم زند. از طرف دیگر ایجاد تغییر در یکی از این فاکتورهای طبیعی منجر به تغییر در دیگر فاکتورها می شود بطوریکه می توان گفت که ایجاد تغییرات غیر طبیعی در یکی از فاکتورهای محیط زیست در ارتفاعات کوههای زاگرس به راحتی به دورترین مناطق مرزی احواز همچون محمره و عبادان خواهد رسید و اثراتش را در تمام منطقه می توان مشاهده کرد.

حال اگر تغییراتی که انسان در فاکتورهای محیط زیست انجام می دهد تنها محدود به شمار معدودی از این فاکتورها نشود و بیشتر آنها را دستخوش تغییر سازد، دیگر فاجعه حتماً در راه است.

در ابتدا و جهت وارد شدن به موضوع بررسی مشکلات محیط زیست اقلیم احواز، نیاز است که نگاهی سریع به عناصر مهم محیط زیست این اقلیم داشته باشیم. سپس به تغییراتی که نظام جمهوری اسلامی در طبیعت بوجود آورد پرداخته می شود. پس از آن تاثیر زیانبار این تغییرات بر محیط زیست بررسی می شود و در پایان سیاستهای دخیل در این تغییرات تهدید کننده محیط زیست معرفی می شود.

رودخانه های مهم اقلیم احواز رودخانه های کارون، دز، کرخه و جراحی هستند. این رودخانه ها از سلسله رودهای زاگرس سرچشمه می گیرند و راه های پر پیچ و خم طولانی در استانهای اطراف اقلیم احواز همچون چهارمحال و بختیاری، ایلام، لرستان، کهگیلویه و بویر احمد را سپری می کنند تا به اقلیم احواز وارد شوند. در روزگاران خوش قبل از بحران کنونی محیط زیست، که در حدود دو دهه است که شروع شده است و این روزها در اوج خود بسر می برد، این رودخانه ها با جریان پرآبشان علاوه بر تأمین آب شرب مناسب و آب مصارف کشاورزی، منبع اصلی و شریان حیات تالابهای اقلیم احواز محسوب می شوند.

در جلگه احواز پایین بودن سطح زمین نسبت به سطح دریا سبب شده است تا از روزگاران قدیم آبهای رودخانه های اقلیم احواز در مناطقی وسیع جمع شود و هور العظیم، هور الفلاحیه، هور مزرعه و تالاب شیمبار را بوجود آورد. مساحت هور العظیم در حدود 120 الی 130 هزار هکتار می باشد. هور العظیم، هور عظیمی است که دوسوم آن متعلق به عراق است و یک سوم آن در خاک اقلیم احواز.

منابع آبی هور العظیم از رودخانه کرخه، سابله، و رودخانه های عراق تأمین می شود. بزرگترین هور اقلیم احواز، هور فلاحیه (تالاب شادگان) است. وسعت این هور در حدود 400 هزار هکتار است. منابع آبی آن از رودخانه جراحی تأمین می شود. احوار (تالابهای احواز) با داشتن وسعتی بیش از 600 هزار هکتار از جایگاه زیست محیطی والایی برخوردار

هستند. کارشناسان تالاب ها را ریه های پالاینده زمین می دانند. کافی است که در اهمیت تالابها نقاط زیر را مطرح کرد:

### 1- افزایش رطوبت هوا در سطح منطقه

تجمع آب در تالاب ها و دمای بالای هوا سبب تبخیر آب می شود و رطوبت هوا را بالا می برد. در این زمینه هور العظیم که در مرزهای غربی ایران با عراق قرار دارد نقش مهمی در مهار طوفان های شنی دارد که از سوی صحرا های عراق و سوریه و عربستان به سمت منطقه روانه می شود. همچنین این رطوبت در عمل آوردن محصولات کشاورزی و ثمر دهی نخیل خرما و دیگر درختان نقش مهمی ایفا می کند. اهمیت فاکتور رطوبت برای اقلیم احواز زمانی مشخص می شود که بدانیم این اقلیم از میزان بارندگی سالانه خیلی کمی برخوردار است و دشتهای وسیع این اقلیم سالی تنها دو الی پنج بار و به میزان کمی بارش باران دارند.

2- تأمین پوشش گیاهی سبز در مساحت های وسیعی از زمین ها که خود پناهگاهی است برای صدها نوع پرنده و جانور.

3- نقش مهمی در تصفیه پسابهای کشاورزی حاوی مواد شیمیایی از قبیل نیتروژن دارد.

4- زندگی و امرار معاش ده ها هزار انسان که در این گونه مناطق ساکن هستند، به وجود تالاب ها وابسته است.

مردمی که در کنار این تالاب ها از آبهای شیرین ورودی به این تالابها برای کشاورزی استفاده می کنند، صیادان ماهی و آبزیان و پرندگان، همه و همه زندگی آنها بسته به این تالاب ها است.

از دیگر عناصر مهم محیط زیست در اقلیم احواز، بیشه ها (زُر به عربی) هستند که همچون تالاب ها حیات آنها به شعبه های انشعابی از رودخانه های کارون، دز، کرخه و جراحی بسته است.

همچنین نخلستانهای وسیع اقلیم احواز از عناصر مهم محیط زیست اقلیم احواز هستند. نخل از محدود درختانی هستند که با هوای خشک این اقلیم سازگار هستند و در مقابل گرمای زیاد منطقه استوار هستند. تقریباً تمامی وسعت این نخلستان در شهر های جنوبی اقلیم احواز همچون محمره و عبادان و فلاحیه قرار دارند.

حیات این نخلستانها بسته به آب رودخانه ها است. هرگونه کاهش در آورد آب رودخانه های اقلیم احواز سبب پیشروی آب دریا به داخل نهرهای آبیاری این نخلستانها شده و مرگ آنها را در پی خواهد داشت. البته باید ذکر کرد که حدود هفتاد درصد از نخلستانهای اقلیم احواز در جریان جنگ ایران و عراق تلف شدند. پس از این بررسی کوتاه عناصر مهم محیط زیست اقلیم احواز به بررسی تغییراتی که جمهوری اسلامی در چرخه طبیعی محیط زیست این اقلیم بوجود آورده است می پردازیم.



تغییراتی که جمهوری اسلامی در چرخه طبیعی محیط زیست بوجود آورد به شکل آتی است.

### 1- انحراف آب از بستر اصلی آن:

پروژه های انحراف و انتقال آب بیش از 60 سال است که آغاز شده است. سدها و تونل های متعددی بر روی حوزه آبریز کارون، حوزه آبریز دز و کرخه و همچنین بر روی خود این رودخانه ها ساخته شده است که سبب کاهش نسبت بالایی از آورد این رودخانه ها شده است.

از جمله این سدها و تونل های انحراف و انتقال آب می توان به سد انحرافی و تونل چشمه لنگان (اصفهان) سد انحرافی و تونل سبز کوه رنگ 1 و کوه رنگ 2 (چهارمحال و بختیاری)، سد انحرافی و تونل سبز کوه (چهارمحال و بختیاری)، سد و تونل کوه رنگ 3 (اصفهان) اشاره کرد.

### 2- ذخیره آب و توقف جریان طبیعی آن:

از دیگر اقدامات جمهوری اسلامی که طبیعت را دستخوش تغییر سد سازی است. آب در دریاچه پشت این سدها نگه داشته می شود و طبق جدولی از قبل تعیین شده و منطبق با اهدافی که سد بر اساس آنها ساخته شده است رها می شود. در این زمینه باید ذکر کرد که اهداف متعددی از ساخت سدها وجود دارد. مهمترین این اهداف تولید نیروی برق آبی است. اهداف دیگر همچون تأمین آب شرب خانگی و صنعتی و مهار آب جهت مصارف کشاورزی در مراحل بعدی هستند.

در دو دهه اخیر دولت جمهوری اسلامی به پروژه های سد سازی سرعت بخشیده است. به عنوان مثال در اقلیم احواز؛ 40 سد بر روی حوزه آبریز کارون بزرگ، 16 سد بر حوزه آبریز کرخه و 13 سد بر حوزه آبریز جراحی ساخته شده و یا در حال ساخت است.

در این میان، 8 سد روی رودخانه کارون، یک سد و چند تونل انحرافی روی رودخانه دز و 3 سد روی رودخانه کرخه ساخته شده است. علاوه بر این احداث 145 سد دیگر بر رودخانه های اقلیم احواز در دست بررسی هستند. فهرست این سدها را می توان به پیوست این مقاله پیدا کرد.

جمع آوری آبهای سطحی پراکنده و ذخیره سازی آنها در سفره های زیر زمینی نیز یکی دیگر از دستکاریهای جمهوری اسلامی در طبیعت است.

### 3- تأسیس طرح های عظیمی که بقای آنها خارج از توان طبیعت خشک اقلیم احواز است:

مهمترین طرحی که در این بخش می توان از آن نام برد طرح توسعه نیشکر است. این طرح بر مساحت های وسیعی در دو طرف رودخانه های کارون و رودخانه دز تأسیس شد و از هفت تپه در 12 کیلومتری شمال احواز شروع و تا حوالی شهر محمره در 130 کیلومتری جنوب احواز ادامه پیدا می کند. به زبانی دیگر مزارع نیشکر بر زمینی به طول تقریبی 250 کیلومتر و عرض متغیر از 15 تا 50 کیلومتر ایجاد شده اند.

در این طرح مساحتی صد هزار هکتار زمین حاصلخیز زیر کشت محصول نیشکر رفت. نیشکر یکی از محصولاتی است که از سوی سازمان های طرفدار محیط زیست بعنوان یکی از عوامل اساسی خشک شدن زمین معرفی شده است. چرا که این محصول به میزان آب بالایی نیاز دارد. نیشکر یکی از مهمترین تولید کنندگان آلودگی های زیست محیطی در سطح جهان است. همچنین به عقیده کارشناسان این محصول در دراز مدت سبب تخریب زمینهای کشاورزی زیرکشت می شود.

از دیگر طرح هایی که نیازمند آب فراوان است طرح حوزچه های پرورش آبزیان است که شمار عدیدی از طرح ها در اقلیم احواز به اجرا گذاشته شده است.

#### 4- واگذاری ریه های طبیعت (تالابها) به گروه ها و سازمان ها جهت انجام فعالیت های صنعتی و اقتصادی.

از مهمترین این واگذاری ها واگذاری هورالعظیم به شرکت نفت جهت حفاری و استخراج نفت است. کمیسیون اقتصادی دولت در سال 1387 با توجیه اینکه میدان نفتی آزادگان یک میدان نفتی مشترک بین ایران و عراق است و به هول عقب ماندن از عراق در استخراج نفت از این میدان مجوز بهره برداری از نفت در هور العظیم را به وزارت نفت صادر کرد. معاون وقت سازمان محیط زیست آقای دلاور نجفی حاجی پور در این باره چنین گفته است:

"آخرین یافته های وزارت نفت از میدان نفتی آزادگان نشان می دهد که این میدان نفتی به رغم اصرار و گزارشات خلاف واقع میدان مشترک نفتی بین ایران و عراق نیست و نتایج این اکتشافات به خوبی نشان می دهد که این میدان نفتی تماما در سرزمین ایران واقع شده است.

در جلساتی که با مدیران وزارت نفت در دوران تصدی معاونت سازمان داشتیم، نقشه های محرمانه چاههای نفت و مشخصات منطقه را مشاهده کردم که نشان می دهد این میدان اصلا میدانی مشترک نیست و تنها بهانه ای برای استخراج نفت بدون ایجاد مزاحمت و نظارت سازمان دیده بان تالابهای ایران است."

این امر نشان می دهد که شرکت نفت جهت معاف شدن از مراعات محیط زیست، دست به فریبکاری زده است تا با سوء استفاده از حرص و طمع دولت، محیط زیست اقلیم احواز را نابود کند. پس از بررسی اقدامات جمهوری اسلامی در دستکاری های وسیعی در محیط زیست به بررسی نتایج این دستکاری ها فاجعه بار می پردازیم.

پایان قسمت اول

## بحران زیست محیطی در احواز (قسمت دوم)

نویسنده: مهدی هاشمی

دوشنبه 01 اکتبر 2012

### چگونگی نابودی محیط زیست:

#### 1- کاهش میزان آب جاری در رودخانه های اقلیم احواز:

سد ها و تونل های انتقال آب رودخانه های اقلیم احواز، سبب می شود تا این اقلیم سالانه صدها میلیون متر مکعب آب شیرین خود را از دست بدهد. همچنین صدها سد که با هدف اصلی تولید برق تأسیس شده اند سبب تحکم مسؤلان در منابع آبی این اقلیم برخلاف روند معهود طبیعت شده است.

بعنوان مثال سد هایی که بر روی رودخانه کرخه ساخته شده است حجم مخازن این سدها سه برابر آورد سالانه این رودخانه است.

در سد هایی که به منظور تولید برق ساخته شده اند رها سازی آب از دریچه های این سدها برپایه تولید برق و نیاز های برقی، برنامه ریزی شده است و هیچگونه توجهی به نیاز های انسانی و زیست محیطی دیگر ندارد. همچنین شمار زیادی از سدهای چند منظوره آب رها سازی شده پس از تولید نیروی برق را به شهرها و مناطقی خارج از اقلیم احواز منحرف می سازند.

گاهی نیز ساماندهی آبیاری زمینهای کشاورزی در اهداف این سدها گنجانده شده است. نکته قابل توجه در اینباره این است که شبکه های آبیاری کذایی که جمهوری اسلامی از آنها سخن می گوید یا به فراموشی سپرده می شوند و یا ساخته نمی شوند، همچون شبکه آبیاری سد دز که تا کنون تأسیس نشده است.

حتی اگر شبکه های آبیاری احداث شوند این شبکه ها محدود هستند و به محدوده چند کیلومتری اطراف سد خلاصه می شوند. بنا به اظهارات مسؤلان محلی اقلیم احواز وزارت نیرو "حق آبه" محیط زیست که همان (حداقل آبی) است که باید بر زمین ها و تالابها رها سازی شود تا خشک نشوند، را رعایت نمی کند و به بهانه های زیادی از رعایت حق انسان در داشتن آب شربی مناسب و رعایت حق طبیعت در داشتن آب کافی با میزان معقولی از نمک تفره می رود.

#### 2- رها سازی فاضلابهای شهری و صنعتی در بستر رودخانه ها:

آن مقدار اندک آب رودخانه های اقلیم احواز که از تونل های انحراف آب جان بدر برده و از سدها رها سازی شده مجبور به حمل فاضلاب های صدها شهر غرب کشور می شود. فاضلاب صدها شهر به همراه فاضلاب دهها شرکت صنعتی و کشاورزی از جمله پساب شرکت ویرانگر توسعه نیشکر بدون هیچ تصفیه ای به درون رودخانه ریخته می شوند تا تیر خلاصی باشد که به سوی محیط زیست اقلیم احواز شلیک می شود.

به این ترتیب میزان جامدات محلول در آب به شدت بالا می رود. بعنوان مثال و بر اساس داده های خود نظام جمهوری اسلامی شاخص میزان جامدات محلول در آب در شهر شوشتر حدود 800 میلی گرم در لیتر و در احواز حدود 2100 میلی گرم در لیتر و در محمره و عبادان بالای 4800 میلی گرم در لیتر است.

به عبارتی هر قدر آنها به سمت جنوب اقلیم احواز پیش می روند، میزان جامدات محلول در آنها به شکل فزاینده ای بالا می رود. استانداردهای جهانی آب با شاخص جامدات محلول بالای 1200 میلی گرم در لیتر را غیر قابل شرب می دانند. در این میان شاخص جامدات محلول در آب دیگر شهرهای ایران کمتر از 500 میلی گرم در لیتر است.

با این وجود مسئولان محلی در احواز آب دارای میزان جامدات محلول بالای 1500 میلی گرم در لیتر را به عنوان حد مجاز اعلام کرده اند. مؤسسات بین المللی فعال در زمینه محیط زیست و سازمان جهانی بهداشت میزان 1500 میلی گرم در لیتر را به عنوان حد مجاز برای کشاورزی می دانند.

به هرحال بالارفتن شوری آب برای زمینهای کشاورزی نیز بسیار خطرناک است. در این زمینه "عزام غلوش" از فعالان محیط زیست عراق می گوید که ادامه آبیاری زمینهای کشاورزی به شیوه سنتی به دلیل بالا بودن نسبت جامدات محلول در آب (شوری آب) در مدتی نه چندان دراز سبب مرگ زمینهای کشاورزی خواهد شد و باید شیوه مؤثرتر آبیاری مورد استفاده قرار گیرد.

در سال های اخیر آلودگی آبهای اقلیم احواز به شکل فجیعی بالا رفته است، به گونه ای که در تابستان اگر از کنار رودخانه کارون گذر کنید بوی تعفن آن را با شدت زیادی حس خواهید کرد. آب شرب لوله کشی شده در منازل نیز دارای بوی تعفن است و غیر قابل شرب است. در این میان مردم اقلیم احواز ناچار هستند که آب شرب را از مغازه ها خریداری می کنند.

### 3- نابودی تالاب های اقلیم احواز:

با کاهش چشمگیر آورد آب در رودخانه های کارون، دز، کرخه و جراحی در نتیجه انتقال آب به خارج از اقلیم احواز و محیوس ماندن آب این رودخانه ها در مخازن دهها سد (سدهایی که در مناطق کوهستانی استانهای مجاور خوزستان و در کوهستان شمال و و شمال شرق اقلیم احواز) قرار دارند و به حالت احتضار در آمدن این رودخانه ها و آلودگی شدید باقی مانده آب ها در بستر رودخانه ها توسط پساب آنها و فاضلاب های شهری، صنعتی و کشاورزی، شریان حیات تالابها را به شدت در معرض تهدید قرار داده است.

در نتیجه کاهش شدید آب ورودی به تالابهای اقلیم احواز، وسعت این تالابها به شدت کاهش یافته است و بنا به گفته علی محمد شاعری معاون سازمان محیط زیست کشور "حدود 500 هزار هکتار از مساحت تالاب های خوزستان خشک شده و این امر علت اصلی طوفان های شن است."

علاوه بر این عامل باید به تخریب هورالعظیم توسط شرکت نفت اشاره کرد. شرکت نفت پس از دریافت مجوز فعالیت از کمیسیون اقتصادی دولت چند سالی است که فعالیت حفاری و استخراج نفت در تالاب العظیم را به سرعت هرچه تمام تر دنبال می کند. شرکت نفت در حال ایجاد حدود صد چاه نفت در این تالاب است و برای هر چاه نیاز به تاسیس جاده و دکل و تاسیسات دیگری دارد که نابودی کامل تالاب را رقم خواهد زد.

شرکت نفت با تأسیس جاده این تالاب را به پنج مخزن مجزا تقسیم کرده است که به دو مخزن از این تالاب پساب شور شرکت توسعه نیشکر وارد می شود و مخزن سوم که فعالیتهای شرکت نفت در آن قرار دارد کاملاً خشک شده است و تنها برای دو مخزن آب واردی وجود دارد .

هور العظیم که نقش مهمی در حفظ تعادل اقلیم خاورمیانه دارد به شدت در خطر نابودی است. یکی دیگر از تهدیدهای هور العظیم طرح های غلط نظام است. طرح دایک یکی از این طرحها است. این طرح بمنظور نجات هور العظیم از خطر خشکی کامل، صورت گرفته بود. طبق این طرح خاکریز بلندی در روی مرز ایران و عراق در هور العظیم برپا شد تا بخش عراقی تالاب را از بخش ایرانی آن جدا کند و به این ترتیب سطح آب در بخش ایرانی تالاب بالا رود و تالاب از خشکی نجات یابد (به ادعای آنها شیب زمین به سمت عراق است و سبب سرازیر شدن آب به آن سو می شود).

این طرح نه تنها نتوانست میزان آب هور را بالا ببرد (با بالا رفتن سطح آب خاکریز زیر آب رفت و عملکرد خود را از دست داد) این امر باعث از بین رفتن ارتباط طبیعی تالاب با دیگر بخش آن شد و در پی آن میزان ماهی ها و آبزیان کاهش چشمگیری پیدا کرد و ضربه سنگین بر پیکره این تالابها وارد ساخت.

وضعیت تالاب فلاحیه و دیگر تالابهای اقلیم احواز بهتر از هور العظیم نیست. تالاب فلاحیه از کاهش شدید آب ورودی رودخانه جراحی (در پی سد سازی و انحراف آب) رنج می برد. این تالاب عظیم توسط شرکت های فولاد، پتروشیمی و شرکت نفت و طرح توسعه نیشکر در حال تهدید است. لوله های انتقال نفت از درون این تالاب ها رد می شوند، پساب شور توسعه نیشکر، پساب صنعتی صنایع فولاد و پتروشیمی معشور (ماهشهر) همگی بدون تصفیه شدن وارد این تالاب می شوند و حتی زباله های خانگی نیز در این تالاب دفن می شوند.

از تأثیرات مهم خشک شدن تالاب ها در اقلیم احواز کاهش ثمره محصولات کشاورزی و باغداری و حتی می تواند باعث بی ثمره ماندن برخی محصولات شود که سابقاً در این اقلیم بارور بوده اند.

آنچه مایه شگفتی است این است که کشور مستقر و هسته ای ایران طرح خنده آور دایک را به اجرا می گذارد و حکومت تازه تأسیس عراق پس از سقوط صدام در سال 2003 در کشوری نا آرام و بحرانی برنامه هایی را اجرا می کند که به ذهن اندیشمندان و مسؤولان کشور ایران هسته ای نمی رسد. عراق از سال 2003 تا به حال اقدامات زیر را برای حفاظت و احیای تالاب های جنوب و غرب این کشور انجام داده است:

- ساختن 17 مخزن تنظیم آب و استفاده از آنها برای ذخیره آب در زمستان و رها سازی آن در بهار و تابستان. این امر که شبیه به سیلابهای طبیعی است سبب شده تا وسعت بزرگی از تالاب ها حفاظت شود و همچنین مساحت بزرگی از بخشهای خشک شده تالاب ها دوباره احیا شود.

- سرمایه گذاری عراق به میزان 47 میلیون دلار برای برجیدن سدها و موانعی که در دوره حکومت صدام بر روی رودهای دجله و فرات ساخته شده بود. این امر سبب شد تا میزان آب بیشتری به تالابهای این کشور وارد شود. این طرح توانسته است که 40 درصد از مساحت تالابها که خشک شده بود را دوباره احیا کند .

از دیگر اقدامات مؤثر عراق در برخورد با بحران خشک شدن تالاب ها اختصاص سالانه مبلغ 50 میلیون دلار جهت کمک رسانی به ساکنان در این تالاب ها است که از خشک شدن تالاب ها زیان دیده اند . همچنین اختصاص مبلغ 125 میلیون دلار جهت بنای 5 هزار واحد مسکونی جهت اسکان ساکنان زیان دیده گان تالاب ها که مجبور به ترک محل زندگی خود شده اند و در حاشیه فقیر شهر ها سکونت گزیده اند.

به هر حال با کاهش میزان آب و به تبع آن کاهش میزان رطوبت هوا هم کشاورزی ثمره دهی قبل را ندارد و هم مراتع و پوشش سبز دشت ها و بیسه های کوچک و بزرگ با چالشی بی آبی روبرو شده اند. از طرف دیگر اقلیم احواز خود خالی از مناطق صحرایی نیست. در این اقلیم بیش از 200 هزار هکتار اراضی شنی وجود دارد که این اراضی در اطراف شهرهای احواز، شوش، خفاجیه، العمیدیه و معشور و تمیمیه واقع شده اند.

این اراضی شنی نیاز به کنترل دارند و از جمله می توان به عملیات مالچ پاشی و کاشت نوع خاصی از درختچه ها اشاره کرد. اما جمهوری اسلامی مالچ پاشی را با فاصله های زمانی طولانی انجام می دهد. مسئولان محلی اقلیم احواز علت این کوتاهی در کنترل شن های روان را عدم وجود اعتبارات مالی کافی می دانند.

### فاجعه زیست محیطی

کاهش میزان آب در سطح کل اقلیم احواز (استان خوزستان، بخش های جنوبی استان ایلام و استان بوشهر)، خشک شدن تالاب های اقلیم احواز، کاهش میزان رطوبت هوا، از بین رفتن پوشش سبز سطح زمین و فقیر شدن لایه خاک، گسترش شن های روان در مساحت های وسیعی از اقلیم احواز سبب شد تا فاجعه زیست محیطی بزرگی رخ دهد و محیط زیست اقلیم احواز دیگر تاب مقاومت در برابر هجوم طوفانهای شن را نداشته باشد و در نتیجه طوفانهای شن تمام اقلیم احواز را به همرا 21 استان دیگر کشور در برگیرد.

استان های غرب کشور و به ویژه اقلیم احواز که هیچگونه کوه یا تپه ای در مرزهایش با عراق ندارد از آلودگی شدید هوا رنج می برند. شاخص استاندارد هوا در اقلیم الاحواز به بیش از 600 واحد رسید. این در حالی است که در سطح جهانی مقادیر بالای 300 واحد از این شاخص به عنوانی بحرانی و خطرناک معرفی می شود.

در پی آلودگی شدید هوا که در پنج سال اخیر وخیم تر شده است سالانه دهها هزار تن از مردم اقلیم احواز در نتیجه نارسایی های قلبی و رئوی به بیمارستان منتقل می شوند و صدها نفر جان خود را از دست می دهند. برخی خبرها نیز حکایت از تولد کودکان فلج در اقلیم احواز دارد. چند تن از آشنایان نگارنده این مطلب که از مشکلات قلبی رنج می بردند طی سه سال گذشته جان خود را از دست دادند.

محمد ابراهیمیان، یک شهروند عرب از شهر احواز بود که از ناراحتی قلبی رنج می برد در یکی از روزهای طوفان شنی احواز نتوانست دوام بیاورد و در بیمارستان امام خمینی احواز جان خود را از دست داد.

از دیگر عوامل تشدید کننده آلودگی محیط زیست، طرح نیشکر است. این طرح از لحاظ نتایج زیانباری که دارد را می توان با طرح امنیتی حزب بعث عراق در خشکاندن تالاب های این کشور دهه 90 مقایسه کرد. طرح توسعه نیشکر با ویران کردن حدود 90 روستای عرب، بیش از 300 هزار عرب احوازی را آواره ساخت و آنها را مجبور به حاشیه نشینی در کمربند فقر و بدبختی در حاشیه شهر احواز ساخت.

این طرح همچنین با مصرف زیاد آب و پمپاژ آب در دهها هزار هکتار زمینهای شور، پساب های به شدت شور و با شاخص شوری بالای 4000 واحد روانه رودخانه ها و تالاب ها و مراتع و دشت های اقلیم احواز می سازد. پساب های این طرح آنچنان مخرب هستند که در محل عبور این پساب ها هیچگونه گیاهی زنده باقی نمی ماند و ورود این پساب ها به رودخانه سبب مرگ دست جمعی میلیون ها قطعه ماهی و دیگر آبیان ها شده است.

در این زمینه چندی پیش تلویزیون العربیه گزارشی را پخش کرد که برحسب گفته مسولان محیط زیست عراقی پساب طرح توسعه نیشکر را سبب مرگ دست جمعی ماهیان در شط العرب معرفی می کنند.

### پشت پرده تخریب محیط زیست

همانگونه که شرح داده شد نظام جمهوری اسلامی در چرخه طبیعی محیط زیست دست برد و با ایجاد تغییراتی حساب نشده در این چرخه سبب شد تا محیط زیست اقلیم هواز تعادل خود را از دست بدهد و نتواند در مقابل طوفانهای شن ایستادگی کند.

در کشورهای توسعه یافته محیط زیست از اهمیت والایی برخوردار است و حکومت ها نمی توانند به سادگی خللی در محیط زیست ایجاد کنند. در این کشورها حکومت ها سالانه هزینه های زیادی را برای حفظ محیط زیست شان پرداخت می کنند تا محیط زیستی سالم و پایدار داشته باشند.

جمهوری اسلامی در این فاجعه عظیم محیطی متهم اصلی بشمار می آید. بمنظور بررسی این امر نگاهی به سیاستهای این نظام که منجر به این فاجعه شده است، می اندازیم.

در سیاست انتقال آب رودخانه های اقلیم احواز به فلات مرکزی ایران در حقیقت مسئولان نظام مصالح گروهی خود را بر مصلحت ملت چند میلیون نفری عرب احواز و دیگر بومیان و مهاجران غیر عرب در این اقلیم، ترجیح می دهند. آنها آب که حق مسلم این اقلیم و مردمان آن است را بدون پرداخت هیچ هزینه ای و بدون رعایت حق ساکنان اصلی اقلیم احواز در این منابع طبیعی آن را از سرچشمه ها به سوی مناطق کویر مرکزی ایران منحرف می کنند.

در مورد سیاستهای سد سازی نیز باید گفت که حرص و طمع رژیم در تولید برق سبب شده است تا رژیم مرکزی ایران حق طبیعی ساکنان اصلی اقلیم احواز را نادیده بگیرد و سود اقتصادی حاصل از تولید برق را بر حق این ملت در داشتن محیط زیستی سالم ترجیح دهد و به هزینه نابودی کامل محیط زیست اقلیم احواز تولید برق را بالا برد.

اما مسئله عجیبی که توجه هر تحلیل گری را به خود جلب می کند تعارض آشکار در طرح های انجام شده توسط جمهوری اسلامی است. انتقال آب از سرچشمه های رودخانه های اقلیم احواز به فلات مرکزی ایران با طرح سدسازی با هدف تولید برق متعارض است. همچنین سیاست تاسیس طرحهای با مصرف بالای آب همچون طرح توسعه نیشکر با سیاست های انتقال آب و ذخیره سازی آن در پشت سدها تعارض کاملاً آشکاری دارد.

این تعارض ها در طرح های انجام شده توسط جمهوری اسلامی نشان از کشمکشی دارد میان گروههای داخل نظام بر سر غارت منابع طبیعی اقلیم احواز.

سیاستمداران فلات مرکزی ایران که بیش از هشت دهه قدرت را در دست دارند، بسادگی و بدون پرداخت هرگونه هزینه ای حق طبیعی ملت عرب اقلیم احواز را مصادره می کنند به ویژه که رشته کوههای زاگرس همچون دیواری بلند آنها را تا حدی از دست طوفان شن که نتیجه سیاستهای غلط آنهاست، حفظ می کند.

دولت مرکزی که بیش از هشتاد سال است که بدون آنکه کمترین توجهی به وضعیت معیشتی ملت عرب این اقلیم داشته باشد به غارت ثروت هنگفت نفت اقلیم احواز عادت کرده است.

در زمینه منابع آبی نیز قصد دارد با عوامفریبی و به بهانه ایجاد شبکه های آبیاری اقدام به مصادره ثروت طبیعی آب این ملت کند. در حالی که شبکه های آبیاری کذایی تنها به محدوده چند کیلومتری در پای سدها محدود می شود و از آنجائیکه

که تمامی این سدها در مناطق خارج از اقلیم احواز یا در شمال اقلیم احواز که ساکنان آن غیر عرب هستند، قرار دارند هیچ نفع و خیریی از این سدها شامل حال ملت عرب اقلیم احواز نمی شود.

در زمینه غارت منابع آب اقلیم احواز و عدم پرداخت هیچگونه هزینه ای برای آن و برای مقابله با تبعات آن، می توان بخشی از بیانیه انجمن صنفی مهندسان صنعت آب خوزستان که همگی غیر عرب و به شدت مرکز گرا هستند را در اینجا مطرح کرد:

در حالی که این استان عمده منابع مالی تمام میهن اسلامی را از طریق تولید نفت تامین می کند و خطرات و مضرات بسیار زیست محیطی آن متوجه مردم و محیط زیست خوزستان است همچنین همواره این استان در تراز اول تولیدات کشاورزی کشور قرار دارد "که اتفاقاً مردم خود این استان از محصولات مرغوب و درجه یک آن بی بهره اند و سایر استان های بر خوردار از آن بهره مند می شوند"، هر گاه طرحی برای رفع مشکلات آب این استان اعم از شرب و کشاورزی در نظر گرفته شده تامین عمده اعتبارات و نقدینگی آن به فروش اوراق مشارکت، فاینانس داخلی و خارجی، سرمایه گذاری و تامین مالی بخش خصوصی و امثال اینها گذاشته شده است و دولت از تامین مالی آنها به صورت کامل از منابع مالی ملی سرباز زده است.

همین است که طرح های آب و آبفای احواز و استان و طرح غدیر که ذکر آن رفت و سایر طرح هایی که دارای دو مصوبه کلی و بدون بودجه بندی و چگونگی تامین و برنامه زمان بندی آن از سفر هیئت محترم وزیران هستند، همچنان از منابع ملی قابل توجه که بتواند گره گشای کار باشد بی بهره اند و ره به جایی نبرده اند. جالب است که در سایر طرح های دیگر غیر از آب هم این اتفاق افتاده است این در حالیست که در سایر استان های برخوردار طرح های آب از منابع ملی مکفی و حتی از صندوق ذخیره ارزی برخوردار و به سرعت اجرا می شوند، به صورتی که در این استان ها طرح های آبرسانی به اتمام رسیده و یا در حال اتمامند و طرح های سامانه های فاضلاب آنها به صورت سامانه های کامل جمع آوری، انتقال و تصفیه در حال خاتمه هستند اما رودخانه راهبردی کارون که در دفاع مقدس نیز نقش بی بدیلی در دفاع از این مرز و بوم بازی کرد به کانالی بزرگ برای جمع آوری فاضلاب ها و پساب ها تبدیل شده و حتی با وجود تاکیدات مقام قضایی در غیرقانونی بودن و پیگیری قضایی سرازیر شدن پساب ها، اقدام فوری نیز برای رفع مشکلات آن انجام نمی شود.

این اعتراضات علیه سیاستهای مرکز در تعامل با اقلیم احواز حتی صدای نیروهای داخل نظام را نیز بالا برده است که خود دلیلی است بر رفتار غارت گرانه این رژیم در تعامل با این اقلیم عرب نشین است.

اما در مورد طرح توسعه نیشکر باید گفت که بنا به مطالعاتی که از سوی دانشگاههایی همچون دانشگاه چمران احواز و دانشگاه شیراز صورت گرفته است این طرح به لحاظ مصرف میزان زیاد آب هیچگونه سنجی با طبیعت خشک اقلیم احواز ندارد. اما تعارض آشکار طرح توسعه نیشکر با دو طرح انتقال آب و ذخیره سازی آن حکایت از تحمیلی بودن این طرح از سوی نهادی قدرتمند در درون نظام که برای اجرای این طرح خود را پایبند هیچگونه توجیه گری اقتصادی و زیست محیطی نمی بیند.

این نهاد قدرتمند جز "شورای امنیت عالی امنیت ملی" نهاد دیگری نیست و تاسیس این طرح جز مقاصد امنیتی هیچگونه توجیه دیگری ندارد. در حقیقت این طرح برای مصادره حدود 300 هزار هکتار زمین کشاورزان عرب و جایگزینی آنها بوسیله دهها هزار کارگری که طرح توسعه نیشکر فرصت شغلی لازم را در اختیار آنها قرار می دهد تا این سیل عظیم کارگران غیر عرب که به همراه خانواده های خود به این اقلیم مهاجرت دهند و ترکیب دموگرافیک اقلیم را برهم زنند تا عربها در این اقلیم از اکثریت به اقلیت کاهش داده شوند.



با وجود غارت تمام و کمال منابع طبیعی اقلیم احواز از سوی مرکز، وقاحت رژیم جمهوری اسلامی به آنجا رسیده که در سال های اخیر و در پی خشکی نسبتاً کامل رودخانه ها برداشت آب از رودخانه توسط کشاورزان عرب را ممنوع ساخته است.

همچنین چند سالی است که این رژیم هزینه آب را بالا برده است و کشاورزان عرب مجبور هستند بابت آب شور با شاخص شوری بالای 3000 واحد و متعفن، نصفی از درآمد خود را به رژیم پردازند در حالی که این کشاورزان ساده بی خبر از اینکه آبیاری زمینهایشان با آبی اینچنین شور در حقیقت از بین بردن زمین خود بدست خود است.

تفسیر دیگری که از سیاستهای سد سازی رژیم می توان داشت این است که رژیم جمهوری اسلامی می خواهد حتی از منابع طبیعی همچون آب نیز نگذرد و آن را مسخر قدرت مرکزی خود سازد. با ننگ داشتن آب در مخزن سدها دیگر کشاورزان نیز نیازمند حکومت مرکزی هستند و مرگ و زندگی آنها بدست درجه سدهایی است که نظام مرکزی آنها را بالا و پایین می برد. همچنین می توان آنرا زمینه ای دانست برای کوچ دادن صدها هزار کشاورز عرب از روستاهایشان به شهر ها و مصادره زمینهای آنها جهت اجرای طرح شیطانی خود در پاکسازی نژادی در اقلیم احواز.

در همه موارد ذکر شده مصادره حق طبیعی ملت عرب اقلیم احواز در منابع آبی این اقلیم در سایه به حاشیه رانده شدگی این ملت صورت می گیرد و این ملت هیچ نماینده ای در میان مسؤولان تصمیم گیر نظام ندارد تا از حقوق طبیعی آنها دفاع کند. لذا همیشه این حق طبیعی ملت عرب احواز بوده است که در برابر دیده مسؤولان استان که خود غیر بومی هستند مصادره می شود، تا زمینهای دیگر استانهای فلات مرکزی آباد شود و سبز گردد و ملت عرب روزگار خود در طوفانی از شن بسر برد و وقاحت نظامی را تحمل کند که طوفان شن را ریز کرده های عرب می نامد در حالیکه این فاجعه نتیجه مستقیم سیاستهای حکام دولت مرکزی ایران است.

در پایان جا دارد که به سخنان دکتر اسماعیل کهرام کارشناس محیط زیست اشاره کنیم. این کارشناس، سدسازی را عامل اصلی نابودی محیط زیست می داند و خواهان برچیدن این سدها شده است. وی با اشاره به برچیدن سدهای بزرگ در کشورهای مثل آمریکا، کانادا و آلمان، می گوید:

"ما زمانی قهرمان سد سازی شده ایم که دنیا در حال جمع کردن پرونده سد سازی است."

## جنگ بر سر آب خاورمیانه و تبعات آن

نویسنده: مهدی هاشمی

انتشار 21 نوامبر 2013

به اعتقاد برخی جنگ بر سر آب در خاورمیانه در حدود چند دهه است که آغاز شده است. سلیمان دمیرل نخست وزیر وقت ترکیه در سال ۱۹۹۲ هنگام افتتاح سد آتاتورک اظهار داشته است "دجله و فرات آبهای ترکیه هستند و منابع آبی این رودها ملک ترکیه است همانطوری که ملکیت نفت در دست عراق و سوریه است. ما از عراق و سوریه نخواسته ایم تا نفت خود را با ما قسمت کنند و آنها نیز حق ندارند از ما بخواهند تا آبهای خود را با آنها قسمت کنیم. مسئله، مسئله حاکمیت ملی است. ترکیه سرزمین ماست و ما حق داریم هر آنچه بخواهیم در خاک خود انجام دهیم".

در اقدامی مشابه و بر اساس ابلاغ رهبری ایران، در سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه برای تحقق سند چشم انداز بیست ساله نظام در بند ۴۰، بر اهمیت نقش امنیتی آب تاکید شده و مهار آبهای مرزی کشور و جلوگیری از خروج آنها به یک هدف تبدیل شده و در زمینه مصرف آب نیز اولویت به مصرف آبهای مرزی داده شده است.

جنگ بر سر آب در خاورمیانه تا اندازه ای تحت تاثیر جنگ های نظامی منطقه قرار گرفته و از دید عموم مخفی مانده است. آنچه که پرده از این جنگ بر می دارد تبعات و عواقبی هستند که دیگر بر هیچکس مخفی نمانده است. طوفان های شن خاورمیانه آنچنان وسیع و شدید و خطرناک هستند که به گفته محققان ایرانی از طوفان زرد شرق آسیا نیز خطرناکتر است (۱).

### عراق سرزمین تالاب های سبز

عراق از نظر جغرافیایی به دو قسمت سبز و خشک تقسیم می شود. بخش غربی عراق که در مجاورت سوریه، اردن و پادشاهی عربی سعودی واقع است منطقه ای خشک و صحرایی است. بخش شرقی و میانی عراق منطقه ای سرسبز است که مهمترین احوار (تالاب ها) خاورمیانه را در بر می گیرد. تمامی رودخانه های جاری در عراق از ترکیه و ایران سرچشمه می گیرند. از لحاظ تاریخی نیز گفته می شود که منطقه حاصلخیز بین النهرین از مهمترین مراکز تمدن بشری بوده است.

رودخانه های دجله و فرات دو رودخانه پر آب عراق هستند که از شمال و شمال غرب وارد خاک عراق شده و پس طی مسافتی در جنوب این کشور به هم می رسند. رودخانه دجله در طول مسیر خود در خاک عراق از چندین رودخانه غرب ایران نیز تغذیه شود.

پوشش گیاهی و سرسبزی بخش شرقی و واحدی بخش جنوبی عراق وابسته به آب رودخانه های کوچک و بزرگی است که از ارتفاعات غربی ایران سرچشمه می گیرند. این رودها پس از طی مسافت هایی متوسط و طولانی یا از مرز گذشته و در خاک عراق به مسیر می خود ادامه می دهند (رودخانه های متوالی) و یا در طول مرز دو کشور جریان دارند (رودخانه های محاذی) (۴).

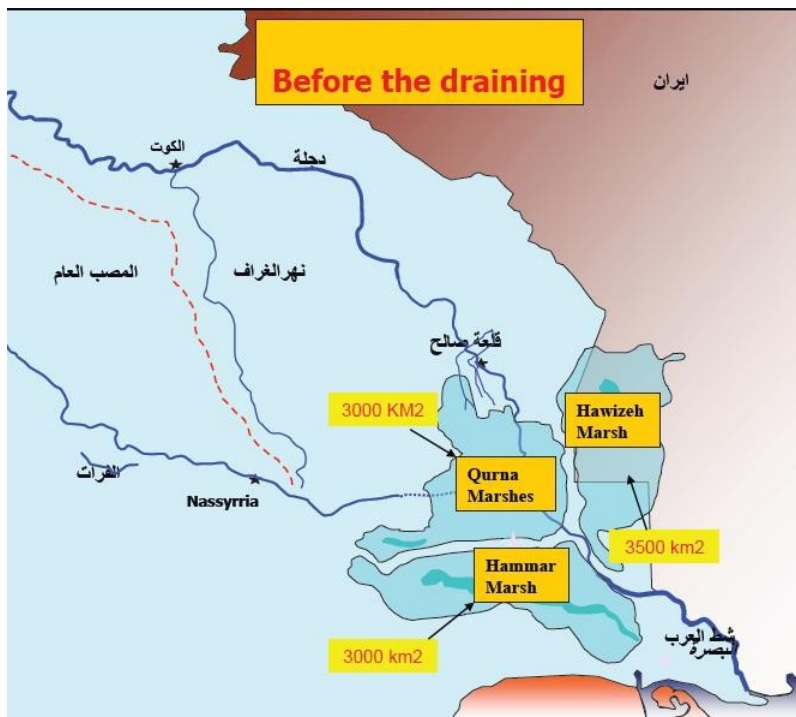
### رودخانه های مرزی ایران و عراق

زاب کوچک و زاب بزرگ در آذربایجان غربی، قزلجه سو در کردستان، کنگاگوش، الوند، قوره تو، زمکان و سیروان در کرمانشاه، چنگوله، تلخاب، کنجان چم، دوبریچ و میمه در ایلام، کرخه و کارون در اقلیم احواز.

سرچشمه این رودخانه ها همگی در ارتفاعات غربی، جنوب غربی و شمال غربی ایران است. این رودخانه ها همگی درحوزه های آبریز فرعی مرزی غرب، حوزه آبریز فرعی کرخه و حوزه آبریز کارون واقع در غرب ایران هستند(۴).

این رودها از شمال شرق تا جنوب شرق و جنوب عراق وارد خاک عراق شده و اکثر آنها به رودخانه دجله می ریزند. این رودها بخشی مهم ازحوزه آبریز دجله عراق را تشکیل می دهند. آب جاری این رودخانه ها نقش مهمی در سربسز بودن بخش واقع میان مرز ایران - عراق و شرق رودخانه دجله و حفظ پوشش سبز این منطقه دارد.

رود دجله و شاخه های فرعی آن در شرق عراق و مرز با ایران هور(تالاب) حویزه بامساحت ۳۵۰۰ کیلومتر مربع را سربسز نگه داشته بودند. در بخش میانی عراق نیز رودهای دجله و فرات تالاب های میانی بامساحت ۳۰۰۰ کیلومتر مربع و در جنوب هور حمار بامساحت ۳۰۰۰ کیلومتر مربع را آبیاری می کنند(۵).



در طول سه دهه اخیر برای محیط زیست کشور عراق اتفاقات عدیده ای رخ داده است. بخشی از آن رخدادهای داخلی بوده و بخش مهمی از آنها به ترکیه و ایران و تا اندازه ای به سوریه مربوط می شوند. بخش داخلی آن به تصمیم دولت وقت

عراق برخشک کردن تالاب های این کشور به عنوان پناهگاه مخالفان مسلح آن که از سوی ایران حمایت می شدند، بر می گردد.

این امر در پی وقوع انتقال شهسویان عراق در سال ۱۹۹۱ میلادی که با حمایت دولت ایران بوده صورت گرفت. نظام وقت عراق با ممانعت از ورود آب رودخانه های دجله و فرات به تالاب ها سبب خشک شدن آنها شد. پس از سقوط نظام بعث در سال ۲۰۰۳، مردم عراق به طور خود جوش تمامی موانع ایجاد شده در مسیر آنها را برداشته و توانستند دوباره حیات رابه حدود نیمی از مساحت سابق تالاب ها بازگردانند. مدتی نگذشت که دوباره مساحت تالاب ها کمتر شده و در سال ۲۰۰۸ به ۳۰ درصد میزان اصلی آن رسید(۶). متخصصان عراقی علت بروز این مشکل را عملکرد کشورهای همسایه عراق بر حوزه های آبریز و مسیر آب می دانند(۷).

کاهش شدید میزان آب ورودی به کشور عراق از سوی همسایگان این کشور نظیر ترکیه، ایران و سوریه نقش مهمی در خشک شدن تالاب های این کشور داشته است(۸).

در قسمت آتی اقداماتی که همسایگان عراق بر روی رودخانه های مشترک با این کشور انجام داده اند بررسی خواهد شد.

### سدها و تاسیسات برق آبی ترکیه

چند دهه از آغاز سدسازی ترکیه می گذرد. ترکیه در سال ۱۹۶۵ میلادی عملیات ساخت سد کبان بر روی رودخانه فرات را آغاز کرد و این سد در سال ۱۹۷۵ به بهره برداری رسید. در دهه های اخیر نیز ترکیه طرح سدسازی معروف به "گاپ" را آغاز کرده است. براساس این طرح ترکیه در حال ساخت ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه برق آبی در جنوب و جنوب شرق این کشور است. این طرح عظیم در حوزه آبریز دو رودخانه بزرگ ترکیه، رودخانه های دجله و فرات صورت می گیرد. سد اتاتورک نیز در فاصله سالهای ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۲ تکمیل شده و به بهره برداری رسید. طرح گاپ یکی از بزرگترین طرحهای جهان است که قرار است آب مورد نیاز مساحتی به وسعت هشت میلیون و پانصد هزار هکتار از زمین های کشاورزی ترکیه را تامین کند(۹).

دیگر طرح های مهم سدسازی ترکیه سد اورفه است. این سد قادر است به مدت ۶۰۰ روز آب دورودخانه دجله و فرات را ذخیره کند. راه اندازی این سد خطری بزرگی برای کشور عراق محسوب می شود(۹).

علاوه بر این سدهای "بیره جک" و "قرقامیش" در مرزهای ترکیه با سوریه در دست ساخت هستند. ترکیه در صورت بهره برداری از این سدها، کنترل رودهای دجله و فرات را به شکل کامل در دست خواهد گرفت(۹).

از دیگر سدهای مهم ترکیه که کار تاسیس آن در دوره ریاست جمهوری اردوغان آغاز شده است سد الیسوا در جنوب شرق این کشور است. این سد که بر روی رود دجله در دست ساخت است با ممانعت از ورود آب این رود به کشور عراق تهدیدی بزرگ برای این کشور محسوب می شود. قرار است ترکیه پس از تکمیل سد الیسوا، بلافاصله سد الیسوا جزیره که تکمیل کننده سد الیسوا بزرگ را بسازد(۹).

از دیگر تاسیسات آبی ترکیه کانال ها و تونل های بزرگ انتقال آب هستند. ترکیه بواسطه تونل ها آب را به مناطق دیگر منتقل می کند و به واسطه کانال های بزرگ از دریاچه های پشت سد ها آب را به مناطق دورتر منتقل می کند. در حال حاضر ترکیه پنجمین تونل انتقال آب جهان را در دشت سورج در شهر شانلی اورفا واقع در جنوب شرق این کشور در دست

ساخت دارد. این تونل جهت تامین آب مورد نیاز کشاورزی در دشت سورج آب را از سدآتاتورک به این دشت منتقل می کند. (۱۰)

سوریه نیز در سال ۱۹۶۸ کار تاسیس سد بزرگ بر رود فرات در استان رقه را آغاز کرد. این سد پس از پنج سال به بهره برداری رسید. دریاچه بزرگ این سد که به دریاچه اسد معروف شده است ۱۱,۶ میلیارد مترمکعب آب را ذخیره می کند. همزمان بابت بهره برداری از این سد میزان آب ورودی فرات به عراق به شدت کاهش یافت به گونه ای که عراق برای تامین آب مورد نیاز استان های حوزه فرات شاخه های انتقال آب از رود دجله به فرات تاسیس کرد. اختلافات سوریه و عراق بر سر آب فرات تاکنون همواره ادامه داشته است (۸).

### سدها و تاسیسات برق آبی ایران

بر اساس اعلام رسمی "شرکت مدیریت منابع آب ایران، معاونت طرح و توسعه" ایران تاکنون ۲۵ سد بر روی حوزه آبریز کارون و ۷ سد بر روی حوزه آبریز کرخه و ۸ سد بر روی حوزه آبریز جراحی ساخته است. همچنین بر روی این حوزه ها به ترتیب ۱۹، ۱۲ و ۵ سد در دست ساخت دارد. دهها سد دیگر نیز در دست مطالعه هستند تا بر روی این حوزه ساخته شوند. البته باید گفت که حوزه آبریز جراحی ارتباطی با کشور عراق ندارد اما از آنجائیکه که رودخانه جراحی به هور فلاحیه می ریزد و این هور نیز بسان احوار عراق نقش مهمی در حفظ اقلیم جوی این منطقه دارد، بررسی حوزه جراحی نیز حائز اهمیت است. (۱۱)

رودخانه های مرزی دوبریج و الطیب (میمه) و شاخه های چندگانه رودخانه کرخه (سابله، عمیاء، کرخه اصلی) از سمت غرب و شاخه هایی از رودخانه دجله با نام های الکحلاء، المشرح و المجریه از سمت شرق هور حویزه را آبیاری می کنند. هور حویزه با مساحت کلی ۳۵۰۰ کیلومتر مربع بزرگترین هور ایران و عراق است که دوسوم آن در عراق و یک سوم آن در ایران است (۱۲).

در سال ۱۹۵۱ میلادی ایران کانالی را بر روی رودخانه الوند در میان دوشهر قصرشیرین و خسروی ایجاد کرد. این کار سبب شد تا آب ورودی این رودخانه به عراق بیش از ۶۰ درصد کاهش یابد (۷).

در سال ۱۹۳۲ میلادی ایران کانالی بر رودخانه کنجان چم ایجاد کرد و آب این رودخانه رابه سوی شهر مهران منحرف ساخت. پس از آن نیز سد خاکی بر روی این رودخانه تاسیس کرد که منجر به خشکی کامل این رودخانه در خاک عراق شد (۷).

رودخانه دوبریج و الطیب (میمه) هر دو پس از طی مسیری طولانی در استان ایلام در اطراف پایگاه مرزی فکه وارد عراق شده و هر دو به هور المشرح که بخش شمالی هور الحویزه است می ریزند. شاخه های مختلف رودخانه کرخه نیز هور العظیم و برکه العظیم که بخش میانی هور الحویزه است را آبیاری می کنند (۷).

ایران در مارس سال ۱۹۶۶ میلادی سد خاکی را بر بستر رودخانه دوبریج در پنج کیلومتری پایگاه مرزی فکه تاسیس کرد. این امر سبب قطع کلی آب رودخانه شد (۷). در حال حاضر نیز ایران سد خاکی دوبریج در دهلران را در دست ساخت دارد که قادر خواهد بود ۱۴۳ میلیون مترمکعب آب رودخانه دوبریج را ذخیر کند.

رودخانه میمه (الطیب) نیز سرنوشتی مشابه داشته است. ایران سد بر روی این رودخانه ساخته و در ۱۵ کیلومتری شهر دهلران نیز سد خاکی در دست ساخت دارد (۷).

سه سد بر روی رودخانه کرخه ساخته شده اند که قادر هستند کل آب رودخانه کرخه را به مدت سه سال تمام ذخیره کنند و این رود را به کلی خشک کنند.

خشک شدن رودخانه های میمه، دویریج و کرخه به دلیل سدسازی بی رویه در غرب و جنوب غرب ایران، سبب شده است تا هور الحویزه تمامی منابع آبی تغذیه کننده اش از سمت ایران را از دست بدهد. اهمیت این مشکل زمانی مشخص می شوند که نقش مهم احوار عراق و ایران در پالایش هوای خاورمیانه مدنظر گرفته شود.

حداقل ۶ سد بر روی رودخانه کارون ساخته شده اند. تونل های کوه رنگ ۱، کوه رنگ ۲، کوه رنگ ۳ و سد وتونل چشمه لنگان سالانه بیش از یک میلیارد و صد میلیون مترمکعب آب را به فلات مرکزی ایران منتقل می کنند. اخیرا نیز آب منطقه ای اصفهان قصد دارد تا تونل بهشت آباد جهت انتقال سالانه بیش از یک میلیارد مترمکعب آب به فلات مرکزی را اجرایی نماید (۱۱).

سدهایی که بر رودخانه کارون ساخته شده اند، سبب شده اند تا جریان آب (دبی) رودخانه کارون هموار در دو دهه اخیر کاهش یافته و میزان آلودگی آب همواره افزایش یابد. آلوده شدن آب این رودخانه مشکلات زیادی برای مردم شهرهای عرب نشین پایین دست رودخانه کارون بوجود آورده است. اخیرا زنجیره هایی انسانی برای حمایت از کارون در احواز تشکیل شده است.

سدهایی که بر رودخانه جراحی در استان کهگیلویه و بویراحمد و شرق اقلیم احواز بر رودخانه جراحی ساخته شده اند، این رودخانه را کاملا خشک کرده است. این امر سبب شده تا تنها منبع آب شیرین هور فلاحیه قطع شود.

سدهای ایرانی که بنا به سیاست های دولت مرکزی بر رودهای اقلیم احواز تاسیس شده اند تا مانع از خروج آب شیرین از کشور شوند، در حقیقت مرزهای آبی ایران محسوب می شوند. گرچه در و رای این مرز اعتباری طرحهای آلود کننده محیط زیست نظیر توسعه نیشکر نیز وجود دارند اما عملا سیاست آبی دولت مرکزی ایران، مناطق عرب نشین احواز واقع در پایین دست سدها را در خارج مرزهای آبی مذکور قرار داده است و سیاست ممانعت از ریختن آب شیرین در خلیج منجر به محرومیت مناطق عرب نشین از آب شیرین شده است.

آب جاری در بستر رودخانه های کارون و کرخه در مناطق عرب نشین آنچنان آلوده و شور است که عراق به شدت از ورود این همه آلودگی به آبهای مرزی خود معترض است. مسئولان عراقی می گویند که ایران به جای آب شیرین، پساب های به شدت شور و آلوده خود را وارد خاک عراق می کند (۷).

خشک شدن شبه کامل رودخانه های کارون، کرخه و جراحی در مناطق جنوبی اقلیم احواز، خشک شدن هور العظیم و به راه افتادن طوفان های شن، خالی از سکنه شدن دهها روستای عرب نشین و جهش شدید میزان حاشیه نشینی در دوده اخیر در شهر احواز و رسیدن آن به ۳۵ درصد جمعیت این شهر، همگی نشانی هایی هستند که عربهای احواز بواسطه آنها دولت مرکزی ایران را متهم می کنند که با کنترل آبهای ورودی به این اقلیم سعی در از هم پاشاندن ساختار اجتماعی آنها دارد.

### اختلافات عراق با همسایگانش بر سر آبهای مرزی

عراق به شدت نسبت به سهم فعلی خود از آب های ترکیه (۵۰۰ مترمکعب در ثانیه) معترض است. ترکیه در مقابل بر توافقنامه ای که این کشور با سوریه در سال ۱۹۸۷ میلادی منعقد کرده و سهم ۵۰۰ مترمکعب را برای سوریه تعیین کرده

بود، اصرار می ورزد. عراق و سوریه دهه هاست که بر سر سهم خود از آب فرات به توافق نرسیده اند و سوریه حاضر نیست سهم مساوی به عراق بدهد (۸).

از طرف دیگر ترکیه کانالهایی که عراقی ها میان دورودخانه دجله و فرات ایجاد کرده است تا کمبود آب فرات را در بخش هایی از این کشور راجبران سازد، رابهانه ای برای قلمداد کردن این دو رودخانه به عنوان یک حوزه ساخته است. با این کار ترکیه قصد دارد تا سهم عراق از هر دورودخانه دجله و فرات رابه ۵۰۰ مترمکعب در ثانیه (در حدود سالانه ۱۵ میلیارد مترمکعب) کاهش دهد (۸).

ترکیه بر رودخانه دجله ۸ سد ساخته است و باعث شده است تا آورد سالانه این رودخانه در عراق کاهش ۵۰ درصدی داشته و از سالانه ۱۸ میلیارد مترمکعب به سالانه ۹ میلیارد مترمکعب برسد (۸).

از آنجائیکه طرح گاپ در ترکیه مساحت های وسیعی از زمین های کشاورزی را آبیاری می کند و رود پساب های کشاورزی به رودخانه ها سبب آلودگی بیش از حد آب دجله و فرات در خاک عراق شده است (۸).

از طرف دیگر کانالهایی که ایران برای انحراف آب رودخانه های مرزی به سوی اراضی خود تاسیس کرد و سدهایی که بر این رودخانه ساخته است سبب کاهش شدید آب ورودی به خاک عراق شد. اقدامات مذکور ایران سبب کاهش ۶۰ - ۷۰ درصدی آب ورودی به عراق شده است. همچنین میزان پسابهای به شدت شور و آلوده ایران نظیر پسابهای توسعه نیشکر خسارت های زیادی را به زمین های کشاورزی عراق و پوشش سبز مناطق شرق این کشور داشته است (۷).

در دهه اخیر پس از آنکه حکومت اقلیم کردستان عراق نقشه ای از کردستان که مناطق وسیعی از خانقین در شمال عراق تا بصره در جنوب این کشور، به همراه اراضی دیگر که واقع در خاک ایران هستند را شامل می شود، ایران تغییرات خیلی زیادی را به سرعت در آب جاری رودخانه های مرزی ایجاد کرد. در پی این تغییرات و کاهش شدید آب ورودی به عراق، مناطق مرزی ایران و عراق به کلی خشک شده و خالی از سکنه شده اند. این مناطق در خاک ایران به مناطق شبه نظامی تبدیل شده اند. این اقدام ایران در حقیقت بستن راه بر تحقق ادعاهای حکومت کردستان عراق است (۷).

در پی کاهش شدید آب ورودی به عراق، نظام جدید این کشور کار تکمیل سدهای نیمه تمام و تاسیس سد های جدید را با جدیت آغاز کرده است. مسئولان عراقی این اقدام را تنها وسیله تامین آب مورد نیاز شرب و کشاورزی می دانند (۹). به احتمال زیاد آنچه باز دوباره به فراموشی سپرده خواهد شد محیط زیست و به ویژه تالاب های این کشور هستند که ریه های خاورمیانه محسوب می شوند.

در نبود این تالاب ها احواز و دیگر شهرهای غرب ایران نفس نخواهند کشید و جان هزار انسان به خطر خواهد افتاد. کاهش میزان آب جاری در عراق و روی آوردن این کشور به سدسازی بی شک باعث خشک شدن مساحت های وسیع تری از خاک این کشور و تبدیل شدن آن به صحرا خواهد شد. خشک شدن احوار عراق و گسترش مناطق صحرایی در این کشور علت اصلی طوفان های شن خاورمیانه هستند.

### اختلافات بر سر آب های مرزی از دیدگاه حقوق بین الملل

در حقوق بین الملل دیدگاهی که امروزه از سوی اکثریت کشورها و سازمان های بین المللی پذیرفته شده است دیدگاه مبتنی بر دو اصل استفاده مشترک از آبهای مرزی و محدودیت استفاده از آبهای مرزی است. بنابر اصل استفاده مشترک از آبهای مرزی "کشورهایی که در ساحل یک رودخانه بین المللی واقع شده اند نسبت به آن رودخانه حق حاکمیت مشترک دارند"

همچنین برطبق اصل محدودیت استفاده از آبهای مرزی حاکمیت هریک از کشورهای ساحلی یک رودخانه بین المللی محدود به وظایفی است که حقوق بین الملل برای آنها مقرر کرده و به هیچ وجه حاکمیت مطلق نیست(۴).

بنابه این رویکرد بین المللی هیچ کشوری نمی تواند وضع طبیعی کشور خود را به گونه ای تغییر دهد که به کشور مجاور زیان وارد شود(۴). هرگونه انحراف آب رودخانه ها، توقف آب رودخانه ویا آلوده ساختن آب آن از دیدگاه حقوق بین الملل مجاز نیست.

در زمینه اختلافات برسر آب درون یک کشور نیز قوانین مشابه وجود دارد. در سال ۱۸۸۷ دادگاه عالی فدرال سوئیس به اختلاف میان دو کانتون زوریخ و کانتون شاف هازن برسر انحراف آب، رای منفی داد و بانحراف مسیر رودخانه مخالفت کرد. سال ۱۹۰۱ دیوان عالی ایالات متحده آمریکا به اختلاف برسر انحراف آب رودخانه آرکانزاس میان دو ایالات کانزاس و کلورادو رای منفی داد. موارد مشابه دیگری نیز در سال ۱۹۲۲ در آمریکا و ۱۹۲۷ در آلمان مشاهده شده است(۴).

بطور کلی رویه قضایی بین المللی، دو اصل اساسی در مورد تغییر مسیر رودخانه های بین المللی را مورد تاکید قرار می دهد. "اولا هیچ دولتی حق ندارد در سرزمین خود، بدون مشورت با دولت های دیگر و بدون مذاکره با آنها برای یافتن راه حل های معقول، اقدام به تغییر مسیر رودها نماید. ثانيا هر دولتی که به نحوی در جریان آب رودخانه دخالت کند و سبب وارد شدن خسارت به دولت دیگر شود، مسئول خسارات وارده خواهد بود"(۴).

در زمینه اختلافات آبی، عراق بارها به ایران و ترکیه رسماً اعتراض کرده است. در سال ۱۹۷۵ ایران جهت پذیرش مذاکره با عراق برسر منابع آبی مشترک، این پیش شرط که تمام اختلافات مرزی و امنیتی بین دو کشور نظیر حمایت عراق از "جبهه های آزادی بخش احواز" همزمان درکنار مشکل آبهای مرزی به عنوان یک بسته مورد مذاکره قرار گیرد، مطرح کرد. بپذیرش این شرط از سوی عراق، عهدنامه سال ۱۹۷۵ بین ایران و عراق در الجزایر منعقد شد.

عهدنامه سال ۱۹۷۵ ایران با عراق شامل یک عهدنامه، یک الحاقیه، ۳ پروتوکل و ۴ توافقنامه است. تنها یک توافقنامه به مسئله آبهای مرزی اختصاص داشته است. کمیته ای مشترک برای بررسی وضعیت رودخانه های مرزی تشکیل شد. با فرارسیدن انقلاب ۵۷ در ایران و شروع جنگ ایران عراق، همه چیز میان دو کشور تعطیل شد(۴).

اخیرا مسئولان ایرانی در دیدار با مسئولان دولت عراق جدید حل شدن مسئله خشک شدن رودخانه های مشترک دو کشور را منوط به برطرف شدن نکات زیر دانسته اند(۷):

- پایان دادن به حضور جنگجویان کرد ایرانی در خاک عراق
- پایان دادن به حضور نیروهای مجاهدین خلق در خاک عراق
- خارج شدن نیروهای آمریکایی از عراق و لغو تمامی موافقتنامه های امنیتی و نظامی با آمریکا از سوی عراق، به دلیل این که این توافقنامه ها برضد امنیت ملی ایران هستند.
- عدم مخالفت با رویکرد سیاسی ایران در عراق و پذیرش حضور ایران در عرصه سیاسی عراق
- تامین تمامی منافع تجاری، سیاسی، امنیتی و توریستی ایران در عراق در مقابله با طرح های دیگر قدرت های منطقه

جنگ آب در خاورمیانه بسان دیگر جنگ ها قربانیان زیادی دارد. سالانه در حدود نه هزار شهروند احوازی در اثر استنشاق کمیت زیادی از ذرات ریز معلق در هوا (PM10) جان خود را از دست می دهند(۲). همچنین ۵۲ دونه سرطان در احواز



به سرعت در حال افزایش هستند و سالانه جان صدها احوازی را می گیرند(۳). یکی از مهمترین تبعات این جنگ آن است که احواز به آلوده ترین شهر جهان تبدیل شده است.

انتخاب نام ریزگرده های عربی برای طوفان های شن از سوی میدیای فارسی زبان، تلاشی برای مقصر نشان دادن عراق و دیگر کشورهای عربی همسایه ایران در این بحران، قلمداد می شود. بررسی بحران فعلی محیط زیست نیازمند نگاهی بی طرفانه که تنها حقایق زیست محیطی را مدنظر می گیرد دارد. آنچه روشن است اصل حاکمیت مطلق ملی تعارضاتی با رویکرد زیست محیطی دارد.

نگریستن به مشکل طوفانهای شن از دیدگاه یک جانبه ملی ما را از درک حقیقت این بحران بازمی دارد. دانستن این نکته که عراق از خود هیچ رودخانه ای که سرچشمه اش در خاک عراق باشد، ندارد بر اهمیت درک بی طرفانه حقیقت بحران زیست محیطی خاورمیانه می افزاید.

به نظر می رسد در حالی خاورمیانه برای مقابله با طوفانهای شنی که سالانه جان هزاران نفر را در دشت های واقع در پای سلسله کوه های زاگرس، می گیرد نیازمند رویکردی انسانی و زیست محیطی است که قوانین بین المللی درباره آب های مشترک را درون در کشور یک و در مرز با همسایگان را اساس کار خود شمارد. برای تحقق این هدف دولت ها باید از رویکرد معمول خود که مبتنی بر حاکمیت مطلق ملی و مسلح به ایدئولوژی مذهبی - ناسیونالیستی است کوتاه آمده و سلامت محیط زیست را که یک کلیت تجزیه ناشدنی است، فدای تسویه حساب های امنیتی و ایدئولوژی ناسازند.

نویسنده: مهدی هاشمی

منابع:

-۱

Shahsavani, A. and et al. Characterization of ionic composition of TSP and PM10 during Middle Eastern Dust (MED) storms in Ahwaz, Iran. Dec 2011, Journal of "ENVIRONMENTAL MONITORING AND ASSESSMENT".

۲- الهه زلّی، غلامرضا گودرزی و آزاده ساکی ۱۳۸۹ شمسی. کمی سازی مرگ های تنفسی و قلبی عروقی منتسب به آلاینده PM10 موجود در هوای شهر احواز طی سالهای (۱۳۸۸\_۱۳۸۹) با استفاده از مدل AIR Q

3- رئیس بیمارستان شفای احواز دکتر محمد پدram در گفتگو با ایسنا در تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۸۷ شمسی

۴- دکتر اصغر جعفری ولدانی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران، اسفند ۱۳۸۸ استفاده از منابع آب رودهای مرزی ایران و عراق و حقوق بین الملل.

۵- ایمن عبداللطیف کویس الربیعی، جامعة البصرة، ۲۰۰۸، دراسة بيئية ومورفولوجية لاهوار جنوب العراق.

۶- دکتر طالب عکاب حسین، مرکز ابحاث الاهور. الاهور العراقية...التجفيف والانعاش.

۷- صاحب الربیعی(کارشناس امور آب خاورمیانه)، حرب المياه بين العراق وايران (الدوافع والاسباب)

- ۸- صاحب الربيعی، استعادة حقوق العراق المائية من دول الجوار، ۲۰۰۳
- ۹- عبدالاله عبدالرزاق الزرکانی (حقوقدان عراقی)، السدود التركيه على دجله والفرات وأزمة العراق في المياه، اکتوبر ۲۰۱۱
- ۱۰- گزارش خبرگزاری رسمی ترکی تودی (Turkeytoday.net) در سپتامبر، ۲۰۱۲
- ۱۱- گزارش رسمی شرکت مدیریت منابع آب ایران، معاونت طرح وتوسعه بر وب سایت رسمی wrm.ir
- ۱۲- گزارش رسمی وزارت منابع آبی عراق، مرکز احیای تالاب های عراق

## رویه های قضایی در زمینه اختلافات بر سر آب رودخانه های مشترک

انتشار 13 نوامبر 2013



اختلاف بر سر آب رودخانه های مشترک هم در درون یک کشور ممکن است رخ دهد و هم میان دو کشور همسایه. در این مطلب ابتدا به رویه های قضایی در درون کشورها و سپس به رویه قضایی بین کشورها پرداخته می شود.

### رویه های قضایی داخلی

گرچه رودهایی که از دو یا چند ایالت یک کشور می گذرند در زمره رودهای بین المللی محسوب نمی شوند، لکن با توجه به اینکه آراء صادره از محاکم داخلی مشابه با آراء قضایی بین المللی است، اشاره مختصری به این آراء بی فایده نخواهد بود.

به ویژه که این آراء در تصمیمات سازمانهای بین المللی بی تأثیر نبوده است. در اینجا به چند رأی صادره از دادگاه عالی فدرال سوئیس، دیوان عالی ایالات متحده آمریکا و دیوان عالی آلمان اشاره خواهیم کرد.

شاید یکی از نخستین آرای که در مورد انحراف آب رودخانه ها در کشورهای اروپایی صادر شده مربوط به کشور سوئیس باشد. دادگاه عالی فدرال سوئیس در اختلافی که بین کانتون زوریخ و کانتون شاف هازن - دو کانتون از کشور سوئیس - در این مورد به وجود آمده بود، طی رای مورخ ۱۲ ژانویه ۱۸۷۸ خود انحراف آب رودخانه ها را غیرقانونی اعلام نموده است.

اما در این مورد آراء صادره از دیوان عالی ایالات متحده آمریکا بسیار جالب توجه است. دعوی ایالت کانزاس علیه ایالت کلرادو که در سال ۱۹۰۱ در دیوان عالی ایالات متحده آمریکا مطرح شد، نخستین دعوی در مورد انحراف آب رودخانه ها در ایالات متحده آمریکا بود که در دیوان مذکور مورد رسیدگی قرار گرفت. مورد اختلاف مربوط به رودخانه آرکانزاس بود که بین دو ایالت مذکور جریان دارد. ایالت کانزاس به طرفیت ایالت کلرادو در مورد انحراف آب رودخانه آرکانزاس به دیوان عالی ایالات متحده آمریکا شکایت کرد. دادگاه سال ۱۹۰۷ اعلام نمود که اصل تساوی حقوق

وانصاف بین دو ایالت "آنها را از دخالت در جریان آب رودخانه باز می‌دارد". این رأی در حقوق بین الملل به صورت سابقه در آمده و در موارد بسیاری توسط حقوقدانان مورد استناد قرار گرفته است.

همچنین دیوان عالی ایالات متحده آمریکا در اختلاف بین ویومینگ و کلورادو - دو ایالت از ایالات متحده آمریکا - در سال ۱۹۲۲ اعلام کرد: "ادعای ایالت کلورادو مبنی بر اینکه حق دارد با توجه به اینکه یک ایالت به شمار می‌رود، بنابراین تشخیص خود و بدون توجه به زیانی که در نتیجه اعمال خود متوجه دیگران می‌شود، آبهایی را که در سرزمینش جاری است تغییر مسیر دهد و از آن بهره برداری کند، مسموع نیست.

این رأی در دعوی ایالات کانکتیکوت به طرفیت ماساچوست در سال ۱۹۳۰ و در بسیاری موارد دیگر مورد استناد قرار گرفته و امروزه به صورت یک قاعده حقوق بین الملل مورد پذیرش عموم واقع شده است.

مسئله انحراف آب رودخانه ها در دیوان عالی آلمان نیز مطرح شده است. دیوان عالی آلمان در سال ۱۹۲۷ در دعوی بین ایالت ورتمبرگ برای ایالت بادن - دو ایالت از جمهوری آلمان - در مورد انحرافی که در مورد جریان آب رودخانه توسط ایالت بادن صورت گرفته بود، اعلام کرد: دولتها باید به جریان طبیعی آب تن در دهند و هر دولت ساحلی وظیفه دارد که منافع دولتها را مراعات نماید و به آنها زیانی وارد نکند.

### رویه قضایی بین المللی

دولت آلمان در نامه ای به وزرای مختار خود در لندن و پاریس در مورد رودخانه موز در سال ۱۸۶۲ می‌نویسد: این رودخانه بین هلند و بلژیک مشترک است و هر یک از این دولتها در بهره برداری از آب این رودخانه حق دارند، اما در این مورد هر دو دولت موظفند از انجام اقداماتی که موجب زیان به دولت دیگر گردد، اجتناب کنند.

دیوان دائمی دادگستری بین المللی نیز در مورد انشعاب آبهای رودخانه موز در رأی مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۳۷ خود، مداخلاتی را که در مورد انشعاب آبهای این رودخانه بدون موافقت دولتین بلژیک و هلند صورت گرفته بود، غیرقانونی اعلام کرد. بر طبق این حکم هر دو دولت موظف شدند اقدامی مغایر با روح کنوانسیون ۱۸۶۳ منعقد بین هلند و بلژیک انجام ندهند.

رود موز از فرانسه سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از کشورهای هلند و بلژیک به دریای شمال می‌ریزد. همچنین دیوان عالی آلمان در اختلاف مربوط به رود دانوب در رأی مورخ ۱۸ ژوئن ۱۹۲۷ خاطر نشان نمود که هیچ دولتی حق ندارد با استفاده از آبهای یک مجرای طبیعی آب، به منافع دولت دیگر زیان و خسارت وارد سازد.

بطور کلی رویه قضایی بین المللی، دو اصل اساسی زیر را در مورد تغییر مسیر رودخانه های بین المللی مورد تاکید قرار داده است:

۱- هیچ دولتی حق ندارد در سرزمین خود، بدون مشورت با دولت های دیگر و بدون مذاکره با آنها برای یافتن راه حلهای معقول، اقدام به تغییر مسیر رودها نماید.

۲- هر دولتی که به نحوی در جریان آب رودخانه دخالت کند و سبب وارد شدن خسارت به دولت دیگر شود، مسئول خسارات وارده خواهد بود.

نویسنده: دکتر اصغر جعفری ولدانی

منبع: دکتر اصغر جعفری ولدانی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران، اسفند ۱۳۸۸، استفاده از منابع آب رودهای مرزی ایران و عراق و حقوق بین الملل.

فصل دوم

## بحران آب در اقلیم احواز



## سدهایی که رودخانه های احواز را به کام مرگ کشیدند

انتشار 15 اکتوبر 2013

تاکنون بیش از چهل سد و تونل انتقال آب بر روی سرچشمه رودخانه های کارون، کرخه، جراحی و دز تاسیس شده است. همچنین براین حوزه های آبریز بیش از ۳۶ سد دردست ساخت است. ۱۴۰ سد نیز دردست مطالعه هستند شمار زیادی از آنها مراحل پایانی مطالعه و بررسی را سپری می کنند. مهمترین این سدها و تونل ها آندسته هستند که سالانه بیش از یک میلیارد ونیم مترمکعب آب را به فلات مرکزی فارس منتقل می کند.

شمار سدهای بهره برداری شده بر روی حوزه های آبریز اقلیم احواز به شرح آتی است:

حوزه کارون بزرگ ۲۵ سد

حوزه کرخه ۷ سد

حوزه جراحی ۸ سد

شمار سدهای دردست ساخت به شرح آتی است:

حوزه کارون بزرگ ۱۹ سد

حوزه کرخه ۱۲ سد

حوزه جراحی ۵ سد

شمار سدهای دردست مطالعه به شرح آتی است:

حوزه کارون بزرگ ۶۷ سد

حوزه کرخه ۴۴ سد

حوزه جراحی ۲۹ سد



## سالانه بیش از دویست میلیون متر مکعب فاضلاب وارد کارون می شود

انتشار 16 اکتوبر 2013



شهرهای مشرف بر رودخانه کارون سالانه بیش از ۲۰۰ میلیون مترمربع آلاینده به رودخانه کارون می ریزند. این میزان آلودگی، پسابهای به شدت شور توسعه نیشکر و فاضلاب شهرهای استانهای دیگر را شامل نمی شود.

شهرهای مشرف بر کارون از منابع آلودگی این رودخانه محسوب می شوند که در این بین کلانشهر احواز با توجه به داشتن بیشترین جمعیت شهری و افزایش رو به فزونی این جمعیت، بیشترین سهم آلودگی را وارد کارون می کند. از ۲۰۰ میلیون متر مربع آلودگی که وارد کارون می شود، ۱۰۰ میلیون متر مکعب آن متعلق به کلانشهر احواز است که شامل فاضلاب های خانگی، شهری و بیمارستانی است و دارای ترکیبات نیترو ارگانیک و دیگر ترکیبات بیماری زاست که به همراه حجم زیادی از آلاینده ها، بدون هیچ مانعی وارد کارون می شود. عدم وجود سیستم تصفیه و فقدان شبکه فاضلاب شهری موجب به خطر افتادن سلامت ساکنان شده است و عواقب جبران ناپذیری را به منطقه وارد کرده است به گونه ای که کارشناسان بهداشت، آب احواز را حتی برای احشام هم زیان آور می دانند.

### آب احواز را به احشام هم ندهید

یک کارشناس آلمانی که به دعوت سازمان آب استان برای ارزیابی و سنجش کیفیت آب احواز به این اقلیم سفر کرده بود، مصرف آب شرب احواز را نه فقط برای ساکنان این شهر بلکه برای احشام هم زیانبار و خطرناک اعلام کرد. این کارشناس آلمانی به مدیران کلانشهر احواز توصیه کرد که انصاف داشته باشید و آب مصرفی این شهر را به احشام هم ندهید چون مصرف گوشت حیواناتی که از این آب نوشیده‌اند برای انسان زیان‌بار است و ممکن است خطرانی را در پی داشته باشد.

در حالی که موضوع آلودگی و کیفیت نامطلوب آب احواز از سوی کارشناسان بهداشت داخلی و خارجی مطرح می‌شود و کارشناسان، آب این شهر را تهدیدکننده سلامت مردم می‌دانند، این امر مرتباً از سوی مسئولان مربوطه از جمله مدیرعامل آب و فاضلاب احواز در مصاحبه‌های متعدد با رسانه‌های جمعی تکذیب می‌شود. این مسئولان در مصاحبه‌های خود در حالی آب احواز را صد درصد بهداشتی می‌دانند که حتی جوان‌ترین وزیر کابینه دولت نهم نیز از خوردن آن امتناع می‌نماید.

### وزیر بهداشت هم آب احواز را نخورد

دکتر کامران باقری‌لنکرانی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که در روز دانشجو به دانشگاه احواز آمده بود، بعد از اصرار تعدادی از دانشجویان این دانشگاه مبنی بر خوردن مقداری از آب احواز و اظهارنظر خود درباره کیفیت آن، از خوردن آب امتناع کرد. وی با پذیرفتن کیفیت نامطلوب آب احواز، تنها به این نکته اکتفا می‌کند که گزارش نامطلوب بودن آب احواز را داده‌ایم. در سال ۸۳ و همزمان با سفر گروه اعزامی بانک جهانی به ایران، وزارت نیرو خواستار مشارکت و سرمایه‌گذاری بانک جهانی در اجرای طرح‌های آب و فاضلاب کشور شد. در این تفاهمنامه، هدف وزارت نیرو برای سرمایه‌گذاری معادل ۱۰۰۰ میلیارد دلار در بخش آب و فاضلاب کشور در شش سال آینده اعلام و ضرورت مشارکت در سرمایه‌گذاری و تقبل سهم قابل‌توجهی از این سرمایه توسط بانک جهانی درخواست شد.

خبر دیگر نیز حکایت از اختصاص ۲۸۰ میلیارد دلار وام بانک جهانی به اجرای طرح‌های آب و فاضلاب شهرهای احواز و شیراز داشت. معاون وزیر نیرو در همان سال (۱۳۸۳) هزینه لازم برای اجرای این طرح را ۴۰۰ میلیون دلار برآورد کرد که حدود ۷۰ درصد آن از طریق وام بانک جهانی تامین خواهد شد. به گفته وی این اعتبارات از اواسط سال آینده (سال ۸۴) و در مدت ۵ سال پرداخت می‌شود. در حال حاضر ۵ سال از آن تاریخ می‌گذرد و هیچ خبری از تامین هزینه‌های لازم برای فاضلاب احواز نیست و کارون همچنان آلوده است. فاضلاب‌های شهری، کشاورزی و صنعتی هنوز وارد کارون می‌شوند.

### آب آلوده، عامل ۱۰ درصد بیماری‌ها

سازمان بهداشت جهانی، آب ناسالم را عامل یک بیماری از هر ده بیماری و ۶ درصد مرگ و میرها در سراسر جهان می‌داند. تب روده‌ای یا حبصه و تب مالت از مهم‌ترین بیماری‌های ناشی از استفاده از آب آلوده به میکروب‌ها است که در جریان آن مغز، سیستم عصبی و چشم از مهم‌ترین بافت‌هایی هستند که در جریان این بیماری‌ها آسیب می‌بینند.



قابل ذکر است که آب رودخانه کارون در ایستگاه‌های متعددی در تمام طول رودخانه مورد پالایش قرار گرفته است. براساس نتایج این پالایش وضعیت آب این رودخانه از نظر میکروبی و شاخصه‌های بیولوژیکی و شیمیایی و همچنین فاضلاب انسانی بالاست. بر اثر زدن سدهای متعدد در بالادست کارون، خودپالایی رودخانه کاهش یافته است. همچنین خشکسالی نیز باعث پائین آمدن خودپالایی رودخانه شده است. معضل مدیریت هم عامل دیگری در آلودگی کارون است. فاضلاب انسانی و صنعتی وارده به رودخانه آستانه تحمل آلودگی رودخانه را کاهش داده که به سرعت باعث مشکلات عدیده اجتماعی می‌شود. آب شرب خیلی از مناطق مانند دشت احواز از کارون تامین می‌شود که این آلودگی بر روی سلامت ساکنین این منطقه تاثیر بدی می‌گذارد.

## مرکز نشینان برای مصادره بیش از یک میلیارد متر مکعب آب کارون، بر روحانی فشار می آورند

انتشار 15 اکتوبر 2013



تونل چشمه لنگان سالانه ۲۵۵ میلیون مترمکعب از سرچشمه کارون به زاینده رود منتقل می کند

علی ایرانیپور نماینده مردم مبارکه در پارلمان ایران اعلام کرد که مجمع نمایندگان استان اصفهان در روزهای آینده با معاول اول رئیس جمهور در ارتباط با بررسی وضعیت زاینده رود دیدار می کنند. این نمایندگان قرار است از روحانی بخواهند تا با اجرای طرح بهشت آباد جهت انتقال سالانه یک میلیارد و صد میلیون مترمکعب آب از سرشاخه های کارون در چهارمحال و بختیاری موافقت بعمل آورد.

طرح بهشت آباد برای انتقال آب از چهارمحال و بختیاری به اصفهان شامل طرح بزرگ احداث تونل ۶۵ کیلومتری است که با ظرفیت سالانه یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون مترمکعب، آب را به فلات مرکزی ایران منتقل می کند. طرح بهشت آباد در زمان ریاست جمهوری احمدی نژاد در میان مخالفت کارشناسان، مسئولان، نمایندگان و مهمتر از همه افکار عمومی اقلیم احواز و چهارمحال و بختیاری، در آستانه استیضاح نامجو وزیر نیرو و با فشار مسئولان و نمایندگان استان های مرکز کشور، به ویژه اصفهان، در شورای عالی آب تصویب شد. وزارت نیرو در دولت احمدی نژاد اعلام کرده بود که در هفته دولت سال ۱۳۹۰ طرح بهشت آباد کلنگ زنی می شود.

این در حالی بود که سازمان حفاظت محیط زیست کشور در سال ۱۳۸۶، مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۱۳۸۷ و سازمان مدیریت منابع آب ایران به عنوان متولی آب کشور در تیر ماه سال جاری به این طرح اشکالات فراوانی گرفتند و آن را تایید نکردند. با اجرای طرح بهشت‌آباد آب صنعت و کشاورزی اصفهان، یزد و کرمان تا ۲۰ سال آینده تامین می‌شود این در حالی است که بسیاری از مناطق احواز از کم آبی رنج می‌برند.

این طرح بدون مطالعه همه جانبه مصوب شده، تنها کار کارشناسی آن برشمردن منافع طرح برای استان اصفهان است و به مصارف حوزه‌های پایین دست توجهی نشده‌است. همچنین در پی اعلام خبر کلنگ‌زنی طرح انتقال آب بهشت‌آباد نمایندگان استان چهارمحال و بختیاری نیز در مجلس تحصن کردند. هر چند مردم اقلیم احواز انتظار داشتند که نمایندگان آنها در مجلس هم به جمع نمایندگان چهار محال و بختیاری بپیوندند، اما نمایندگان این اقلیم در اعتراض به این طرح تهدید به استعفای دسته جمعی را مطرح کردند و بهشت‌آباد به صورت موقت، تا بررسی مجدد متوقف شد.

همزمان با روی کار آمدن دولت روحانی نمایندگان استان اصفهان و یزد و کرمان سعی دارند تا به واسطه نفوذ خود در دولت این طرح را به اجرا گذارند. علی ایرانپور اظهار داشته است که تاکنون صحبت‌هایی با رئیس‌جمهور و وزیر نیرو داشته‌اند اما هنوز تاریخ دیدار با رئیس‌جمهور اعلام نشده است.



تونل کوه‌رنگ سالانه ۲۵۵ میلیون مترمکعب از سرچشمه کارون به زاینده رود منتقل می‌کند

شایان ذکر است که استان اصفهان تاکنون با احداث هفت سد و تونل بر سرشاخه‌های رودخانه کارون در چهارمحال و بختیاری موفق شده است بیش از یک میلیارد و صد میلیون آب را به فلات مرکزی ایران منتقل کند. مسئولان استان‌های مرکزی ایران با اعتماد به مرکزگرایی دولت مرکزی و با استفاده ابزاری از اتهام تجزیه طلبی و فشار وارد آوردن بر مسئولان اقلیم احواز توانسته‌اند در راستای سیاست‌های دولت مرکزی و سکوت مسئولان غیرعرب اقلیم احواز میزان سرسام آوری از آب‌های رودخانه کارون را به سود مرکز نشینان فلات فارس صادره کنند.

## مصرف سالانه در حدود سه میلیارد متر مکعب آب توسط طرحهای توسعه نیشکر

انتشار 18 اکتوبر 2013



هفت طرح توسعه نیشکر کشت در اقلیم احواز با کاشت نیشکر در دهها هزار هکتار زمین کشاورزی، سالانه در حدود سه میلیارد مترمکعب آب مصرف می کنند. این میزان آب در حدود ۳۵ درصد آورد سالانه رودخانه کارون است.

در پژوهشی که توسط کشت و صنعت میرزا کوچک خان صورت گرفته است گزارش شده است که به طور متوسط سالانه در هر هکتار در حدود ۳۸ هزار مترمکعب آب به مصرف نیشکر در اقلیم احواز می شود. از طرف دیگر عباس بذرافکن مدیرعامل توسعه نیشکر و صنایع جانبی اعلام کرده بود که سطح زیر کشت نیشکر با افتتاح طرح های فارابی و دهخدا به ۷۰ هزار هکتار رسیده است. برخی دیگر از مسئولان استانی سطح زید کشت را تا ۹۰ هزار هکتار نیز اعلام کرده اند.

محاسبه ای کاملا ساده نشان می دهد که سالانه رقمی معادل دومیلیارد و هفتصد میلیون تا سه میلیارد و چهارصد میلیون متر مکعب آب به مصرف طرح های توسعه نیشکر می رسد.

بر اساس همین پژوهش راندمان استفاده از آب در مزارع نیشکر کمتر از ۶۰ درصد است و مابقی آب یعنی سالانه در حدود یک میلیارد مترمکعب آب هدر می رود.

همچنین بنا تحقیقات کشت و صنعت هفت تپه تولید هریک کیلوگرم شکر، به بیش از ۲۴۲۰ لیتر آب نیاز دارد. این امر نشان می دهد که بهای آب پرداختی برای تولید یک کیلوگرم شکر جای هیچگونه سودی برای این طرح ها نمی گذارد.

ده مجموعه توسعه نیشکر در قالب هفت واحد با نام های کشت و صنعت صنعت فارابی، دعبل خزائی، سلمان فارسی ، امیرکبیر و میرزا کوچک خان در جنوب احواز و کشت و صنعت دهخدا و خمینی در جنوب شوشتر و کشت و صنعت میان آب و السبعه (هفت تپه) و کارون بین شوشتر و سوس با کشت هزاران هکتار نیشکر ضررهای جبران ناپذیری به محیط زیست اقلیم احواز وارد کرده اند.

این طرح های کشت نیشکر سالانه میلیونها مترمکعب پساب خیلی شور وارد رودخانه کارون می کنند. حجم کل سالانه پساب های کشاورزی دومیلیارد و صدویست میلیون متر مکعب است که بیشترین بخش آن مربوط به مزارع نیشکر می شود. این پساب ها به تنهایی حدود ۸۴ درصد حجم پساب های ورودی به کارون را شامل می شود. به علاوه این پساب ها با تخلیه روزانه ۸۵۴۱ تن نمک و املاح معدنی بیشترین سهم و نقش را در افزایش شوری منابع آب کارون به عهده دارد

به عبارتی دیگر حدود ۷۸ درصد نمک و املاح معدنی از کل بار آلودگی معدنی که به رودخانه وارد می گردد توسط زهکش‌های شبکه‌های آبیاری و زهکشی است.

شایان ذکر است که کشت نیشکر ازسوی سازمان های طرفدار محیط زیست بعنوان یکی از عوامل اساسی خشک شدن زمین معرفی شده است.

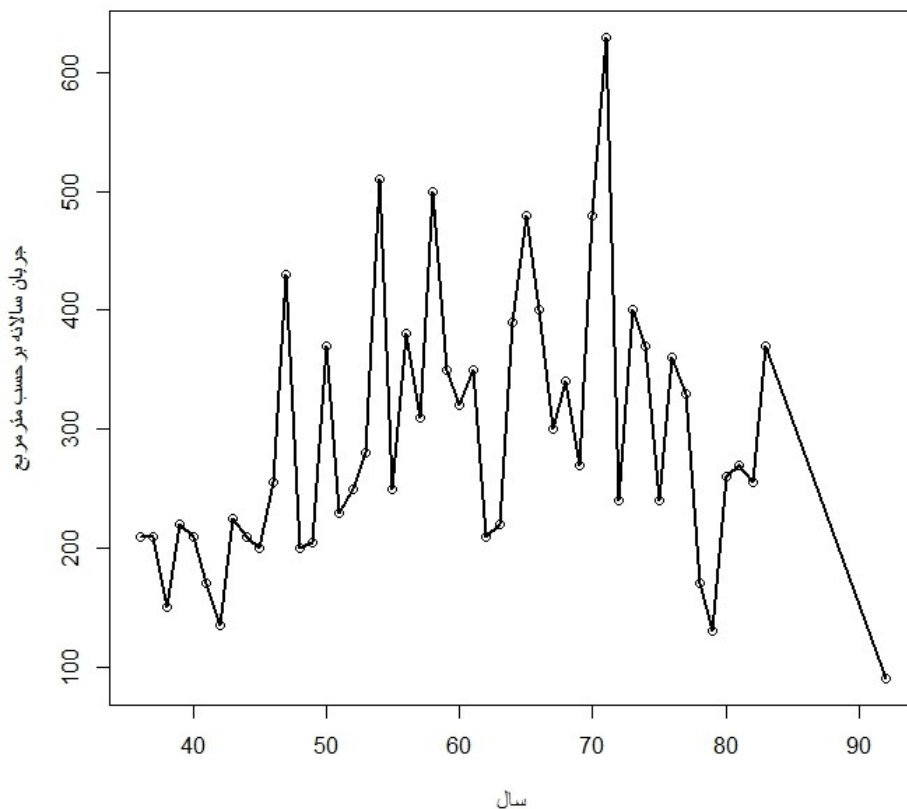
## طبق آمارهای رسمی، انتقال آب کارون سبب آلودگی آب اقلیم احواز شده است

انتشار 17 اکتوبر 2013

پادماز: نمایندگان فلات فارس در شهرهای اصفهان و یزد و سمنان و کرمان با ادعای اینکه آب کارون به خلیج عربی می ریزد و هدر می شود که باید جلوی این کار را گرفت، تاکنون توانسته اند سالانه میلیون ها متر مکعب آب را از سرشاخه های رودخانه های احواز به این فلات منتقل کنند.

برای پاسخ دادن به ادعاهای پوچ این مرکز نشینانی که تنها به واسطه داشتن قدرت و امتیاز حکومت مطلق برملا غیرفارس و نه به هیچ دلیل و منطق دیگر، توانسته اند محیط زیست احواز را نابود کنند و آینده نسل های آتی عرب در این اقلیم را باخطر مواجه سازند به داده های آماری سازمان آب دولت مرکزی ایران می پردازیم.

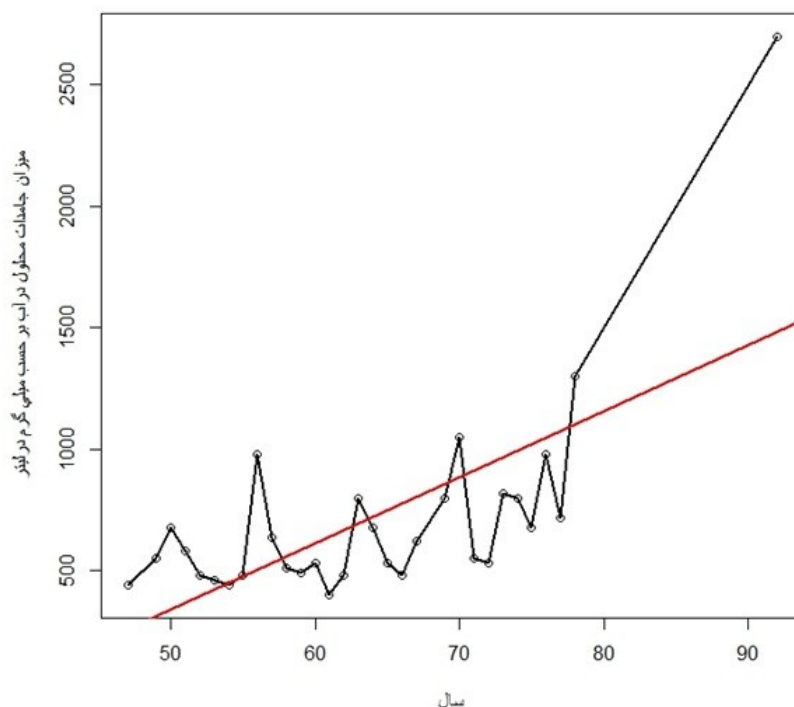
جریان سالانه آب رودخانه کارون



شکل "جریان سالانه آب رودخانه کارون" برحسب داده های آماری رسمی که میزان جریان آب رودخانه کارون از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۸۳ شمسی و همچنین اظهارات مسئولان استانی درباره جریان آب کارون در سال ۱۳۹۲ شمسی تهیه شده است. برحسب اظهارات دلاور نجفی رئیس محیط زیست استان، در سال ۱۳۹۲ دبی (جریان) آب کارون کمتر از ۹۰ مترمکعب درثانیه است که نیمی از آن فاضلاب است. این نمودار نشان می دهد که از آغاز دهه شصت شمسی جریان سالانه آب کارون همواره درحال کاهش بوده است تا اینکه در سال ۱۳۹۲ به حدود ۵۰ مترمکعب درثانیه رسیده است.

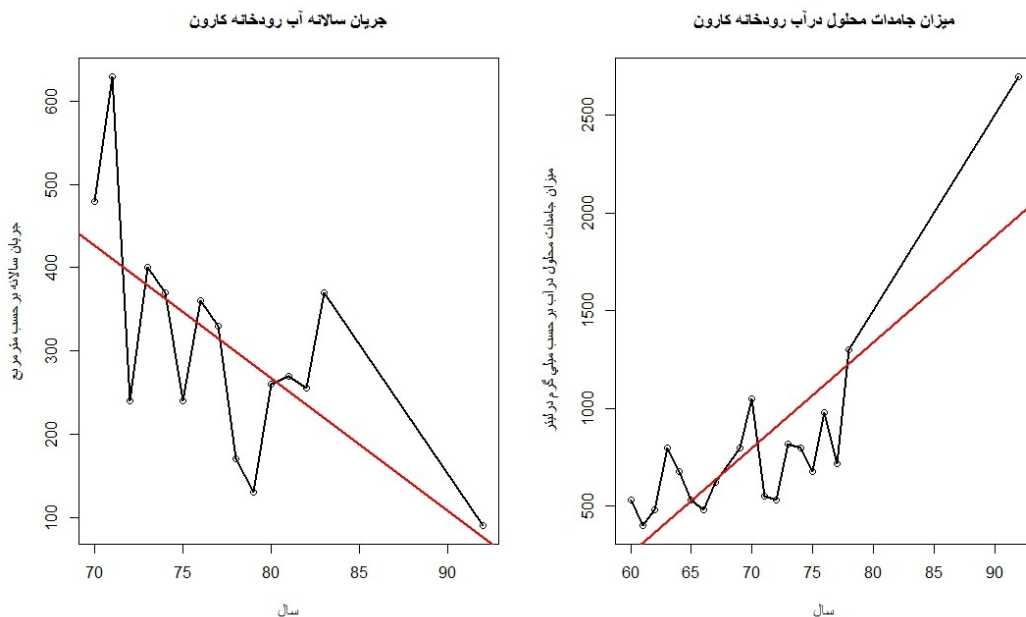
درهمین راستا شاخص میزان جامدات محلول در آب (TDS) که خود نشان دهنده میزان مواد آلاینده موجود در آب است برای بررسی آلودگی رودخانه کارون نمایش داده می شود. شکل "میزان جامدات محلول در آب رودخانه کارون" برحسب داده های آماری رسمی از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۷۸ شمسی و همچنین اظهارات مسئولان استانی درباره میزان این شاخص در سال ۱۳۹۲ تهیه شده است.

میزان جامدات محلول در آب رودخانه کارون



این شکل نیز نشان می دهد که میزان جامدات محلول در آب کارون از آغاز دهه شصت شمسی همواره درحال افزایش بوده است. برای آنکه نگاهی دقیق تر به دهه شصت شمسی داشته باشیم نمودارهای فوق را به دهه شصت محدود کرده و در نمودار آتی نشان می دهیم.





دو شکل فوق تغییرات جریان آب کارون و میزان جامدات محلول در آب این رودخانه را درکنار هم نشان می دهند. این دو شکل پاسخی خیلی دقیق به نمایندگان فلات فارس می دهند. همزمان با افزایش میزان برداشت آب از سرشاخه های رودخانه کارون و افزایش سدسازی همواره جریان آب رودخانه کارون کاهش یافته و به موازات آن همواره میزان جامدات محلول در آب کارون (آلاینده های خطرناک) افزایش یافته است.

به این ترتیب میزان جامدات محلول در آب به شدت بالا می رود. بعنوان مثال و بر اساس دیگر داده های خود نظام جمهوری اسلامی که شامل سال ۱۳۹۰ شمسی می شود، شاخص میزان جامدات محلول در آب در شهر شوشتر حدود ۸۰۰ میلی گرم در لیتر و در احواز حدود ۲۱۰۰ میلی گرم در لیتر و در محمره و عبادان بالای ۴۸۰۰ میلی گرم در لیتر است. به عبارتی هر قدر آبها به سمت جنوب اقلیم احواز پیش می روند، میزان جامدات محلول در آنها به شکل فزاینده ای بالا می رود. استانداردهای جهانی آب با شاخص جامدات محلول بالای ۱۲۰۰ میلی گرم در لیتر را غیر قابل شرب می دانند. در این میان شاخص جامدات محلول در آب دیگر شهرهای ایران کمتر از ۵۰۰ میلی گرم در لیتر است.

با این وجود مسؤولان محلی در احواز آب دارای میزان جامدات محلول بالای ۱۵۰۰ میلی گرم در لیتر را به عنوان حد مجاز اعلام کرده اند. مؤسسات بین المللی فعال در زمینه محیط زیست و سازمان جهانی بهداشت میزان ۱۵۰۰ میلی گرم در لیتر را به عنوان حد مجاز برای کشاورزی می دانند.

به هر حال بالا رفتن شوری آب برای زمینهای کشاورزی نیز بسیار خطرناک است و ادامه آبیاری زمینهای کشاورزی به شیوه سنتی به دلیل بالا بودن نسبت جامدات محلول در آب در مدتی نه چندان دراز سبب مرگ زمینهای کشاورزی خواهد

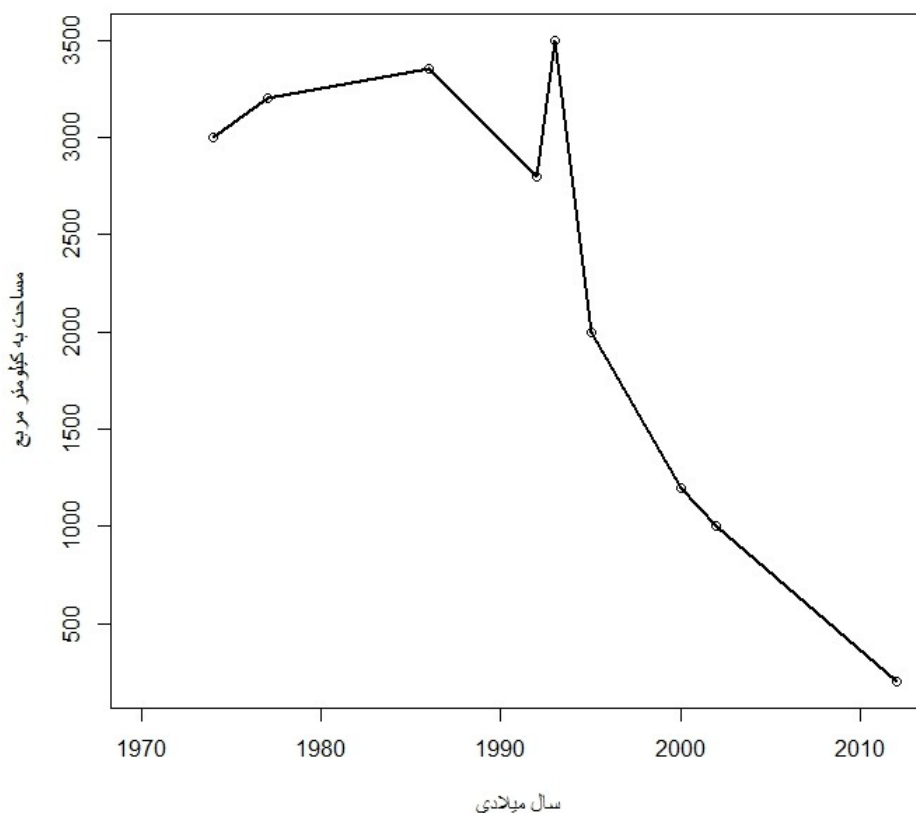


شد. این امر یکی دیگر از نتایج چپاولگری مرکز نشینان را نشان می دهد که آینده نسل های آتی عربهای احواز را با خطری جدی تهدید می کند.

البته به هیچ وجه نباید ورود پسابهای طرح های توسعه نیشکر که تی دی اس بالای ۱۰ هزار میلی گرم در لیتر دارند و همچنین ورود سالانه بیش از ۲۰۰ میلیون متر مربع فاضلاب به رودخانه کارون درآلوده ساختن آن نادیده گرفت. اما در هر حال کاهش میزان جریان آب رودخانه در واحد ثانیه سبب شده است تا رودخانه قدرت پالایندگی خود را از دست دهد و نتواند آلودگی های سنگین در بستر خود را به خلیج عربی بریزد.

از دیگر تبعات وخیم انتقال آب رودخانه کارون به فلات مرکزی و سدسازی بی رویه نابود شدن اکوسیستم های مهم اقلیم احواز است. هور (تالاب) العظیم یکی از مهمترین تالاب های خاورمیانه است که نقشی اساسی در پالایش هوای منطقه دارد. تبخیر زیاد آب از سطح این تالاب سبب شده تا سدی مانع در برابر ورود طوفانهای شنی به اقلیم احواز و غرب کشور باشد. داده های آماری رسمی در پژوهشی که دانشگاه فردوسی مشهد انجام داده است نشان می دهد که سطح هور العظیم همواره در حال کاهش است.

مساحت هور العظیم بر حسب کیلومتر مربع



این شکل نشان می دهد که باکاهش آب ورودی به هور العظیم، مساحت این هور از سال ۹۰ میلادی به این سو پیوسته درحال کاهش بوده است. البته هور العظیم از رودخانه کرخه آبیاری می شود درحالی که این رودخانه درسالهای اخیر به دلیل ساخته شدن سد هایی بزرگ در مسیر آن به شکل کامل خشک شده است. هور العظیم درحال حاضر به واسطه پساب های خیلی شود توسعه نیشکر آبیاری می شود و حیات وحش آن درحال نابود شدن است.

منحرف ساختن آب کارون به سمت فلات مرکزی فارس و ساخت دهها سد بر روی رودخانه های اقلیم احواز در استان های مجاور تبعات وخیمی برای محیط زیست این اقلیم و به تبع آن مردم عرب به همراه داشته است. از جمله این تبعات می توان افزایش شوری و آلودگی آب رودخانه و آب شرب مردم و شور شدن زمین های کشاورزی، خشک شدن رودخانه های کرخه و جراحی و کارون، خشک شدن هور العظیم و نیمه خشک شدن هور فلاحیه و هجوم طوفان های شن به سمت احواز و شیوع انواع بیماری های روده ای و کلیوی و تنفسی، مرگ حیواناتی نظیر آهوها و ماهی ها و مهاجرت انواع پرند ها از تالاب ها، ممنوعیت کشاورزان عرب از برداشت آب توسط مسئولان نظامی توسعه نیشکر، ورود آب شور خلیج عربی به شط العرب و مرگ هزاران نخل، مهجور شدن بیش از ۴۰ روستا در اطراف هور العظیم و افزایش نسبت حاشیه نشینی در احواز مواردی هستند که در نتیجه طرح های ضد انسانی ممنوعیت ورود آب به اقلیم احواز از سوی دولت مرکزی ایران برای این اقلیم به ارمان آورده است.

تدوین و بررسی: جنبش ملی دموکراتیک عرب الاحواز

ملاحظه:

تی دی اس آب:

Total Dissolved Solids = TDS

منظور از تی دی اس کل مواد جامد محلول در آب است که برابر مجموع غلظت همه یونهای موجود در آب می باشد. مواد محلول در آب ممکن است از نظر ماهیت « آلی » یا « معدنی » باشند. مواد غیر آلی ( معدنی ) حل شده در آب شامل : مواد معدنی ، فلزات و گازها می باشند. بعضی از مواد آلی به صورت ذرات کلوییدی هستند اما بیشتر مواد آلی به صورت محلول هستند. آلاینده های آلی ممکن است باعث بو ، رنگ و طعم نامطبوع آب شوند. مواد حاصل از تجزیه گیاهان ، مواد شیمیایی آلی و گازهای آلی ، اجزای آلی محلول در آب را تشکیل می دهند. بسیاری از مواد حل شده در آب نامطلوب هستند. مواد معدنی، گازها و مواد آلی حل شده در آب ممکن است موجب بروز رنگ ، طعم و بوی نامطلوب شوند. برخی از ترکیبات شیمیایی ممکن است سمی باشند و برخی از اجزای آلی محلول به اثبات رسیده است که سرطانزا هستند. البته باید توجه داشت که تمامی مواد محلول در آب نامطلوب نیستند. اما میزان مواد محلول مطلوب در آب بسیار اندک است.

واحد سنجش TDS ، میلی گرم در لیتر Mg/l می باشد که از آن با اصطلاح PPM یاد می کنند.

## آلودگی شدید آب اقلیم احواز در پی آغاز بکار سدها و طرحهای نیشکر

انتشار 30 دسامبر 2013



داده های سازمان آب و برق اقلیم احواز نشان می دهد که از سال های ۱۳۴۶ تاکنون متوسط سالیانه شوری آب (EC میکروموس بر سانتیمتر) در رودخانه کارون افزایش یافته و همزمان میزان دبی آب (حجم مترمکعب آب که در یک ثانیه از یک محل عبور می کند) کاهش یافته است. در سال ۱۳۴۶ شمسی میزان شوری آب در ایستگاه احواز ۱۸۰۰ میکروموس در سانتیمتر بوده در حالی اکنون شوری آب در احواز از ۴۰۰۰ میکروموس نیز فراتر رفته است. همزمان میزان دبی آب استگاه احواز از ۵۰۰ مترمکعب بر ثانیه به حدود ۵۰ مترمکعب در ثانیه کاهش یافته است.

بررسی تاریخی نشان می دهد که در دوره پیش از اواسط دهه شصت شمسی، طرح های توسعه نیشکر هفت تپه (سال) و پس از آن در دهه پنجاه و شصت شمسی طرح نیشکر کارون تاسیس شده و همچنین دو سد دز و کارون ۱ ساخته شدند. در دوره دوم سال (۱۳۶۴ شمسی تاکنون) شمار سدها بر روی حوزه های آبریز غرب کشور به دهها سد رسیده و شمار طرح های نیشکر به ده طرح و با مساحت بیش از ۲۵۰ هزار هکتار رسیده است.

در پژوهشی با عنوان "کارون و مسائل اجتماعی و بیست محیطی آن" میزان شوری آب در دو برهه زمانی ۱۳۴۶ - ۱۳۷۷ شمسی و ۱۳۷۷ - ۱۳۸۰ شمسی با هم مقایسه شده است.

جدول شماره یک. درجه شوری (EC) رودخانه کارون در ایستگاه اهواز قبل و در زمان دوره خشکسالی

ماه	اهواز (۱۳۷۷-۱۳۸۰)	اهواز (۱۳۴۶-۱۳۷۷)
فروردین	۲۳۶۶	۱۰۶۵
اردیبهشت	۲۳۶۰	۸۶۸
خرداد	۲۵۴۲	۹۲۶
تیر	۲۲۷۱	۱۲۳۸
مرداد	۲۲۷۳	۱۳۳۸
شهریور	۲۵۸۰	۱۴۳۱
مهر	۲۲۷۳	۱۴۶۱
آبان	۲۰۷۲	۱۴۲۱
آذر	۱۹۶۶	۱۳۶۹
دی	۲۰۴۴	۱۳۶۰
بهمن	۲۰۰۴	۱۳۰۰
اسفند	۱۵۴۳	۱۳۱۸
متوسط	۲۱۹۱	۱۲۵۸

منبع: مطالعات کیفیت و آلودگی رودخانه کارون و دز - سازمان آب و برق خوزستان - جدول شماره ۱ و ۲

باید ذکر کرد که میزان شوری آب در پایین دست کارون در محل محمره و عبادان به حدود ۵۰۰۰ میکروموس در سانتیمتر مکعب نیز می رسد.

علاوه بر افزایش میزان شوری رودخانه کارون، میزان فلزات سنگین مانند جیوه، نیترات، سرب، کادمیم و غیره نیز در مقاطع مختلف رودخانه هشدار دهنده است. اگر غلظت این فلزات از یک حداقل تجاوز کند برای اشکال مختلف حیات، ماده ای سمی محسوب می شوند. این فلزات به سادگی به زنجیره غذایی مصرف کننده انتقال می یابد و دریافت های چربی ذخیره می شود.

براساس داده های سازمان آب و برق استان در سال ۱۳۸۰ شمسی مقدار سرب بعد از شهر احواز دو ونیم برابر حد مجاز است و مقدار جیوه در ایستگاه قبل از احواز (بند قیر - شطیط) تا صابونسازی محمره ۳ برابر حد مجاز بوده است. مقدار کادمیم در فاصله احواز تا محمره بیش از حد مجاز بوده و میزان کروم در ایستگاههای بند میزان - گرگر بیش از حد مجاز بوده است که خود ناشی از پساب کارخانه شوینده بوژنه و فاضلاب شهری شوشتر می باشد.

مقدار آهن نیز در ۱۶ ایستگاه دوونیم برابر حد مجاز است که حاصل پساب های صنعتی نظیر نورد لوله احواز، گروه ملی فولاد، پتروشیمی، نیروگاه، زهکشهای نیشکر و.. است.

براساس گزارش سازمان محیط زیست احواز درآبان ۱۳۸۱، آب شرب شهرهای پایین دست کارون از کیفیت نامطلوبی برخوردار است. میزان TDS (کنورت مواد محلول در آب طبیعی) دراحواز ۳ برابر ودرمحمره ۴ برابر حد مجاز بوده است. مقدار BOD (مواد آلی قابل تجزیه بیولوژیکی) دراحواز ومحمره بیش از دوبرابر حدمجاز بوده ومیزان COD (مواد آلی غیرقابل تجزیه بیولوژیکی) دراحواز ومحمره بیش از سه برابر حدمجاز ومیزان EC (شوری آب) دراحواز ومحمره بیش از دوبرابر حد مجاز بوده وسختی آب دراحواز ومحمره یک ونیم برابر حد مجاز می باشد.

جدول شماره دو. کیفیت آب شرب کارون درآبان ۸۱ (واحد میکروگرم در لیتر)

کیفیت آب شرب	حداکثر مطلوب	حداکثر مجاز	بالادست کارون (شوشتر)	احواز	پائین دست کارون (خرمشهر)
TDS	۵۰۰	۵۰۰	۹۶۰	۱۶۲۰	۲۲۴۰
BOD	کمتر از ۳	کمتر از ۳	۲/۵-۳/۵	۴-۶/۵	۳/۷-۶/۲
COD	۲-۱۰	۲-۱۰	۸-۱۲	۱۰-۳۵	۱۲-۳۵
EC	۷۷۰	۲۵۰۰	۱۴۰۰	۲۵۰۰	۳۵۰۰
سختی کل	۱۵۰	۵۰۰	۲۴۶	۵۲۶	۶۳۶

منبع: بررسی آلودگی رودخانه های کارون و دز در استان خوزستان-سازمان حفاظت محیط خوزستان

منبع: پژوهش "کارون ومسائل اجتماعی وزیست محیطی آن"، نویسنده: طیبیه موسوی

## سلامتی مردم احواز در خطر است

انتشار 26 مه 2013

مردم احواز که سال‌هاست برای نوشیدن یک لیوان آب سالم، مجبورند آن را از فروشندگان دوره گرد بخرند مدت‌هاست با یک معضل جدید به خصوص در مناطق حاشیه‌ای مواجه شده‌اند به گونه‌ای که در برخی مناطق آب گل آلود، متعفن یا با بوی تند کلر از لوله‌های آنها جاری می‌شود.

مردم احواز حدود ۱۰ سال است که به علت کیفیت پائین آب لوله کشی یا همان آشامیدنی مجبورند آب آشامیدنی خود را از فروشندگان دوره گرد و البته برخی دیگر با استفاده از دستگاه تصفیه آب خانگی تامین کنند و این امر باعث شده شرایط برای مردم احواز و سایر شهرهای همجوار سخت شود.

دیدن مردان و زنانی که بشکه‌های ۲۰ لیتری آب را در شهر جابجا می‌کنند تا بتوانند آب آشامیدنی و خوردنی خانواده خود را تامین کنند واقعا از صحنه‌های تأثیرانگیز زندگی روزانه در احواز به شمار می‌رود که با گذشت این همه سال مسئولان نتوانسته‌اند فکری برای حل این مشکل بکنند.

البته طرح عظیم آبرسانی غدیر که قرار بود مشکل بی‌کیفیتی آب در شهرهای استان را حل کند، هم اکنون در دست اجراست ولی با وجود اینکه این طرح در شهرهای عبادان و محمره افتتاح شده ولی هم اکنون مردم این دو شهر هنوز به سنت قدیمی خرید آب خود ادامه می‌دهند و به نظر می‌رسد مشکل کیفیت پائین آب در احواز نیز با اجرای این طرح که برای اصلاح کیفیت آب این شهر نیز پیش‌بینی شده نمی‌تواند علاج کار باشد.

طرح بزرگ آبرسانی غدیر به طول ۸۵۰ کیلومتر و با هدف آبرسانی به ۲۵ شهر و یک هزار و ۶۰۸ روستای استان در حال اجرا است، هم اکنون ۱۰۰ درصد آب محمره و ۶۰ درصد آب مصرفی شهرستان عبادان را تامین می‌کند.

اما این روزها در احواز علاوه بر اینکه آب لوله کشی قابل شرب نیست احوازی‌ها با مشکلات دیگری نیز مواجه شده‌اند و این امر به خصوص در مناطق محروم این شهر مثل کوت عبدالله بیشتر به چشم می‌خورد که باعث نگرانی بیش از پیش مردم شده و کام اهالی را تلخ کرده است.

ماجرا از این قرار است که مردم وقتی لوله آب را باز می‌کنند با آبی گل‌آلود و بعضا متعفن با بوی فاضلاب مواجه می‌شوند که نه تنها قابل شرب نیست که قابل مصرف نیست و مردم حتی برای وضو گرفتن در این ماه زیبای خدا با اشکال شرعی مواجه شده‌اند و به نظر می‌رسد این آب پاکیزه نیست.

رحیم سعیدی یکی از اهالی مناطق کوت عبدالله احواز در این خصوص می‌گوید: روز جمعه که قصد داشتیم فرزند سه ماهه‌ام را استحمام کنم ناگهان با صحنه‌ای عجیب روبرو شدم زیرا آبی که از لوله خارج می‌شد آنقدر گل آلود بود که انگار چند کیلو خاک را با آن قاطی کرده‌اند. ابتدا فکر کردم که ظرف کثیف است ولی با چند بار خالی کردن آن نیز این مشکل حل نشد.

وی افزود: واقعا این امر پذیرفتنی است که اینگونه سلامت مردم احواز تهدید شود ولی مسئولان از رفع این مشکل عاجز باشند؟

سعیدی تصریح کرد: باید برای چنین آبی، پول‌های هنگفت پرداخت کنیم یا اینکه باید مسئولان جریمه و حق درمان به ما پرداخت کنند برای اینکه اینگونه مدتهاست با سلامتی ما بازی می‌کنند؟

این شهروند احواز عنوان کرد: سالهاست که برای مصرف خوراکی، آب می‌خریم ولی اکنون مجبور هستیم که حتی برای استحمام هم آب خود را خریداری کنیم در حالیکه خانه ما چند قدم با رودخانه کارون فاصله دارد.

چندی قبل نیز یکی از شهروندان در تماسی با بیان اینکه در منطقه کوت عبدالله در برخی موارد با بوی لجن آب لوله‌کشی مواجه می‌شویم، گفت: این اتفاق بارها و بارها تکرار شده و مسئولان قادر به حل آن نیستند.

عادل حزباوی با اشاره به اینکه این روزها مجبور هستیم حتی برای وضو، درست کردن غذا و شستن دست و صورت در برخی مواقع روز هم از آب تصفیه شده استفاده کنیم، تاکید کرد: همانگونه که می‌بینید مردم ساکن در منطقه ما از تمکن مالی چندانی برخوردار نیستند و این روزها افزایش خرید آب تصفیه شده که هر بشکه ۲۰ لیتری آن ۳۰۰ تومان به فروش می‌رسد برای خانواده‌ها مشکل ساز شده است.

وی تاکید کرد: به نظر می‌رسد وضو گرفتن با این آب نیز از لحاظ شرعی با مشکلاتی مواجه است که در این خصوص لازم علما تکلیف مشکل را با این آب با صدور فتوا مشخص کنند.

نماینده مردم احواز نیز در این خصوص با تائید وضع پیش آمده برای آب مصرفی بخشی از مردم احواز که گل آلود است یا بوی آب آنها مشمئز کننده شده و بوی فاضلاب می‌دهد به خبرنگار مهر گفت: این روزها تماس‌های فراوانی با دفتر من در احواز انجام می‌شود که مردم خواستار رسیدگی به وضع آب لوله‌کشی در مناطق خود هستند.

سید شریف حسینی افزود: این امر واقعیت دارد که این روزها مردم بخشی از احواز به خصوص مناطق مسیر کوت عبدالله در برخی از مواقع روز با آبی مواجه می‌شوند که نه تنها قابل مصرف نیست که برای شستن دست و صورت نیز مناسب نیست و مسئولان باید فکری برای حل این مشکل بکنند.

حسینی ادامه داد: متأسفانه دو حوضچه تصفیه خانه آب کوت عبدالله احواز خاکی و سنتی است و این امر باعث می‌شود کیفیت کار تصفیه آب کاهش پیدا کند ولی مسئولان آبفای احواز در حال تعمیر و بازسازی این حوضچه‌ها هستند.

در مدت اخیر در حوزه آب شهرستان احواز اتفاقات دیگری هم رخ داد. برای نمونه آب چند منطقه احواز برای چند روز قطع شد و در برخی مناطق کلر موجود در آب آنقدر زیاد می‌شد که آب غیر قابل مصرف می‌شد.

نماینده احواز در این خصوص نیز می‌گوید: متأسفانه از این موضوع که آب در برخی مناطق قطع شده آگاه هستیم ولی این امر را نمی‌توان به سهمیه‌بندی آب نسبت داد بلکه این امر به علت بروز اشکال فنی بوده ولی انتظار از مسئولان آب احواز این است که در این شرایط سخت گرما و در آستانه ماه روزه‌داری این اشکالات برای مردم به وجود نیاید.

حسینی تصریح کرد: به نظر می‌رسد شبکه انتقال آب احواز در برخی مناطق این شهر فرسوده است و نیاز به تعمیر اساسی دارد.

اما جای این سؤال باقی است؛ مسئولانی که یک شبه موافقت دولت برای شهرستان کوت عبدالله با نام “کارون” را گرفته‌اند کاش کمی برای حل این معضل چندین ساله مردم احواز همت به خرج می‌دادند و مردم را از این مشکل که سلامتیشان را تهدید می‌کند رها می‌کردند.

به نقل از خبرگزاری مهر

نام‌های جعلی در متن خبر توسط پادماز تصحیح شد.



## تا دیر نشده است دریچه سدها را باز کنید!

انتشار 27 نوامبر 2013

آسمان دیگر برای مردم احواز رحمت نمی بارد. این بارش نغمت است. مردم احواز آب حیات نه، بلکه آب ممت می خورند. ریزگردهای احواز حاوی مواد شیمیایی و اورانیوم ضعیف شده هستند. اینها سخنان یک مدافع حقوق ملت عرب احواز نیست بلکه سخنان نماینده شهر صالحیه و دیگر نماینده عضو کمیسیون بهداشت و درمان پارلمان دولت مرکزی ایران است.

آسمان احواز در ماه گذشته دوبار بارید اما ۲۰ هزار احوازی روانه بیمارستان ها شدند. با این وجود مسئولان استانی همچنان ساکت مانده اند و به صراحت علت این فاجعه بزرگ زیست محیطی و انسانی را اعلام نمی کنند.

سکوت مسئولان غیربومی اقلیم احواز علل زیادی دارد. فاجعه کنونی احواز هرچه هست نتیجه حتمی و طبیعی سیاست های استراتژیک دولت مرکزی ایران در به اسارت کشیدن رودخانه ها و تالاب های احواز و عراق است.

رهبر جمهوری اسلامی در ابلاغیه اش به دولت در سال ۱۳۸۲ از آنها خواسته است تانقش امنیتی آب را در برداشت از این ثروت طبیعی به شدت مورد توجه قرار دهد.

دهها سد بر روی رودخانه های کردستان و کرمانشان و عیلام و احواز در سه دهه اخیر ساخته شده است. نوار مرزی ایران و عراق به شکل کامل خشکانده شده و روستاییان کرد و عرب مجبور به مهاجرت شده اند. با این نیرنگ نواری مرزی ایران و عراق به منطقه شبه نظامی تبدیل شده است.

ایران بطور مستقیم با خشک کردن رودخانه های غرب کشور و خشک کردن حوزه آبریز دجله مسئول اصلی خشک شدن تالاب حویزه و تالاب های میانی عراق و نیمه خشک شدن تالاب فلاحیه است. هور حویزه از مساحت ۳۵۰۰ کیلومتر مربع در سال ۱۹۷۹ اکنون به کمتر از ۵۰۰ کیلومتر مربع رسیده است.

ایران به کمک رسانه های مرکزگرا و نژادگرا که حتی با محیط زیست عربها هم مشکل دارند صدام را مقصر معرفی می کند. این در حالی است که مسئولان عراق شیعه که خوداز پیروان رهبر مذهبی ایران خامنه ای هستند دم از خشک شدن عراق به دست ایران و ترکیه و سوریه می زنند.

مرکزگراهای نژادگرا نمی خواهند بپذیرند که بحران زیست محیطی مرزهای سیاسی نمی شناسد. مرکزگراهای حفاظت شده بواسطه کوههای مرتفع زاگرس تنها آموخته اند که به واسطه عوامفریبی و دروغ پردازی طوفان شن را ریزگردهای عربی بنامند و مسئولیت سیاست های ضد بشری شان را به دیگران بیندازند.

این ضدبشرهای مرکزگرا آب مایه حیات انسان را در دریاچه پشت سدها حبس کرده و دم از خشکسالی می زنند. اینان جان هزاران احوازی که سالانه در اثر آلودگی محیط زیست جان خود را از دست می دهند را با پول حاصل از تولید برق معاوضه می کنند.

در یک ماه اخیر ودرپی روانه شدن ۲۰ هزار احوازی به بیمارستان‌ها مسئولان استانی چندین مورد رابه عنوان علت این فاجعه معرفی کرده اند. سوختن نیشکر، سوختن زباله‌ها، سوختن لاستیک کارخانه لاستیک ساز، سپر یونی آزمایشی برای حفاظت عزیزان تهرانی!، باران اسیدی و باران میکروبی و اخیرا آلودگی ریزگردها به اورانیوم ضعیف شده همگی علی هستند که از زبان عوامفریبان غیربومی حاکم بر احواز گفته شده است.

فاجعه زیست محیطی احواز خیلی وسیع است. آب و خاک و هوا به شدت آلوده شده اند و زنگ خطر فاجعه ای انسانی بزرگی شنیده می شود.

بر اساس گزارش رسمی سازمان آب و برق استان در سال ۱۳۸۰ شمسی، آب کارون در حفاصل احواز - محمره دارای دوونیم برابر حدمجاز سرب، سه برابر حد مجاز جیوه، دوونیم برابر حدمجاز آهن، شوری آب بیش از دو برابر حد مجاز، مقدار مواد آلی قابل تجزیه بیولوژیکی بیش از دوبرابر حدمجاز و میزان مواد آلی غیرقابل تجزیه بیولوژیکی بیش از سه برابر حدمجاز و میزان شوری آب بیش از دوبرابر حد مجاز بوده و سختی آب یک ونیم برابر حد مجاز و میزان جامدات محلول در آب بیش از چهار برابر حدمجاز می باشد.

با وجود اینکه وضعیت کنونی آب احواز به مراتب وخیم تر است اما مسئولان دولت مرکزی حکم بر انتقال آب کارون داده اند. این امر نشان می دهد که ادعای مسئولان درباره خشکسالی به هیچ وجه صحت ندارد، چرا که آب به اندازه کافی برای انتقال به فلات مرکزی وجود دارد.

سدهای واقع در استانهای شمالی احواز سیاست مرز آبی مورد تأیید دولت مرکزی را پیاده سازی می کنند. از این سدها سالانه کمتر از ۴ میلیارد مترمکعب آب در بستر رودخانه های احواز جاری می شود که بیش از سه میلیارد مترمکعب آن اختصاص به توسعه نیشکر دارد. تا دیر نشده است مسئولان دولت مرکزی ایران باید دریچه های سدها را باز کرده و بازنگه دارند تا تالاب های حویزه و فلاحیه آبیگری شوند و به مساحت اصلی خود برسند.

زمانی می توان ادعا کرد که آب مازاد در بستر رودخانه های اقلیم احواز وجود دارد که هور حویزه به مساحت ۳۵۰۰ کیلومتر مربع و هور فلاحیه به مساحت ۴۰۰۰ کیلومتر مربع رسیده و شوری و کدورت آب در جنوبی ترین نقاط اقلیم احواز در حد استاندار تعیین شده برای تهران باشند.

در غیر اینصورت هرگونه اقدام دولت مرکزی ایران در برداشت از آبهای مشترک حوزه آبریز غرب کشور اقدامی است همراه باتبعات مستقیم انسانی. هر انسان احوازی که در اثر آلودگی هوا ویا ابتلا به سرطان و بیماری قلبی و عروقی جان خود از دست بدهد، توسط سیاست های پاکسازی نژادی دولت مرکزی ایران به قتل رسیده است.

هیئت تحریریه پادماز

## روز جهانی آب و مناطق عرب نشین در ایران

انتشار 22 مارس 2013



سایت رادیو زمانه: سازمان ملل متحد، روز ۲۲ مارس را به عنوان روز جهانی آب نامگذاری کرده است.

این روز جهانی، ۲۱ سال پیش برای نخستین بار در کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل در کشور برزیل تصویب و از سال ۱۹۹۳ میلادی اجرا شد. در سال‌های اخیر، سازمان ملل بارها نسبت به کمبود آب در جهان هشدار داده و دسترسی به آب آشامیدنی پاکیزه را به عنوان یک حق به رسمیت شناخته است.

این سازمان تخمین زده تا سال ۲۰۳۰ پنج میلیارد انسان درگیر کمبود آب می‌شوند. طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، سالانه در سراسر دنیا پنج میلیون نفر و در هر روز پنج هزار کودک جان خود را بر اثر استفاده از آب‌های آلوده از دست می‌دهند. به نظر می‌رسد ایران هم بخشی از این مرگ و میر را به خود اختصاص داده باشد. چون سال‌هاست بسیاری از شهرهای جنوب غربی ایران و به‌ویژه مناطق عرب‌نشین با مشکل آب آشامیدنی پاکیزه روبه‌رو هستند. به باور برخی از کارشناسان عدم دسترسی به آب آشامیدنی بزرگترین نقض حقوق بشر در جهان است.

### ماندگاری معضل آب

اگرچه مناطق عرب نشین دارای رودخانه‌های پرآبی مانند کارون، کرخه و دز است، اما مردم این منطقه از آب شرب لوله‌کشی محروم هستند و برای تهیه آب آشامیدنی ناچارند سراغ آب فروشی‌ها یا فروشندگان دوره‌گرد بروند. با وجود وعده‌های مسئولان دولتی این معضل در بسیاری از شهرهای عرب نشین باقی مانده است.

سید شریف حسینی، نماینده احواز در دی ماه سال ۹۱ در مجلس گفت: «من صدای مردمی هستم که وعده‌های سیاسیون، رخسار زیبایی آن‌ها را پریشان کرده است... آیا شما حاضرید تنها یک جرعه از آب آشامیدنی احواز را بنوشید؟ آیا وزیران شما حاضرند در مناطق عرب نشین که هیچ امکاناتی ندارند، برای لحظه‌ای زندگی کنند.»

به گزارش روزنامه بهار، آلودگی آب در احواز به قدری بوده که پنج سال پیش کامران باقری لنگرانی، وزیر بهداشت دولت نهم، در مراسم روز دانشجو حاضر به چشیدن آب احواز نبود و گفت: «قبول داریم کیفیت آب احواز پایین است، گزارش آن را داده‌ایم و در این خصوص با وزارت نیرو نیز صحبت‌هایی شده است.»

این اولین و آخرین وعده مسئولان دولتی برای پیگیری و حل مشکل آب آشامیدنی در احواز نبود. به گزارش رسانه‌های ایران، محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران در آذرماه سال ۸۷، خرداد ۸۸ و مهرماه ۸۹ از پروژه آب رسانی به اقلیم احواز سخن گفت و طرح «آبرسانی غدیر» در اقلیم احواز را افتتاح کرد.

به گزارش سایت کلمه، اگرچه طرح آبرسانی غدیر بخشی از مشکلات شهروندان اقلیم را حل کرد، اما در فصل تابستان این معضل بیشتر خود را نشان می‌دهد و آب لوله‌کشی به‌ویژه در احواز قابل نوشیدن نیست.

گفته می‌شود، طرح غدیر به طول ۸۵۰ کیلومتر و با هدف آبرسانی به ۲۵ شهر و یک هزار و ۶۰۸ روستای اقلیم احواز در حال اجراست.

تاکنون چندین بار نماینده احواز در مجلس از وضعیت آب آشامیدنی در این شهر انتقاد کرده و گفته است: «مشکل این است که قول‌ها و وعده‌ها چندین برابر عمل است. دیگر زمان کلی‌گویی گذشته است.»

### آب متعفن

براساس گزارش‌ها، آلودگی آب در اکثر شهرهای اقلیم احواز به قدری است که مردم به این باور رسیده اند که برای وضو گرفتن هم نمی‌شود از آن استفاده کرد. همچنین به گزارش خبرگزاری محیط زیست (ایرن)، یک کارشناس آلمانی، مصرف آب احواز برای حیوانات را هم خطرناک دانسته است.

این کارشناس آلمانی گفته، آلودگی آب احواز به حدی است که مصرف گوشت حیواناتی هم که از این آب نوشیده باشند ممکن است خطراتی برای انسان در پی داشته باشد.

ابراهیم عربی، فعال حقوق بشر عرب پیشتر به زمانه گفته بود: «مردم محمره (خرم شهر)، عبادان و احواز مشکل آب آشامیدنی دارند تا جایی که در سال ۱۹۸۹-۱۹۸۸ منجر به تظاهرات مردم شد. رودخانه زیبای کارون که در آن کشتیرانی می‌شد هم اکنون خشک شده... فاضلاب صنایع به این رودخانه می‌ریزد و به همین دلیل مردم آب آشامیدنی ندارند.»

خبرگزاری ایسنا در آذرماه سال ۹۱ در گزارشی نوشته بود: «این روزها آب آشامیدنی و لوله‌کشی بسیاری از مناطق کلانشهر احواز به دلیل بارندگی گل‌آلود شده است و دیگر استانداردهای لازم را برای آشامیدن ندارد؛ تاحدی که بوی تعفن فاضلاب می‌دهد.»

در چنین شرایطی به نظر می‌رسد زمینه ابتلا به بیماری‌های خطرناک مانند وبا بیشتر شود. به همین خاطر مدیر عامل شرکت آبفا از تشدید کنترل آب آشامیدنی خبر داده بود. محمدعلی صنیعی‌نژاد گفته بود: «به منظور پایداری کیفی آب آشامیدنی در شرایط ویژه با توجه به شروع پیک دوم وبا یا التور با آغاز فصل پاییز که از جمله بیماری‌های بومی اقلیم احواز است، اقدامات لازم برای افزایش سطح بهداشت آب متناسب با استانداردهای ملی و رهنمودهای سازمان بهداشت جهانی صورت گرفته است.»

### حق دسترسی به آب

سازمان ملل سال ۲۰۱۰ دسترسی به آب سالم و بهداشتی به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر را به تصویب رساند. به گزارش دویچهوله این حق مانند حق دسترسی انسان‌ها به مواد غذایی و فارغ بودن آن‌ها از شکنجه و تبعیض‌های نژادگرایانه در زندگی انسان‌ها است.

به گزارش دویچهوله این حق مانند حق دسترسی انسان‌ها به مواد غذایی و فارغ بودن آن‌ها از شکنجه و تبعیض‌های نژادگرایانه در زندگی انسان‌ها است. گفته می‌شود کودکان بیشتر در معرض خطر آب‌های آلوده قرار دارند. سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده است هر روز پنج هزار کودک به دلیل استفاده از آب آلوده جان خود را از دست می‌دهند. همچنین سازمان ملل گفته است: «میزان مرگ و میر ناشی از آب آلوده، بیشتر از مجموع مرگ و میر ناشی از بیماری‌های ایدز، سرخکان و مالاریا است.»

شاید به این دلیل است، چند سال پیش ماودی بارلو، بنیان بنیانگذار «پروژه سیاره آبیرنگ» عدم دسترسی به آب پاکیزه را بزرگترین نقض حقوق بشر در جهان عنوان کرده بود. دویچهوله نوشته است، «پروژه سیاره آبیرنگ» خود را متعهد به حفظ و توزیع عادلانه منابع آبی در سطح جهان می‌داند و همچنین از چند سال پیش کار کرده برای تصویب حق دسترسی به آب پاکیزه در سازمان ملل متحد.

به قلم: محسن کاکارش

توضیح: نام شهرها و اقلیم از فارسی جعلی به عربی اصیل و صحیح تغییر یافت. تیترا گزارش نیز بنا به صلاح دید سردبیر تغییر داده شد.

سایت پادماز

## کارون حق حیات ما

نویسنده: نوری حمزه

انتشار 01 نوامبر 2013

استمرار اجرای طرح های انحراف آب در بالادست کارون، کرخه، دز و جراحی و اجرای طرح هایی دیگر که در برگرفته گسیل جمعیت غیر بومی به مناطق عرب نشین است، گویای این واقعیت است که دولت جمهوری اسلامی همسان رژیم های سابق برنامه تغییر بافت جمعیتی در مناطق غیر فارس را با دقت ادامه می دهد.

در ادامه این نوشته به طرح های مختلف جمهوری اسلامی که ساکنان اصلی اقلیم احواز را هدف قرار داده و به ورطه نابودی اجتماعی سوق می دهد، اشاره خواهم کرد، و پس از آن به موضوع انحراف آب کارون خواهم پرداخت.

تراکم بسیار محسوس توسعه آموزشی، صنعتی، خدماتی، رفاهی و... در مناطق مرکزی ایران و محرومیت مناطق پیرامونی، این فرضیه را ثابت می کند که جمهوری اسلامی، مناطق پیرامونی را به عنوان یک تهدید قلمداد کرده و در بسیاری از برنامه های توسعه اقتصادی و اجتماعی آنها را کنار نهاده است.

برای مثال در این زمینه جمهوری اسلامی یک مصوبه امنیتی دارد که طبق آن مصوبه سرمایه گذاری اقتصادی در مناطق عرب نشین ممنوع است. هر چند محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری پیشین ایران در سخنانی در شهر حویزه گفت که دولت متبوعش آن مصوبه را لغو کرد، اما سخن ایشان زمانی بوده که از عمر مصوبه یاد شده بیش از بیست سال گذشته بود. با قبول ادعای احمدی نژاد مبنی بر لغو مصوبه یاد شده، اما هنوز هیچ نشانه ای از تغییر در روند سرمایه گذاری در مناطق عرب نشین دیده نمی شود.

از جمله بازتاب های آن مصوبه و مصوبه های مشابه زمین گیر شدن مناطق عرب نشین در سایر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... است.

در ادامه طرح های تغییر بافت جمعیتی بایستی به سلب زمین های کشاورزی ساکنان اصلی و اجرای طرح های غیر اقتصادی توسعه نیشکر اشاره کرد.

برای اثبات سیاسی بودن طرح های توسعه نیشکر کافی است به تحقیقی که شرکت نیشکر هفت تپه انجام داده نگاهی بیندازیم تا عدم بازدهی اقتصادی آنها آشکار شود؛

بنا بر تحقیقات شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، تولید هر یک کیلوگرم شکر، به بیش از ۲۴۲۰ لیتر آب نیاز دارد. این امر نشان می دهد که بهای آب پرداختی برای تولید یک کیلوگرم شکر جای هیچگونه سود آوری برای طرح های توسعه نیشکر نمی گذارد.

این تحقیق به خوبی نشان می دهد که موضوع اصلی و فلسفه اجرای طرح یاد شده تامین شکر و یا ایجاد شغل برای ساکنان اصلی که زمین های آنها مصادره شد نبوده و نیست.

فلسفه اصلی طرح های توسعه نیشکر؛ سلب زمین های کشاورزی ساکنان اصلی منطقه، ایجاد شغل و اسکان نیروهای مهاجر و غیر بومی در مناطق عرب نشین در راستای طرح تغییر بافت جمعیتی است.

در ادامه طرح تغییر بافت جمعیتی، ناظران به یاد دارند که محمد علی ابطی [رئیس دفتر خاتمی در دوران ریاست جمهوری] نیز با ارسال نامه ای به سازمان مدیریت و برنامه ریزی از مسئولان مربوطه [طبق هماهنگی های قبلی] خواسته بود که نسبت به تغییر بافت جمعیتی مناطق عرب نشین در یک بازه زمانی مشخص اقدام شود.

محمد علی ابطی پس از آغاز تظاهرات مردم عرب موسوم به انتفاضه ۱۵ آوریل ۲۰۰۵، درباره نامه یاد شده، همه چیز گفت، اما به هیچ وجه نامه یاد شده را تکذیب نکرد. اکنون نیز سیاست های تغییر بافت جمعیتی مناطق عرب نشین با سرعت و شدت ادامه دارد.

چنین نیز در پیشبرد سیاست های آسیمیلیسیون و پاکسازی نژادی، غلامعلی رشید جانشین ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در سال های گذشته طی نامه ای به عیسی کلانتری وزیر کشاورزی دولت های رفسنجانی و خاتمی از او خوسته بود؛ زمین های کشاورزی کشاورزان عرب را از آنان سلب و بنا به گفته ایشان آن زمین ها را به مردم و شرق استان واگذار نمایند.

در این میان اوامر غلامعلی رشید اجرا شد و وزارت کشاورزی با همکاری سازمان منابع طبیعی و دیگر ارگانها شرکت هایی تحت عنوان "تعاونی ایثارگران" تشکیل دادند و صدها هزار هکتار از زمین های زراعی کشاورزان عرب را سلب کردند.

در ادامه طرح های یاد شده، اکنون نیز دولت جمهوری اسلامی با خشکاندن مناطق هور العظیم در غرب خفاجیه، بسینین و حویزه (دشت میسان) اقدام به حفاری و کاوش نفت کرده است. در عملیات خشکاندن هور العظیم دهها روستای مناطق هور زندگی خود را از دست داده و راهی حاشیه شهرها شدند. در این میان جمع بزرگی از کارگران غیر بومی به منطقه اعزام شده و جای ساکنان اصلی در منطقه را پر کردند.

دهها طرح کوچک و بزرگ که در برگیرنده پاکسازی نژادی است در زمان قبل از انقلاب و بعد از انقلاب اجرا شده و هنوز چنین برنامه‌هایی با هزینه‌های هنگفت ادامه دارند.

پس از بر شمردن طرح‌های یاد شده و عزم دولت ایران برای اجرای چندین طرح دیگر در راستای تحقق اهداف خود در مورد تغییر بافت جمعیتی، به عملیات انحراف آب کارون به سوی مناطق مرکزی ایران می‌رسیم.

ادعاهای واهی و تهی از هرگونه پایه‌های علمی درباره میزان دبی آب کارون نشان می‌دهد که دولت ایران فقط به موضوع انتقال سایر ثروت‌ها و مهمتر از همه انحراف آب کارون به مناطق مرکزی می‌اندیشد. از سوی دیگر تحقیقات سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه بخش کشاورزی رژیم ادعاهای یاد شده مبنی بر اضافه بودن آب کارون را به کلی رد می‌کند.

هفت طرح توسعه کشت نیشکر در شمال و جنوب احواز با کاشت قلمه‌های نیشکر در دهها هزار هکتار زمین کشاورزی، سالانه در حدود سه میلیارد مترمکعب آب مصرف می‌کنند. این میزان آب در حدود ۳۵ درصد آورد سالانه رودخانه کارون است.

در پژوهشی که توسط شرکت کشت و صنعت نیشکر میرزا کوچک خان صورت گرفته، گزارش شده است که به طور متوسط سالانه در هر هکتار در حدود ۳۸ هزار مترمکعب آب برای نیشکر مصرف می‌شود. از طرف دیگر عباس بذرافکن مدیرعامل توسعه نیشکر و صنایع جانبی می‌گوید: سطح زیر کشت نیشکر با افتتاح طرح‌های فارابی و دهخدا به ۷۰ هزار هکتار رسیده است. برخی دیگر از مسئولان استانی سطح زیر کشت را تا ۹۰ هزار هکتار نیز اعلام کرده‌اند.

یک محاسبه ساده نشان می‌دهد که سالانه رقمی معادل دومیلیارد و هفتصد میلیون تا سه میلیارد و چهارصد میلیون متر مکعب آب صرف طرح‌های توسعه نیشکر می‌شود.

بر اساس همین پژوهش راندمان استفاده از آب در مزارع نیشکر کمتر از ۶۰ درصد رقم‌یاده شده بالا است و مابقی آب یعنی سالانه در حدود یک میلیارد مترمکعب آب در سیستم آبیاری مزارع نیشکر پس از آمیزش با انواع سم و مواد شیمیایی به هدر می‌رود.

ده مجموعه توسعه نیشکر در قالب هفت واحد با نام‌های کشت و صنعت صنعت فارابی، دعبل خزاعی، سلمان فارسی، امیرکبیر و میرزا کوچک خان در جنوب احواز، کشت و صنعت‌های دهخدا و خمینی در شمال احواز و کشت و صنعت‌های میان‌آب، هفت تپه و کارون واقع شده بین شهرهای تستر (شوشتر) و سوسه یا سوس (شوش دانیال) با کشت هزاران هکتار نیشکر ضربه‌های جبران‌ناپذیری به محیط زیست منطقه وارد کردند.



طرح های کشت نیشکر سالانه میلیونها مترمکعب پساب های سمی و در عین حال بسیار شور وارد رودخانه های دز و کارون می کنند. حجم کل سالانه پساب های کشاورزی دومیلیارد و صد و بیست میلیون متر مکعب است که بیشترین بخش آن مربوط به مزارع نیشکر می شود.

این پساب ها به تنهایی حدود ۸۴ درصد حجم پساب های ورودی به کارون را شامل می شود. به علاوه این پساب ها با تخلیه روزانه ۸۵۴۱ تن نمک و املاح معدنی بیشترین سهم و نقش را در افزایش شوری منابع آب کارون به عهده دارند.

به عبارتی دیگر حدود ۷۸ درصد نمک و املاح معدنی از کل بار آلودگی معدنی که به رودخانه وارد می گردد توسط زهکش های شبکه های آبیاری و زهکشی است.

شایان ذکر است که کشت قلمه های نیشکر از سوی سازمان های طرفدار محیط زیست بعنوان یکی از عوامل اساسی خشک شدن زمین معرفی شده است.

پس از عبور از عدم توجه به توسعه، ضربه کمر شکن طرح توسعه نیشکر به اکولوژی و محیط زیست و استمرار طرح های مهندسی شده برای تغییر بافت جمعیتی در مناطق عرب نشین به بحران کنونی رودخانه کارون می رسیم.

گفته می شود که از زمان استقلال دولت مشعشعیان به پایتختی حویزه یعنی معاصر با دوره صفویان، دولت صفویه که پایتخت آن اصفهان بوده، سعی داشته، آب کارون را از سرشاخه های آن در کوهستان زاگرس به سوی اصفهان منحرف سازد. در همین راستا از آن زمان تاکنون طرح های مختلفی بر بالا دست رودخانه و سر شاخه های کارون ایجاد شد. از جمله آن طرح ها گسترش مرز استان اصفهان به سوی کوهستان زاگرس و نزدیک شدن به منابع اصلی آب برای تحت کنترل گرفتن آن منابع است.

برای تبیین موضوع بحران رودخانه کارون به صورت آماری نیز باید گفت؛ بنا به آمار شرکت مدیریت منابع آب ایران تاکنون بیش از چهل سد و تونل برای انحراف آب بر روی سرچشمه رودخانه های کارون، کرخه، جراحی و دز تاسیس شده اند.

همچنین براین حوزه های آبریز بیش از ۳۶ سد در دست ساخت است. ۱۴۰ سد نیز در دست مطالعه هستند. شمار زیادی از آن سدها مراحل پایانی مطالعه و بررسی را سپری می کنند.

مهمترین آن سدها و تونل ها آن دسته هستند که سالانه بیش از یک میلیارد ونیم مترمکعب آب را به فلات مرکزی ایران منتقل می کنند.

شرکت مدیریت منابع آب ایران وضعیت و تعداد سدهای حوزه آبریز جلگه احواز را چنین اعلام کرده است؛

حوزه کارون بزرگ ۲۵ سد، حوزه کرخه ۷ سد و حوزه جراحی ۸ سد.

شمار سدهای در دست ساخت:

حوزه کارون بزرگ ۱۹ سد، حوزه کرخه ۱۲ سد و حوزه جراحی ۵ سد.

شمار سدهای در دست مطالعه:

حوزه کارون بزرگ ۶۷ سد، حوزه کرخه ۴۴ سد و حوزه جراحی ۲۹ سد.

هر چند برخی از سدهای یاد شده به عنوان سد تنظیمی قلمداد می شوند، اما به عقیده کارشناسان تراکم بیش از اندازه سدها در تمام طول رودخانه های یاد شده باعث ایجاد مشکلات عمده در اکولوژی و محیط زیست منطقه خواهد شد.

اکنون نیز طرح بهشت آباد برای انتقال آب از چهار محال و بختیاری به اصفهان شامل یک طرح بزرگ احداث تونل ۶۵ کیلومتری است. این تونل با ظرفیت سالانه یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون مترمکعب، آب را به فلات مرکزی ایران منتقل می کند.

با اجرای طرح بهشت آباد، آب صنعتی و کشاورزی اصفهان، یزد و کرمان تا دهه ها سال آینده تامین می شود این در حالی است که بسیاری از مناطق جنوب غرب از بی آبی یا کم آبی رنج می برند و مردم جنوب حتی با کمبود آب شرب مواجه هستند.

تنها کار کارشناسی انجام شده روی طرح بهشت آباد، برشمردن منافع طرح مورد نظر برای استان اصفهان و دیگر مناطق مرکزی است و به سایر نیازهای حوزه های پایین دست توجهی نشده است. معصومه ابتکار رئیس سازمان محیط زیست در این مورد به غیر کارشناسی بودن بسیاری از طرح های سد سازی و انحراف آب اذعان کرد.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی با گماردن نیروهای نژادگرا و غیر بومی در مسئولیت های استانی و شهرستانی مناطق عرب نشین، سعی دارد با سرعت بیشتری پروژه های یاد شده را تکمیل کند.

عملکرد های مهندسی شده دولت ایران امروزه در منطقه باعث نابودی محیط زیست شده است. شاید با اندکی تسامح بتوان گفت که اقلیم احواز به مثابه یک "کارگاه اقتصادی" برای دولت ایران است و نمی توان شمه ای از زندگی را در آنجا جستجو کرد.

پروژه های انحراف آب کارون طبق قوانین بین المللی در راستای ژنوساید قومی تعریف می شود و قابل پیگرد در سازمان های بین المللی است.

استمرار جریان آب در کارون و سایر رودخانه های اقلیم احواز به مثابه سند زندگی و حق حیات است. هر حادثه ای که باعث توقف جریان آب رودخانه های کارون، کرخه، دز و جراحی شود مساوی با سلب حق حیات از ساکنان اصلی است.

## رویکرد امنیتی شورای تامین استان در تخریب محیط زیست احواز

انتشار 13 ژانویه 2014

در پی اعتراضات مردم محمره و عبادان به شوری آب رودخانه کارون در تیرماه سال ۱۳۷۹ شمسی، مسئولان توسعه نیشکر با حمایت شورای تامین استان اقدام به تخلیه پساب های به شدت شور طرح های نیشکر "میرزا کوچک خان" و "امیرکبیر" در زمین های وسیع مرزی در اطراف محمره کردند. این مسئولان بسان همیشه به توجیحات امنیتی متوسل شده و به دلیل عدم وجود هرگونه مخالفت در برابرشان، به دلیل حاشیه راندگی عربها و عدم داشتن حداقل مشارکت در اداره اقلیم، خطر بزرگ دیگری را برای محیط زیست اقلیم احواز رقم زدند.

دکتر عبدعلی ناصری عضو هیات علمی دانشکده علوم آب دانشگاه "شهید چمران احواز" یکی از مدافعان اصلی طرح های امنیتی و ویرانگر توسعه نیشکر است. وی ممانعت از ورود مخالفان مسلح نظام به اقلیم احواز را توجیه کافی برای سرازیر کردن پساب های شور نیشکر به منطقه مرزی محمره معرفی کرده و مجوز ویرانی محیط زیست اقلیم احواز را از شورای تامین استان دریافت کرد. در اثر تجمع این پساب های شور مساحتی به وسعت ۱۸ هزار کیلومتر به وجود آمده که به دلیل مخالفت های صورت گرفته با آن به "تالاب ناصری" شهرت یافته است.

خطر پساب های به شدت شور زمانی مشخص می شود که بدانیم یکی از بزرگترین سفره های زیر زمینی هم مرز با عراق در این منطقه واقع است.

در باره این به اصطلاح تالاب ساختگی مسئولان طرح نیشکر، بیشتر وب سایت سلامت نیوز گزارشی تحلیلی منتشر کرده است که در این بخش تقدیم خوانندگان پادماز می شود.

### «تالاب» علیه «تالاب»

سلامت نیوز: «تالاب ناصری» نامی است که تازگی ها در واژگان محیط زیست احواز پیدا شده است. برخلاف تالاب فلاحیه و هورالعظیم که قدمتشان به تمدن بین النهرین می رسد، شکل گیری این تالاب برمی گردد به ادعایی که شرکت توسعه نیشکر به رغم بحران های زیست محیطی در احواز مطرح کرد و گفت که اکوسیستم و تالاب جدید ساخته است.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از بهار؛ اگرچه خیلی ها هنوز با نام و اثرات منفی زیست محیطی این تالاب آشنا نیستند، اما در سال های اخیر بارها عراق نسبت به شکسته شدن خاکریزهای مرزی و سرازیر شدن پساب های شور موجود در این تالاب به سمت اراضی کشاورزی اش ادعای خسارت و کنسول ایران را احضار کرده است. اخیرا نیز نهادهای نظامی و وزارت نفت شاکمی شده اند که سرریز شدن پساب های نیشکر میلیاردها تومان به تاسیسات آن ها خسارت زده است.

جلسات گاه به گاه استانداری احواز با شرکت توسعه نیشکر به عنوان ایجادکننده این تالاب و اداره کل حفاظت محیط زیست احواز، سازمان آب و برق، شرکت نفت، سپاه و مرزبانی اگرچه مانند یک مسکن برای مدت کوتاهی سر و صدای شاکیان را می‌خواباند اما نتوانسته راهکاری برای مشکلاتی که «تالاب ناصری» ایجاد کرده، ارائه دهد.

### تالاب ۱۰ ساله

«تالاب ناصری» که «تالاب نیشکر» هم نامیده می‌شود، برخلاف ادعای نیشکری‌ها، یک تالاب واقعی نیست بلکه محیطی انسان‌ساز به مساحت ۱۸ هزار هکتار است که از تجمع پساب‌های شور دو واحد نیشکر (به نام میرزا کوچک خان و امیرکبیر) در مرز ایران و عراق در محمره طی یک دهه گذشته ایجاد شده است.

داستان «تالاب ناصری» به سال ۷۹ برمی‌گردد؛ زمانی که پساب‌های شور هفت واحد شرکت توسعه نیشکر رودخانه کارون را آلوده کرد و اعتراض مردم محمره و عبادان به شوری بیش از حد آب شرب، بحرانی شد. بعد از آن بود که پساب این مزارع بدون توجه به اعتراض سازمان محیط زیست و کارشناسان، بین رودخانه کارون، تالاب بین‌المللی فلاحیه، هورالعظیم و اراضی مرزی در محمره تقسیم شد.

معصومه ابتکار رییس وقت سازمان حفاظت محیط زیست در کتاب خاطراتش (خوشه شهرپور) نکته‌های ظریفی از فشار بر سازمان متبوع برای قبول این گزینه دارد. اگرچه آن زمان محیط زیست در مقابله با نیشکر شکست خورد، اما معاون وقت حفاظت محیط زیست احواز نام تالاب مورد ادعای نیشکر را به نام مشاور شرکت نیشکر و پیشنهاددهنده طرح، «تالاب ناصری» نامید تا تاریخ درباره آن‌ها قضاوت کند.

دکتر عبدعلی ناصری عضو هیات علمی دانشکده علوم آب دانشگاه شهید چمران احواز اگرچه اصرار دارد که تنها به عنوان یک کارشناس اظهار نظر کند اما یکی از مشاوران و دست اندرکاران طرح توسعه نیشکر در احواز است که از زمان تحویل اراضی با این طرح همکاری کرده و حالا هم عضو هیات‌مدیره واحد سلمان فارسی است. او به نام‌گذاری «تالاب ناصری» اعتراض می‌کند و آن را نوعی شوخی می‌داند: طرح ایجاد این تالاب پیشنهاد من نبوده و مدیران محیط زیست احواز به اشتباه نام این تالاب را به اسم من ثبت کرده‌اند.

بعد از اعتراض مردم به شوری آب کارون در سال ۷۹، فرماندار محمره ورودی پساب نیشکر به رودخانه را مسدود کرد. آب اصطلاحاً پس زد و به اراضی بی‌صاحب اطراف محمره سرازیر شد و زمین‌های واقع در مرز را نیز پوشاند، قرارگاه جنوب ارتش نیز به دلایل امنیتی از این مسئله استقبال کرد.

مدتی بعد هم‌زمان با اشغال عراق توسط آمریکا پساب‌ها به بخش دیگری از اراضی مرزی هدایت شدند و مجموعاً ۶۰ کیلومتر از مرز را فراگرفتند. به این ترتیب هم مشکل تخلیه پساب این دو واحد کشت و صنعت حل شد و توانستند ادامه کار بدهند و هم مصالح امنیتی تامین شد. شرکت توسعه نیشکر چاره‌ای جز پذیرش این راه را نداشت. اگرچه نیشکر در شوری آب سهم داشت اما درصد کمی از سهم شوری مربوط به این شرکت بود.

ناصری ادامه می‌دهد: نام این‌ها را حوضچه تبخیری گذاشتیم که با تعریف تالاب متفاوت است. این حوضچه‌ها قدرت تبخیر ۱۵۰ میلیون مترمکعب پساب را دارند و باعث می‌شوند پساب به شکل تبخیر از منطقه خارج شود و دیگر به رودخانه نریزد.

وی اثرات منفی زیست‌محیطی پساب‌های نیشکر و تالاب ناصری را رد می‌کند: پساب زمین‌ها را شور نکرده و این زمین‌ها از اول شور و بیابانی بوده‌اند. سطح سبز مزارع نیشکر نه تنها اثر منفی روی محیط‌زیست ندارد، بلکه در جذب دی‌اکسیدکربن و تولید اکسیژن نقش دارد. بیابان‌هایی که الان سبز شده‌اند در جهت توسعه محیط‌زیست است. ضمناً عمده آلودگی این آب‌ها شوری است که به دریا می‌فرستیم. البته به نظر من حوضچه‌های تبخیری یک راه‌حل موقت است و باید به هر شکل طرح اصلی که مدیریت پساب‌هاست، اجرا شود. یعنی این‌که حجم پساب‌ها تا حد ممکن کاهش یابد که روی این مسئله در مرکز تحقیقات نیشکر خیلی کار کردند و این طرح‌ها به مرحله اجرا رسیده است. طبق طراحی، مصرف آب ۳۱ هزار مترمکعب در هکتار بوده که الان به ۲۶ هزار مترمکعب در هکتار کاهش یافته. دبی پساب‌ها در تمام مزارع (در ۱۸ مزرعه با ۳۰۰ هزار هکتار وسعت) باید ۱۰۰ مترمکعب در ثانیه باشد ولی الان به ۲۳ مترمکعب در ثانیه کاهش یافته است.

اگرچه ناصری تاکید می‌کند این کار موقت است و زیربنایی و اساسی نیست و در آن زمان این طرح به صورت اضطراری اجرا شد، اما معتقد است هرکسی وظیفه‌ای دارد. وظیفه ساماندهی و حفاظت و نگهداری رودخانه کارون همچنین مدیریت آب و پساب با سازمان آب و برق احواز است. نیشکر به عنوان بهره‌بردار وظیفه‌ای ندارد و نمی‌تواند در این زمینه دخالت کند، اگر هم دخالت کند خارج از وظایف قانونی‌اش است.

### فرافکنی

اما معاون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آب سازمان آب و برق احواز با این نظر مخالف است: متأسفانه ترفند جدیدی که شرکت توسعه نیشکر در پیش گرفته، فرافکنی به جای حل مشکل است. در زمانی که طرح نیشکر را اجرا کردند، مطالعات لازم یا ارزیابی زیست‌محیطی انجام نشد.

اگرچه واحدهای توسعه نیشکر براساس ماده یک و دو قانون توزیع عادلانه آب حق استفاده مجدد از پساب را ندارند، ولی دلیل نمی‌شود پساب آلوده خود را در اراضی کشاورزی و زمین‌های ملی و محیط‌زیست رها کنند. صنعتی که تولیدکننده پساب و آلوده‌کننده منابع آبی است وظیفه دارد، راه‌حلی مطابق ضوابط زیست‌محیطی ارائه دهد. پساب نیز همانند فاضلاب باید توسط تولیدکننده آن، تصفیه و بعد به محیط برگردانده شود.

دهکردی با تاکید بر کنترل پساب نیشکر در مزارع، توضیح می‌دهد: حجم پساب واحدهای نیشکر به اندازه حجم زاینده رود در زمان پرآبی است و در زمان پیک تا ۳۵ مترمکعب بر ثانیه هم می‌رسد. با این حال آقایان به جای این‌که مشکل پساب را در مزارعشان حل کنند آن را تجمیع می‌کنند. به یک زهکش بزرگ و بعد به یک تالاب تبدیل می‌کنند که به یک مشکل بزرگ تبدیل می‌شود و پای همه را وسط می‌کشد از جمله استانداری، سازمان آب و برق، محیط‌زیست، شرکت نفت ... و

به گفته وی، در حال حاضر پساب نیشکر بیش از حد انتظار و سه‌برابر استانداردها تولید می‌شود که فقط مربوط به اراضی نیست، بلکه اشکالاتی در طراحی سیستم زهکشی وجود دارد که باعث تولید پساب بیش از حد شده است و باید مهندسی مجدد شود. برخلاف ادعاها مدیریت پساب الان فقط روی سه‌هزار هکتار از اراضی نیشکر اجرا شده است. علاوه بر این، پسابی که الان نیشکر تولید می‌کند غیراستاندارد است و غیراستاندارد بودن این پساب‌ها فقط به دلیل وجود

نمک نیست، بلکه نیترا تها و کودهای شیمیایی نیز آن را آلوده می‌کنند. مطمئنا اگر ما مسئول محیط‌زیست بودیم جلوی این را می‌گرفتیم اما هنوز اقدام خاصی صورت نگرفته است.

### بحران بهانه شد

احمد رضا لاهیجان‌زاده، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست احواز که در زمان آغاز طرح توسعه نیشکر کارشناس و سپس معاون محیط‌زیست احواز بود، از عملکرد این دستگاه حمایت می‌کند و معتقد است در آن زمان محیط‌زیست آنچه از دستش برمی‌آمد، انجام داده است: زمانی که عملیات اجرایی طرح توسعه نیشکر در دهه ۷۰ آغاز شد، به صورت جسته و گریخته اطلاعاتی از جاهای مختلف یا مشاوران به صورت غیررسمی دریافت کردیم، چراکه طرح‌های نیشکر در آن مقطع ارزیابی زیست‌محیطی نداشت. احتمال می‌دادیم این پروژه با توجه به اجرا در اراضی شور استان مشکلات زیست‌محیطی عدیده‌ای داشته باشد. به همین دلیل مقاله‌ای تهیه کردم (این مقاله در همایش انجمن متخصصان محیط‌زیست ایران در فروردین ۷۷ به عنوان برترین مقاله کاربردی شناخته شد) که در آن براساس اطلاعات کشت و صنعت‌های نیشکر هفت تپه و کارون و عمومیت دادن آن به این طرح عظیم، نتیجه‌گیری می‌شد، اگر طرح توسعه نیشکر اجرا و پس‌بش وارد رودخانه کارون شود، آن را به شدت تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و کارون را در مقطع جنوب احواز تا محمره شور می‌کند. به عبارتی پیش از آغاز آبشویی‌های نیشکر (خارج کردن نمک خاک به وسیله آبیاری) اعلام خطر را انجام دادیم.

در عمل هم این اتفاق افتاد و آبشویی واحدهای شعیبیه، بخشی از دهخدا و پنج واحد جنوبی مقدار زیادی پساب با شوری بالا (بیش از ۶۰ هزار میکروزیمنس بر سانتی متر) وارد رودخانه کرد و باعث افزایش شدید شوری رودخانه شد. این امر در تیرماه ۷۹ موجب اعتراض مردم عبادان و محمره شد و بعد از این اعتراضات طرح توسعه نیشکر بالاجبار خروجی پساب به کارون را مسدود کرد. بخشی از این پساب‌ها را به سمت تالاب فلاحیه و پساب واحدهای غربی را به اراضی ملی حدفاصل جاده محمره- احواز به سمت مناطق مرزی رهاسازی کردند. عدم پیش‌بینی این افزایش شوری در کارون یکی از دلایل غیردقیق بودن مطالعات وقت انجام شده و به نوعی نادیده گرفتن تبعات زیست‌محیطی تخلیه این پساب‌ها در مرحله آبشویی و بعد از آن در مرحله کشت را نشان می‌داد. از طرف دیگر رهاسازی پساب در تالاب فلاحیه و زمین‌های غرب جاده محمره بیانگر سردرگمی طراحان این پروژه عظیم در مدیریت زهاب‌ها و پیش‌بینی‌های لازم در این خصوص است.

لاهیجان‌زاده تصریح می‌کند: تنها دستگاهی که در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ به مشکلات نیشکر معترض بود و این پروژه را تحت نظر داشت، محیط‌زیست بود و در آن زمان هیچ دستگاه و ارگانی از ما حمایت نکرد چراکه هنوز مشکلات برای دیگر دستگاه‌ها مشهود نبود. صدها صفحه مکاتبات و اقدامات در آن مقطع وجود دارد. به گونه‌ای که پس از بررسی سازمان بازرسی کشور در سال ۸۳، اقدامات محیط‌زیست در قبال طرح توسعه نیشکر کاملا مطابق با وظایف محیط‌زیست و به نحو احسن تشخیص داده شد. لاهیجان‌زاده ادامه می‌دهد: شرکت نیشکر از قبل علاقه‌مند به تخلیه پساب در اراضی محمره و منتظر بهانه بود، اما اعتراضات محیط‌زیست در آن مقطع مانع شد. این بهانه با بحرانی که در عبادان و محمره اتفاق افتاد به دست آمد و تخلیه پساب به سمت تالاب و اراضی با دستور شورای تامین احواز آغاز شد. از سوی دیگر با وجودی که مسئولان توسعه نیشکر در ابتدا مدعی شدند میزان خروجی میزان پساب ورودی به این اراضی با میزان تبخیر در منطقه متناسب است اما کارشناسی‌ها نشان می‌داد تبخیر جوابگو نیست.

وی با بیان این‌که این اراضی پوشیده از پساب نه «حوضچه تبخیری» هستند و نه «تالاب» می‌گوید: «حوضچه تبخیری» تعریف علمی دارد. اگر قرار بود حوضچه تبخیری باشد، باید با ایجاد خاکریز به قطعات مختلف تقسیم می‌شد تا بتوانند از آن نمک استحصال کنند؛ با این کار نه اراضی از بین می‌رفت و نه اتفاقات بعدی که ناشی از شکستن خاکریزها و دژها بود، رخ می‌داد. «تالاب» هم تعریف خود را دارد. خداوند متعال براساس علم بیکران خود در جاهای مختلف کره زمین و انتهای رودخانه‌ها تالاب را آفریده؛ هورالعظیم و فلاحیه در اطراف این حوضچه‌ها نمونه‌های بی‌نظیری هستند. آب با کیفیت خاصی وارد و بعد هم تخلیه می‌شود و اگر این سیکل حرکتی نباشد دیگر تالاب نیست، بلکه مانداب می‌شود. محدوده بسته‌ای که الان نیشکر به نام تالاب ایجاد کرده، مانداب است. تنها یک گونه گیاه نی در آنجا رشد می‌کند و تنوع زیستی تالاب را ندارد.

لاهیجان‌زاده درباره این‌که وظیفه مدیریت پساب با کدام دستگاه است، اظهار می‌کند: این مسئله یک بحث حقوقی بین سازمان آب و برق و شرکت است که باید خودشان حل و فصل کنند؛ اما تاکنون تمام مجوزهایی که برای نیشکر یا سایر صنایع صادر شده به این شرط بوده که پساب خود را مدیریت و مطابق ضوابط محیط‌زیست تخلیه کنند. در تمام قوانین مجلس، شورای عالی محیط‌زیست و دولت هر پسابی که به محیط وارد می‌شود باید مطابق استانداردهای زیست‌محیطی باشد. این در حالی است که پساب نیشکر که الان وارد محیط می‌شود، استاندارد نیست. اگرچه شوری مهم‌ترین آلودگی این پساب است، اما ازت و فسفر موجود در سموم و کود نیز بار آلودگی زیادی ایجاد می‌کند. به همین دلیل است که اجازه ندارد پساب را در رودخانه یا بخش‌های شیرین تالاب وارد کند.

### ادعای بین‌المللی

دکتر مهران افخمی، محقق و استاد دانشگاه در رشته محیط‌زیست نیز نسبت به خسارت‌های پساب نیشکر و «تالاب ناصری» هشدار می‌دهد: این به اصطلاح تالاب برای از بین بردن محیط‌زیست منطقه کافی است. آن چیزی که در اراضی محمره تحت عنوان تالاب ناصری یا حوضچه‌های تبخیری با تخلیه پساب نیشکر ایجاد شده، نه تالاب است و نه حوضچه تبخیری بلکه رهاسازی آب شور در اراضی بدون صاحب است. این پساب‌ها زمین‌های اطراف را شور کرده به دلیل شوری زیاد پساب و تبخیر بالا در این‌جا، تمام زمین‌ها، تا ارتفاع حدود ۲۰ سانتی‌متر از بلورهای نمک پوشیده شده است.

آب‌های زیرزمینی منطقه نیز آلوده شده است. یکی دیگر از مشکلات دیواره‌ها و خاکریزهای نامناسبی است که در اطراف آن ساخته شده و با شکسته شدن باعث می‌شود پساب شور به اراضی اطراف سرازیر شود. باید بدانیم که این اکوسیستم احواز نیست و پساب‌ها اکوسیستم احواز را دچار تنش عمده کرده‌اند هر نوع تغییر در اکوسیستم طبیعی یک منطقه از نظر زیست‌محیطی مردود است. تغییر باید همراه طبیعت باشد. آب شور مثل این حوضچه‌های تبخیری هیچ‌گاه درونی طبیعت این منطقه نبوده. آب‌های شور همیشه به سواحل این منطقه محدود می‌شود. تالاب یا رودخانه هم همیشه آب شیرین بوده است. بنابراین ورود آب شور به درون چنین محیطی موجب شوک وارد کردن به اکوسیستم می‌شود و از نظر محیط‌زیست مردود است. در این حوضچه‌ها یک سری خطرات بالقوه هم وجود دارد؛ مثلاً یک سری زیست‌مندان مثل تیلاپیا (گونه‌ای

ماهی آب‌های شور) در آن رشد می‌کند که تمام آبزیان منطقه را تهدید می‌کند و اجازه رشد به دیگر آبزیان را نمی‌دهد. امکان انتقال این‌گونه به زیستگاه‌های دیگر نیز وجود دارد.

افخمی ادامه می‌دهد: از سوی دیگر این تالاب وجهه بین‌المللی ما را هم مخدوش می‌کند، چراکه عراق همیشه نسبت به این حوضچه‌ها معترض است. در زمانی که حساسیت‌های امنیتی بوده شاید این‌ها به درد می‌خورد اما حالا مشکلات و حساسیت‌های قدیم وجود ندارد و به نظر نمی‌آید دیگر به وجود این حوضچه‌ها نیازی باشد. وی تصریح می‌کند: این تالاب از ابتدا نباید به وجود می‌آمد اما در حال حاضر مهم‌ترین اقدام، تثبیت دیواره‌ها است تا سرریز پساب تکرار نشود. همچنین باید برای تخلیه یا توقف پساب برنامه‌ریزی و جنبه‌های بین‌المللی آن لحاظ شود. علاوه بر تاثیر مخربی که پساب‌ها می‌تواند بر تالاب‌های استان بگذارد، در صورتی که تخلیه به اراضی مرزی ادامه یابد عراق معترض می‌شود و اگر به وسیله کانال به خوریات و خلیج فارس منتقل شود به دلیل آلودگی موجود در پساب‌ها و ویژگی‌های خلیج فارس آلودگی به جنوب عراق، کویت و عربستان منتقل و راپمی (سازمان منطقه‌ای حفاظت از محیط‌زیست خلیج فارس) معترض می‌شود.

به گفته وی، در صورت تخلیه حوضچه‌ها، منطقه‌ای در حدود ۲۰ هزار هکتار پوشیده از کریستال‌های نمک خواهیم داشت (وضعیتی همانند دریاچه اورمیه) که با وزش باد به اطراف پراکنده می‌شود. هر صنعتی آلودگی محیط‌زیست ایجاد کند مسئول رفع آن است و چون شرکت نیشکر این نمک‌ها را به وجود آورده، باید برای جمع‌آوری و رفع آلودگی نمکی اقدام کند. بنابراین اگر زمانی قرار باشد پساب این حوضچه‌ها تخلیه شود باید معلوم شود که مسئولیت حقوقی بازیابی یا بازسازی محیط (که از مسائل حقوقی در سطح بین‌المللی است) بر عهده کیست.

### ورود کارشناسان

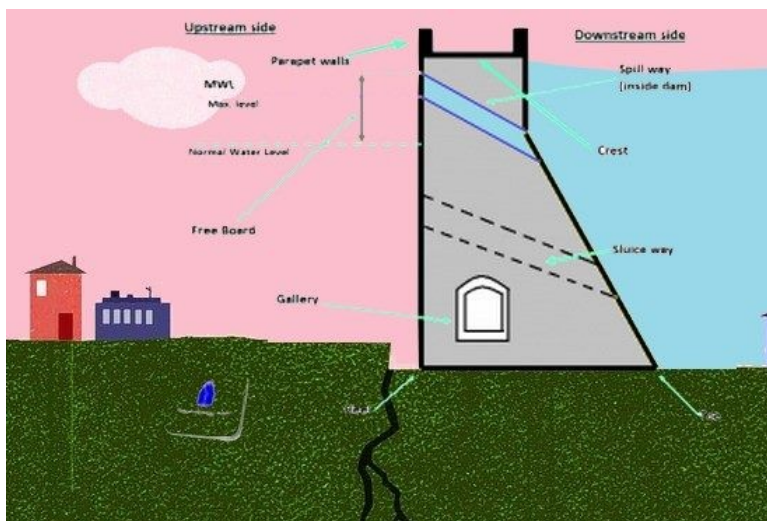
حدود دو دهه است که مردم احواز با تبعات و آسیب‌های زیست‌محیطی ناشی از طرح توسعه نیشکر (گذشته از معضلات اجتماعی) اعم از آلودگی رودخانه و آب شرب، آلودگی تالاب‌ها و آلودگی هوا دست به گریبان هستند. این طرح عظیم که می‌توانست اقتصاد منطقه را متحول کند به دلیل اقدامات نسنجیده و بدون مطالعه حالا به کابوس محیط‌زیست تبدیل شده است. شاید وقت آن رسیده باشد که نگاه‌ها به این طرح از امنیتی به زیست‌محیطی تغییر کند و اجازه دهند کارشناسان در مورد آن نظر بدهند.

توجه: در گزارش فوق، پاماز نام‌های مردمی و عربی را به جای نام‌های ساخته دولت مرکزی ایران استفاده کرده است.



## سازمان رودخانه های بین المللی سدهای بزرگ را عامل زلزله های احواز می داند

انتشار 15 نوامبر 2013



پادماز: همزمان باآبگیری سدهای بزرگ درشمال اقلیم احواز ونخیره شدن میلیاردها مترمکعب آب رودخانه های این اقلیم دردریاچه سدها، دهها زلزله اقلیم احواز را لرزانده اند. این امر درحالی صورت می گیرد که بیشتر سازمان رودهای بین المللی اعلام کرده بود که پس ازدومرحله آبگیری سریع سدکارون ۳ درسال ۲۰۰۵-۲۰۰۶، سه زلزله با قدرت ۴،۴ ویکدهم و ۴ و سه دهم ریشتر اقلیم احواز را لرزانده است.

در سال گذشته ۳۳ مورد زلزله در اقلیم احواز به وقوع پیوست که ۲۰ مورد از این زلزله ها در ماه های بهمن و اسفند روی داد واین یعنی بطور میانگین هر سه روز این اقلیم شاهد یک زلزله بوده است .

بنا به اظهارات یک منبع آگاه در ستاد حوادث غیرمترقبه “قدرت زمین لرزه از ۲ تا ۵ و ۲ دهم ریشتر متفاوت بود و شهرستان صالحیه در یک روز هفت بار شاهد زمین لرزه بوده است.”

این منبع مطلع، سدسازی بی رویه در اقلیم احواز را یکی از علل بروز زلزله های غیرمعمول عنوان کرد و گفته است؛ هرچند مسئولان از بیان موضوع خودداری می کنند اما وقوع این همه زمین لرزه به علت آبگیری سدها در ۶ ماه دوم سال در این استان است . نخیره میلیاردها متر مکعب آب در مخازن سدها ، فشار بیشتری به گسل های اطراف وارد می کند و با آزاد شدن انرژی زمین، زلزله هایی به وقوع می پیوندد.

اقلیم احواز دارای بزرگترین سدهای کشور از جمله سد بزرگ کرخه، دز، کارون، مارون و گتوند است. یک استاد دانشگاه هم با تایید تاثیر سدها در وقوع زلزله به آخرین نیوز گفته است: وقوع زمین لرزه های طولانی مدت همانند ۲ ماه اخیر خطرناک و این گونه زمین لرزه های القایی که ناشی از ساخت سد است ممکن است با قدرت های بیشتر هم روی دهد چرا که مدت بروز آن طولانی شده است. بر اثر آبیگری یا تغییرات ناگهانی سطح آب دریاچه های پشت سدها، تزریق آب یا سیال های دیگر به داخل زمین و یا استخراج آنها، مخصوصاً در جاهایی که گسل های فعال وجود دارد، زمین لرزه هایی ایجاد می شود.

سازمان رودخانه های بین المللی در زمینه پدیده زلزله های ناشی از تغییرات سطح آب سدها که به "لرزه خیزی القایی مخازن سدها" (Reservoir-Induced Seismicity, RIS) معروف است؛ عواملی نظیر ارتفاع سد و حجم آب ذخیره شده در دریاچه آن را در ایجاد زلزله تعیین کننده می داند. همچنین این سازمان وقوع "لرزه خیزی القایی مخازن سدها" را همزمان با آبیگری مخازن سدها دانسته که پس از بالا رفتن آب در دریاچه سدها از ارتفاعی خاص به وقوع می پیوندد. این سازمان کشورهای نظیر چین، ایران و ترکیه و شیلی به دلیل داشتن سدهای بزرگ را نمونه ای از کشورهای معرفی کرده است که سالانه شاهد وقوع دهها زلزله القایی هستند.

سازمان رودخانه های بین المللی وارد کردن وزن اضافه ناشی از بارگذاری ارتفاع آب پشت سدها، افزایش فشار آب نفوذی در سطح شکستگی های زمین، کاهش اصطکاک سطح گسلها به خاطر نقش نرم کنندگی آب را سه تاثیر مهم سدها در افزایش تنش های طبیعی لایه های زمین و وقوع زلزله ها معرفی می کند.

در همین راستا بر اساس پژوهشی که پژوهشگاه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله که در چهارمین کنفرانس ژئوفیزیک ایران ارائه شده بود پس از اتمام آبیگری سد مسجد سلیمان در تاریخ ۲۵ ژوئن ۲۰۰۲ میزان زلزله ها در منطقه مخزن سد افزایش یافته است. این زلزله ها با متوسط ۳٫۹ در مقیاس ریشتر رخ داده اند. همچنین بزرگترین لرزه القایی در ایران با قدرت ۵ و ۶ دهم ریشتر در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۲ در منطقه اطراف سد مسجد سلیمان به وقوع پیوسته است (۱).

بزرگترین زلزله القایی با قدرت ۷ و ۹ دهم ریشتر در دوازدهم ماه مه سال ۲۰۰۸ میلادی در ایالت سیچوان چین به وقوع پیوست. به اعتقاد دانشمندان چینی و آمریکایی زلزله سیچوان تحت تاثیر سد زیپینگ پو رخ داده است. این زلزله حدود ۸۰ هزار شهروند چینی را به کشتن داد و به ۲۳۸۰ سد خسارت وارد کرد.

۱- محمدرضا ابراهیمی و محمد تاتار- لرزه خیزی القایی در مخزن سد مسجد سلیمان، اردیبهشت ۱۳۸۹ شمسی

فصل سوم

## بحران آلودگی هوای اقلیم احواز



## احواز بار دیگر به عنوان آلوده ترین شهر جهان شناخته شد

انتشار 09 مارس 2014



شهر احواز پایتخت اقلیم احواز بار دیگر به عنوان آلوده ترین شهر جهان شناخته شد. به گزارش سایت انگلیسی زبان خبرگزاری آلمان "دویچه وله" به نقل از سازمان بهداشت جهانی، هوی تنفسی در شهر احواز بسیار آلوده و خطرناک گزارش شده است.

کارشناسان سازمان بهداشت جهانی می گویند هوای تنفسی شهر احواز آلوده ترین و خطرناک ترین هوا در سطح جهان است. سازمان بهداشت جهانی گزارش کرده است که وجود کارخانه های صنعتی، نفت و گاز در داخل و حاشیه شهر باعث آلودگی شدید و خطرناک هوا در این شهر شده است.

شهر احواز در جنوب غرب ایران برای چند سال پیاپی لقب خطرناک ترین شهر جهان به لحاظ آب و هوا را یدک می کشد.

در ماه نوامبر سال ۲۰۱۳ پس از بارش باران های اسیدی در این شهر، بیش از ۵۰ هزار نفر از شهروندان مقیم در آن به دلیل تنگی نفس و بیماری های ناشی از آلودگی آب و هوا راهی بیمارستان ها شده اند.

با گسترش بیماری های مختلف از جمله تنگی نفس، انواع سرطان و... مسئولان امنیتی اقلیم و استاندار منتصب دولت اشغالگر در این منطقه از ارائه آمار بیماران سرطانی و تنفسی به مطبوعات جلوگیری می کنند.

علیرغم گسترش بیماری ها، کاهش شدید کیفیت آب، وجود ذرات معلق در هوا و هشدارهای مستمر سازمان بهداشت جهانی، دولت ایران سیاست های غیر انسانی خود در این اقلیم را با سرعت و شدت ادامه می دهد.

از جمله سیاست های غیر انسانی و عرب ستیز ایران در اقلیم احواز انحراف آب رودخانه های احواز از منطقه زاگرس به سوی دیگر شهرها از جمله قم، اصفهان، یزد، رفسنجان و.... است.

جنبش ملی دموکراتیک عرب الاحواز / اخبار

## سیاستهای که هور العظیم را خشکاند

انتشار : 27 دسامبر 2013



وب سایت بروال با ارائه گزارشی باعنوان “آخرین نفسهای هور العظیم بر روی دستان آلوده نفت” به بررسی اقداماتی پرداخته است که منجر به خشک شدن یک از مهمترین تالاب های خاورمیانه هور العظیم شده است. متن این گزارش به شرح آتی است:

آخرین نفسهای هور العظیم بر روی دستان آلوده نفت

چندی پیش مدیر کل حفاظت محیط زیست اقلیم احواز از بازگشت هسته های زیست محیطی برای نظارت بر پروژه های نفتی در هور العظیم و پایان دو سال سکوت اطلاعاتی در باره این تالاب خبر داد.

در این حال برخی از کارشناسان حوزه محیط زیست اقلیم احواز معتقدند که بازگشت ناظران زیست محیطی به تالاب هور العظیم مانع از تکرار تخلفات زیست محیطی شرکت های نفتی تابعه شرکت مهندسی و توسعه نفت در این تالاب نخواهد شد.

به گفته آنها وابستگی اعضای هسته های زیست محیطی به وزارت نفت ( افراد مذکور توسط سازمان محیط زیست معرفی و از سوی وزارت نفت پشتیبانی می شوند) موجب خواهد شد که ناظران استقلال خود را از دست بدهند و تحت تأثیر قدرت و نفوذ نفتی ها، مجبور به چشم پوشی از بسیاری از مشکلات موجود در تالاب شوند.

به گزارش بروال به نقل از ایرنا، ناظران مستقل محیط زیست می گویند: تخریب مناطق تالابی و قطعه قطعه کردن آن، عدم برنامه های احیایی، جلوگیری از ورود آب به مخازن و ممانعت از تبادل آبی، استقرار واحدهای غیر مجاز اغلب در قسمت شمال تالاب، عدم مدیریت پسماندها و فاضلاب ها در محیط تالابی و آتش زدن حوضچه های نفتی بخشی از تخلفات میدان نفتی آزادگان در هور العظیم است.

تالاب هور العظیم یکی از بزرگترین تالاب های خاورمیانه است که در خط مرزی دو کشور ایران و عراق قرار گرفته و در هشت سال جنگ و حضور نیروهای نظامی در منطقه عملاً امکان هرگونه نظارت بر برنامه های زیست محیطی در آن وجود نداشت.

احداث جاده های آنتنی (دسترسی) در زمان جنگ در این تالاب و باقی ماندن این جاده ها پس از پایان جنگ نیز موجب تقسیم شدن این تالاب به چهار بخش شده به گونه ای که حتی ساخت حدود ۱۰۴ کیلومتر دایک مرزی در این تالاب که گفته می شد موجب احیاء دوباره هورالعظیم می شود هم نتوانست سبب بهبود وضعیت شود.

سال ها پس از جنگ، نوبت به نفتی ها رسید و در سال ۸۷ و بر اساس مصوبه وزیران عضو کمیسیون اقتصاد، بیش از هفت هزار هکتار از اراضی ملی واقع در دشت آزادگان احواز برای عملیات حفاری البتّه با رعایت قوانین زیست محیطی به مدت پنج سال در اختیار وزارت نفت قرار گرفت و مقرر شد پس از قطعیت استخراج نفت، بهره برداری از محل هر یک از چاههای استخراج نفت با شعاع ۲۵۰ متر از نقطه استخراج به مدت ۳۰ سال به وزارت نفت واگذار شود.

این در حالی است که بر اساس ماده ۱۶ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، کلیه عرصه های تالابی متعلق به دولت و در اختیار سازمان محیط زیست است و این سازمان نمی تواند عین آنها را واگذار کند و به نوعی بر اساس این ماده قانونی، واگذاری اراضی تالابی به صنعت نفت کاری خلاف قانون بوده است.

در این بین طراحی پروژه میدان نفتی آزادگان جنوبی در سال ۱۳۷۸ توسط شرکت ایمپکس ژاپن انجام شد و بر اساس نظر برخی از کارشناسان الزامات زیست محیطی منطبق با استانداردهای بین المللی در طراحی آن رعایت شده بود که از جمله این الزامات، استقرار هسته های زیست محیطی در میدان نفتی آزادگان جنوبی بود.

البته این الزام زیست محیطی سه سال پس از شروع عملیات اجرایی میدان نفتی آزادگان جنوبی و اواخر سال ۸۰ در تالاب محقق شد، اما ارسال گزارشهایی از عملکرد میدانی نفتی مستقر در تالاب هورالعظیم به اداره کل محیط زیست احواز در این دهه توسط ناظرین زیست محیطی تالاب، به سادگی منجر به اخراج هسته های زیست محیطی از تالاب هورالعظیم شد.

با اکتشافات نفتی انجام شده در میدان نفتی آزادگان جنوبی، زمزمه راه اندازی میدان نفتی آزادگان شمالی در سال ۸۸ شنیده شد و در حالی که در ابتدا در مرحله امکان سنجی و مکان یابی، گزارشهای ارزیابی (شامل مشخصات جغرافیایی، عمق تالاب، رژیم آبی تالاب و بسیاری موارد دیگر) انجام می شود، اما عملیات اجرایی میدان نفتی آزادگان شمالی قبل از مطالعات ارزیابی انجام شد و پس از آن سازمان محیط زیست مجوز ارزیابی این میدان را تایید کرد.

کاظم گمراوی یکی از اعضاء پیشین هسته های زیست محیطی در تالاب هورالعظیم در خصوص مطالعات زیست محیطی میدان های نفتی آزادگان جنوبی و شمالی گفت: به عنوان مثال در گزارشهای ارزیابی این میدانی هدف از اجرای طرح احداث ۱۸ چاه نفتی بیان شده اما در صفحه دیگر مطالعات، هدف از توسعه میدان رسیدن به تولید ۲۰۰ هزار بشکه نفت اعلام شده است، یعنی اگر با حفر ۱۸ چاه این مقدار نفت به دست نیاید می توانند چاههای بیشتری حفر کنند و این در حالی است که در حفاری های انجام شده در میدان آزادگان شمالی مطالعات لرزه نگاری سه بعدی انجام نشده است.

وی در خصوص استقرار هسته های زیست محیطی در تالاب هورالعظیم گفت: این هسته ها برای نظارت بر عملکرد و فعالیت های میدان نفتی آزادگان جنوبی در تالاب مستقر شده بود، اما ناظران ملزم شدند که بر فعالیت های میدان نفتی آزادگان شمالی نیز نظارت کنند در صورتی که در مجوز صادر شده از سوی سازمان محیط زیست آورده شده که هسته های زیست محیطی مجزا باید فعالیت های این دو طرح را مورد بررسی قرار دهد.

دبیر انجمن زیست محیطی هیام با اشاره به اینکه در میدان نفتی آزادگان شمالی الزامات زیست محیطی رعایت نمی شود، ادامه داد: تفاوت عمده میدان نفتی آزادگان شمالی با جنوبی این است که آزادگان شمالی عملاً در عرصه تالاب اجرا شده و ساخت جاده و سکوهای نفتی و حفاری ها در عرصه تالاب، قسمت شمالی هورالعظیم را از بین برده است.

گمراوی افزود: در زمان بازرسی از تالاب برای مستند سازی، با قایق از روی لاشه های ماهیان عبور می کردیم که این فاجعه زیست محیطی حاصل فعالیت های نفتی در تالاب است.

وی گفت: اجرای طرح های نفتی آزادگان در تالاب هورالعظیم موجب تکه تکه شدن آن شده و عملاً قدرت خود پالایی را از این تالاب گرفته است.

این فعال زیست محیطی اظهار کرد: شرکت های نفتی در راستای اهداف خود عمل می کنند و زمانی که متوجه شدند گستره گزارشهای ارسال شده از سوی ناظران زیست محیطی تالاب اذهان عمومی را متوجه مشکلات به وجود آمده در

این تالاب کرده، اقدام به اخراج هسته های زیست محیطی از هورالعظیم کردند زیرا پشتیبان اصلی اعضاء این هسته ها شرکت های نفتی موجود در تالاب بودند.

### استقرار هسته های زیست محیطی در هورالعظیم با رویکرد تازه

اخراج هسته های زیست محیطی در سال ۹۰ موجب شد شرکت مهندسی و توسعه نفت به عنوان مسوول اصلی اجرای پروژه های نفتی در تالاب هورالعظیم، در چند سال گذشته با حضور در این تالاب تعهدات زیست محیطی خود را نادیده گرفته و با خروج ناظرین از این تالاب دیگر نگران فعالیت هایش در هورالعظیم نباشد.

اما مدیر کل حفاظت محیط زیست احواز از بازگشت هسته های زیست محیطی به تالاب هورالعظیم با رویکرد جدید و برای نظارت بر فعالیت های میدان های نفتی آزادگان جنوبی و شمالی خبر داد.

احمد رضا لاهیجان زاده اظهار داشت: با توافقات انجام شده با شرکت نفت، افراد مورد تایید محیط زیست احواز به وزارت نفت معرفی شده اند که امیدواریم این وزارتخانه هر چه سریعتر موافقت خود را با به کارگیری آنها اعلام کند.

وی ادامه داد: وظیفه اصلی هسته های زیست محیطی کنترل، پایش و نظارت بر اجرای پروژه های طرح های نفتی آزادگان شمالی و جنوبی، طرح میدان نفتی یاران و میدان نفتی یادآوران است.

مدیر کل حفاظت محیط زیست احواز افزود: بر اساس دستور العمل سازمان محیط زیست، افراد ناظر در تالاب هورالعظیم از سوی این سازمان انتخاب شده اند.

در این حال هنوز این سوال ذهن دوستداران تالاب هورالعظیم را مشغول کرده که رویکرد تازه هسته های زیست محیطی که قرار است پس از دو سال اخراج و اجرای بسیاری از برنامه ها و پروژه های نفتی در غیاب این ناظرین انجام شده چه خواهد بود؟ آیا این رویکرد به نفع تالاب است، یا بار دیگر هورالعظیم قرار است قربانی مصلحت صنعت نفت شود؟

گمراوی با نقد طرح ناظران زیست محیطی تالاب هورالعظیم گفت: هسته های زیست محیطی فرآیندی کاملاً ناقص است زیرا کارشناس و ناظری که در کار خود استقلال نداشته باشد و با وابستگی به صنعت وارد کار شود، در آخر یا متمایل به صنعت می شود و یا در صورت مقاومت به راحتی کنار گذاشته خواهد شد؛ مانند اخراج هسته های زیست محیطی از تالاب هورالعظیم که به علت ارسال گزارشهای ناظرین از عملکرد شرکت های نفتی حاضر در تالاب انجام شد.

دبیر انجمن زیست محیطی هیام با اشاره به اینکه فرآیند هسته های زیست محیطی تنها در صورت وابسته بودن به سازمان محیط زیست می تواند مفید باشد، اظهار داشت: سازمان حفاظت محیط زیست این توانایی را دارد که بدون وابستگی، نیروهای گزینش شده خود را در تالاب هورالعظیم مستقر کند.





وی اظهار کرد: احواز استانی است نفتخیز و باید با راه اندازی دفتری به عنوان دفتر نظارت بر فعالیت های نفتی در استان که زیر نظر اداره محیط زیست احواز اداره شود عملکرد تمام میادین نفتی استان مورد بررسی قرار گیرد.

این فعال حوزه های زیست محیطی با اشاره به اینکه در حال حاضر تمام عرصه تالاب هورالعظیم در اختیار شرکت های نفتی قرار دارد، افزود: چندین سال از فعالیت های نفتی در این تالاب گذشته و جاده ها، چاهها و سکویهای نفتی ساخته شده و این فعالیت ها بدنه یکچارچه تالاب را تکه تکه کرده است.

وی تصریح کرد: نظارت باید در ابتدای کار انجام می شد نه اکنون که دیگر چیزی از تالاب هورالعظیم باقی نمانده است.

#### حق آبه ای که هیچ گاه تامین نمی شود

در چند سال گذشته به دلیل بروز خشکسالی های پی در پی در حوضه آبریز رودخانه کرخه که تامین کننده اصلی آب تالاب هورالعظیم است، این رودخانه نتوانسته آب مورد نیاز کشاورزی منطقه را تامین کند و در برخی از سالها ورودی آب به تالاب به صفر رسیده است.

مدیر کل حفاظت محیط زیست احواز از اختصاص ۱۰ متر مکعب آب در ثانیه برای تالابهای شادگان و هورالعظیم خبر داد و گفت: محاسبه حق آبه این دو تالاب در جدول برنامه سازمان آب و برق احواز موفقیت خوبی است و در ۴۰ سال گذشته هیچگاه چنین برنامه ای جزو جدول های محاسباتی این سازمان قرار نگرفته است.

با این حال اکنون میزان ورودی آب به تالاب هورالعظیم فقط دو متر مکعب در ثانیه است و در برخی موارد برداشت های کشاورزان در مسیر، اجازه ورود همین مقدار کم را هم به تالاب نمی دهد.

در سال گذشته افزایش میزان بارندگی ها در اقلیم احواز موجب کاهش مصرف آب کشاورزی شد و ورود آب به هورالعظیم، جانی تازه به پیکر خشکیده تالاب بخشید.

اما در باره تعیین حق آبه از سوی سازمان آب و برق برای تالابهای شادگان و هورالعظیم نیز ناظران خوشبین نیستند و می گویند: این نوع تعهدات در گذشته نیز بارها داده شده اما هیچگاه به آن عمل نشده و اداره کل محیط زیست احواز نیز تاکنون به صورت چشمی میزان ورود آب به این تالاب را تخمین زده است.

### هورالعظیم کانون گرد و غبار

تبدیل شدن تالاب هورالعظیم به یکی از کانون های اصلی گرد و غبار از دیگر هشدارهای اداره کل محیط زیست احواز به مقامات ارشد کشوری است که چند سالی پیگیر برنامه هایی برای کاهش گرد و غبار در اقلیم احواز هستند.

بگفته ناظران زیست محیطی اکنون گرد و غبار ها فقط منشاء خارجی ندارد و تالاب هورالعظیم که زمانی سپری طبیعی در مقابل گرد و غبار محسوب می شد به یکی از کانون های گرد و غبار تبدیل شده است.

الهام خاکسار کارشناس و مسوول آزمایشگاههای اداره کل محیط زیست احواز گفت: مساحت تالاب هورالعظیم از ۷۵۰ هزار هکتار در سال ۱۹۷۰ به یکصد هزار هکتار رسیده و خودسوزی تالاب بر اثر خشک شدن نیزارها نیز به یکی از مشکلات اصلی هورالعظیم تبدیل شده است.

نکته پایانی اینکه اداره کل محیط زیست احواز و تالاب هورالعظیم وارث معضلات و مشکلاتی هستند که در نتیجه اتخاذ تصمیمات روسا و کارشناسان پیشین سازمان محیط زیست در باره تالاب هورالعظیم به وجود آمده است زیرا تمام مجوزهای توسعه میداین نفتی در دفتر ارزیابی سازمان محیط زیست صادر شده و اداره کل محیط زیست احواز تنها ابلاغ کننده این تصمیمات بوده است.

منبع: وب سایت بروال

پادماز: در متن فوق به جای نام های فارسی از نام های تاریخی و مردمی عربی استفاده شده است.

## گوشه هایی از فاجعه احواز از نگاه آمار

انتشار 25 نوامبر 2013

چندی پیش در “همایش تخصصی ریزگردها، پایش، اثرات و راهکارهای مقابله با آن” آمارهایی درباره میزان آلودگی خیره کننده هوای شهر احواز در سالهای ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ شمسی ارائه شده است. این آمارها در ستون شدت آلودگی نشان می دهد که هوای شهر احواز چندین برابر میزان مجاز آلودگی است. این آمارها گوشه هایی از فاجعه ای را نشان می دهند که به آرامی سالانه جان هزاران تن از مردم اقلیم احواز را می گیرد.

آمار و سوابق آلودگی گرد و غبار احواز در سالهای ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷:

جدول (1-2) گزارش وضعیت کیفیت هوای احواز از تاریخ (86/5/30) تا (86/12/28)

ردیف	روز وقوع آلودگی	تاریخ وقوع پدیده گرد و غبار	حداکثر غلظت گرد و غبار بر حسب میکروگرم بر متر مکعب	شدت آلودگی (مقایسه با حد مجاز)
1	سه شنبه	1386/5/30	1539	6 برابر حد مجاز
2	پنجشنبه	1386/6/6	2340	9 برابر حد مجاز
3	شنبه	1386/6/9	2536	10 برابر حد مجاز
4	پنجشنبه	1386/6/21	3686	14 برابر حد مجاز
5	چهارشنبه	1386/7/4	424	1/5 برابر حد مجاز
6	یکشنبه	1386/7/15	1886	7/5 برابر حد مجاز
7	دوشنبه	1386/7/16	886	3/5 برابر حد مجاز
8	دوشنبه	1386/7/30	3004	11/5 برابر حد مجاز
9	شنبه	1386/8/26	553	2 برابر حد مجاز
10	سه شنبه	1386/8/29	1040	4 برابر حد مجاز
11	چهارشنبه	1386/8/30	587	2/5 برابر حد مجاز
12	جمعه	1386/9/23	3422	13 برابر حد مجاز

3/2 برابر حد مجاز	839	1386/9/29	پنجشنبه	13
2 برابر حد مجاز	498	1386/10/10	شنبه	14
2 برابر حد مجاز	511	1386/10/2	یکشنبه	15
7 برابر حد مجاز	1851	1386/10/16	یکشنبه	16
10/5 برابر حد مجاز	2750	1386/11/11	پنجشنبه	17
7 برابر حد مجاز	1825	1386/11/12	جمعه	18
1/8 برابر حد مجاز	474	1386/11/17	چهارشنبه	19
22 برابر حد مجاز	5721	1386/11/22	دوشنبه	20
6/4 برابر حد مجاز	1660	1386/11/26	جمعه	21
5/5 برابر حد مجاز	1432	1386/11/27	شنبه	22
4 برابر حد مجاز	1049	1386/11/28	یکشنبه	23
2/5 برابر حد مجاز	663	1386/11/30	سه‌شنبه	24
2 برابر حد مجاز	547	1386/12/5	یکشنبه	25

ادامه جدول (1-2) گزارش وضعیت هوای احواز از تاریخ (86/05/30) تا (86/12/28)

رديف	روز وقوع آلودگی	تاریخ وقوع پدیده گرد و غبار	حداکثر غلظت گرد و غبار بر حسب میکروگرم بر متر مکعب	شدت آلودگی (مقایسه با حد مجاز)
26	پنجشنبه	1386/12/9	3300	12/7 برابر حد مجاز
27	دوشنبه	1386/12/13	2009	7/7 برابر حد مجاز
28	یکشنبه	1386/12/19	2119	8/1 برابر حد مجاز
29	پنجشنبه	1386/12/23	1104	4/2 برابر حد مجاز
30	جمعه	1386/12/24	844	3/2 برابر حد مجاز
31	یکشنبه	1386/12/26	2110	8/5 برابر حد مجاز

جدول (2-2) گزارش وضعیت کیفیت هوای احواز از تاریخ (87/1/1) تا (87/5/8)

ردیف	روز وقوع پدیده گردو غبار	تاریخ وقوع پدیده گرد و غبار	حداکثر غلظت گرد و غبار برحسب میکرو گرم بر متر مکعب	شدت آلودگی (مقایسه با حد مجاز)	طول مدت وقوع آلودگی
1	شنبه	87/1/3	1101	4 برابر حد مجاز	27 ساعت در وضعیت بحرانی
2	یکشنبه	87/1/4	860	3/3 برابر حد مجاز	18 ساعت در وضعیت بحرانی
3	چهارشنبه	87/1/7	934	3/5 برابر حد مجاز	48 ساعت در وضعیت بحرانی
4	پنجشنبه	87/1/8	1401	5/3 برابر حد مجاز	
5	شنبه	87/1/17	1015	4 برابر حد مجاز	20 ساعت در وضعیت بحرانی
6	شنبه	87/1/31	4200	16 برابر حد مجاز	56 ساعت در وضعیت بحرانی
7	سهشنبه	87/2/10	1016	4 برابر حد مجاز	84 ساعت در وضعیت بحرانی
8	چهارشنبه	87/2/11	9360	36 برابر حد مجاز	
9	پنجشنبه	87/2/12	4736	18 برابر حد مجاز	
10	شنبه	87/2/28	1234	5 برابر حد مجاز	84 ساعت در وضعیت بحرانی
11	دوشنبه	87/3/6	3600	14 برابر حد مجاز	
12	سهشنبه	87/3/7	890	3/5 برابر حد مجاز	
13	چهارشنبه	87/3/8	692	2/5 برابر حد مجاز	

ادامه جدول (2-2) گزارش وضعیت کیفیت هوای احواز از تاریخ (87/1/1) تا (87/5/8)

ردیف	روز وقوع آلودگی	تاریخ وقوع پدیده گرد و غبار	حداکثر غلظت گرد و غبار بر حسب میکروگرم بر متر مکعب	شدت آلودگی (مقایسه با حد مجاز)	طول مدت وقوع آلودگی
14	شنبه	87/3/11	590	2/2 برابر حد مجاز	240 ساعت در وضعیت بحرانی
15	یکشنبه	87/1/12	507	2 برابر حد مجاز	
16	دوشنبه	87/3/13	660	2/5 برابر حد مجاز	
17	سه‌شنبه	87/3/14	630	2/5 برابر حد مجاز	
18	چهارشنبه	87/3/15	640	2/5 برابر حد مجاز	
19	پنجشنبه	87/3/16	655	2/5 برابر حد مجاز	
20	جمعه	87/3/17	587	2/2 برابر حد مجاز	
21	شنبه	87/3/18	710	3 برابر حد مجاز	
22	یکشنبه	87/3/19	630	2/5 برابر حد مجاز	
23	دوشنبه	87/3/20	5740	22 برابر حد مجاز	
24	پنجشنبه	87/3/30	1254	5 برابر حد مجاز	24 ساعت در وضعیت بحرانی
25	دوشنبه	87/4/10	2770	10 برابر حد مجاز	96 ساعت در وضعیت بحرانی
26	چهارشنبه	87/4/19	660	2/5 برابر حد مجاز	48 ساعت در وضعیت بحرانی
27	دوشنبه	87/4/24	1508	6 برابر حد مجاز	74 ساعت در وضعیت بحرانی
28	دوشنبه	87/5/7	1590	6 برابر حد مجاز	24 ساعت در وضعیت بحرانی

تجزیه و تحلیل آمار داده‌های کیفیت و کمیت هوای احواز در سال ۸۶-۸۷:

با توجه به تجزیه و تحلیل آمار جدول شماره (۲-۱) و (۲-۲) نتایج کمی و کیفی زیر حاصل می‌گردد:

- در سال ۸۶ تعداد موارد گرد و غبار ۳۱ مورد بوده که با مدت وقوع ۲ روزه جمعاً ۶۳ روز آلوده در سال ۸۶ از ۳۰/۵/۸۶ تا ۲۹/۱۲/۸۶ به وقوع پیوسته است.

- در سال ۸۷ تعداد موارد گرد و غبار ۲۸ مورد بوده که جمعاً ۳۷ روز آلوده در سال ۸۷ از ۱/۱/۸۷ تا ۷/۵/۸۷ بوده است.

- جمع روزهای آلوده در یکسال از ۳۰/۵/۸۶ تا ۳۰/۵/۸۷ حدود ۱۰۰ روز بوده است.

- از این ۱۰۰ روز حدوداً ۴۰ روز در نیمه اول سال ۸۷ و ۶۰ روز در نیمه دوم سال ۸۶ بوده است

- حداکثر میزان آلودگی در سال ۸۶ در بهمن ماه (۲۲/۱۱/۸۶) به میزان ۵۷۲۱ میکروگرم در متر مکعب یعنی حدود ۲۲ برابر حد مجاز بوده که این میزان حداکثر در سال ۸۷ با افزایش قابل توجه در اردیبهشت ماه (۱۱/۲/۸۷) با میزان ۹۳۶۰ میکروگرم در متر مکعب یعنی حدود ۳۶ برابر حد مجاز بوده که نشان از بحرانی تر شدن پدیده (افزایش ۱۶۰٪) در طول کمتر از ۳ ماه دارد که این روند برای سال‌های آینده نیز بحرانی‌تر پیش‌بینی می‌گردد.

- حداقل میزان آلودگی در سال ۸۶ در مهرماه (۴/۷/۸۶) به میزان ۴۲۴ میکروگرم در متر مکعب بوده که ۵/۱ برابر حد مجاز بوده ولی حداقل میزان آلودگی در سال ۸۷ با افزایش قابل توجهی در خردادماه ۱۲/۳/۸۷ به میزان ۵۰۷ میکروگرم در متر مکعب در طول کمتر از ۸ ماه حداقل پدیده نیز افزایش ۱۲۰٪ داشته که نشان از بحرانی تر شدن حداقل آلودگی بوده و همچنین نشان دهنده این موضوع است که میزان حداقل گرد و غبار روبه افزایش است و در سال‌های آینده نیز بحرانی‌تر خواهد شد.

- در سال ۸۷ روزهای آلوده ۳۷ روز بوده که ۳۰ روز آن وضعیت بحرانی (از تاریخ ۳/۱/۸۷ تا ۲۰/۳/۸۷) بوده که منجر به تعطیلی مدارس، تعطیلی پروازها و ادارات شده است.

- در سال ۸۶ روزهای آلوده ۶۳ روز بوده که ۲۸ روز آن وضعیت بحرانی (از تاریخ ۳۰/۵/۸۶ تا ۲۶/۱۲/۸۶) بوده که منجر به تعطیلی مدارس، تعطیلی پروازها، ادارات و ... شده است.

- نتایج این تجزیه و تحلیل در جداول ۲ تا ۴ به ترتیب تحت عنوان جدول تغییرات ماهیانه حداکثر، جدول تغییرات ماهیانه حداقل جدول و تغییرات فصلی ارائه شده است. در جدول ۲، تغییرات حداکثر ماهیانه، بیشترین میزان آلودگی در اردیبهشت ماه اتفاق افتاده و در جدول ۳، تغییرات حداقل ماهیانه، کمترین میزان آلودگی در مهرماه به وقوع پیوسته است. با اندکی دقت در جدول ۴، با عنوان تغییرات فصلی، مشخص می‌شود که آلودگی در فصل تابستان و پاییز حداقل بوده و در فصول بهار و زمستان آلودگی گرد و غبار حداکثر می‌باشد لذا از این نتایج می‌توان در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری بهره‌گیری نمود. برای مثال می‌توان سعی نمود عملیات‌های اجرایی

جدول شماره ۲: جدول تغییرات ماهیانه حداکثر آلودگی گرد و غبار احواز (میکروگرم در متر مکعب)

سال	ماه	حداکثر میزان آلودگی (میکروگرم برمتر مکعب)
86	مرداد	1539
86	شهریور	3686
86	مهر	3004
86	آبان	1040
86	آذر	3422
86	دی	1851
86	بهمن	3300
86	اسفند	4200
87	فروردین	9360
87	اردیبهشت	5740
87	خرداد	2770
87	تیر	1590
87	مرداد	1590



جدول شماره ۳ جدول تغییرات ماهیانه حداقل آلودگی گرد و غبار احواز (میکرو گرم در متر مکعب)

سال	ماه	حداقل میزان آلودگی (میکرو گرم بر متر مکعب)
86	مرداد	1539
86	شهریور	2340
86	مهر	424
86	آبان	553
86	آذر	839
86	دی	511
86	بهمن	474
86	اسفند	547
87	فروردین	860
87	اردیبهشت	1016
87	خرداد	507
87	تیر	660
87	مرداد	1590

جدول شماره ۴ تغییرات فصلی میزان آلودگی گرد و غبار در احواز (میکرو گرم در متر مکعب)

فصل	حداکثر میزان آلودگی
بهار	9360
تابستان	3686
پاییز	3422
زمستان	5721

منبع: منشاء و اثرات ریزگردهای استان احواز و لزوم اقدامات بیابان‌زدایی، امیرحسین رجایی، کارشناس ارشد خاکشناسی، کارشناس مسئول اداره کل منابع طبیعی احواز و سینا عطارروشن، دکتری منابع طبیعی- علوم جنگل، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد احواز.

## هوای احواز آلوده به اورانیوم است

انتشار 27 نوامبر 2013

به گزارش خبرگزاری ایرنا نماینده شهر صالحیه (اندیمشک) و یک نماینده دیگر از کمیسیون بهداشت و درمان پارلمان دولت مرکزی ایران از آلوده بودن ریزگردهای اقلیم احواز به اورانیوم ضعیف شده خبر دادند. این دو نماینده اظهار داشته اند که دولت مرکزی برای حل بحران آلودگی هوای احواز اقدام خاصی انجام نداده و در عوض صدا و سیما مرکزی ایران گزارش هایی از پاک بودن هوای احواز منتشر می کند.

شهلا میرگلو بیات عضو کمیسیون بهداشت و درمان پارلمان ایران با انتقاد از کتمان واقعیت توسط رسانه ملی ایران گفته است که خاک اقلیم احواز به بقایای بمب های شیمیایی آلوده است و ریزگردهایی که از عراق وارد می شود نیز، آلوده به اورانیوم ضعیف شده هستند.

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس از عملکرد صداوسیما انتقاد کرده و خواستار مطرح شدن علت اصلی بحران آلودگی محیط زیست احواز شده است. وی از صداوسیما مرکزی ایران خواسته است تا به جای پخش گزارش های غیرواقعی درباره پاک بودن هوای احواز، حقیقت را اعلام کند.

از طرف دیگر عیسی دارایی نماینده شهر صالحیه در پارلمان مرکزی ایران اظهار داشته است که آلودگی از یک سو بر اثر وجود گاز سولفور در هوا و از سوی دیگر هجوم ریزگردهایی که آلوده به مواد شیمیایی و اورانیوم ضعیف شده مانده در خاک هستند.

وی در زمینه وضعیت بحرانی مردم احواز افزود: "از یک سو آبی که می خورند مایع ممت است و از سوی دیگر هوایی که تنفس می کنند بوی مرگ می دهد. باران رحمت برایشان مایه زحمت است و مردم را روانه بیمارستان می کند."

عیسی دارایی با اشاره به شدت یافتن آلودگی هوای احواز، در تشریح انواع آلودگی هوا در استان گفت: در مورد آلودگی هوای استان یکی مسئله آلودگی هوای صنعتی است و دیگری بحث ریزگردها که وارد این استان می شود. دارایی در ادامه با اشاره به جلسه نمایندگان استان با روحانی گفته است که "به اعتقاد من دولت های گذشته برای مسئله ریزگردها کاری انجام نداده اند و خواست ما از رئیس جمهور فعلی پیگیری جدی این موضوع است".

او با نادیده گرفتن تاثیر مستقیم ساخت دهها سد بر روی رودخانه های احواز، علت خشک شدن احوار احواز را در نتیجه جنگ و خشکسالی های دانسته؛ که خود سبب به راه افتادن طوفان های شن شده است. وی گفت که ایران در این زمینه کار مفیدی انجام نداده است.

نماینده مردم صالحیه در ادامه از دولت مرکزی خواست که با توزیع شیر، ماسک و ابزارهای مورد نیاز بیماران تنفسی در اقلیم احواز به این استان هم توجه داشته باشد و می گوید: دولت باید به شهرستان ها و دیگر استان ها هم به اندازه تهران توجه داشته باشد.

او همچنین با انتقاد از عدم کارشناسی در مکان یابی صنایع اقلیم احواز تصریح می کند: ما در موضوع آلاینده های صنعتی کار کارشناسی انجام نداده ایم و صنایع استان در مکان های مناسبی نیستند. در این زمینه شایان ذکر است که صنایع و کارخانه های تاسیس شده به دلیل نقش امنیتی آنها برای دولت مرکزی ایران، به هیچ وجه مسئله محیط زیست در ارزیابی های این صنایع لحاظ نشده است.

دارایی در ادامه در انتقاد از عملکرد صدا و سیما مبنی عدم پرداختن به مشکلات آب و هوای اقلیم احواز و کتمان حقیقت متذکر می‌شود: مسئولان چه بپذیرند و چه نپذیرند، ما در اقلیم احواز آلودگی هوا داریم.

دارایی در ادامه به آلودگی خاک منطقه به باقی مانده مواد شیمیایی بمب‌های جنگ اشاره کرده و می‌گوید: این خاک‌ها به باقی مانده بمب‌های شیمیایی آلوده است و همچنین ریزگردهایی که از عراق وارد می‌شود آلوده به اورانیوم ضعیف شده است.

دارایی ادامه می‌دهد این ریزگردها و آلودگی‌ها باعث بروز سرطان و بسیاری از بیماری‌ها می‌شود.

شایان ذکر است که برخی فعالان احوازی علت امتناع مسئولان استانی از گفتن حقیقت این بحران زیست محیطی و انسانی بسیار خطرناک، را بزرگ بودن خطری می‌دانند که این فاجعه را رقم زده است. به اعتقاد برخی، فعالیت‌های هسته‌ای مخفی دولت مرکزی ایران در اقلیم احواز می‌تواند علت اصلی تلفات انسانی در این اقلیم باشد.

در هفته‌های گذشته بیش از بیست هزار شهروند احواز به دلایل نامعلومی دچار تنگی نفس شده و راهی بیمارستان‌ها شدند.

در طی سال‌های گذشته نیز شاهد بروز بیماری‌های ناشناخته و تولد نوزدان ناقص الخلقه در سایر اقلیم احواز بوده ایم.

## نتایج خیره کننده پژوهشی درباره درباره مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا

انتشار 15 دسامبر 2013

پادماز: براساس پژوهشی که اخیراً در مجله علمی لانست منتشر شده است ذرات ریز حتی در غلظت هایی کمتر از حد مجاز تعیین شده برای اروپا نیز خطرناک بوده و میزان مرگ میر انسانها را افزایش می دهد. بنا به اظهارات یوران پرشاگن عضو بخش محیط زیست انستیتو کارولینسکا در سوئد، در حالی که حد مجاز اتحادیه اروپا برای غلظت ذرات ریز میزان میانه سالانه ۲۵ میکروگرم در متر مکعب است، ذرات ریز با غلظت ۱۵ میکروگرم در متر مکعب خطر مرگ انسانها را افزایش می دهد.

این پژوهش علمی ۲۲ پژوهش همزمان که در ۱۳ کشور اروپایی انجام شده اند را شامل می شود و ۳۶۰ هزار نفر در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته اند.

یوران پرشاگن عضو بخش محیط زیست انستیتو کارولینسکا در سوئد، یکی از دانشمندان سوئدی است که در این پژوهش شرکت داشته است. وی بیان داشته است که ذرات ریز حتی در غلظت های پایین نظیر ۱۵ میکروگرم در متر مکعب، خطر مرگ انسانها را افزایش می دهد و این امر باید از سوی دولت ها جدی گرفته شده و برای کاهش غلظت آنها باید تلاش کرد.

وی درباره افزایش خطر مرگ و میر انسان ها همراه با افزایش غلظت ذرات ریز اظهار داشت که برای غلظت های بیشتر از ۱۵ میکروگرم در متر مکعب، افزایش هر پنج میکروگرم در متر مکعب خطر مرگ را هفت درصد افزایش می دهد.

بنابراین پژوهش آن دسته از اشخاصی که از مرگ جان سالم بدر برده اند، به بیماریهای نظیر آسم، از کار افتادگی عملکرد ریه ها، بیماری های قلبی و عروقی در اثر استنشاق ذرات ریز دچار شده اند.

بناباه آمارهای رسمی سالانه ۳۰۰ هزار نفر در اتحادیه اروپا به دلیل آلودگی هوا جان خود را از دست می دهند.

مقایسه نتایج این پژوهش با آمارهای رسمی دولت مرکزی ایران از میزان غلظت ذرات ریز در اقلیم احواز، شگفتی آور است. براساس داده های ایستگاههای سنجش آلودگی هوا در احواز، حداقل میزان گردوغبار در این شهر در سال ۱۳۸۸ شمسی ۳۴۲۲ میکروگرم در متر مکعب و حداکثر میزان گردوغبار ۹۳۶۰ میکروگرم در متر مکعب است. این مقادیر به ترتیب ۱۳۶ برابر و ۳۷۵ برابر حد مجاز در اتحادیه اروپا است.

تدوین: پادماز

## حذف اعتبار مهار ریزگردها از بودجه، علی رغم تلفات جانی احوازیها

انتشار 13 دسامبر 2013

دولت مرکزی ایران در سال جاری شمسی اقدام به حذف اعتبار مهار ریزگردها و گردوغبار از بودجه سال ۹۲ کرده است. این اقدام دولت مرکزی در حالی صورت می گیرد که بیمارهای قلبی و عروقی و سرطان ناشی از آلودگی شدید هوای احواز به ذرات ریز معلق، سالانه جان چند هزار احوازی را می گیرد.

معاون حقوقی و امور مجلس سازمان محیط زیست گفت: با حذف اعتبار گردوغبار و ریزگرد از محل مازاد درآمد نفتی، اعتباری برای مهار این پدیده‌های مخرب وجود ندارد و از مجلس انتظار می‌رود با جبران این نقیصه زمینه را برای کاهش بحران‌های زیست محیطی فراهم آورند.

محمد نوری امیری در گفتگو با خبرگزاری فارس با بیان اینکه در سال ۹۲ نیز تلاش کردیم برای محیط زیست از محل مازاد درآمد نفتی اعتباری در نظر گرفته شود، اظهار داشت: کاهش چشمگیر اعتبارات زیست محیطی سازمان و سایر دستگاه‌های دخیل، و حذف اعتبار مهار ریزگردها در سال ۱۳۹۲ سبب می‌شود که عملاً امکان مدیریت این پدیده در سال ۱۳۹۲ ممکن نگردد.

به گفته وی، به ازای هر یکصدکیلومتر از طول مرزهای کشور حداقل بایستی حدود ۵۰ میلیون دلار هزینه شود تا از شدت ورود ریزگردهای عربی به کشورمان جلوگیری نماییم. تجهیزات و فناوری های نوین مورد استفاده، امکان مهار ۳۰ تا ۷۰ درصدی ریزگردها را دارند اما نتایج زمانی کامل می‌شود که در کریدورهای ورودی ریزگردها، تجهیزات به طور کامل نصب گردند.

نوری امیری تصریح کرد: این امر مستلزم اختصاص اعتبار کافی در حدود ۵۰۰ میلیون دلار در سال است که طی یک فرآیند ۳ ساله، ریزگردهای ورودی از کشورهای عربی منطقه به کشورمان مهار گردند.

شایان ذکر است که دولت مرکزی ایران در حالی که دهها سد بر روی رودخانه های غرب سلسه جبال زاگرس ساخته و تالابهای اقلیم احواز و عراق را خشکانده است، به شکل شگفت آوری عراق را مسئول طوفان شن خاورمیانه معرفی می

کند. درمقابل عراق، کشورهای ایران و ترکیه را عامل اصلی خشک شدن تالاب ها و زمین های خود دانسته و خواهان برچیده شدن سدهای ساخته شده بر روی رودخانه های مشترک بین این کشور و ایران و ترکیه شده است.

عراق سرزمین تالاب های مهم خاورمیانه از خود هیچ رودخانه ای که سرچشمه اش در خاک این کشور باشد، ندارد.

## بارندگی، بیش از ۲۰۰۰ احوازی را راهی بیمارستان کرد

انتشار 19 نوامبر 2013

در پی بارندگی شب گذشته (دوشنبه ۲۶ آبان ماه) در احوازی بیش از دو هزار نفر به دلیل مشکلات تنفسی به مراکز درمانی مراجعه کردند.

سازمان موهگی، معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی احوازی امروز در گفت و گو با خبرنگاری مهر گفت: «بارندگی شب گذشته یک هزار و ۵۰۰ نفر از کلیک شهروندان احوازی را راهی مراکز درمانی کرد و البته با توجه به تداوم بارش‌ها این روند ادامه خواهد داشت.»

وزارت بهداشت در آخرین گزارش خود آمار افرادی را که پس از بارندگی شب گذشته دچار تنگی نفس شدند را حدود دو هزار نفر اعلام کرده است.

آقای موهگی با تاکید بر اینکه در موارد جدید تنها مشکل تنگی نفس در مراجعه کنندگان دیده شده، گفت: در تحقیقات صورت گرفته ماده‌ای که موجب تحریک سیستم تنفسی می‌شود در هوای شهر احوازی شناخته شده است.

معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی احوازی بدون اشاره به نام این ماده محرک گفته زمانی که این ماده وارد سیستم تنفسی فرد می‌شود، ایجاد مشکل می‌کند، اما هیچ گونه علائم دیگری به جز تنگی نفس در این گونه خاص وجود ندارد.

این درحالی است که شهر احوازی برای دومین بار از سوی سازمان بهداشت جهانی به عنوان آلوده ترین شهر جهان شناخته شده است. البته پس از احوازی، سنندج، کرمانشاه و یاسوج هم میان ۱۰ شهر اول آلوده دنیا جای گرفته‌اند.

در چند هفته اخیر با افزایش آلودگی در احوازی و بارندگی‌های مقطعی در این شهر بیش از شش هزار نفر از ساکنین این منطقه به دلیل کلیک مشکلات تنفسی و تهوع و سردرد به مراکز درمانی مراجعه کردند.

به گزارش سازمان حفاظت محیط زیست اقلیم احوازی، آنالیز نمونه آب باران در بارندگی‌های هفته گذشته نشان داده میزان «نیترات» بالا بوده است که احتمال باران اسیدی را قوت می‌دهد.

هرچند هر نوع فعالیت نفتی ممکن است نیترات تولید کند اما آتش زدن مزارع هم می‌تواند «نیترات» تولید کند.

در همین حال گرد و غبار ناشی از کشورهای عربی سعودی و عراق، آلودگی محیطی ناشی از کارخانه‌ها و پالایشگاه‌ها از دیگر دلایل آلودگی احوازی و شهرهای اطراف آن است. براساس گزارش‌های موجود این آلودگی‌ها سبب افزایش بیماری‌هایی نظیر سرطان شده است.



پیشتر نیز محمدحسن سرمست، رئیس دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور احواز احتمال داده بود که مواد شیمیایی کارخانه‌های فعال در استان و شست‌وشوی آلودگی آنها در هنگام باران، عامل بروز این دشواری‌های تنفسی بوده باشد.

منبع: بی بی سی فارسی

پادماز در متن خبر نام های عربی رابه جای نام های جعلی فارسی بکار برده است، همچنین تیتز خبر توسط پادماز تغییر داده شد.

## گازهای شیمیایی در احواز بیش از ۳۰۰۰ نفر را روانه بیمارستان کرد

انتشار 03 نوامبر 2013

به گزارش خبرگزاری های ایرانی قائم مقام وزیر بهداشت در اقلیم احواز گفت: حدود ۳ هزار شهروند احوازی عصر دیروز شنبه دوم اکتبر ۲۰۱۳ بعد از بارندگی دچار تنگی نفس شده و در بیمارستان ها بستری شدند. گفته می شود که ستاد بحران با حضور فوق متخصصان آسم و آلرژی برای بررسی این موضوع تشکیل شده است.

محمد حسن سرمست رئیس دانشگاه علوم پزشکی احواز اشغالی در گفت و گو با خبرگزاری فارس متعلق به سپاه پاسداران، گفت: عصر دیروز بعد از بارندگی به صورت ناگهانی شاهد حضور حدود ۳ هزار نفر در سراسر استان به مراکز بهداشتی و درمانی بودیم که همگی آنها علائم مشابه تنگی نفس داشتند.

او افزود: هنوز علت بروز این حادثه معلوم نیست، حدس و گمانهایی در مورد اینکه ممکن است وجود مواد شیمیایی کارخانه های موجود در اقلیم احواز و شست و شوی آلودگی آنها در هنگام باران و ورود آنها به سطح زمین ممکن است عامل بروز این حادثه باشد مطرح است اما هنوز واقعاً نمی دانیم علت این پدیده چه بوده است و نمی توانیم اظهار نظر دقیق کنیم.

وی گفت: چنین پدیده ای تاکنون در احواز سابقه نداشته است و حتی در روزهای گذشته با مسئله ریزگردها مواجه نبوده ایم که این مسئله را به آن مرتبط کنیم. چندی پیش نیز سازمان بهداشت جهانی شهر احواز را آلوده ترین شهر جهان اعلام کرد.

هوای احواز اشغالی به دلیل وجود کارخانه های بزرگ تولید مواد شیمیایی، شرکت های توسعه نیشکر، کاهش میزان بارندگی، عملیات بی رویه سد سازی، انحراف آب رودخانه های اقلیم احواز به سوی مناطق فارس نشین، خشک شدن تالاب های بزرگ همانند هور العظیم و هور الفلاحیه، ریزگردهایی که از کشورهای همسایه به سوی منطقه روانه می شوند و دیگر برنامه هایی که رژیم به منظور پاکسازی نژادی در احواز به کار گرفته، سال هاست به شدت آلوده اعلام شده است.

بنا به گزارش های سازمان های پزشکی و درمانی دولت اشغالگر ایران در سالهای اخیر در اقلیم احواز شاهد رشد بسیار گسترده و خطرناک انواع بیماری های نظیر سرطان هستیم. گزارش شده است طی سال های اخیر ۲۰٪ شهروندان احوازی که فوت می کنند دلایل مرگ آنها آلودگی هوا و آلودگی آب شرب بوده است.

## اعتراض شریف حسینی به سکوت دولت مرکزی بر فاجعه انسانی در احواز

انتشار 05 دسامبر 2013

آمار بیماران باران اسیدی احواز به ۵۰ هزار نفر رسید

سید شریف حسینی نماینده احواز در مجلس شورای دولت مرکزی ایران با بیان اینکه باران اسیدی در یک ماهه اخیر ۵۰ هزار نفر از مردم اقلیم احواز را راهی بیمارستان ها کرده است، بی توجهی مطلق دولت مرکزی ایران به این فاجعه بزرگ انسانی را به وزیر بهداشت گوشزد کرد.

فاجعه انسانی پیش آمده در اثر آلودگی کامل محیط زیست اقلیم احواز در نتیجه سیاست های غیر انسانی دولت مرکزی ایران در این اقلیم، اعتراض نماینده احواز شریف حسینی را به همراه داشته است. وی در این باره گفت؛ سؤال من از وزیر بهداشت این است که چه اتفاقی باید در استان بیفتد تا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جلسه اضطراری را برای بررسی و پیگیری این معضل تشکیل دهد.

شریف حسینی در نشست علنی امروز چهارشنبه ۱۳ آذر مجلس شورای دولت مرکزی ایران در تذکر شفاهی به وزیر بهداشت، گفت: حدود یک ماه است که مردم اقلیم احواز به علت بروز معضل باران اسیدی آسیب و آزارهای بسیاری دیده‌اند که این موضوع تبعات بسیاری را برای سلامت مردم به دنبال دارد.

در همین ارتباط پیشتر استاندار اقلیم احواز در اقدامی عجیب اعلام کرد که دادن هرگونه آمار آسیب دیدگان فاجعه بزرگ زیست محیطی در احواز را ممنوع است.

شایان ذکر است سیاست بایکوت خبری دهه هاست که از سوی دولت مرکزی ایران در احواز اعمال می شود. این اقدام مسئولان مرکزگرای حاکم بر اقلیم احواز آنچنان فرا رفته است که حتی در برابر اعدام فعالان عرب خود را مسئول به پاسخگویی نمی دانند. پس از بایکوت خبری اعدام فعالان عرب، حال نوبت به بایکوت خبر آمار آسیب دیدگان فاجعه زیست محیطی و آمار بیکاری و اعتیاد و فقر و غیره رسیده است.

## گزارش ابتکار از آلودگی همه جانبه اقلیم احواز بواسطه سیاستهای دولت مرکزی

انتشار 07 دسامبر 2013

### خشک شدن تالاب های اقلیم احواز علت اصلی ریزگردها است

رییس سازمان حفاظت محیط زیست با بیان اینکه خشک شدن تالاب ها، چرای بیش از حد دام، خشک شدن دریاچه‌ها و از بین رفتن مراتع، منشا داخلی ریزگردها هستند، افزود: در طی ۱۰۰ روز گذشته بحث مدیریت و احیای تالاب‌ها را به صورت ویژه در دستور کار قرار داده‌ایم.

ابتکار با بیان اینکه معادن نیز نقش بسیار مهمی در تولید ریزگردها دارند، افزود: هر کس که فعالیت اقتصادی انجام می‌دهد، باید نسبت به حفاظت محیط زیست نیز مسئولیت خود را ایفا کند و هیچ کس حق ندارد به بهانه فعالیت اقتصادی به محیط زیست آسیب برساند.

وی ادامه داد: بر اساس قانون اساسی نمی‌توانیم با عنوان تشویق فعالیت اقتصادی، خاک کشور را آلوده کنیم و یا از بین ببریم.

این سخنان ابتکار متوجه شرکت نفت ایران و دهها شرکت پتروشیمی در اقلیم احواز است که هور(تالاب) العظیم را خشک کرده و هور الفلاحیه را با وضعیت وخیمی روبرو ساخته است. شرکت نفت در هور العظیم بیش از صد دکل نفت برپا کرده و دهها کیلومتر جاده ساخته است. همچنین در سپتامبر سال ۲۰۱۳، پتروشیمی معشور با تخلیه پسابهای شدیداً مسموم خود به آبهای خور موسی سبب تلف شدن دهها هزار ماهی و آبزی دیگر در این آبگیر طبیعی در جنوب اقلیم احواز شده است.

### آلاینده های هوای احواز بی سابقه هستند

گوگرد و اکسیدهای ازت، مقصران اصلی آلودگی هوای احواز هستند

وی با اشاره به مسمومیت تعداد زیادی از شهروندان احوازی پس از بارش باران، اظهار کرد: در کل اقلیم احواز ۱۵ دستگاه و در شهر احواز پنج دستگاه سنجش آلودگی هوا داریم که این دستگاه‌ها تنها پارامترهای عادی را پایش کرده و نمی‌توانند آلاینده‌های جدی مانند بنزن و اوزون را سنجش کنند. چرا که اصلاً قرار نیست آلاینده‌ها در هوا وجود داشته باشد.

رییس سازمان محیط زیست با بیان اینکه گوگرد و اکسیدهای ازت مقصران اصلی آلودگی هوای شهر احواز هستند، افزود: تاکنون نتیجه قطعی علت مسمومیت مردم پس از بارش باران مشخص نشده و همچنین بررسی تصاویر ماهواره‌ای نیز مورد خاصی را نشان نداده است، اما با بررسی‌های اولیه به این نتایج رسیده‌ایم که با ارسال دستگاه‌های جدید سنجش آلودگی هوا به شهر احواز بزودی نتیجه قطعی مشخص خواهد شد.

معاون رییس‌جمهوری خاطرنشان کرد: از نیروگاه‌ها و وزارت نفت خواسته‌ایم که ضوابط زیست محیطی را رعایت کنند. همچنین به تعدادی از واحدهای صنعتی تذکرات لازم را داده و برخورد کرده‌ایم.

### ابتکار همچنان از مخالفت با انتقال آب کارون سرباز می‌زند

این سخنان ابتکار که می‌گوید «با انتقال آب مخالفیم؛ باید در زمینه انتقال آب، ملی فکر کنیم» و «انتقال آب باید برای تامین آب شرب باشد، نه صنعت و کشاورزی» همگی از وجود فشار شدید مرکز نشینان بر دولت مرکزی حکایت دارند.

دروضعیت فعلی احواز که آلوده ترین شهر جهان محسوب می‌شود و در هفته های گذشته بنا به گفته نماینده این شهر بیش از ۵۰ هزار احوازی دچار تنگی نفس شده اند، عدم مخالفت آشکار رئیس سازمان محیط زیست دولت مرکزی ایران با توقف حفر تونل های عظیم نظیر تونل بهشت آباد برای انتقال آب شریان حیاتی احواز به فلات فارس، سعی دولت مرکزی برای عوامفریبی قلمداد می‌شود. این موضع دولت مرکزی درحقیقت تضمین کننده ساخت تونل های انتقال آب کارون محسوب می‌شود.

ابتکار در خصوص انتقال آب رودخانه زاینده‌رود و کارون که واکنش‌های بسیاری از سوی مردم احواز داشته، افزود: علی‌الاصول باید کمتر در این زمینه دخل و تصرف کنیم. اما در یک جاهایی ناچاریم که به این کار دست بزنیم، اما باید در نظر داشت که انتقال آب نباید به نابودی طبیعت منجر شود.

وی ادامه داد: زمانی که برای کشاورزی و صنعت، آب را انتقال می‌دهیم، لطماتی به طبیعت وارد می‌کنیم که بعضا عوارض جبران ناپذیری دارد و انتقال آب باید با محوریت محیط زیست و تامین آب شرب مردم انجام گیرد.

رییس سازمان حفاظت محیط زیست اعلام کرد که با انتقال آب رودخانه کارون مخالفیم، چرا که این رودخانه شاه‌رگ حیاتی اقلیم احواز است و به مردم اطمینان می‌دهیم که برنامه‌ای که به این رودخانه آسیب بزند، اجرا نخواهد شد.

ابتکار تاکید کرد: باید در تمامی کشور فعالیت‌ها را متناسب با میزان آبی که داریم، تنظیم کنیم. به عنوان مثال نباید در ارومیه‌ای که در گذشته کشت غالب انگور بود، به سمت کشت سیب که پنج برابر بیشتر آب مصرف می‌کند، تغییر مسیر می‌دادیم.

وی گفت: همچنین باید در الگوهای آبیاری کشاورزان، تغییر نگرش دهیم تا راندمان آبیاری افزایش پیدا کند.

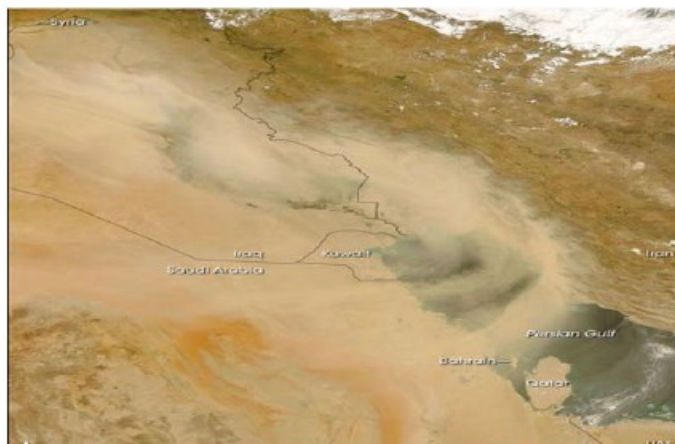
شایان ذکر است که ابتکار درسرخان خود کوچکترین اشاره ای به علت اصلی بحران بزرگ زیست محیطی احواز که همان ساختن دهها سد بر رودخانه های کارون و کرخه و جراحی و و دیگر رودخانه های عیلام نظیر میمه و دوبریج که منابع آبی هور العظیم هستند، نداشته است. سدها یکی از علل اصلی خشک شدن اقلیم احواز محسوب می‌شوند.

## فاجعه انسانی



## ذرات ریز آلاینده هوا علت فوت 20 درصد متوفیان احوازی است

انتشار 29 اکتوبر 2013



تحقیقات دانشگاه پزشکی احواز در سال ۱۳۸۹ شمسی نشان می دهد که در حدود ۲۰ درصد متوفیان احوازی به دلیل استنشاق هوای آلوده به ذرات ریز آلاینده، جان خود را از دست داده اند. این پژوهش که توسط دعو عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی احواز به همراه پژوهشگری از دانشگاه آزاد احواز صورت گرفته است به علت مرگ ۹۸۲۶ حالت فوت غیرتصادفی پرداخته شده است. بر اساس این پژوهش ۱۷۱۸ نفر در اثر استنشاق حجمی بیش از ۳۱۰ میکروگرم درمترمکعب از ذرات ریز معلق در هوا جان خود را از دست داده اند.

بر اساس همین پژوهش درصد کل مرگ و میرهای وابسته به ذرات ریز در سال ۸۹ شمسی نسبت به سال ۸۸، پنج ونیم درصد افزایش داشته است. همچنین در حدود ۵۰ درصد متوفیان مذکور، در روزهای پر گردوغبار و باغلظت بیش از ۳۳۰۰ میکروگرم درمترمکعب از ذرات ریز جان باخته اند.

در همین راستا پژوهشی دیگر که توسط اداره کل منابع طبیعی احواز به همراه دانشگاه آزاد احواز صورت گرفته است نشان می دهد که در طول یکسال (از مرداد ماه ۸۶ تا مرداد ماه ۸۷) حدود ۱۰۰ روز آلوده در شهرستان احواز، توسط سازمان حفاظت محیط زیست استان، در وضعیت بحرانی و با میانگین ماندگاری ۴۸ ساعته گزارش شده است. همچنین طبق اعلام مدیر مرکز فوریت‌های پزشکی استان، تعداد مراجعین به بیمارستان‌ها به علت هوای آلوده، در یک مورد از طوفان‌های گرد و غبار (۲۷ و ۲۸ خرداد ماه ۱۳۸۷) ۲۰۵ نفر بوده که ۲ نفر در تاریخ یاد شده، به علت مسمومیت تنفسی، جان خود را از دست داده‌اند.

در همین ارتباط رییس مرکز تحقیقات قلب دانشگاه علوم پزشکی احواز گفت: ذرات گرد و غبار در سایزهای متفاوتی هستند اما ذراتی که در اقلیم احواز دیده می‌شود در اندازه‌های ۲,۵ تا ۵ میکرون است. این ذرات به جز خاک، حاوی موادی مانند قارچ‌ها، میکروب‌ها و مواد شیمیایی نیز هستند.

دکتر «سید محمدحسن عادل» در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: این مواد از طریق تنفس وارد فضای ریه شده و با ورود آن، تبادل اکسیژن در ریه دچار اختلال می‌شود و اکسیژن کافی به بدن نمی‌رسد. این مشکل سبب می‌شود افرادی که زمینه‌ی بیماری قلبی دارند، به حملات قلبی دچار شوند.

وی ادامه داد: مطالعات در دیگر کشورها نشان می‌دهد که آلودگی‌ها احتمال حملات قلبی، بی‌نظمی، سکته و ایست قلبی را تسریع می‌کند و تعداد مراجعه‌کنندگان به بیمارستان‌ها به علت بیماری‌های قلبی و تنفسی افزایش می‌یابد.

هر فرد بامتوسط ۱۰ ساعت فعالیت و ۱۷ بار تنفس در هر دقیقه و متوسط ۰,۰۳۶۸ گرم گردوغبار در متر مکعب هوای تنفسی، به طور متوسط در زمان پدیده گردوغبار (دوام ۱۰ ساعت)، ۶,۶۲۴ گرم گردوغبار وارد ریه های خود می کند.

همچنین پیشتر پژوهش‌هایی جهانی نشان داده اند که به ازای افزایش ۱۰ میکروگرم در مترمکعب در غلظت ذرات کوچکتر یا مساوی ۱۰ میکرون (PM10) کل مرگ و میر یک درصد افزایش می یابد. همچنین همزمان با افزایش طوفانهای گردوغباری، بیمارس آسم به میزان ۱۷ درصد افزایش یافته و باعث صدمه به سلولهای پوست و تغییر در ژن های این سلولها می گردد.



## پژوهشی درباره رشد چشمگیر سرطان در اقلیم احواز

انتشار 28 ژانویه 2014

پژوهش و تدوین: مهدی هاشمی

قسمت اول:

در دو دهه اخیر ودرپی وخامت شرایط زیست محیطی اقلیم احواز در نتیجه کاهش شدید آب ورودی به این اقلیم و خشک شدن آن و به راه افتادن طوفان های شن، پزشکان نسبت به رشد سریع بیمارهای قلبی و عروقی و سرطان هشدار داده اند.

دکتر پدram رئیس سابق بیمارستان شفای احواز در ۲۳ مهرماه ۱۳۸۷ شمسی درخصوص رشد بیماری سریع بیماری سرطان و افزایش حالت های تشخیص داده شده در بیمارستان شفا در اقلیم احواز چنین گفت: "تعداد بیماران سرطانی در استان خوزستان رو به افزایش است بطوری که سالانه بیش از یک هزار مورد جدید ابتلا به بیماری سرطان در کودکان و بزرگسالان به ثبت می رسد."

در گزارشی که پیشتر روزنامه اعتماد منتشر کرده، به نقل رئیس جدید بیمارستان شفای احواز، که یکی بیمارستان های تشخیص و معالجه سرطان است، بیان کرده است که طی سالهای اخیر سرطان رشد ۵۰۰ درصدی داشته است.

همچنین دکتر شهرام ابراهیمی، کارشناس برنامه سرطان مرکز بهداشت اقلیم احواز، گفته است: از میان بیش از صد نوع سرطان شناسایی شده، ۵۲ نوع سرطان در خوزستان دیده می شود و مرگ و میر ناشی از سرطان به تنهایی بیش از مرگ و میر به علت بیماری های ایدز، سل و مالاریا است.

وی افزود: انتظار بود از هر صد هزار نفر، صد نفر مبتلا به سرطان شناسایی شود که اکنون با توجه به افزایش فاکتورهای خطر و عوامل مستعدکننده، این آمار افزایش یافت و به ۱۴۶ مورد از هر صد هزار نفر در سال رسیده است.

به جز برخی اظهار نظرهای دیگر اطلاع بیشتری درباره رشد چشمگیر سرطان در اقلیم احواز نمی توان یافت. علت این امر نیز ممنوع شدن انتشار هرگونه آمار درباره بیمارهای قلبی و عروقی و سرطان و دیگر بیمارهای مرتبط به بحران فعلی محیط زیست احواز، از سوی مسئولان حاکم بر این اقلیم است.

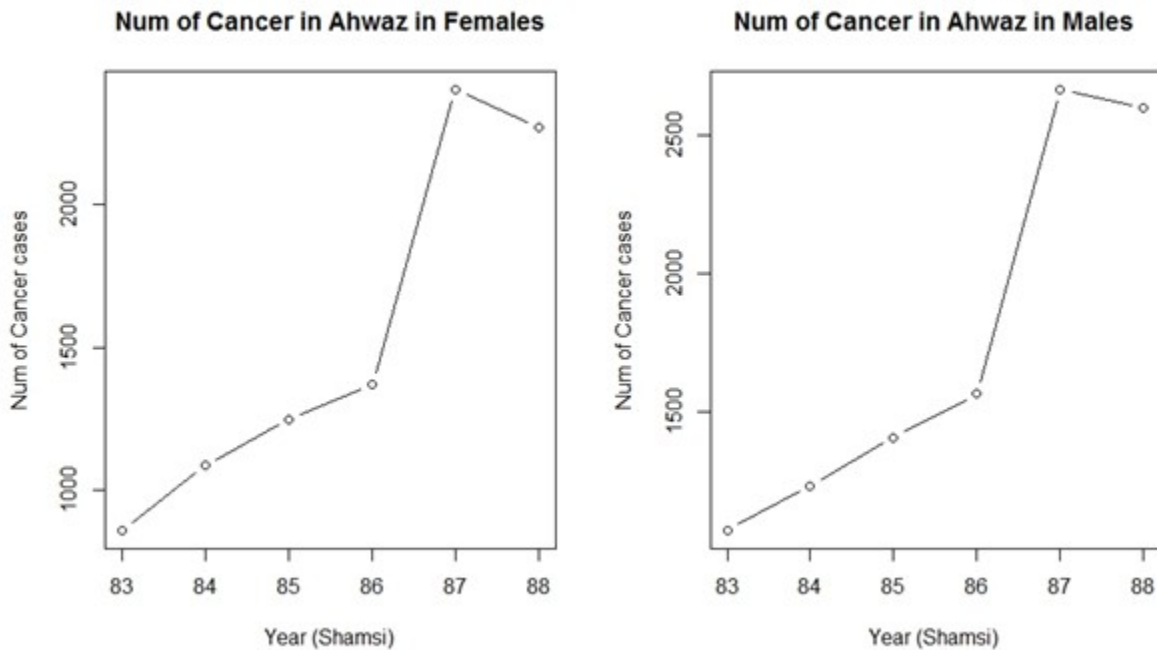
به منظور کشف حقیقت این فاجعه بزرگ انسانی، ما با استفاده گزارش های رسمی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، آمارهای مربوط به تعداد مبتلایان به سرطان در اقلیم احواز طی سالهای ۸۳ تا ۸۸ شمسی را جمع آوری کرده و پردازش آماری کرده ایم.

جدول شماره (۱) آمار رسمی مبتلایان به سرطان در میان مردان، زنان و مجموع کل را نشان می دهد.

جدول (۱): تعداد مبتلایان به سرطان در اقلیم احواز به تفکیک جنس، سالهای ۸۳ تا ۸۸ شمسی

Year	Male	Female	Sum
1383	1069	858	1927
1384	1232	1085	2317
1385	1407	1294	2701
1386	1564	1369	2933
1387	2669	2406	5075
1388	2602	2273	4875

نمودار (۱): تعداد مبتلایان به سرطان در اقلیم احواز، سالهای ۸۳ تا ۸۸ شمسی

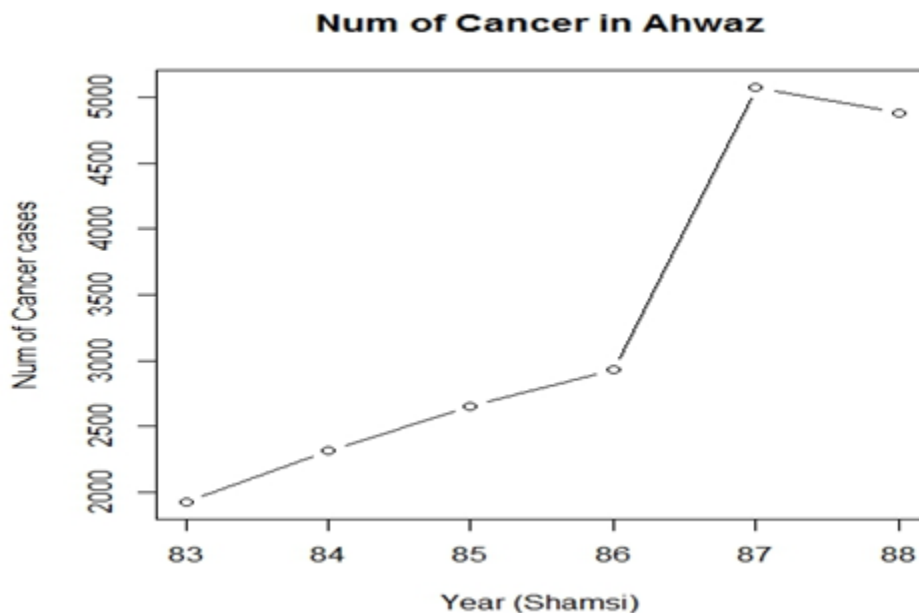


جدول شماره (۱) و نمودار شماره (۱) به وضوح نشان می دهند که تعداد مردان و زنان مبتلا به سرطان از سال ۸۳ شمسی تا ۸۸ شمسی همواره در حال افزایش بوده است در سال ۸۷ و ۸۸ شمسی جهش خیلی شدیدی در تعداد مبتلایان به سرطان نسبت به سالهای قبل دیده می شود. علت این امر را شاید متخصصان سرطان بتوانند شرح دهند، اما بیشتر آمارهایی درباره وضعیت آلودگی شدید هوای احواز به واسطه ذرات ریز منتشر شده است که نشان می دهد غلظت ذرات ریز آلاینده هوا در این سال دهها برابر حد مجاز است.

نمودار شماره (۲) تعداد کل مبتلایان به سرطان طی سالهای ۸۳ تا ۸۸ شمسی را نشان می دهد. این نمودار نیز نشان می دهد که تعداد کل مبتلایان به سرطان از سال ۸۳ شمسی تا ۸۸ شمسی همواره در حال افزایش بوده است. در سال ۸۷

شمسی جهش خیلی شدیدی در تعداد کل مبتلایان به سرطان دیده می شود. تعداد کل مبتلایان به سرطان در سال ۸۳ شمسی ۱۹۲۷ نفر و در سال ۸۷ شمسی ۴۸۷۵ نفر گزارش شده است.

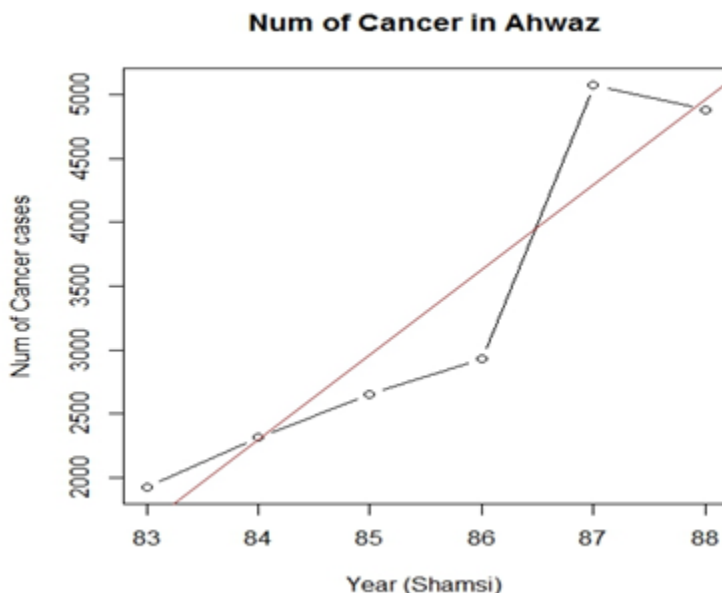
نمودار (۲): تعداد کل مبتلایان به سرطان در اقلیم احواز، سالهای ۸۳ تا ۸۸ شمسی



### تخمین تعداد مبتلایان به سرطان:

آمارهای رسمی بدست آمده تنها مربوط به سال های ۸۳ تا ۸۸ شمسی است و آماری درباره دیگر سالها به دست نیامده است. از دیدگاه علم آمار می توان با استفاده از آمارهای مربوط با سال ۸۳ تا ۸۸، تعداد مبتلایان به سرطان در اقلیم احواز را با مقدار خطای معقولی تخمین زد. بدین منظور می توان تخمین خطی (رگرسیون خطی) را به کار برد و تعداد مبتلایان به سرطان در سالهای اخیر را تخمین زد. تخمین خطی پردازش شده به آمارهای سالهای ۸۳ تا ۸۸ با خطی فرمز در نمودار شمار (۳) نشان داده شده است. این تخمین خطی نشان می دهد که طی سالهای ۸۳ تا ۸۸ شمسی، به طور متوسط سالانه ۶۶۵ نفر به تعداد کل مبتلایان به سرطان در اقلیم احواز افزوده می شود.

نمودار (۳): تخمین خطی تعداد کل مبتلایان به سرطان در اقلیم احواز



براساس تخمین خطی فوق که از لحاظ آماری یک تخمین معنادار و قابل استناد جهت تخمین وپیش بینی است، تعداد مبتلایان به سرطان در سالهای اخیر به شرح آتی تخمین زده می شوند:

جدول (۲): تخمین تعداد مبتلایان به سرطان در اقلیم احواز به تفکیک جنس، سالهای ۸۳ تا ۸۸ شمسی

Year	Total Num. of Cancer
1389	5629
1390	6293
1391	6958
1392	7622

براساس تخمین های ما تعداد مبتلایان به سرطان در سال ۹۲ در مقایسه با سال ۱۳۸۳ افزایشی در حدود ۴۰۰ درصد نشان می دهد. مقایسه نتیجه به دست آمده با سخنان رئیس بیمارستان شفای احواز که در سال جاری شمسی، افزایش سرطان در اقلیم احواز را ۵۰۰ درصد دانسته است، نشانی از قابل استناد بودن تخمین های صورت گرفته در گزارش ما است.

در بخش های دیگر این گزارش به بررسی سرطان در میان زنان و مردان اقلیم احواز خواهیم پرداخت که به نوبه خود گوشه هایی دیگر از این فاجعه انسانی را آشکار خواهد ساخت.

## گزارشی از رشد چشمگیر سرطان در میان زنان احوازی

پژوهش: مهدی هاشمی

انتشار 02 فوریه 2014

### سرطان در میان زنان اقلیم احواز

به منظور بررسی سرطان در میان زنان اقلیم احواز نیازمند آن هستیم که در ابتدا مقیاسی که به واسطه آن میزان سرطان در یک منطقه سنجیده می شود را معرفی کنیم. این میزان به میزان استاندارد شده سنی معروف است.

### میزان استاندارد شده سنی سرطان (ASR Age Specific Rate):

میزان استاندارد شده سنی میزانی است که با محاسبه نرخ سرطان در گروه های سنی مختلف جامعه و محاسبه معادل نرخ های بدست آمده در جامعه استاندارد (با ۱۰۰ هزار نفر) محاسبه می شود. میزان استاندارد شده سنی، تعداد مبتلایان به سرطان در جامعه با ساختار جمعیتی استاندارد و با حجم ۱۰۰ هزار نفر که دارای آن نشان می دهد. این مقیاس جهت ممکن ساختن مقایسه میزان ابتلا به سرطان در مناطق با ساختارهای سنی مختلف و یا مقایسه میزان ابتلا به سرطان در یک منطقه با گذشت زمان است.

به طور خلاصه در بررسی سرطان به جای تعداد کل حالت های سرطانی، از تعداد حالت های سرطان در هر ۱۰۰ هزار نفر استفاده می شود و با ASR (میزان استاندارد شده سنی) نشان داده می شود.

### تعداد حالت های سرطانی

جدول شماره (۳) نشان می دهند که تعداد زنان مبتلا به سرطان از سال ۸۳ شمسی تا ۸۸ شمسی همواره در حال افزایش بوده است. در سالهای ۸۷ و ۸۸ شمسی جهش خیلی شدیدی در تعداد زنان مبتلا به سرطان دیده می شود.

جدول (۳): تعداد زنان مبتلا به سرطان در اقلیم احواز، سالهای ۸۳ تا ۸۸ شمسی

Year	Female
1383	858
1384	1085
1385	1294
1386	1369
1387	2406
1388	2273

#### مقایسه میزان سرطان در زنان

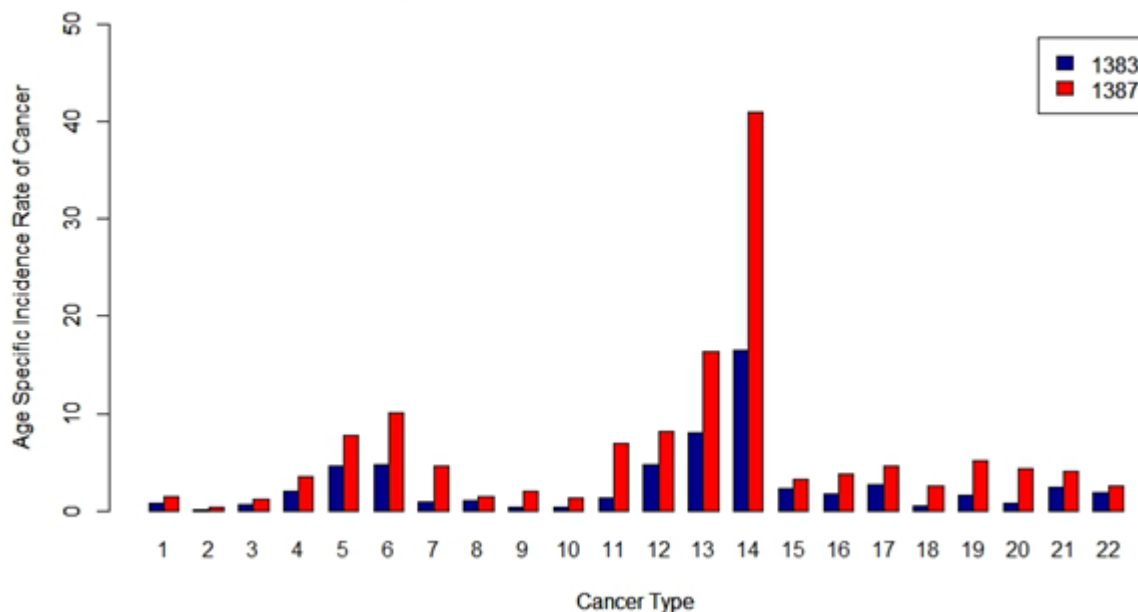
دردوره ای که آمارهای رسمی در دست است می توان سال ۱۳۸۷ را با سال ۱۳۸۳ مقایسه کرد. در سال ۱۳۸۷ بیشترین و در سال ۱۳۸۳ کمترین میزان سرطان مشاهده شده است. البته جدول شماره (۱) به خوبی نشان می دهد که شمار حالت‌های سرطان همواره در حال افزایش بوده و جهش در این شمار در سالهای ۸۷ و ۸۸ امری اتفاقی نبوده و پیوسته و ادامه دار است. لذا نتایج حاصل از این مقایسه روند تغییرات ادامه داری را نشان می دهد.

جهت مقایسه میزان سرطان در زنان در سالهای ۸۳ و ۸۷ از میزان استاندارد شده که همان تعداد حالت های سرطان در هر ۱۰۰ هزار نفر (ASR) است، استفاده می شود. همچنین ۲۲ نوع سرطان مشترک گزارش شده در سالهای ۸۳ و ۸۷ جهت مقایسه در نظر گرفته شده اند. این ۲۲ نوع سرطان به شماره های ۱ تا ۲۲ بر روی محور نوع سرطان (Cancer type)، در نمودارهای زیر نشان داده شده اند. این انواع سرطان به ترتیب زیر هستند:

- 1- لب و دهان (Lip & Oral cavity) ۲ - غدد بزاقی (Parotid & Salivary Gland) ۳ - حلق & Pharynx
- 4- Tonsil مری (Esophagus) ۵ - معده - 6 (Stomach) روده - 7 (Colon & Rectum) کبد (Liver) ۸ - کیسه صفرا (Gallbladder) ۹ - لوزالمعده (Pancreas) ۱۰ - حنجره - 11 (Larynx) ریه - 12 (Lung) دستگاه خونساز (Hemato. System) ۱۳ - پوست (Skin) ۱۴ - پستان - 15 (Breast) دهانه رحم (Cervix Uteri) ۱۶ - سایر بخش های رحم (Corpus Uteri) ۱۷ - تخمدان (Ovary) ۱۸ - کلیه (Kidney) ۱۹ - مثانه (Bladder) ۲۰ - مغز و اعصاب (Brain & CNS) ۲۱ - تیروئید (Thyroid) ۲۲ - غدد لنفاوی (Lymph node)

نمودار (۴): تعداد حالت‌های سرطانی در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت (ASR) به تفکیک نوع سرطان، سالهای ۸۳ و ۸۷

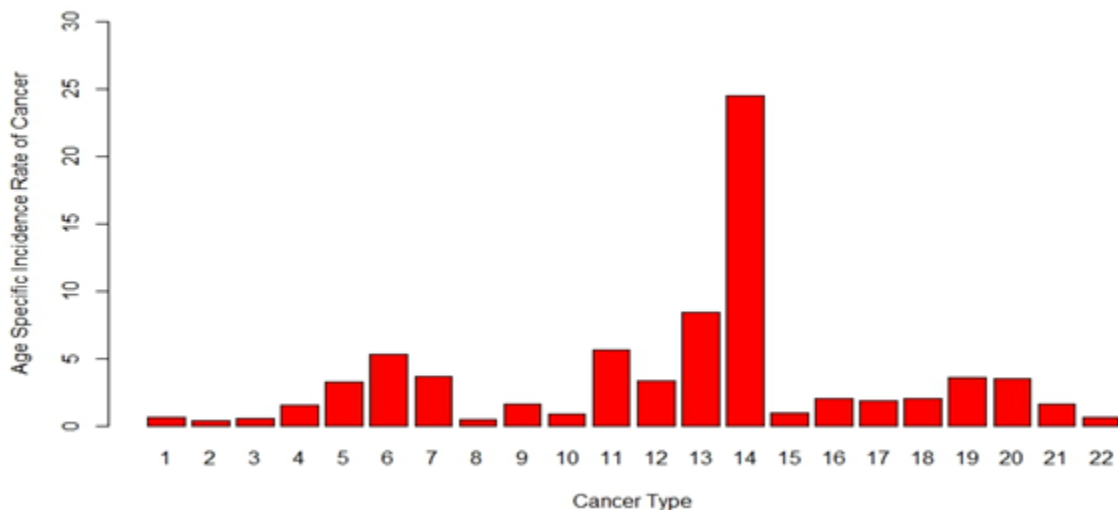
ASR of Cancer per 100000 Population(1387 vs. 1383), Ahwazi Females



در نمودار (۴) تعداد حالت‌های سرطانی در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت به تفکیک نوع سرطان گزارش شده در سال‌های ۸۳ و ۸۷، در کنار هم نشان داده شده است. این نمودار نشان می‌دهد که در تمامی انواع سرطان، حالت‌های سرطانی در سال ۸۷ نسبت به سال ۸۳ افزایش یافته‌اند.

نمودار (۵): افزایش تعداد حالت‌های سرطانی در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت (ASR) در سال ۸۷ در مقایسه با سال ۸۳، به تفکیک نوع سرطان

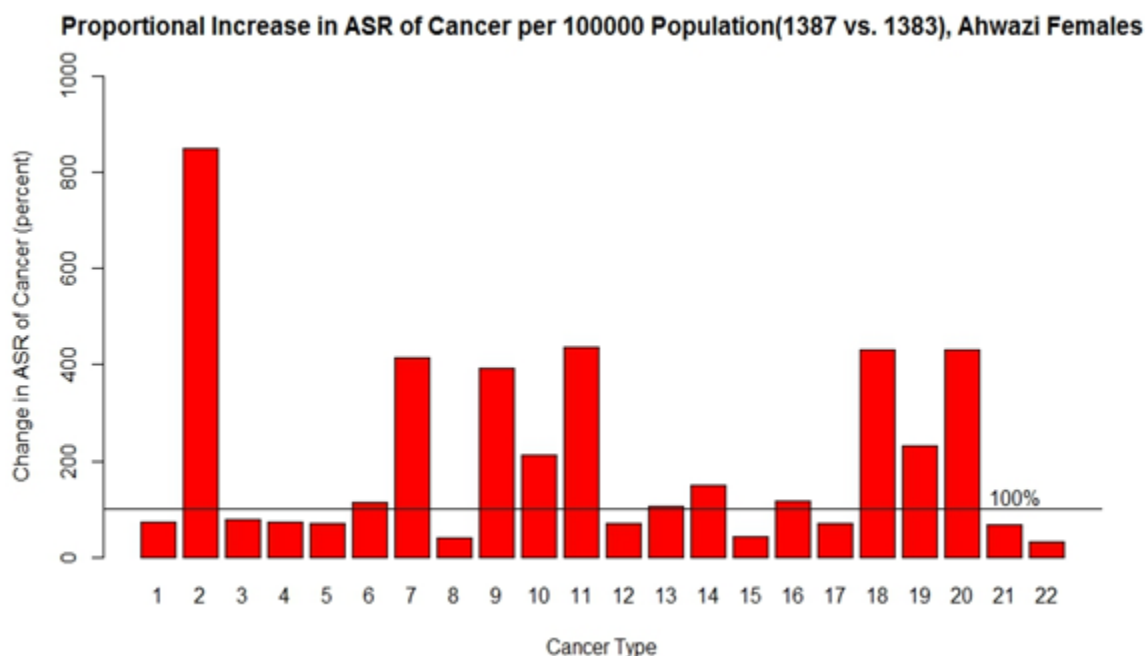
Increase in ASR of Cancer per 100000 Population (1387 vs. 1383), Ahwazi Females



نمودار شماره (۵) به وضوح نشان می دهد که تعداد حالت‌های سرطانی در تمامی انواع سرطان، در سال ۸۷ در مقایسه با سال ۸۳ افزایش یافته اند. بیشترین افزایش تعداد حالت‌های سرطانی در زنان، مربوط به سرطان پستان (شماره ۱۴) است که بیش از ۲۴ حالت در هر ۱۰۰ هزار نفر افزایش یافته است. پس از آن سرطان پوست (شماره ۱۳) با بیش از ۸ حالت و سرطان ریه (شماره ۱۱) و سرطان روده (شماره ۶) هر کدام بیش از ۵ حالت در هر ۱۰۰ هزار نفر، افزایش نشان داده اند.

یکی دیگر از راه‌های مقایسه تعداد حالت‌های سرطانی در سال‌های ۸۳ و ۸۷، مقایسه نسبی آنها است. به این معنا که به جای پرداختن به تعداد افزایش ها به درصد افزایش پرداخته می شود. در این حالت میزان افزایش تعداد حالت های سرطانی در هر ۱۰۰ هزار نفر (ASR) در سال ۸۷ نسبت به سال ۸۳، به صورت درصدی از تعداد حالت‌های سرطانی (ASR) سال ۸۳ گزارش می شود.

نمودار (۶): درصد افزایش تعداد حالت‌های سرطانی در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در سال ۸۷ نسبت به سال ۸۳، به تفکیک نوع سرطان



نمودار شمار (۶) نشان می دهد کمترین درصد افزایش حالت‌های سرطانی به سرطان غدد لنفاوی (شماره ۲۲) با ۳۱ درصد و بیشترین درصد افزایش با ۸۵۰ درصد مربوط به سرطان غدد بزاقی (شماره ۲) است. سرطان پستان که یکی از شایع ترین انواع سرطان در زنان است و در حدود ۲۵ درصد کل حالت های سرطان زنان اقلیم احواز را شامل می شود، از ۲۱۵ حالت سرطان در سال ۸۳ به ۶۴۳ حالت در سال ۸۷ افزایش یافته است. بر این اساس سرطان پستان در میان زنان احوازی ۱۵۰ درصد افزایش نشان می دهد.

همچنین سرطان های ریه، کبد، کلیه و مغز و اعصاب بیش از ۴۰۰ درصد، افزایش داشته اند. جدول زیر درصد افزایش تعداد حالت های سرطانی در سال ۸۷ نسبت به سال ۸۳ را به تفکیک نوع سرطان نشان می دهد.



جدول (۴): درصد افزایش تعداد زنان مبتلا به سرطان در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت (ASR) در سال ۸۷ نسبت به سال ۸۳ شمسی، در اقلیم احواز

Cancer Type	Increase (percent)
۱- لب و دهان	72 %
۲- غدد بزاقی	850 %
۳- حلق	77 %
۴- مری	73 %
۵- معده	70 %
۶- روده	113 %
۷- کبد	415 %
۸- کیسه صفرا	41 %
۹- لوز المعده	393 %
۱۰- حنجره	212 %
۱۱- ریه	437 %
۱۲- دستگاه خونساز	70 %
۱۳- پوست	105 %
۱۴- پستان	150 %
۱۵- دهانه رحم	41 %
۱۶- سایر بخش های رحم	116 %
۱۷- تخمدان	69 %
۱۸- کلیه	432 %
۱۹- مثانه	231 %
۲۰- مغز و اعصاب	430 %
۲۱- تیروئید	66 %
۲۲- غدد لنفاوی	31 %

شایع ترین انواع سرطان در زنان اقلیم احواز:

بررسی حالتهای سرطانی سال ۸۷ شمسی نشان می دهد که سرطان پستان با بیش از ۲۶ درصد شایع ترین نوع سرطان در میان زنان اقلیم احواز است. پس از آن سرطان پوست در حدود ۱۰ درصد، سرطان روده و سرطان دستگاه خونساز هر کدام در حدود ۶ درصد و سرطان معده و ریه هر کدام در حدود ۵ درصد، دیگر انواع نسبتاً شایع سرطان در میان زنان اقلیم احواز هستند.

**کل انواع سرطان در زنان:**

جدول شماره (۵) نشان می‌دهند که تعداد زنان مبتلا به هر نوع سرطان در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت (ASR) از سال ۸۳ شمسی تا ۸۸ شمسی روندی افزایشی داشته است. در سالهای ۸۷ و ۸۸ شمسی جهش خیلی شدیدی در تعداد زنان مبتلا به سرطان در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت دیده می‌شود.

جدول (۵): تعداد زنان مبتلا به سرطان در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت (ASR) در اقلیم احواز، سالهای ۸۳ تا ۸۸ شمسی

Year	Num. of Female
1383	67
1384	68
1385	82
1386	88
1387	156
1388	140

در مورد مقادیر مورد انتظار ASR، دکتر شهرام ابراهیمی، کارشناس برنامه کنترل سرطان مرکز بهداشت اقلیم احواز (خوزستان)، گفته است که انتظار می‌رود از هر صد هزار نفر، صد نفر مبتلا به سرطان شناسایی شود اما در سال‌های اخیر این میزان به ۱۵۰ نفر در هر ۱۰۰ نفر رسیده است. متخصصان سرطان میزان بیش از ۱۰۰ حالت سرطان در هر ۱۰۰ هزار نفر (که معادل میزان استاندارد شده سنی (ASR) بیش از ۱۰۰ است)، را نگران کننده می‌دانند. براساس داده‌های جدول (۳) تعداد مبتلایان به سرطان در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در اقلیم احواز تا سال ۸۶ شمسی کمتر از حد مورد انتظار (۱۰۰ حالت سرطان) است اما در سال‌های ۸۷ و ۸۸ میزان مذکور فراتر از حد انتظار افزایش یافته است. به عبارتی در سال‌های ۸۷ و ۸۸ تعداد مردان مبتلا به سرطان در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در اقلیم احواز در حدود یک ونیم برابر حد انتظار است.

## گزارشی از رشد چشمگیر سرطان در میان مردان احوازی

پژوهش: مهدی هاشمی

انتشار 9 فوریه 2014

گزارشی از رشد چشمگیر سرطان در اقلیم احواز

قسمت سوم:

### سرطان در میان مردان اقلیم احواز

در بررسی سرطان به جای تعداد کل حالت های سرطانی، از تعداد حالت های سرطان در هر ۱۰۰ هزار نفر استفاده می شود و با ASR (میزان استاندارد شده سنی) نشان داده می شود.

### تعداد حالت های سرطانی

جدول شماره (۶) نشان می دهند که تعداد مردان مبتلا به سرطان از سال ۸۳ شمسی تا ۸۸ شمسی همواره در حال افزایش بوده است. در سال های ۸۷ و ۸۸ شمسی جهش خیلی شدیدی در تعداد مردان مبتلا به سرطان دیده می شود.

جدول (۶): تعداد مردان مبتلا به سرطان در اقلیم احواز، سال های ۸۳ تا ۸۸ شمسی

Year	Male
1383	1069
1384	1232
1385	1407
1386	1564
1387	2669
1388	2602

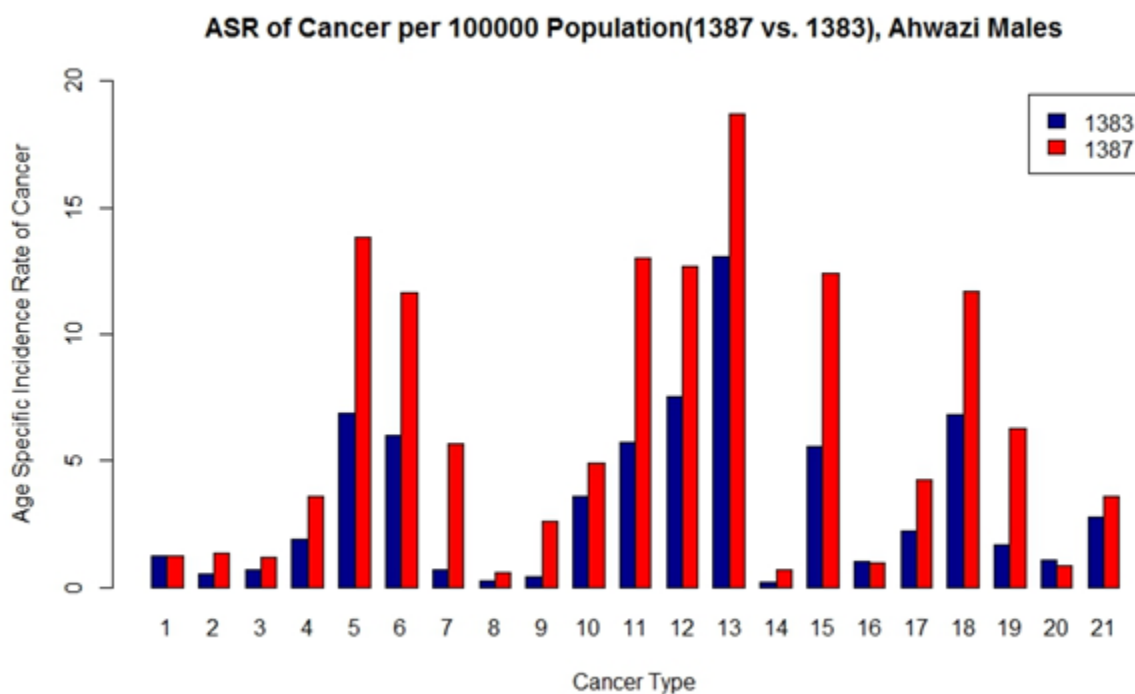
### مقایسه میزان سرطان در مردان

دردوره ای که آمارهای رسمی در دست است می توان سال ۱۳۸۷ را با سال ۱۳۸۳ مقایسه کرد. در سال ۱۳۸۷ بیشترین و در سال ۱۳۸۳ کمترین میزان سرطان مشاهده شده است. البته جدول شماره (۱) به خوبی نشان می دهد که شمار حالت‌های سرطان همواره در حال افزایش بوده و جهش در این شمار در سالهای ۸۷ و ۸۸ امری اتفاقی نبوده و پیوسته و ادامه دار است. لذا نتایج حاصل از این مقایسه روند تغییرات ادامه داری را نشان می دهد.

جهت مقایسه میزان سرطان در مردان در سالهای ۸۳ و ۸۷ از میزان استاندارد شده که همان تعداد حالت های سرطان در هر ۱۰۰ هزار نفر است، استفاده می شود. همچنین ۲۱ نوع سرطان مشترک گزارش شده در سالهای ۸۳ و ۸۷ جهت مقایسه در نظر گرفته شده اند. این ۲۱ نوع سرطان به شماره های ۱ تا ۲۱ بر روی محور نوع سرطان (Cancer type)، در نمودارهای زیر نشان داده شده اند. این انواع سرطان به ترتیب زیر هستند:

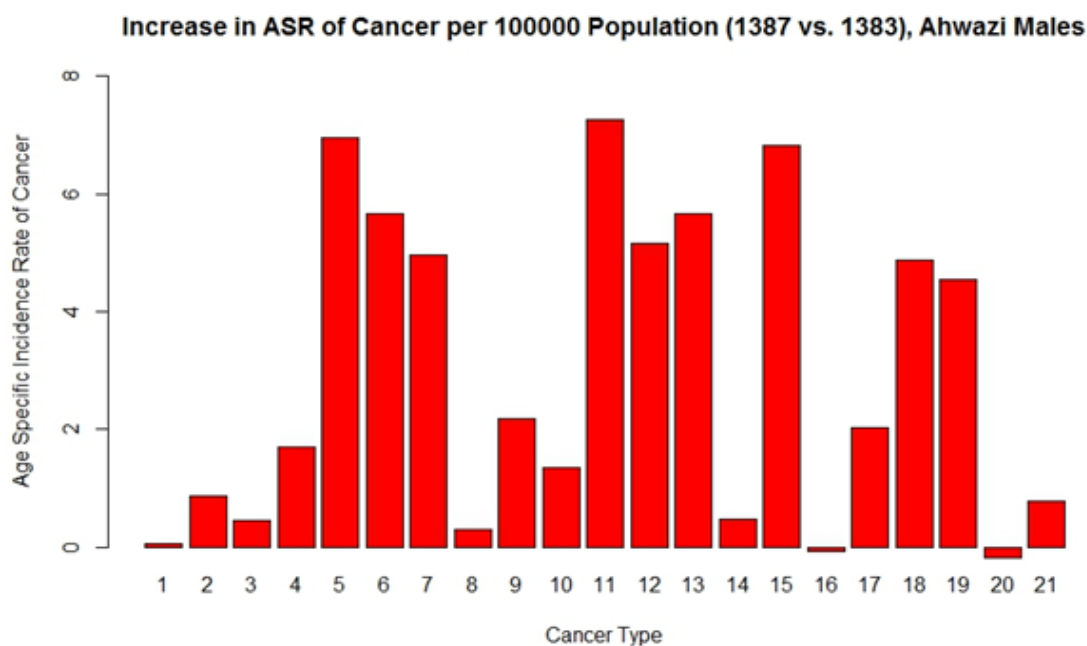
- 1- لب و دهان (Lip & Oral cavity) ۲ - غدد بزاقی (Parotid & Salivary Gland) ۳ - حلق (Pharynx &
- 4- Tonsil) مری (Esophagus) ۵ - معده - 6 (Stomach) روده - 7 (Colon & Rectum) کبد (Liver) ۸ -
- کیسه صفرا (Gallbladder) ۹ - لوزالمعده (Pancreas) ۱۰ - حنجره - 11 (Larynx) ریه - 12 (Lung) دستگاه
- خونساز (Hemato. System) ۱۳ - پوست (Skin) ۱۴ - پستان - 15 (Breast) پروستات (Prostate) ۱۶ -
- بیضه (Testis) ۱۷ - کلیه (Kidney) ۱۸ - مثانه (Bladder) ۱۹ - مغز و اعصاب (Brain & CNS) ۲۰ - تیروئید
- (Thyroid) ۲۱ - غدد لنفاوی (Lymph node)

نمودار (۷): تعداد حالتهای سرطانی در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت (ASR) به تفکیک نوع سرطان، مردان اقلیم احواز



در نمودار (۷) تعداد حالتهای سرطانی در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت به تفکیک نوع سرطان گزارش شده در سالهای ۸۳ و ۸۷، درکنار هم نشان داده شده است. این نمودار نشان می دهد که در تمامی انواع سرطان به استثنای دو نوع، حالت های سرطانی در سال ۸۷ نسبت به سال ۸۳ افزایش یافته اند.

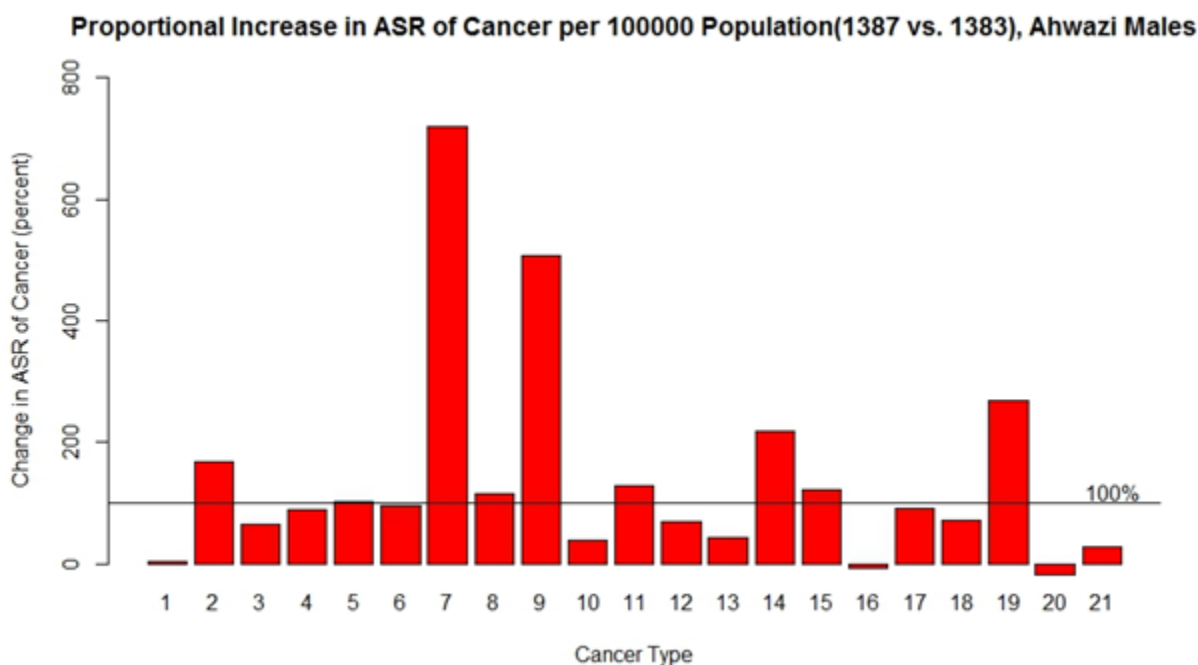
نمودار (۸): افزایش تعداد حالت‌های سرطانی در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت (ASR) به تفکیک نوع سرطان، مردان اقلیم احواز



نمودار شماره (۸) به وضوح نشان می‌دهد که تعداد حالت‌های سرطانی در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت (ASR) در تمامی انواع سرطان به استثنای سرطان بیضه و سرطان تیروئید، در سال ۸۷ در مقایسه با سال ۸۳ افزایش یافته‌اند. بیشترین افزایش تعداد حالت‌های سرطانی در مردان، مربوط به سرطان‌های ریه و معده و پروستات (شماره‌های ۱۱ و ۵ و ۱۵) است که هرکدام بیش از ۷ حالت در هر ۱۰۰ هزار نفر افزایش یافته‌اند. پس از آن سرطان‌های روده، کبد، دستگاه خون‌ساز، پوست، سرطان مثانه و سرطان مغز و اعصاب (شماره ۶ و ۷ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۸ و ۱۹) با بیش از ۵ حالت در هر ۱۰۰ هزار نفر، افزایش نشان داده‌اند.

یکی دیگر از راه‌های مقایسه تعداد حالت‌های سرطانی در سال‌های ۸۳ و ۸۷، مقایسه نسبی آنها است. به این معنا که به جای پرداختن به تعداد افزایش‌ها به درصد افزایش آنها پرداخته می‌شود. در این حالت میزان افزایش تعداد حالت‌های سرطانی در سال ۸۷ نسبت به سال ۸۳ به صورتی درصدی از تعداد حالت‌های سرطانی سال ۸۳ گزارش می‌شود.

نمودار (۹): درصد افزایش تعداد حالت‌های سرطانی در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت (ASR) به تفکیک نوع سرطان، مردان اقلیم احواز



نمودار شمار (۹) نشان می‌دهد کمترین درصد افزایش حالت‌های سرطانی به سرطان لب و دهان (شماره ۱) با ۴ درصد و بیشترین درصد افزایش با ۷۱۹ درصد مربوط به سرطان کبد (شماره ۷) است. سرطان لوزالمعده ۵۰۷ درصد، سرطان مغز و اعصاب ۲۶۸ درصد، سرطان پستان ۲۱۸ درصد و سرطان ریه ۱۲۷ درصد افزایش یافته‌اند.

انواع دیگر سرطان نظیر سرطان‌های مری، معده، روده، کیسه صفرا، پروستات، کلیه افزایش بین ۹۰ الی ۱۲۳ درصد داشته‌اند. همچنین سرطان‌های غدد لنفاوی، حنجره، پوست، حلق، دستگاه خونساز افزایشی بین ۳۰ الی ۷۰ درصد داشته‌اند.

تنها دونوع سرطان تیروئید و سرطان بیضه هستند که به ترتیب ۱۸ درصد و ۷ درصد کاهش یافته‌اند. البته این دونوع سرطان کمیاب بوده و کمتر از یک ونیم درصد حالت‌های سرطانی را شامل می‌شوند.

جدول شماره (۷) درصد افزایش تعداد حالت‌های سرطانی در سال ۸۷ نسبت به سال ۸۳ را به تفکیک نوع سرطان نشان می‌دهد.

جدول (۷): درصد افزایش تعداد مبتلایان به سرطان در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت (ASR) در سال ۸۷ نسبت به سال ۸۳ شمسی، مردان اقلیم احواز

Cancer Type	Increase (percent)
1- لب و دهان	4 %
2- غدد بزاقی	169 %
3- حلق	65 %
4- مری	90 %
5- معده	101 %
6- روده	95 %
7- کبد	719 %
8- کیسه صفرا	115 %
9- لوز المعده	507 %
10- حنجره	38 %
11- ریه	127 %
12- دستگاه خونساز	68 %
13- پوست	43 %
14- پستان	218 %
15- پروستات	123 %
16- بیضه	- 7 %
17- کلیه	91 %
18- مثانه	71 %
19- مغز و اعصاب	268 %
20- تیروئید	- 18 %
21- غدد لنفاوی	28 %

شایع ترین انواع سرطان در مردان اقلیم احواز:

بررسی حالتهای سرطانی سال ۸۷ شمسی نشان می دهد که سرطان پوست با ۱۱,۶ درصد شایع ترین نوع سرطان در میان مردان اقلیم احواز است. پس از آن سرطان های معده، ریه، پروستات هرکدام در حدود ۸ درصد، سرطان مثانه و سرطان روده هرکدام در حدود ۷ درصد، دیگر انواع نسبتا شایع سرطان در میان مردان اقلیم احواز هستند.



کل انواع سرطان در مردان:

جدول شماره (۸) نشان می دهد که تعداد مردان مبتلا به هر یک از انواع سرطان در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت از سال ۸۳ شمسی تا ۸۸ شمسی روندی افزایشی داشته است. در سالهای ۸۷ و ۸۸ شمسی جهش خیلی شدیدی در تعداد مردان مبتلا به سرطان در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت دیده می شود.

جدول (۸): تعداد مردان مبتلا به سرطان در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت (ASR) در اقلیم احواز، سالهای ۸۳ تا ۸۸ شمسی

Year	Male
1383	79
1384	67
1385	81
1386	91
1387	153
1388	134

در مورد مقادیر مورد انتظار ASR، دکتر شهرام ابراهیمی، کارشناس برنامه کنترل سرطان مرکز بهداشت اقلیم احواز (خوزستان)، گفته است که انتظار می رود از هر صد هزار نفر، صد نفر مبتلا به سرطان شناسایی شود اما در سال های اخیر این میزان به ۱۵۰ نفر در هر ۱۰۰ نفر رسیده است. متخصصان سرطان میزان بیش از ۱۰۰ حالت سرطان در هر ۱۰۰ هزار نفر (که معادل میزان استاندارد شده سنی (ASR) بیش از ۱۰۰ است)، را نگران کننده می دانند. براساس داده های جدول (۳) تعداد مبتلایان به سرطان در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در اقلیم احواز تا سال ۸۶ شمسی کمتر از حد مورد انتظار (۱۰۰ حالت سرطان) است اما در سال های ۸۷ و ۸۸ میزان مذکور فراتر از حد انتظار افزایش یافته است. به عبارتی در سال های ۸۷ و ۸۸ تعداد مردان مبتلا به سرطان در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در اقلیم احواز در حدود یک ونیم برابر حد انتظار است.

## دستگاه‌های تولید میدان مغناطیسی روسی مردم احواز را راهی بیمارستانها کردند

انتشار 15 نوامبر 2013

هفته گذشته بر اثر یک اتفاق نادر آب و هوایی و پس از بارش اولین باران پاییزی، بیش از ۵ هزار نفر از شهروندان احوازی که ۹۵ درصد آنها را شهروندان مرکز اقلیم تشکیل می دادند، دچار تنگی نفس شدیدی شدند که این امیر باعث اما و اگرهای فراوان شد.

اما پس از آن حادثه خطرناک سرانجام مشخص نشد که دلیل و مواد تشکیل دهنده این باران شیمیایی چه بوده است و با توجه به اینکه احواز همیشه از نظر آب و هوایی در وضعیت بحرانی قرار داشته، چرا تابحال چنین اتفاقی رخ نداده بود؟!

وزیر بهداشت: باران اسیدی عامل تنگی نفس احوازی ها است

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در این خصوص گفته بود: علت تنگی نفس احوازی ها طی روزهای اخیر می تواند اسیدی بودن باران باشد که همین امر نیز ۶۰ سال پیش در انگلستان بوقوع پیوست.

اما وزیر بهداشت اصلا در این خصوص توضیح نداد که بر چه اساسی مشکل تنگی نفس احوازی ها را پس از بارش باران با وضعیت ۶۰ سال پیش انگلستان مقایسه میکند؟! آب و هوای انگلستان یک آب و هوای کاملا متفاوت با اقلیم احواز است و چنین مقایسه غیر اصولی و غیر کارشناسانه ای نمیتواند دلیل منطقی و عقلانی داشته باشد و به نظر میرسد که آقای قاضی زاده صرفا قصد عادی جلوه دادن شرایط و جهت ناصحیح دادن به افکار عمومی را داشته است.

### قائم مقام وزیر بهداشت: محیط زیست به نوع آلاینده ها در روز حادثه اشاره نکرده است

همچنین محمد حسن سرمست، قائم مقام وزیر بهداشت در این خصوص اظهار داشت: بررسی و جمع بندی نهایی درباره علت بروز تنگی نفس ناگهانی در بیش از ۵۵۰۰ شهروند اقلیم احواز نشان داد که علت این پدیده نادر باریدن اولین باران پاییزی در شرایطی که کاهش وزش باد و سکون جریان هوا را داشتیم و نیز رطوبت بالا و وجود آلاینده های موجود در هوا اعلام کرد.

وی در پاسخ به پرسشی در مورد نوع آلاینده ها گفته بود: سازمان محیط زیست در گزارش خود به وزارت بهداشت و دانشگاه علوم پزشکی احواز به نوع آلاینده های موثر در روز حادثه اشاره نکرده است.

### چرا سازمان محیط زیست نوع آلاینده ها را معرفی نکرد!!?

بر اساس این گزارش، اگر فرض ماجرا را بر این اساس بگذاریم که باران اسیدی عامل تنگی نفس مردم بوده است، باید دید که به چه علت سازمان محیط زیست در گزارش خود به نوع آلاینده ها اشاره نکرده است؟! دو فرض وجود دارد: یا سازمان محیط زیست توانایی شناسایی عوامل آلاینده را نداشته است که بنابراین، گزارشی که درباره باران اسیدی داده است نیز زیر سوال میرود و یا از نوع و میزان آلاینده ها با خبر بوده است اما آن را اعلام نکرده که باید پیگیری دلیل این امر شد.

قطعا با شناختی از توانمندی های سازمان محیط زیست وجود دارد، میتوان فهمید که شناسایی عوامل آلاینده کار سختی نبوده است، بنا بر این عدم اعلام آن به وزارت بهداشت و همچنین به مردم، باعث ایجاد شک و تردید و ترس در مردم میشود. آیا اتفاق جدیدی در سال جاری رخ داده که در سالهای پیش وجود نداشته؟ آیا آلاینده های جدیدی به آلاینده های موجود در سطح احواز اضافه شده است که در سالهای گذشته وجود ندارد؟! آیا این نکته که ۹۵ درصد کسانی که دچار تنگی نفس شدند نمیتواند دلیل این نکته باشد که در احواز آلاینده جدیدی اضافه شده است که در سالهای گذشته وجود نداشته؟!؟

### کارشناس برجسته هواشناسی: انسان میتواند در استخر اسیدی شنا کند بدون اینکه آسیبی ببیند!

یک کارشناس برجسته علم هواشناسی در گفتگو با خبرنگار خورنا در خصوص باران اسیدی اظهار داشت: در اثر انباشت دود کارخانه ها، خودروها، هواپیماها و امثال آن در هوای بالای شهرها گاز دی اکسید گوگرد و دی اکسید ازت در این مناطق افزایش می یابد، هنگام بارندگی این گازها با آب باران واکنش داده، اسید سولفوریک و اسید نیتریک را تولید می کنند و با ریزش این اسیدها همراه باران بر سطح زمین اصطلاحا گفته می شود باران اسیدی است.

رئیس اداره هواشناسی شهرستان معشور (ماهشهر) در خصوص اثرات باران اسیدی بر روی انسان ها افزود: یک فرد به راحتی میتواند زیر باران های اسیدی راه برود بدون اینکه احساسی از اسیدی بودن آن داشته باشید. انسان حتی می تواند در استخری اسیدی با pH 5.0 شنا کند بدون اینکه آسیبی ببیند.

علیرضا رشنو خاطر نشان کرد: پس بیان این حرف که باران اسیدی باعث تنگی نفس شده است زیاد معقول به نظر نمی رسد چرا که باران اسیدی به صورت مایع است و به ریه وارد نمی شود، همچنین اگر این اسید به ریه وارد شود باید احساس سوزش ایجاد کند و نمیتواند باعث تنگی نفس شود.

وی خاطر نشان کرد: البته مسمومیت با مونوکسید کربن می تواند باعث تنگی نفس شود که این عامل ربطی به باران اسیدی ندارد.

### ماجرا چیست؟! باران اسیدی، عذاب الهی یا شاهکار دولت دهم؟!؟

همه این سوالات و شک و تردید ها و وجود مسئله مهم بهداشت و سلامت، خورنا را وادار کرد تا با تحقیق و پیگیری به نتایج قابل توجه، قابل تامل و تاسف باری دست پیدا کند.

بیش از چهار ماه پیش در شهر احواز با حضور محمود احمدی نژاد رئیس جمهور وقت دولت اشغالگر، از تکنولوژی «سپر یونی» توسط سازمان حفاظت از محیط زیست! بهره برداری شد تا به کمک آن از ورود گرد و غبار به کشور جلوگیری شود.

محمود احمدی نژاد در مراسم افتتاح این طرح اعلام کرد این طرح ۵۰ تا ۸۰ درصد گرد و غبار ورودی به کشور را کاهش می دهد.

این تکنولوژی که در آغاز راه با مخالفت سازمان هواشناسی کشور روبرو شد، با پنج دستگاه در «مرکز تحقیقات و مدیریت هوا و تغییرات اقلیمی احواز» در ۲۵ کیلومتری غرب مرکز اقلیم (اطراف حمیدیه) به کار گرفته شد. این سیستم نوعی تکنولوژی روسی است که به دلیل تحریمها اسم شرکت سازنده و تصاویر آن اجازه انتشار ندارد. دستگاه ها به گونه ای مکان یابی و نصب شده اند که در زاویه ۳۰ درجه از باد شمال غرب به جنوب شرق (باد غالب در منطقه) عمل می کنند و حدود ۱۲۰ کیلومتر مربع را تحت پوشش قرار می دهند.

«سپر یونی» با استفاده از الکتروسیته، یون هایی تولید و در ارتفاعات (حدود ۱۰ کیلومتر) ساطع می کند. به این ترتیب یک لایه و فضای باردار در بخش بالای جو، ایجاد و فضا دوقطبی (مثبت و منفی) می شود. در نتیجه ذراتی (گرد و غبار) که در این فضای دو قطبی قرار گرفته اند باردار شده و با اتصال به یکدیگر سنگین و در یک مسیر کوتاه نشست می کنند. این فضا بر اساس اعلام قبلی حدود نیم متر تا ۱۰ متر است که محدوده تردد و تنفس انسان ها را در بر میگیرد. این فرآیند همچنین باعث افزایش رطوبت در فضای باردار و در نهایت سنگینی ذرات و نشست آنها می شود.

### عدم پاسخگویی مسئولان کشوری سازمان محیط زیست درباره نتایج سپر یونی احواز

هرچند با گذشت بیش از ۴ ماه از بهره برداری از این طرح، سازمان حفاظت محیط زیست هنوز حاضر نیست درباره این تکنولوژی جدید مقابله با ریزگردها شفاف سازی کند و نحوه فعالیت و تاثیر آن بر محیط زیست در هاله ای از ابهام است اما میتوان با توجه به اتفاق اخیر حدس های جدی در خصوص این تکنولوژی زد.

عدم شفاف سازی در خصوص این طرح تا جایی پیش رفته است که رئیس مرکز ملی تغییر هوا و اقلیم سازمان حفاظت محیط زیست (که از ابتدا مسئول خریداری دستگاه ها و بازدیدها و بررسی های خارج از کشور بوده) از دادن اطلاعات در خصوص طرح «سپر یونی احواز» طفره می رود و می گوید: این روش هنوز در مرحله تحقیقات است و با توجه به اینکه باید دو دوره متفاوت فصلی (بهار و زمستان آینده) را طی کند، هنوز نمی توان درباره نتایج استفاده از این سیستم و ادامه کار آن اظهار نظر کرد!

### سازمان محیط زیست: سازمان هواشناسی زود قضاوت کرد!

وحدتی همچنین درباره انتقاداتی که مسئولان سازمان هواشناسی کشور نسبت به عملکرد سپر یونی و بیهوده بودن آن مطرح کرده اند، تصریح می کند: منتقدان زود قضاوت کردند و باید کمی صبر می کردند تا با نتایج علمی اظهار نظر کنند.

### تاثیر انتشار فرکانس ها بر روی انسانها ناشناخته است / «سپر یونی» نه شناسنامه دارد نه تاییدیه متخصصان

غلامرضا گودرزی، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی احواز که از منتقدان این طرح است، می گوید: مدتی پیش سازمان محیط زیست تعدادی از اساتید دانشگاه را برای مشاوره طرح دعوت کرد. آنها بازبینی کاتالوگ و اطلاع کامل از مشخصات دستگاه ها همچنین تائید سازمانهای ذی صلاح برای انتشار جریان الکتریکی در فضای باز را به عنوان پیش شرط مطرح کردند اما سازمان محیط زیست از ادامه کار سر باز زد.

وی می افزاید: این تکنولوژی هم اکنون در ابعاد کوچک تر در صنایع (کارخانه های فولاد و سیمان) برای کاهش غبار استفاده می شود، با این تفاوت که در کارخانجات فضا بسته و قابل کنترل است. انتشار فرکانس ها در فضای باز باید حتما بررسی شود زیرا تاثیر آنها روی انسان ها و حیوانات هنوز ناشناخته است.

گودرزی تصریح می کند: تکنولوژی که شناسنامه نداشته باشد و متخصصان داخلی هم آن را تائید نکرده باشند، تکنولوژی تحمیلی تلقی می شود.

### احوازی ها فدای تهرانی ها شدند؟ / اول قرار بود در تهران باشد، اما برای آزمایش در احواز اجرا شد!!

بر اساس گزارش خورنا، بر اساس اطلاعات قابل اطمینان ابتدا قرار بر این بود که این دستگاه ها برای تعدیل هوای تهران به کار گرفته شود اما بعد مقرر شد به صورت آزمایشی در احواز راه اندازی شود و در صورت مثبت بودن نتایج

برای جلوگیری از ورود گرد و غبار به کشور، در مرزها مورد استفاده قرار گیرد. جالب توجه اینکه تمام این مراحل با ورود مستقیم مسئولان سازمان حفاظت محیط زیست کشور و بدون نظرخواهی از مدیران و کارشناسان اقلیم احواز اجرا شده است.

### خطر سپر یونی برای مردم زیاد است/ مدیران فعلی محیط زیست در خصوص این تکنولوژی نظر دیگری دارند

مجید عباسپور رئیس انجمن متخصصان محیط زیست نیز معتقد است: این تکنولوژی روش مناسبی برای مقابله با ریزگردها نیست.

وی می گوید: «سپر یونی» با مغناطیسی کردن ذرات، موجب سنگین و ته نشین شدن آنها می شود. طبیعتاً باتوجه به اینکه حجم ذرات به مرور زیاد می شود، این راه حل مناسب نیست. ضمن اینکه بررسی صورت گرفته نشان می دهد میدان مغناطیسی ایجاد شده برای باردار کردن این ذرات بسیار قوی است. بنابراین آثار سوئی که ایجاد می کند در مقایسه با قدرت کنترل ذرات (که آنها فکر نمی کنیم بتواند حجم قابل توجهی را ته نشین کند) زیان بارتر است.

عباسپور درباره فعالیت چهار دستگاه در احواز تصریح می کند: خطر این میداین فشار قوی مردم را تهدید می کند. این مساله به مسئولان سازمان حفاظت محیط زیست منعکس شده است. اگر چه مدیران پیشین محیط زیست اعتقاد داشتند که این تکنولوژی بی ضرر است اما به نظر می رسد مدیران فعلی نظرات دیگری داشته باشند.

### احواز همچنان آلوده ترین شهر جهان/ حالا دیگر سپر یونی هم اضافه شد

۱۲ سال از هجوم ریزگردها می گذرد، احواز برای دومین بار به عنوان آلوده ترین شهر جهان معرفی می شود. برای طرح مبهم «سپر یونی» برای هر دستگاه پنج میلیارد تومان هزینه می شود.

با توجه به اینکه برخی از مصاحبه های این گزارش در خصوص سپر یونی پیش از این باران به ظاهر اسیدی! تهیه شده بود باید دید آیا مسئولان همچنان میخوانند منتظر گذشت فصل ها و نتیجه گیری در خصوص ضرر های طرح سپر یونی بمانند و همچنان با جان مردم بازی کنند یا این طرح به سرعت از میدان فعالیت خارج میشود و بیش از این به شهروندان آسیبی نمیرساند؟

حال باید منتظر ماند و دید ابتکار سازمان حفاظت محیط زیست برای مقابله با ریزگردها و تعیین سرنوشت «سپر یونی» چیست؟ آیا باز هم با پوشاندن اشتباهات دولت سابق میخوانند این طرح را ادامه دهند و در پاسخ ابهامات به مردم بگویند «کی بود، کی بود، من نبودم؟» یا در یک اقدام فوری و پیش از بارش باران های بعدی این سیستم را از فعالیت خارج و سلامت شهروندان احوازی را بیش از به خطر نمی اندازند؟!

به نقل از: سایت خورنا.

گزارش از : علی چاروسائی

\*سایت پادماز برخی از نام های نادرست در گزارش را تصحیح و تیتیر گزارش را تغییر داد.

## افزایش چشمگیر آمار مبتلایان به سرطان در احواز

انتشار 29 دسامبر 2013

روزنامه اعتماد گزارشی از رشد چشمگیر تعداد بیماران سرطانی در اقلیم احواز تهیه کرده که در آن آمارهایی رسمی به نقل از مسئولان بیمارستان شفا احواز ارائه شده است. بنا به اظهارات مسئولان بیمارستان شفا تعداد بیماران سرطانی اقلیم احواز در دهه اخیر پنج برابر شده است.

### قاتل خاموش اینجا شعله می‌کشد

«بیمارستان شفا» تنها مرکز درمان تخصصی سرطان در احواز، آخرین ایستگاه برای مردمانی است که تن خسته از جنگ و آلودگی‌های زیست‌محیطی را به درمان‌هایی طاقت فرسا می‌سپارند. تقریباً تمام کودکان و بیش از ۹۰ درصد بزرگسالان مبتلا به سرطان در احواز برای درمان به بیمارستان شفا مراجعه می‌کنند.

یاسمین، مرتضی، عاطفه...

فقط از گوشواره‌های حلقه‌ای‌اش می‌شود فهمید دختر است. موهای سرش را از ته تراشیده. بی‌رمق و رنگ پریده روی تختش نشسته است. «یاسمین» فقط پنج سال دارد. مادرش می‌گوید: ساکن احواز هستیم. از مهرماه متوجه شدید یاسمین به یکی از انواع سرطان خون مبتلا شده. باید شیمی درمانی شود. می‌گویند ممکن است چند سال طول بکشد. می‌ترسم که نتوانیم هزینه‌های سرسام‌آور درمان را تامین کنیم. به نظر شما امیدی به خوب شدن یاسمین هست؟ یاسمین تنها نیست. حسن از محرمه، عاطفه از شوش، مرتضی از عبادان، مریم از خفاجیه و... هر کدام با مادران‌شان برای مدتی مقیم بخش اطفال بیمارستان شفا هستند، به امید شفا.

### ۵۰۰ درصد افزایش

«شفا» تابلوی نمایشگر روند رو به رشد سرطان است، رییس سابق بیمارستان شفا نسبت به افزایش ناگهانی آمار بیماران سرطانی در سال‌های اخیر و ارتباط آن با آلودگی هوا هشدار می‌دهد. کاوه جاسب، فوق تخصص خون و سرطان کودکان می‌گوید: آمارها نشان می‌دهد که مراجعات جدید بیماران سرطانی بیمارستان شفا در سال‌های ۷۵ تا ۹۱ افزایش داشته است به طوری که تعداد مراجعان جدید از ۲۲۳ نفر در سال ۷۵ به ۹۹۸ نفر در سال ۹۱ رسیده و این در حالی است که جمعیت احواز در این مدت حداکثر ۲۵ درصد رشد دارد. از سوی دیگر تعداد روزهایی که پدیده گرد و غبار در استان اتفاق افتاده نیز طی سال‌های ۸۰ تا ۹۱ (از زمان نصب دستگاه‌های سنجش آلودگی هوا) افزایش حدود ۸۰۰ درصدی آلودگی هوا را نشان می‌دهد. بنابراین در صورتی که آلودگی هوا به عنوان یک شاخص آلودگی محیط زیست (آب، هوا، غذا و...) در نظر گرفته شود، میان افزایش تعداد بیماران سرطانی و تعداد روزهای وقوع پدیده گرد و غبار می‌توان به یک ارتباط منطقی و مستقیم رسید. این فوق تخصص سرطان که قرار است یافته‌های تحقیقش را به زودی به صورت یک مقاله علمی منتشر کند، تاکید می‌کند: آمار مبتلایان جدید سرطان در احواز آنقدر بزرگ و خطرناک است که حتی اگر تمام مطالب ذکر شده در حد فرضیه باقی بماند باید بسیار جدی‌تر به آن توجه شود.

### قاتل خاموش

دو ماه پیش موسسه بین‌المللی تحقیقات سرطان (IARC) در گزارش جدید خود رسماً آلودگی هوا و ذرات معلق در آن را در گروه نخست مواد سرطانزا قرار داد و آن را از عوامل ابتلا به سرطان اعلام کرد. همان زمان سازمان بهداشت جهانی (WHO) نیز برای دومین بار احواز، مرکز تولید نفت ایران را به عنوان آلوده‌ترین شهر جهان معرفی کرد که مانند دیگر شهرهای لیست ۱۰ شهر آلوده WHO شهری به‌شدت صنعتی است.

### ۵۰ برابر استاندارد

وقوع پدیده گرد و غبار از سال ۸۰ آغاز شد. در شهرستان‌های عبادان، محمره و فلاحیه. این پدیده بعد از چهار سال تمام شهرهای احواز را فرا گرفت و اکنون بیش از ۲۰ استان کشور را درگیر کرده است. گزارش‌های اداره کل حفاظت محیط زیست احواز نشان می‌دهد که گرد و غبارهای این استان ویژگی‌های متفاوتی دارد: اندازه این ذرات ۵/۲ میکرون و کمتر است. آلودگی تا ۵۰ برابر استاندارد و با تداوم سه تا ۱۰ روز اتفاق می‌افتد. وقوع پدیده گرد و غبار تا ۸۰ روز در سال ۸۸ و میانگین هر ۱۵ روز یک بار نیز ثبت شده است. همچنین محدوده وقوع پدیده ریزگردها از شمال غرب به جنوب شرق و همجهت با باد غالب احواز است که اثرات منفی آن را بیشتر کرده است.

### طرح ۱۰ ساله

«برنامه جامع کاهش آلودگی کلانشهر احواز» که بهمن ماه ۹۰ در کارگروه آلودگی هوای احواز تصویب شد، احواز را در بخش صنعت و به لحاظ استقرار منابع نفت و گاز و صنایع مادر و سنگین یکی از آلوده‌ترین شهرهای کشور معرفی و وقوع جنگ در کشورهای همجوار، پدیده خشکسالی و وقوع مکرر پدیده گرد و غبار را از منابع مهم آلاینده هوای احواز طی سال‌های اخیر عنوان می‌کند. در این طرح سهم خودروها در آلودگی هوای احواز ۲۵ درصد، سهم وسایل نقلیه عمومی ۳ درصد و سهم صنایع ۷۴ درصد (که عمده آن صنایع نفتی است) عنوان شده، همچنین بخش عمده‌یی از آلودگی هوای مبادی ورودی و خروجی احواز را ناشی از سوزاندن پسماندهای واحدهای شرقی و غربی مزارع نیشکر وابسته به توسعه نیشکر و صنایع جانبی می‌داند.

بر اساس این مطالعات هر چند طی فصل‌های سرد و مرطوب سال (دی و بهمن) میزان گرد و غبار کاهش محسوسی دارد، اما در مقابل میزان گاز منواکسیدکربن،

دی اکسیدگوگرد و اکسیدهای ازت افزایش قابل ملاحظه‌یی می‌یابد که با توجه به پایداری هوا در این فصول خطرناک است. این مطالعات نشان می‌دهد مجموع این آلودگی‌ها باعث می‌شود هوای احواز همیشه حداقل دو برابر حد مجاز باشد. در طرح جامع ۱۵۶ پروژه برای کاهش ۵/۵۲ درصد آلودگی هوای احواز در طول ۱۰ سال پیش‌بینی شده بود. انتظار می‌رفت حداقل ۷۰ درصد اهداف این طرح بعد از یک دهه محقق شود، اما برآوردها نشان داد که بسیاری از پروژه‌های کلان این طرح به دلیل بخشی‌نگری دستگاه‌ها اجرا نشده است.

### ۶۰ درصد ناکامی

احمد رضا لاهیجان‌زاده، مدیرکل حفاظت محیط زیست احواز در این باره می‌گوید: میانگین تحقق طرح جامع کاهش آلودگی هوا در هفت کلانشهر کشور حدود ۴۰ درصد برآورد شده که در احواز نیز حدود ۴۵ درصد است. لاهیجان‌زاده با تأکید بر نقش صنایع در آلودگی هوا می‌افزاید: اگر چه ریزگردها هوای استان را بسیار تحت تأثیر قرار می‌دهد اما این آلودگی مستمر نیست، در حالی که صنایع مثلاً نفت یا فولاد تولید مداوم آلودگی دارند. او همچنین معتقد است که مشکلات موجود

قابل حل هستند. اما مساله این است که مصوبات اجرایی نمی‌شود و چون تا حالا وارد فاز اجرا نشده‌ایم مدام فقط بیان مشکل می‌کنیم. برای نمونه تاثیر آبدار شدن بخش عراقی تالاب مرزی هورالعظیم در کاهش ریزگردها امسال بسیار محسوس و مشهود بوده است، ولی ما نه تنها برای احیای تالاب هورالعظیم اقدامی نکردیم بلکه آن را خشک‌تر هم کرده‌ایم. از سوی دیگر برای مقابله با بیابان زایی (اعم از مالچ پاشی و...) دولت باید با عزم جدی وارد شود همان‌گونه که برای طرح‌های کشاورزی، طرح‌های زودبازده، کارت سوخت یا مسکن مهر وارد میدان شد. اما متاسفانه تاکنون عزم جدی در این زمینه وجود نداشته است.

«سونامی» در راه است

آلودگی هوای احواز هر چند مدت یک بار سوژه رسانه‌ها می‌شود.

یک بار به بهانه هجوم ریزگردها، بار دیگر به بهانه صدرنشینی در فهرست آلوده‌ترین شهرهای جهان و اخیرا نیز به دلیل تنگی نفس ناشناخته ۲۰ هزار شهروند. اما بعد از مدتی همه‌چیز به فراموشی سپرده می‌شود. با توقف راهکارهای مقابله با آلودگی هوا و در غیاب مطالعات علمی اثرات آلودگی‌ها بر شهروندان، آیا تا چند سال دیگر نباید به انتظار «سونامی سرطان» باشیم؟



## افزایش تولد کودکان ناقص الخلقه نزد حاشیه نشینان عرب

انتشار 18 فوریه 2014



دفن زباله در منطقه حاشیه نشین برومی

به گزارش خبرگزاری مهر از احواز بخشدار غیزانیه احواز آلودگی های صنعتی و دفن پسماند را علت اصلی افزایش تولد نوزادان معلول و ناقص الخلقه در منطقه برومی احواز اعلام کرد. برومی یکی از مناطق حاشیه نشین احواز است که اکثریت مطلق ساکنان آن عرب هستند.

به گزارش خبرگزاری مهر از احواز، حسن جعفری در بیست و هشتمین جلسه شورای شهر احواز گفت: بررسی هایی که انجام دادیم نشان می دهد که ظرف هشت سال گذشته تولد نوزادان ناقص الخلقه و معلول در منطقه برومی بیشتر شده است.

وی افزود: بر اساس تحقیقات مرکز بهداشت شرق احواز این مساله ژنتیکی نبوده و به دلیل آلودگی های صنعتی و دفن طولانی مدت زباله در این منطقه است.

جعفری با اشاره به قرار گرفتن سایت دفن زباله احواز در منطقه برومی در ۲۰ سال گذشته اظهار کرد: شیرابه این زباله های دفن شده باعث آلودگی آب منطقه شده و سلامتی ساکنان را تحت تاثیر قرار داده است.

بخشدار غیزانیه همچنین با انتقاد از نحوه خدمات رسانی به منطقه برومی، الحاق این منطقه را به عنوان ناحیه منفصل به شهرداری خواستار شد.

وی گفت: با وجودی که منطقه برومی یکی از ورودی های اصلی احواز و دارای جاده ترانزیتی و مملو از واحدهای صنعتی بزرگ و کوچک است اما شهرداری حتی به عنوان منطقه حاشیه نیز آن را در نظر نمی گیرد.

به گفته وی، جمعیت هفت هزار نفری برومی با احتساب شاغلان به ۱۳ هزار نفر می رسد و ۲۵ واحد صنعتی ملی در این منطقه فعال هستند با این حال هیچکدام از خیابان های این منطقه آسفالت نیست و لوله کشی مناسب آب شرب بی بهره است.

جعفری تصریح کرد: عوارضی که شهرداری از صنایع برومی دریافت می کند چندین برابر درخواست ساکنان است و انتظار می رود شورای شهر تصمیم مناسبی برای خدمات رسانی به منطقه اتخاذ کند.

شایان ذکر است بخش غیزانیه با ۹۵ روستا، ۳۲ هزار نفر جمعیت دارد و ۸۰ چاه نفت در این منطقه در حال بهره برداری است.

## فاجعه زیست محیطی در خور موسی

انتشار 26 سپتامبر 2013



مدیر کل حفاظت محیط زیست از نشت مواد شیمیایی خطرناک پتروشیمی بندر معشور به آب‌های خورموسی در جنوب اقلیم احواز خیر داد. این آلودگی که باعث مرگ ۲۰ هزار ماهی شده، با وارد شدن به چرخه غذایی جان عامه مردم در اقلیم احواز راتهدید می‌کند.

لاهیجان‌زاده با اشاره به آلودگی محیط زیست از سوی پالایشگاه معشور در طول سالیان گذشته و بی توجهی مسئولان به سلامتی مردم عرب، تصریح کرد: «چنانچه این پتروشیمی نتواند به وظایف خود عمل کند و یا از اجرای تعهداتی که سال‌ها به مسئولان و دستگاه‌های نظارتی وعده کرده ناتوان باشد، اداره کل حفاظت محیط زیست استان رأسا نسبت به تعطیلی کامل واحد کلرآلکالی به دلیل آلودگی به ترکیبات جیوه اقدام می‌کند و تمام مسئولیت‌های این تعطیلی نیز بر عهده مدیران این مجتمع خواهد بود».

استاین (یکی از مواد پتروشیمی) از مواد آلی خطرناک و ترکیبی سمی است که تخلیه آن به دریا، مرگ و میر وسیع ماهیان و آبزیان را به دنبال خواهد داشت. ترکیبات جیوه نیز که به همراه پساب این پتروشیمی به خورموسی تخلیه می‌شود، جزو مواد بسیار خطرناک محسوب می‌شوند که ترکیب آن با مواد آلی یکی از سمی‌ترین ترکیبات را ایجاد می‌کند.

ترکیبات جیوه بعد از ورود به بدن آبزیان می‌تواند وارد چرخه غذایی انسان‌ها شده و بیماری‌های بسیاری به وجود بیاورد.

منطقه ویژه پتروشیمی شامل ۱۹ واحد است و در مجاورت خورموسی قرار دارد.

خورموسی از اکوسیستمی منحصر به فرد برخوردار است و زیست‌گاه بسیاری از پرندگان نادر و مکان تخم‌ریزی برای شمار زیادی از ماهی‌های خلیج محسوب می‌شود.

آب‌های خورموسی به دلیل عمق زیاد شرایط تردد کشتی‌هایی تا وزن ۷۰ هزار تن را به‌وجود آورده‌اند و حدود ۲ هزار نفر از مردم بومی این منطقه نیز از راه ماهیگیری امرار معاش می‌کنند.

تخلیه پساب های شور طرح های توسعه نیشکر و پساب های شیمیایی و صنعتی پتروشیمی معشور در خورموسی محیط زیست یکی از بزرگترین اکوسیستم های احواز را باخطر مواجه ساخته و سلامتی ساکنان عرب این اقلیم را تهدید می کند.

تخریب گسترده محیط زیست در اقلیم احواز به واسطه طرح های انتقال آب رودخانه کارون، تخلیه فاضلاب های شهری و صنعتی و کشاورزی دهها شهر غرب کشور در بستر رودخانه های احواز، حفر دهها چاه نفت و ایجاد کیلومترها جاده در درون هور(تالاب) العظیم و خشک شدن این هور، تخلیه پساب های شور توسعه نیشکر در هور فلاحیه و خورموسی و بستر رودخانه ها و تبخیر این پساب ها در دشت شلوه و بوجود آمدن کوه هایی از نمک، همگی جلوه هایی از سیاست های دولت مرکزی هستند که بدون توجه به مصلحت عامه مردم در این اقلیم صورت می گیرند و آینده ساکنان این اقلیم و نسل های آتی را با خطرهایی جدی روبرو ساخته است.

## ناگفته هایی که فاجعه آفرید

انتشار 20 نوامبر 2013

پس از آغاز بارش باران در روز دو شنبه ۲۷ آبان بیش از ۲ هزار احوازی در شهرهای احواز، عمیدیه و خفاجیه دچار تنگی نفس شده و راهی بیمارستان ها شدند. این دومین بارشی است که احوازی ها هزینه سود نبرده ای را، از سلامتی خود می پردازند. چندی پیش نیز پس از بارش اولین باران پاییزی در اقلیم احواز بیش از ۹ هزار احوازی دچار تنگی نفس شده و راهی بیمارستان ها شدند.

حال مقتدایی استاندار جدید احواز در اقدامی عجیب از مسئولان بیمارستان ها خواسته است تا آمار مراجعات آسیب دیدگان ناشی از آلودگی هوا را در اختیار رسانه ها قرار ندهند.

اینکه مقتدایی بر چه اساسی این دستور را داده است، مشخص نیست. در هر حال انتشار اخبار اقلیم احواز در رسانه های خارجی و مطرح شدن مشکلات ملت عرب در این رسانه ها یک تهدید بزرگ برای امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران محسوب می شود. این امر به مثابه کابوسی برای مسئولان گماشته دولت مرکزی ایران بر اقلیم احواز است.

جهت درک علت اینگونه رفتارهای مسئولان غیربومی احواز به جای گوش فرادادن به فرافکنی های آنها، می توان رویه معمول این مسئولان را در سه دهه اخیر بررسی کرد.

کمتر کسی در احواز می داند که در پشت سدهای واقع در شمال این اقلیم که سیاست های مرز آبی ایران و عراق را اعمال می کنند، آب جاری در بستر رودخانه کارون کمتر از ۲۰ درصد کل آب رودخانه کارون است. گماشته های دولت مرکزی به جای بیان این حقیقت دم از خشکسالی احواز می زنند.

رودخانه های کرخه و جراحی به کلی خشک شدند، اما مسئولان استان سخنی از اینکه آب این رودخانه ها چه شده است بر زبان نمی آورند.

اخیرا هم که مسئولان غیربومی احواز به دفاع از کارون برآمده اند نیرنگ به دست و آماده حرکت کرده اند. پیشتر محسن رضایی از دولت مرکزی خواسته است تا در صورت افزایش آب ورودی به بستر رودخانه کارون از دریاچه های سدها، تا سال ۱۴۰۴ شمسی جمعیت این اقلیم را چهار برابر خواهد ساخت. هر دوی رضایی و مقتدایی با بیان وحدت اقوام حوزه کارون اعلام کرده اند که وجود کارون برای سرازیر شدن اقوام لرو بختیاری از بالادست کارون به پایین دست کارون جهت اجرای طرح ۸۰۰ هزار هکتار کشاورزی، تامین کننده مصلحت و امنیت ملی است.

ناگفته ای را که از اینان باید پرسید؛ بقای کارون چه ربطی به مهاجرت غیربومی ها به اقلیم احواز دارد؟ چرا بقای کارون را منوط به مهاجرت غیرعربها به احواز معرفی می کنند؟ اینان ناگفته به شکل ضمنی ملت عرب را در برابر دو گزینه مرگ کارون و یا پذیرش مهاجرت میلیونی غیربومی ها به این اقلیم قرار داده اند.

سالانه صدها احوازی در اثر بیمارهای قلبی و عروقی جان خود را از دست می دهند. محمد الستی متخصص قلب و عروق می گوید که بیماری های قلبی و عروقی از شایع ترین بیماری های اقلیم احواز است. با این وجود مسئولان استانی حاضر نیستند آمار معاونت بهداشت استان را اعلام کردند. چرا؟

طبق پژوهشی که دانشگاه علوم پزشکی احواز در سال ۸۹ شمسی انجام داده در حدود ۲۰ درصد متوفیان احوازی در اثر استنشاق بیش از حد ذرات ریز معلق در هوا (PM10) جان خود را از دست داده اند؛ با این وجود مسئولان استانی حاضر نیستند آماری درباره مرگ میر احوازی بواسطه ذرات ریز را اعلام کنند.

رئیس بیمارستان شفا پیشتر گفته است که بیماری سرطان در اقلیم احواز رشد چشمگیری داشته است و هر ساله بیش از هزار مورد سرطان نزد کودکان و بزرگسالان احوازی کشف می شود. بیش از ۵۲ نوع سرطان در اقلیم احواز تشخیص داده شده است. مسئولان استانی هیچ آماری از شمار مبتلایان به سرطان و علت آن اعلام نمی کنند.

چرا مسئولان استانی درباره هزینه های درمانی انواع بیماری هایی که به دلیل آلودگی هوا و آب و آلودگی محیط زیست به جان مردم احواز افتاده اند، هیچ سخنی به زبان نمی آورند. دولت مرکزی ایران با فعالیت برنامه ریزی شده خود محیط زیست احواز را برهم ریخته است، چرا نباید هزینه آنرا بپردازد؟

این ناگفتن ها نه تنها رویه مسئولان گماشته دولت مرکزی بر احواز بلکه رویه رایج رسانه های مرکزگرا در داخل و خارج می شوند، خصلت ناگفتنی بودن این ناگفته ها تبدیل به یکی از مفاهیم پایه ای گفتمان مرکزگرا می شود. اینچنین است که مرکزگراها به حکم پایبندی به تمامیت ارضی و وطنشان، در هر جای دنیا که باشند اهمیت ناگفته ماندن اخبار احواز را در عمق جان خود حس می کنند.

این امر دیگر از بحرانی اخلاقی منسوب به مرکزگراها نیز گذشته است. اینان چیزی از حقوق ملل غیرفارس را نپذیرفته اند که در پذیرش بخش دیگری از آن دوگانه عمل کنند. زمانی که پای حقوق ملل غیرفارس در میان باشد، منکر همه چیز شده و حقیقت خود را نمایان می کنند.

اینان بگویند یانگویند طبیعت به سخن آمده است. طوفان های شن فریاد طبیعتی هستند که توسط سدهای دولت مرکزی ایران خشک شده است. مرگ و میر هزاران عرب احوازی و یا ساکنان احواز فاجعه ای است که دولت مرکزی ایران به واسطه سیاست های غیرانسانی اش مسئول آن است. مرگ این مردمان بی پناه شاهدهی است برفجایی که دولت مرکزی ایران در اقلیم عربی احواز تاکنون مرتکب شده است.

پادماز

## جنایت علیه بشریت، جنایت زیست محیطی در ایران

انتشار 04 دسامبر 2013

پس از کشتار یهودیان توسط نازیها و در دادگاه نورنبرگ در ۱۹۴۵، از نظر حقوق بین المللی مقوله "جنایت علیه بشریت" مطرح گشت. این جنایت بمعنای نقض حقوق انسانی بدلائل سیاسی، نژادی، ایدئولوژیکی، فلسفی و مذهبی بود. این تعریف عام در تمام مواردی که بدلائل فوق انسانها کشته میشوند، به بندگی و بردگی کشیده میشوند، قتل عام میگردند، به مهاجرت و انتقال اجباری مجبور میگردند، به تن فروشی اجباری دچار میگردند، مورد تجاوز قرار میگیرند و گرفتار آپارتاید میشوند، قابل تعمیم است.

قطعنامه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ این اصل دادگاه نورنبرگ را تائید میکند و دادگاه جزائی بین المللی این ماده را پایه قضاوت خود در بررسی جرائم مجرمین جنگی یوگسلاوی سابق، مسئولان رژیم خمرهای سرخ در کامبوج و جنایتهای قومی در کشور "رواندا" قرار میدهد.

مقوله "جنایت علیه محیط زیست" یا "جنایت اکولوژیکی" برای اولین بار در سالهای ۷۰ میلادی در قوانین و مواد حقوقی اتحادیه اروپا علیه اقدام ها و روشهایی که به "تخریب مافیائی" محیط زیست می انجامد بکار رفت. در سال ۲۰۰۴ این مقوله در مقدمه قانون اساسی فرانسه وارد گردید و نقض آن قابل تعقیب قانونی شناخته شد.

این قوانین بر اصل محیط زیست بعنوان حق اولیه انسانها برای زندگی سالم و سلامتی انسانها تاکید میکند و اقداماتی را که قصد تخریب و خسارت در منابع طبیعی دارند، مورد قضاوت و محکومیت قرار میدهد. از نظر این قوانین محیط زیست سالم پایه زندگی انسانها بوده و هنگامیکه محیط زیست و طبیعت ویران گشته و آلودگی ها گسترش مییابد، جان انسان و جانوران و گیاهان نیز در معرض خطر جدی قرار میگیرد. از نظر حقوق بین المللی "فعالیت های غیرقانونی و جنایتکارانه" در این زمینه عبارتند از: تجارت غیرقانونی حیوانات درحال انقراض و نابودی، صید صنعتی غیر قانونی ماهی، بهره برداری و تخریب غیرقانونی جنگلها، تجارت مواد نادر طبیعی، تجارت مواد خطرناک برای لایه گاز "اوزون"، آلودگی ناشی از پسابها و مواد زائد مسموم کننده، آلودگی آب و هوا و زمین وغیره.

بر اساس این قوانین هر اقدامی که حق زندگی را ناممکن میسازد و سلامت انسان را به خطر میافکند و اتیک و اخلاق زیستبومی را زیر پا میگذارد، اقدام جنایتکارانه تلقی میگردد. فاجعه چرنوبیل و آلودگی اتمی آن، حادثه شیمیائی "بوپال" در هند، آلوده کردن سواحل و آبهای دریاها و اقیانوسها توسط نفتکش ها، از جمله اقدام های جنایتکارانه در زمینه اکولوژیکی محسوب میشوند.

در ایران جنایت علیه بشریت پیوسته در سرکوب و شکنجه و تیرباران مخالفان سیاسی و ایدئولوژیک و مذهبی و ناباور معنا مییابد. کشتار هزاران نفر بخاطر سیاست و افکارشان جز تمایل رژیم برای نابودی انسانها و جنایت علیه بشریت معنای دیگری ندارد. حال حکومتی که پیوسته ناقض حقوق بشر بوده و خواست قلع و قمع مخالفان را داشته است، در زمینه ویرانگری زیستبومی نیز رفتار غیر مسئولانه داشته و طبق قوانین بین المللی پیوسته به اقدامهای "جنایتکارانه اکولوژیکی" دست زده است. جنایت حکومتی هم حقوق بشری است و هم علیه محیط زیست ایران است. در ایران آنچه بیش از ۳۵ سال در عرصه محیط زیست اتفاق افتاده جز تخریب و نابودی پیاپی زیست محیطی چیز دیگری نبوده است.

این حکومت بهیچوجه منابع طبیعی را مورد حفاظت قرار نداده و بلحاظ حرص خود برای مال اندوزی مافیائی، بخاطر فساد دستگاه اداری اش، بدلیل روشهای ناهنجار و بی قانونی اش، بخاطر فقدان بودجه لازم، زمینه ویرانگری زیست محیطی را ابعاد بیسابقه داده و شرایط زیست انسانی را بمخاطره افکنده است. موارد "خطاکاری جنایتکارانه زیست محیطی" رژیم کدامند؟

یکم، جمهوری اسلامی تمام پیمان های بین المللی مانند کنوانسیون رامسر که ایران امضا کننده آنست را، پیوسته خوار شمرده و هیچ تلاشی برای رعایت آنها ننموده است. رفتار دروغ و تبهکارانه حاکمان در عرصه زیست محیطی، دستگاه سیاسی ایران را به یکی از فاسدترین و مخرب ترین دولتها در جهان تبدیل کرده است. از میان ۱۳۳ کشور، ایران در جایگاه ۱۱۴ قرار میگیرد یعنی جزو بدترین و خرابکارترین کشورهای جهان قرار میگیرد.

دوم، میزان بیش از ۸۰ درصد خاک ایران خشک یا نیمه خشک است و با توجه به میزان مصرف بی رویه کنونی آب، بحران آب در ایران تشدید شده، تا پنجاه سال دیگر اغلب شهرهای بزرگ از آب آشامیدنی محروم خواهند بود. یک سوم آب در لوله کشی های شهری و پنجاه درصد آب در شیوه نامناسب آبیاری کشاورزی به هدر میرود. سالانه ۴ میلیارد متر مکعب از آبهای زیر زمینی غیر قابل بازگشت به سطح زمین پمپاژ میشود، امری که به تخریب و پائین رفتن سطح آبهای زیر زمینی و خشکی دریاچه و ویرانی کشاورزی کشور منجر شده است.

سوم، در بستر اقدام های بوروکراتیک و اشکال تراشی ها و بی تفاوتی ها، سیاست خشک سازی دریاچه های ایران مانند هامون و بختگان و ارومیه و غیره ادامه یافت و توفان نمک و گرد و غبار و بیابانزائی افزایش پیدا کرد. آلودگی شدید دریای خزر و خلیج منجر به مسمومیت و کشتار انبوه آبیان شده است.

چهارم، تالابهای ایران مانند "انزلی" و "هورالعظیم" و "گاوخونی" در بحران اند یا خشک شده اند و اغلب رودهای ایران مانند رود کارون، زاینده رود، کشف رود، سفید رود و غیره، یا در حال خشکی کامل هستند یا آنچنان آلوده و متعفن میباشند که شادابی خود را از دست داده اند.

پنجم، با ویرانی اکوسیستم ها دنیای وحش ایران بارها آسیبهای جدی دیده است و آهوان و پلنگان و شیران ایران خسارات فراوانی دیده اند. زیر فشار تراکتورها و تخریب ها و هجوم زمینخواران، تنوع زیست محیطی آسیب قطعی دیده و حیوانات و پرندگان ایران پراکنده شده و پناهگاه خود را دیگر نمیابند.

ششم، ایجاد بیش از ۵۰۰ سد متوسط و بزرگ که با مدیریت مافیائی انجام گرفته، روستاها و مناطق طبیعی و مرطوب و جایگاه جانوران بیشماری را ویران نموده، انسانهای بسیاری را از فعالیت شغلی و کاشانه اشان محروم و آواره ساخته، آثار باستانی متعددی را زیر آب برده و بحران بیابانزائی و کم آبی را افزایش داده است.

هفتم، بخش مهمی از جنگلهای ایران نابوده شده و پارکها مانند "نابیند" و باغها و مرغزارها و درختان بلحاظ جاده کشی و ساختمان سازی آسیبهای سنگینی متحمل شده اند. در طول حکومت اسلامی بخاطر برداشت بی رویه و غیرقانونی دولتی و تخریب و تصرف زمینخواران، میزان مساحت جنگلهای ایران از ۱۸ میلیون به ۱۴ میلیون کاهش یافته است.

هشتم، تخریب محیط زیست و بی مسئولیتی حکومت و نظام اداری منجر به افزایش هولناک ریزگردهای مسموم شده، آلودگی بمواد آلی و اتمی در هوا بطور بیسابقه افزایش یافته و سلامت انسان با بیماریهای گوناگون و از جمله سونامی سرطان کاملن به خطر افتاده است. سه شهر از پنج شهر نخست در فهرست آلوده ترین شهرهای جهان -احواز، کرمانشاه، سنندج- در ایران قرار دارند و ایران به سبب شدت آلودگی از میان ۹۱ کشور در جایگاه ۸۶ قرار گرفته است.



نهم، اغلب بنگاههای صنعتی و تولیدی خصوصی و دولتی مانند ذوب آهن و توانیر، پسابهای شیمیایی و مسموم خود را در طبیعت و آبها رها کرده و با رفتار جنایتکارانه خود، با بی اعتنائی به قوانین و با حمایت مسئولان دولتی زیانهای بیشماری به محیط زیست ایران وارد نموده اند.

دهم، در شرایط سخت و فرساینده محیط زیست ایران، حکومت اسلامی هیچگاه هیچ بودجه جدی و کار آموزشی و تربیتی برای حفظ و نگهداری طبیعت و آب و هوای ایران در نظر نگرفته است. این امر در شرایطی است که میزان عظیم ثروت و منابع مالی کشوری، در فساد و برنامه نظامی و اتمی و سدسازی و تبلیغات سیاسی مذهبی و خرافه پرستی نابود میشود.

یازدهم، برنامه اتمی حکومت که در فقدان شفافیت کامل پیش رفته است، تا کنون صدها میلیارد دلار هزینه برداشته، عامل بحران برای کشور و افزایش خطر برای مردم و محیط زیست ایران بوده است. این برنامه که از نظر اقتصادی اشتباه کامل بوده و از جهت سیاسی یک خطای فاحش است با بلعیدن امکان و ثروت عظیم به زیان حفظ محیط زیست بوده است. نیروگاه اتمی بوشهر با خطر زلزله روبرو است و انفجار آن به کشتار انسانها و تخریب محیط زیست ایران و منطقه می انجامد. برنامه اتمی اقتصادی سیاسی نظامی حکومتی بناگزی به تولید و انباشت زائده های اتمی منجر شده که هزاران سال خاصیت رادیواکتیو خود را حفظ کرده و یک خطر مهلک دائمی بشمار میاید.

دوازدهم، میزان خسارت مالی ناشی از بحران آب، بیابانزائی و آلودگی برای ایران طبق برآورد "بانک جهانی" بسیار بالا بوده و به میزان ۵ تا ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است. ایران فقط ۶۶ درصد مواد غذایی خود را تولید میکند و برای ۳۷ درصد باقیمانده باید هزینه سنگینی برای واردات کشاورزی بپردازد. تخریب سلامتی انسانها، آلودگی هوا و خاک، کاهش سفره های آبی، گسترش بیابانزائی و شوره زاری، از بین رفتن جنگلها و غیره، منجر به هزینه های بسیار سنگین برای مردم ایران شده است.

سیزدهم، سازمانهای دولتی مانند وزارت نیرو، جهاد کشاورزی، سازمان آب، و نیز نمایندگان مجلس و سپاه پاسداران و بالاخره روسای جمهور و ولایت فقیه، مجرم بوده زیرا با اقدام ها و تصمیم های زیان آور و بی لیاقتی های خود در ویرانگری زیست محیطی شرکت فعال داشته، آرامش زندگی و شادمانی زیست محیطی و سلامتی انسانها را از بین برده و بسیاری از منابع طبیعی مردم ایران را نابود ساخته اند. این هیات حاکمه اسلامی جنایت علیه زیستبوم ایران را سازماندهی کرده و بشیوه مافیائی و در جهت منافع خصوصی حاکمان، علیه منافع عمومی مردم و نسل های آینده اقدام ورزیده است.

بقلم: جلال ایجادی

\*جامعه شناس و کارشناس محیط زیست

\*\*تصحیح نام احواز توسط پادمار صورت گرفت.

منبع : سایت اخبار روز.

## طرحهای جدید دولت مرکزی ایران



## محسن رضایی کارون را ضمانت عدم استقلال احواز از ایران می داند

انتشار 19 نوامبر 2013

به منظور بررسی رویکرد مسئولان غیربومی و غیرعرب اقلیم احواز نسبت به انتقال آب کارون به فلات مرکزی ایران، نکات مهمی از سخنان شرکت کنندگان در همایش «آسیب شناسی اثرات انتقال آب خ وزس ت ا ن بر منافع ملی» را برای خوانندگان پادماز انتخاب کرده ایم. در این همایش یکروزه که در اسفند ماه سال ۱۳۸۷ برگزار شده بود، محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، استاندار احواز، امام جمعه احواز، جمعی از اساتید دانشگاه احواز (شهید چمران)، مسئولان رسانه ها و برخی دیگر از مسئولان استانی و محلی شهر احواز شرکت کرده بودند.

حاضران در این همایش همگی نمایندگان گروه های سیاسی و امنیتی غیرعرب و یاغیربومی حاکم بر اقلیم احواز هستند. سخنان محسن رضایی به صراحت از رویکرد امنیتی گروه سیاسی متشکل از لرها برای آینده احواز پرده بر می دارد.

### برخی از گفته های محسن رضایی:

محسن رضایی تصریح کرد: برخی تشکیل این جلسات را سیاسی می دانند، اما تشکیل اینگونه جلسات و همایش ها که برای گرفتن حق خود بپا می شود نمی تواند سیاسی نام بگیرد به همین سبب از تشکیل جلسه ترس نداشته باشید و در گرفتن حق خود همواره کوشا باشید همچنین کسانی که اینگونه همایش ها را سیاسی اعلام می کنند بی تردید خود سیاسی اند.

رضایی آب را در امنیت، توسعه و تمدن تاثیر گذار عنوان کرد و گفت: رودخانه کارون به این دلیل که به مرکز اتصال دارد سبب می شود تا احواز از ایران جدا نگردد و موجب امنیت گردد همچنین به دلیل بهم پیوستگی فرهنگی، نقل و انتقالات و پیوسته های جمعیتی، از این رهگذر انسجام اجتماعی را نیز شاهد هستیم.

محسن رضایی همچنین با اشاره به نقش مهم کارون در توسعه این استان خاطرنشان کرد: کشور ایران برای توسعه به هشت منطقه تقسیم شده که منطقه جنوب غرب با مرکزیت احواز یکی از این مناطق است. لرستان، ایلام، چهار محال و بختیاری و احواز با هشت میلیون نفر جمعیت از استانهایی می باشند که در این منطقه قرار می گیرند. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام تصریح کرد: مسئله آب را نباید در افق امروز بلکه در افق آینده به آن نگریست. احواز در سال ۱۴۰۴ در منطقه متشکل از ۳۰ میلیون نفر جمعیت خواهد بود. احواز در ۱۴۰۴، به ارزش ۶۰ میلیارد دلار، کالا مصرف می کند که باید ۶۰ درصد از این میزان در این استان تولید شود و به همین سبب باید در آن زمان، توان تولید استان معادل ۶۰ میلیارد دلار باشد.

گفته های محسن رضایی را می توان چنین خلاصه کرده که جهت تدوام بقای احواز در جغرافیای سیاسی ایران، بقای کارون و افزایش جمعیت این اقلیم به واسطه ورود میلیون ها مهاجر به اقلیم احواز ضروری است. این طرح بزرگ برای تغییر بافت جمعیتی احواز قرار بپایه سازی طرح ۸۰۰ هزار هکتاری رهبری، در احواز محقق شود.

متن کامل گزارش وب سایت امنیتی تابناک به شرح آتی است:

انتقال آب، مقدمه نابودی اقلیم احواز

آسیب‌شناسی اثرات انتقال آب استان بر منافع ملی

کد خبر: ۳۹۰۸۶

تاریخ انتشار: ۱۲ اسفند ۱۳۸۷ - ۱۳:۵۸ - ۰۲ March 2009

همایش «آسیب شناسی اثرات انتقال آب خ وزس ت ان بر منافع ملی» با حضور دکتر محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، استاندار احواز، امام جمعه احواز، جمعی از اساتید دانشگاه شهید چمران، اصحاب رسانه و برخی دیگر از مسئولان استانی و محلی در احواز برگزار شد.

همایش با پخش کلیپ زیبایی که شعری از مرحوم قیصر امین پور شاعر فقید احوازی و با صدای مرحوم عبدالمهدی و تصاویری از پر آبی کارون و جنگ و مصیبت‌های احواز و سپس خشکسالی بسیار شدید در احواز شروع شد که وصف حال هم اکنون مشکلات موجود در احواز بود:

از آب نه، از مهر آب می‌گویم... سرا پا اگر زرد و پژمرده‌ایم/ولی دل به پائیز نسپرده‌ایم/چو گلدان خالی لب پنجره/پر از خاطرات ترک خورده‌ایم/اگر داغ دل بود ما دیده‌ایم/اگر خون دل بود ما خورده‌ایم/اگر دل دلیل است آورده‌ایم/اگر داغ شرط است ما برده‌ایم/اگر دشمنان گردنیم/اگر خنجر دوستان برده‌ایم/گواهی بخواهید اینک گواه/همین زخم‌هایی که نشمرده‌ایم/دلی سربلند و سری سر بزیر/از این دست عمری به سر برده‌ایم.

محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در همایش آسیب شناسی اثرات انتقال آب احواز بر منافع ملی گفت: بحث‌های پیرامون آب باید از مسائل احساسی در یک طرف و سیاسی از طرف دیگر خارج شود و باید مسائلی را که به نفع ایران است در نظر بگیریم، همچنین این همایش نباید تنها در جهت آب در جریان باشد، بلکه مسائلی چون غبار را در نظر قرار داد که در همین ارتباط در سفر چند ماه گذشته خود به احواز گله خود را به چند تن از گروه‌های سیاسی کردم چرا که این گروه‌ها با تمام قدرت در حمایت از دولت‌مردان سیاسی در انتخابات حرکت می‌کنند و گله من این بود که برای یک بار هم که شده در جهت اهداف این استان کار کنند، چرا که در واقع هنگامی که غبار می‌آید جناحین چپ و راست را نمی‌شناسد و گریبان همه را می‌گیرد.

وی خاطر نشان کرد: بحث آب را معقولانه اما با جدیت باید پیگیری کرد. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام ضمن اشاره به دیگر مشکلات ادامه داد: متأسفانه اقلیم احواز در مشکلات آب کارون و غبار خلاصه نمی‌شود بلکه فرار مغزها، افت تحصیلی و غیره... نیز از جمله این مشکلات هستند که در حدود هشت مشکل حیاتی عمده و اساسی این استان محسوب می‌شود اما اغلب نگاه‌ها به آب کارون و غبار معطوف گردیده است که تنها با هم اندیشی می‌توان آنها را از میان برد.

محسن رضایی تصریح کرد: برخی تشکیل این جلسات را سیاسی می‌دانند، اما تشکیل اینگونه جلسات و همایش‌ها که برای گرفتن حق خود بپا می‌شود نمی‌تواند سیاسی نام بگیرد به همین سبب از تشکیل جلسه ترس نداشته باشید و در گرفتن حق خود همواره کوشا باشید همچنین کسانی که اینگونه همایش‌ها را سیاسی اعلام می‌کنند بی تردید خود سیاسی اند. رضایی آب را در امنیت، توسعه و تمدن تأثیر گذار عنوان کرد و گفت: رودخانه کارون به این دلیل که به مرکز اتصال

دارد سبب می‌شود تا احواز از ایران جدا نگردد و موجب امنیت گردد همچنین به دلیل بهم پیوستگی فرهنگی، نقل و انتقالات و پیوسته‌های جمعیتی، از این رهگذر انسجام اجتماعی را نیز شاهد هستیم.

وی افزود: نکته مهم آنکه اقلیم احواز در مبادلات تجاری در همجواری عراق و کویت که ۹ میلیون جمعیت و با درآمد سالانه‌ای بالغ بر هفتاد میلیون دلار است، قرار دارد.

محسن رضایی همچنین با اشاره به نقش مهم کارون در توسعه این استان خاطرنشان کرد: کشور ایران برای توسعه به هشت منطقه تقسیم شده که منطقه جنوب غرب با مرکزیت احواز یکی از این مناطق است. لرستان، ایلام، چهار محال و بختیاری و احواز با هشت میلیون نفر جمعیت از استانهایی می‌باشند که در این منطقه قرار می‌گیرند. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام تصریح کرد: مسئله آب را نباید در افق امروز بلکه در افق آینده به آن نگریست. احواز در سال ۱۴۰۴ در منطقه متشکل از ۳۰ میلیون نفر جمعیت خواهد بود. احواز در ۱۴۰۴، به ارزش ۶۰ میلیارد دلار، کالا مصرف می‌کند که باید ۶۰ درصد از این میزان در این استان تولید شود و به همین سبب باید در آن زمان، توان تولید استان معادل ۶۰ میلیارد دلار باشد.

رضایی اذعان کرد: توسعه آب احواز نقش تعیین کننده‌ای در آینده به عهده دارد بنابراین آب را باید جدی گرفت و پیگیری کرد سپس نتایج را انتقال داد. همچنین باید مجموعه مطالعاتی داشته باشیم و آن را به صورت کتابچه درآوریم تا با آب برخورد منطقی شود.

محسن رضایی به عقب ماندگی اقلیم احواز نیز اشاره کرد و گفت: اقلیم احواز در واقع دچار عقب ماندگی تاریخی است و بخشی از آن به قبل از انقلاب و بخش دیگر به دوران جنگ ارتباط دارد که حداقل ۱۲ سال از عمر و زمان لازم برای پیشرفت، از آن گرفته شده است به همین سبب بودجه‌ای تحت عنوان عقب ماندگی تاریخی برای ۵ استان در نظر گرفته شده است که باید نمایندگان مجلس برای دریافت آن تلاش کنند تا تحولات اساسی در استان صورت گیرد.

در ادامه امام جمعه احواز و نماینده مجلس خبرگان احواز گفت: موضوع انتقال آب آنقدر مهم بود که جناب رضایی برای آن اهمیت قائل شده و برای اهتمام به این موضوع و علاقه به اقلیم احواز با ما همصدا شد. آیت الله موسوی جزایری افزود: از کلمات امیرالمومنین (ع) این معلم بزرگ که می‌گوید کسی که از بیان حق سکوت کند شیطان ساکتی است همچنین گفتن حقایق وظیفه است و از آموزه‌های دین محسوب می‌شود به همین سبب موضوع انتقال آب را باید فهمید، مطرح کرد و از آن دفاع کرد.

نماینده مردم احواز در مجلس خبرگان خاطر نشان کرد: انتقال آب کارون از قبل از انقلاب و بعد از انقلاب و تا کنون مد نظر بوده است اما گاهی در این رابطه عقب نشینی‌هایی صورت می‌گرفت اما با گذشت زمان مشخص گردید که این حرکت، حرکتی تاکتیکی بوده است.

آیت الله موسوی جزایری اظهار کرد: عدالت باید به طور کامل اجرا شود و هیچ جای کشور نباید مورد بی مهری قرار گیرد و با توجه به اینکه دولت خدمتگذار، امروز با شعار عدالت محوری و ضد تبعیض در کشور فعالیت می‌کند، باید مسئله انتقال آب را ریشه‌یابی کرده و کار کارشناسی بر روی این موضوع انجام دهد.

وی افزود: حقوق اقلیم احواز نباید پایمال شود چرا که در طول این ۳۰ سال و به ویژه در جنگ بیشترین آسیب‌ها را متحمل شد که در پی آن حاشیه‌نشینی‌های فراوانی به وجود آمد و اکنون از جمله آن آسیب‌هاست. همچنین در حدود ۴۰۰ تا

۵۰۰ هزار حاشیه‌نشین در اغلب شهرهای استان وجود دارد. اینها محرومیت‌هایی هستند که باید ملاحظه و مطالعه شوند. آیت الله موسوی جزایری در پایان گفت: اکنون بحث خشکسالی از دیگر مشکلاتی است که حاشیه‌نشینی را افزایش داده است و اگر بحث انتقال آب هم انجام شود به واقع کمر این استان خم خواهد شد.

سید حمید حسن زاده رئیس شورای شهر احواز نیز در این همایش گفت: بحث آب اغلب بحث‌های فنی را شامل می‌شود و مطالعات ۵۰ ساله انجام شده نشان می‌دهد که این کار نمی‌تواند درست باشد همچنین با توجه به دعوت از مسئولین آب کشور حضور پیدا نکردند تا فریاد ما را برسانند و به همین سبب ترجیحاً از مطبوعات و جراید در این امر یاری می‌گیریم.

حسن زاده افزود: برخی از شهرهای حاشیه رودخانه کارون با مشکل آب شرب مواجه‌اند و به موجب این مشکل باید از تعارضات دست برداشت و اعتراض خود را نشان داد.

وی در پایان تصریح کرد: مشکل انتقال آب تنها در این دولت نبوده بلکه در رژیم گذشته هم مطرح بوده است و مخالفت ما با انتقال آب نباید دلیلی بر موضع ما نسبت به دولت محسوب شود، همچنین از جناب محسن رضایی انتظار داریم تا با ارتباطات خود در مرکز از تخریب استان جلوگیری نمایند.

در ادامه سید رسول موسوی، مدیر مسئول و سردبیر روزنامه «عصر کارون» گفت: انتقال آب کارون به معنای از بین رفتن مدنیت ایران است؛ مدنیت در فلات احواز به دلیل وجود آب است و من به عنوان یک شهروند احوازی می‌گویم از انتقال آب کارون دست بردارید و با این کار روح مردم را جریحه دار نکنید، با وجود این همه مشکلات با احساسات آنها بازی نکنید چرا که مردم فهیم و دانای اقلیم احواز می‌دانند که اگر آب را ببرند یعنی احواز و استان را از بین برده‌اند و به همین سبب برای انتقال این انتقادات با قدرت ادامه خواهیم داد.

وی ضمن اشاره به حل مشکلاتی چون آبادی عمرانی، زراعت و آب شرب مردم گفت: کسانی که می‌گویند کارشناسان اگر واقعاً اینگونه‌اند برای حل مشکلات باید فکر دیگری کنند، نباید تفکری را عملی کنند که سبب از بین رفتن استان محروم احواز شود.

در ادامه حمیدرضا خدابخشی دبیر همایش گفت: هدف از برگزاری این همایش علمی توجه به مشکلات و معضلات کم آبی و بحث‌ها و اختلاف نظرها است که در مورد انتقال آب اقلیم احواز وجود دارد و پرداختن به زوایای مختلف آن از دیدگاهی کارشناسی برای بررسی آثار و تبعات انتقال آب از سرشاخه‌های رودخانه‌های اقلیم احواز بر منافع ملی است که به درخواست جناب آقای دکتر رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام و با همکاری شورای شهر احواز شهرداری و دانشگاه شهید چمران احواز با برنامه ریزی فشرده یکماهه توسط انجمن صنفی مهندسان صنعت آب احواز در مدت یک روز برگزار می‌گردد.

وی افزود: عملیات انتقال آب از رودخانه‌های اقلیم احواز قبل از انقلاب و در دهه ۳۰ با بهره برداری از تونل کوه‌رنگ یک آغاز گردیده و پس از انقلاب اسلامی و بعد از ایجاد وقفه پس از چند دهه مجدداً در سال ۱۳۶۴ با آغاز بهره برداری از تونل کوه‌رنگ ۲ و با ادامه عملیات احداث تونل‌ها و سدهای دیگر در دولت‌های مختلف تاکنون ادامه داشته است که به نظر می‌رسد استانداردهای لازمی که از سوی مراجع جهانی پیشنهاد شده است با توجه به زمان اخذ تصمیم برای اجرای این طرح‌ها و شامل مرور زمان شدنشان رعایت نگردیده و آمار ۴۰ ساله نشان می‌دهد که طرحهای انتقال آب باید مورد

بازنگری تخصصی واقع شوند تا خصوصیات فنی، اقتصادی، زیست محیطی عزیزان حاضر حتما مستحضرند که مهندسی ارزش علمی است که برای بررسی مجدد طرح‌ها اعم از مطالعاتی، اجرایی و حتی در حال بهره برداری برای بهینه کردن تمام فوائد و کاهش هزینه آنها مورد استفاده قرار گرفته و کاملا حذف شود تا از زیان‌های آتی جلوگیری به عمل آید.

همچنین شایان توجه است که انجام مهندسی ارزش و بازنگری ربطی به اندازه و ابعاد مختلف طرح‌ها نداشته و برای طرح‌هایی که هزینه سنگین آنها منابع مالی ملی را تحت تاثیر شدید قرار می‌دهند ضروری‌تر است.

مهندس خدابخشی گفت: براساس اطلاعات مندرج در مستندات موجود مانند گزارش بررسی انتقال آب از تونل بهشت آباد به حوضه زاینده رود که توسط دفتر امور زیربنایی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تهیه شده است و صورتجلسات شماره ۶۷ تا ۷۲ اتاق فکر استانداری اصفهان، اجرای طرح‌های انتقال آب رودخانه‌های اقلیم احواز برای توسعه کشاورزی سایر استان‌هایی است که اتفاقا در محدوده حوضه‌های آبریز رودخانه‌های اصلی اقلیم احواز قرار ندارند. از این رو بررسی همه جانبه اثرات انتقال آب از حوزه‌های آبریز احواز بر منافع ملی در فضایی کاملا علمی و کارشناسی و برپایه مستندات و استانداردهای بین المللی مانند استانداردهای پیشنهادی یونسکو یا کمیسیون سدهای بزرگ فارغ از هرگونه بخشی نگری اجتماعی و سیاسی ضروری به نظر می‌رسد که در این همایش برجسته‌های تخصصی و فنی آن تاکید ویژه شده و وجود دیدگاه کارشناسی برای اموری که نیاز به متخصصین فن دارد به شدت از سوی مراجع برگزار کننده مورد تاکید است.

دبیر همایش آسیب شناسی اثرات انتقال آب کارون خاطر نشان کرد: توجه مسئولین محترم حاضر و سایر مدیران را برای استفاده از رویکردهای تخصصی و کارشناسی برای حل مسائل و معضلات استان و کشور جلب نموده امید است تصمیم گیران و مسئولان رده بالای کشور با تصویب و تقویب قوانین امکان ایجاد فضای ارائه پیشنهادات و راهکارهای مناسب را در قالب مجموعه‌های نخبگان فراهم آورده و از نظرات نهادهای کارشناسی مردمی و غیر دولتی در انجام برنامه ریزیهای بهره مند گردند.

حمیدرضا خدابخشی در پایان گفت: به همین سبب مسئولین اطمینان داشته باشند که انجام موفقیت آمیز هر طرح بزرگی نیاز به پذیرش مردمی دارد و استفاده از این گروه‌ها موجبات بالندگی، نشاط و رشد جامعه بخصوص جوانان را فراهم آورده و رشد فرهنگ عمومی را نیز به دنبال خواهد داشت.

در پایان مدیریت روابط عمومی انجمن صنفی گفت: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مبین نهادهای فرهنگ، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی می‌باشد در اصل بیست و ششم، آزادی احزاب، انجمن‌های سیاسی و صنفی، انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده را تا آنجا که استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس و جمهوری اسلامی را نقص ننمایند، تنفیذ و از حقوق مسلم ملت شریف ایران قلمداد نموده است.

امیر زمانی افزود: انجمن‌های صنفی در مبحث ایجاد تشکل‌ها بشرح ماده ۱۳۱ قانون کار و با استناد به اصل مذکور از قانون اساسی و ماده ۱۵ قانون راهبردهای اصل ۴۴ قانون اساسی که سازمان‌ها و دوایر دولتی را برای همکاری در تشکیل انجمن‌های صنفی ملزم نموده است تشکیل می‌گردند و منظور حفظ حقوق و منافع مشروع و قانونی و بهبود وضع اقتصادی کارگران و کارفرمایان، در سطح یک حرفه یا صنعت می‌باشد که خود باعث حفظ منافع جامعه است. وی ادامه داد: انجمن صنفی مهندسان صنعت آب احواز تبلور عینی آزادیهای یاد شده و مصداق بارز مشارکت تشکل‌های صنفی در مسیر ارتقا و تعالی جامعه در جمهوری اسلامی ایران بشمار می‌رود و چون در مسیر منطقی با تکیه بر اصول و مفاهیم علمی هدایت شوند آثار و برکات آن به منصفه ظهور می‌رسد.



انجمن به اعضای خود این امکان را می‌دهد که از عقاید خود در برابر مراکز قانون گذاری و خط مشی سازی به عنوان یک جمع سخن بگویند و جمع بندی عقاید و نظرات اعضاء را در اختیار مراکز قانون گذاری و خط مشی سازی در ابعاد ملی قرار می‌دهد و انجمن صنفی مجالی برای آمال اجتماعی اعضاء فراهم می‌کند که به صورت انفرادی در حجره‌های خصوصی هرگز مجال بروز آن فراهم نمی‌گردد.

مدیریت روابط عمومی انجمن صنفی اذعان کرد: شایان توجه است بسط و توسعه این انجمن‌ها و امکان استفاده از پتانسیل بسیار بالای کارشناسی و تخصصی آنها در صحنه‌های برنامه ریزی و اجرایی کشور، برای نیل به اهداف اصل ۴۴ قانون اساسی و چشم انداز ۲۰ ساله کشور نیاز به قوانین و آیین نامه‌های تکمیلی دارد تا جایگاه اجرایی و نظارتی لازم آنها تبیین گردد.

زمانی یادآور شد: انجمن صنفی مهندسان صنعت آب احواز انجمنی غیر انتفاعی که در اسفندماه سال ۱۳۸۶ به همت چند تن از مهندسان با سابقه این صنعت در احواز تشکیل شد و هم اکنون متشکل از نخبگان مدرسین دانشگاهها، دانش آموزان و دانشجویان و شاغلان بخش آب اعم از آب و فاضلاب، سدها و شبکه‌های آبیاری و زهکشی، محیط زیست و توسعه منابع آب رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، تالاب‌ها و در هر سه بخش مطالعه، توسعه و بهره برداری است که برای توسعه علم و آگاهی‌های فردی و اجتماعی در جهت نیل به اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی که همانا عمران، آبادانی و توسعه استان و کشور است، فعالیت می‌نماید.

امیر زمانی تصریح کرد: همگان می‌دانند که یکی از اولین تمدن‌های تاریخ بشر در کنار رودهای اقلیم احواز شکل گرفته است و این استان از دیرباز مهد فن آوری‌ها در علوم مختلف به خصوص در صنعت آب بوده است وجود تعداد زیادی سازه‌های تاریخی مختلف مرتبط با آب در جای جای این سرزمین همگی از قدمت وجود علوم مهندسی آب در ایجاد این شکوه و اعجاز خبر می‌دهد.

وجود دانشگاه‌های مختلف، خیل فراوان دانش آموزان مهندسی علوم آب و سایر رشته‌های تحصیلی مرتبط، دانش و تجربیات اندوخته شده، امکانات بالقوه طبیعی و موجود بودن بیش از ۳/۲ میلیون هکتار اراضی مستعد کشاورزی، امکان ایجاد قطب کشاورزی و صنایع تبدیلی وابسته را در سطح بالای بین المللی برای این استان فراهم نموده است که باید از این فرصت بهره برداری لازم به عمل آید تا شاهد رشد و توسعه فزاینده‌ای در این بخش برای ایران اسلامی باشیم. او گفت: از آنجایی که این انجمن دفاع از حقوق صنفی شاغلان این بخش را با استفاده از روش‌های علمی و قانونی را سرلوحه اقدامات خود قرار داده است لذا نسبت به کلیه حوادث و اتفاقات حوزه آب در اقلیم احواز حساس بوده و انجام عکس العمل لازم را حق قانونی خود به شمار می‌آورد.

وی افزود: از این روست که این انجمن پیگیری جلوگیری از انتقال آب از سرشاخه‌های رودخانه‌های اقلیم احواز، جلوگیری از انتقال اعتبارات و مدیریت مطالعه، اجرا و بهره برداری طرح‌های آب به شرکت‌های غیر بومی، روند کند توسعه در طرح‌های توسعه منابع آب و سامانه‌های آب و فاضلاب و حفظ کیفیت و محیط زیست منابع آب را به دلیل اسرات مستقیمی که بر اشتغال و منابع صنفی شاغلان این بخش که جدای از منافع کشور عزیز اسلامی و مردم شریف نیست، تا حصول نتیجه، از حقوق مسلم خود برای انعکاس و اقیات علمی و نیل به اهداف انجمن به کار خواهد بست.

امیر زمانی در پایان گفت: در همین جا بر خود لازم می‌داند که از حمایت و تلاش رسانه‌ها و مطبوعات شریف و زحمتکش استان که تریبون انعکاس مطالب صحیح را در اختیار نهادهای مردمی قرار می‌دهند تشکر و قدردانی نمایم

توجه: در متن گزارش وب سایت تابناک به جای نام های جعلی فارسی، پادماز از نام های عربی شهرها استفاده کرده است.



## طرح غارت 800 هزار هکتار از اراضی احواز در راستای تغییر بافت جمعیتی

انتشار 24 اکتوبر 2013

پادماز: در سفری که علی خامنه ای رهبر ایران در سال ۱۳۷۵ به احواز داشته است دستور احیای ۸۰۰ هزار هکتار از زمین های کشاورزی و لم یزرع این استان را صادر کرد. این طرح به (طرح ملی) احیای ۸۰۰ هزار هکتار از اراضی دشت های احواز معروف است.

قائم مقام مجری طرح احیای دشت های احواز و عیلام با اشاره به عملیاتی شدن طرح احیای دشت های این دو منطقه موسوم به طرح رهبری، گفت: اگر چه طرح در سال ۷۵ مصوب شد اما در سفر نخست هیئت دولت به در زمان احمدی نژاد زمینه اجرای آن فراهم و عملاً از سال ۸۷ اعتباری برای آن در نظر گرفته شد.

علاقه بند ادامه داد: این طرح در سال های ۸۷ و ۸۸ توسط سازمان جهاد کشاورزی آغاز و از سال ۸۸ به موسسه جهاد نصر محول شد.

وی اظهار کرد: از سال ۸۷ تا کنون احیای ۲۰۰ هزار هکتار از اراضی احواز آغاز شده که ۴۸ هزار هکتار آن توسط سازمان جهاد کشاورزی انجام شده است.

این مقام مسئول با اشاره به قابلیت های منطقه با داشتن سدها و شبکه های آبیاری و زهکشی گفت: ماموریت موسسه جهاد نصر به عنوان مجری طرح احیای دشت های یاد شده تکمیل سرمایه گذاری و برنامه های انجام شده دولت است.

وی اظهار کرد: این طرح در اراضی پایاب سدهای احداث شده استان در حوزه رودخانه های دز، کارون، کرخه، مارون، زهره و جراحی اجرا می شود و شهرستان های احواز، سوس، تستر (شوشتر)، خفاجیه (سوسنگرد)، حویزه، دزفول، رامز (رامهرمز)، خلفیه (رامشیر)، تمیمیه (هندیجان)، عمیدیه (امیدیه)، باب هانی (بهبهان)، فلاحیه (شادگان)، عبادان (آبادان)، محمره (خرمشهر) و ملاثانی (باوی) از آن منتفع خواهند شد، البته ممکن است در مراحل آتی شهرستان های دیگری نیز به طرح اضافه شود.

علاقه بند افزود: درآمدی معادل ۱۴ هزار میلیارد ریال در سال در پی افزایش صادرات و ایجاد اشتغال پایدار برای ۳۰۰ هزار نفر (۱۴۷ هزار نفر اشتغال مستقیم) نیز از چشم انداز های این طرح است.

قائم مقام مجری طرح احیای دشت های احواز و عیلام احداث شبکه های فرعی آبیاری و زهکشی، تجهیز و نوسازی اراضی و یکپارچه سازی و تسطیح آن ها، همچنین احداث زهکش های زیرزمینی را وظایف موسسه جهاد نصر در این طرح عنوان کرد و گفت: از این میان ایجاد زهکش های زیرزمینی که برای نخستین بار در استان اجرا می شود از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

وی پیش بینی کرد: حدود ۳۵۰ هزار هکتار از اراضی احواز نیاز به ایجاد زهکش زیرزمینی داشته باشند. به گفته وی، ۲۵ تا ۳۰ درصد از این اراضی توسعه و مابقی در قالب طرح نوسازی و بهسازی است.

علاقه بند اظهار کرد: اراضی که در قالب طرح توسعه به زمین های کشاورزی اضافه می شوند یا از منابع ملی و یا اراضی دیم هستند که بر اساس روال واگذاری زمین به افراد محلی و یا درخواست کنندگان واگذار می شوند.

این مقام مسئول اظهار کرد: در سال ۸۷ و ۸۸، ۱۵۰ میلیارد تومان اعتبار برای اجرا مصوب شد که ۹۴ میلیارد تومان آن به جهاد کشاورزی برای اجرا تخصیص یافت.

وی افزود: در سال ۸۹ از ۱۲۶ میلیارد تومان اعتبار مصوب ۸۴ میلیارد تومان تخصیص یافته و در سال ۹۰ نیز از ۲۰۷ میلیارد تومان اعتبار مصوب ۱۹۰ میلیارد تومان برای اجرا تخصیص پیدا کرد.

علاقه بند اظهار کرد: برای سال ۹۱ نیز ۳۱۰ میلیارد تومان اعتبار پیش بینی شده است.

وی افزود: اعتبار موردنیاز برای کل طرح ۴ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان (بر اساس هزینه‌های سال ۸۸) و برای احیای ۲۰۰ هزار هکتار سطح در حال اجرا، یک هزار و ۱۵۰ میلیارد تومان برآورد شده است.

به گفته وی، مدت اجرای طرح پنج ساله پیش بینی شده اما به احتمال زیاد بیش از این زمان برای اجرا نیاز است که انتظار داریم با برنامه ریزی و اختصاص اعتبار مصوب طرح با سرعت بیشتری اجرا شود.

وی افزود: ۸۹ میلیارد تومان از محل فاینانس داخلی نیز برای کمک به این طرح پیش بینی شده که هنوز نهایی نشده است.

مدیرعامل موسسه جهاد نصر عیلام هوشنگ گلابکش با بیان اینکه همه بویژه رسانه‌ها باید کمک کنند این طرح کلان ملی که نقش مهمی در اشتغال پایدار و بهره برداری از سرمایه گذاری دولت در بخش‌های بالادستی کشاورزی خواهد داشت به بهره برداری برسد، گفت: این طرح با مشارکت شرکت‌های جهاد نصر استان‌های کشور در حوزه‌های مختلف مناطق پایین دست رودخانه‌های دز، کارون، کرخه، مارون و جراحی در حال اجراست

وی تصریح کرد: در این طرح مالکیت فرد مخدوش نمی‌شود و مالکیت بخش خصوصی از نظر ما محترم است، البته در برنامه کاری بنا نداریم به مالکیت‌ها ورود کنیم و ملاک ما اسناد اداره کل منابع طبیعی است.

علاقه بند اظهار کرد: اراضی که در قالب طرح توسعه به زمین‌های کشاورزی اضافه می‌شوند یا از منابع ملی و یا اراضی دیم هستند که بر اساس روال واگذاری زمین به افراد محلی و یا درخواست کنندگان واگذار می‌شوند.

در سال ۹۲ شمسی موسسه جهاد نصر مشغول اجرای طرح بزرگ زهکشی و آبیاری ۲۶ هزار هکتار از اراضی شهرستان خلفیه بوده است.

مدیرعامل موسسه جهاد نصر هوشنگ گلابکش افزود: با توجه به محدودیت‌های اعتباری و لزوم شتاب بخشی به این طرح بزرگ کشاورزی، تامین اعتبار از منابع خارجی (فاینانس) برای این طرح به تازگی در شورای عالی اقتصاد تصویب شده و در این ارتباط با چند شرکت چینی به منظور سرمایه گذاری در این طرح به توافق‌هایی دست یافتیم. وی گفت: بازدید این هیات چینی به منظور ارزیابی، ظرفیت‌سنجی و چگونگی مشارکت آنان در این طرح بزرگ ملی است.

مؤسسه جهاد نصر وابسته که به وزارت جهاد کشاورزی قرارداد توسعه، تجهیز، تسطیح و یکپارچه سازی اراضی احواز به عنوان بخشی از طرح یاد شده در سطح ۲۰۰ هزار هکتار با پیمانکاران را منعقد ساخته که بناست در قالب طرح پنج ساله به بهره برداری برسد.

گزارش ایرنا حاکی است؛ بهره برداری از مرحله نخست طرح برای احیای دشت‌های احواز در شهریورماه سال ۹۱ در آخرین روز از هفته دولت، در منطقه خفاجیه به بهره برداری رسید.

در اردیبهشت ماه سال ۹۲ شمسی و با حضور 'سیدرحیم سجادی' معاون آب و خاک وزیر جهادکشاورزی طی مراسمی، بخشی از این طرح بزرگ ملی که شامل ۳۳ هزار هکتار زمین کشاورزی است، بهره برداری به عمل آمد. مساحت مذکور از زمین های کشاورزی بخشی از ۴۹ هزار هکتار مربوط به طرح مهر ماندگار است که امروز ۳۳ هزار هکتار آن توسط موسسه جهادنصر به بهره برداری رسیده است.

این طرح بسان طرح های دهگانه توسعه نیشکر در اقلیم احواز یک (طرح ملی) است. تجربه نشان داده است که تنها درصد اندکی از فرصت های ایجاد شده توسط طرح های ملی در اختیار مردم بومی عرب قرار می گیرد. در بهترین حالت کمتر از یک سوم فرصت های شغلی ایجاد شده به مردم عرب تعلق خواهد گرفت. و معنی دیگر اجرای طرح های ملی در مناطق عرب نشین، طرح هایی هستند که در چارچوب تغییر بافت جمعیتی و پاکسازی نژادی صورت می گیرند.

تهیه و تدوین: التيار الوطنی العربی الديمقراطية فی الأحواز

جنبش ملی دموکراتیک عرب الاحواز

## دعواهای اشغالگران برای تسلط بر ثروتهای احواز

انتشار 24 اکتوبر 2013

مسعود اسدی رئیس نظام صنفی کشاورزی مناطق اشغالی در نامه ای سرگشاده به موسوی جزایری نماینده خامنه ای در احواز و شفیعی عضو مجلس خبرگان رژیم اشغالگر، با برشمردن اقدامات مسئولان اصفهانی در استیلاء بر دولت ایران، نا امیدی خود نسبت به توقف طرح های انتقال آب کارون را اعلام کرد.

بخش اول این نامه به شرح آتی است:

چنانچه مستحضرید پس از انتخابات خرداد ماه و آغاز گمانه زنی ها برای تصدی سمت های عالی کشور خیلی زود مشخص گردید اصفهانی های همیشه سهیم در حاکمیت، این بار سهم بسیار بیشتری در دولت تدبیر و امید خواهند داشت و این چنین نیز شد.

حداقل ۳ و بقولی ۴ وزیر اصفهانی و سیل معاونین و رؤسای سازمانهای ملی اثبات این مدعی بود اما به نظر می رسد این عزیزان ما که الحق و انصاف در لیاقت، همدلی، اتحاد و تعصب شدید استانی و منطقه ای منحصر به فرد می باشند تصمیم دارند این بار از موقعیت دولتی بی نظیر خود یک استفاده تاریخی ببرند و آنهم احیای زاینده رود و اجرایی نمودن تمامی طرحهای انتقال آب از سرچشمه های کارون و از کیسه بیت المال است که برای رسیدن به این مهم با توجه به نفوذ فراوان خود در دولت و مجلس مهره چینی ماهرانه ای کرده اند که اگر با دید بصیرت به این چینش ها بنگریم بخوبی متوجه می شویم که این بزرگواران برای رسیدن به مقصود، گویی آرایش جنگی گرفته اند چرا که برترین و متعصب ترین رجال خود را به صف نموده اند.

آنها در اولین و واضح ترین قدم خود در این راه برجسته ترین مدیر آبی خود یعنی مهندس زرگر را که سابقه معاونت آب و آبفای وزارت نیرو و رهبری متعصبانه طرحهای انتقال آب را در کارنامه خود دارد (مهمترین طرح های مطالعات انتقال آب در زمان وی کلید خورد) را به عنوان استاندار اصفهان به میدان فرستادند. وی نیز در اولین اقدام معنادار خود بازدید چندین ساعته ای از طرحهای در دست اقدام انتقال آب انجام داد.

سپس در دومین قدم در تعاملی آشکار با دیگر لابی قدرتمند دولت و مجلس (آذری ها) مهندس رحیم میدانی مدیر عامل آب منطقه ای استان آذربایجان شرقی را که ظاهراً مأموریت احیای دریاچه ارومیه را دارد به عنوان معاونت آب و آبفای وزارت نیرو رساندند تا در رودریابستی هزینه نجومی طرح انتقال آب از دریای خزر به دریاچه ارومیه دیگر مخالفتی با هزینه های کلان انتقال آب از سرچشمه های کارون به اصفهان نباشد. لازم به ذکر است از مهمترین عواملی که تاکنون مانع از اجرایی شدن طرحهای انتقال آب گردیده هزینه هنگفت آن بوده است.

در سومین انتصاب در این مسیر در پاسخ به همان همراهی شان در انتصاب رحیم میدانی آذری، موفق شدند دیگر اصفهانی متعصب به این هدف یعنی حاج رسولی ها (از بستگان نزدیک حاج رسولیهای شورای شهر اصفهان) را در ریاست سازمان بسیار کلیدی و استراتژیک مدیریت منابع آب ابقاء نمایند و بدین ترتیب وزارت نیرو برای اولین بار به صورت یکدست در اختیار کسانی قرار گرفته است که همه بدنبال انتقال آب می باشند چه از دریای خزر به دریاچه ارومیه و چه از کارون به زاینده رود و هر کجای دیگر.

بدین شکل دیگر هیچگونه مخالفتی برای هیچگونه هزینه کردی نخواهد بود این موضوع را شخص وزیر نیرو در مصاحبه با خبرنگاری ایسنا در مورخ ۱۶ مهر ۱۳۹۲ اعلام کرد و صراحتاً و بدون رودربایستی گفت برای زاینده رود همچون دریاچه ارومیه عمل می‌کنیم.

اما در تکه نگران کننده ای از این پازل، اخبار موثق حاکی از برگزاری جلسات و انجام هماهنگی‌ها از سوی جریان فوق‌الذکر با تشکل‌های زیست محیطی و صنفی خصوصاً نظام صنفی کشاورزی اصفهان به عنوان تشکل قدرتمند کشاورزان استان اصفهان جهت انجام اقداماتی به منظور فضا سازی اجتماعی و فشار مردمی بر دولت مرکزی جهت ایجاد فضای مناسب برای اقدامات عملی و سریع افراد پیش گفته در عملی نمودن طرحهای انتقال می‌باشد (مشابه اقدامات سال قبل کشاورزان اصفهان در مورد قطع نمودن خط لوله آب شرب یزد که منجر به موافقت تهران با بازکردن سد زاینده رود شد) و تمام کننده و راهبری کننده این پروسه پیچیده و کامل، نمایندگان قدرتمند اصفهان در مجلس هستند.

نمایندگانی توانمند و بشدت متحد و جنگنده بر روی منافع اصفهان که در میان آنها افرادی چون کامران، فولادگر و... حضور دارند که بدون شک چهره‌های ملی و قطب‌های مسلم قدرت و نفوذ در مجلس و در نتیجه مسلط بر دولت اند که متأسفانه استان ما به رغم داشتن ۱۸ نماینده متدین، محترم و مردمی به غیر از سه یا چهار نفرشان مابقی اصولاً فاقد هرگونه جایگاه تصمیم‌سازی و نفوذ کاریزماتیک شخصی، حزبی یا تشکیلاتی در مجلس و دولت می‌باشند و از طرفی مثل اکثر دوره‌های مجلس بشدت غیر متحد و پراکنده می‌باشند به نحوی که به زحمت می‌توان ۵ نفر از این بزرگواران را در موضعی متحد یافت و به هیچ وجه نمی‌توان امیدی به این عزیزان داشت.

از سویی هر چند استان فرزندان صاحب‌مقام در مرکز دارد اما متأسفانه آنها نه از لحاظ عده و نه از لحاظ نفوذ و اثرگذاری به هیچ وجه قابل مقایسه با باند حامیان انتقال آب در مرکز نیستند، هر چند استثنائاتی هم در میان این عزیزان وجود دارد. لذا به خوزستانی‌های مرکز نشین هم در این مسیر امید چندانی نمی‌توان داشت.

**پادماز: حال این سؤال مطرح می‌شود که مسئولان لر و غیربومی استان در برابر سیطره همه جانبه اصفهانی‌ها بردولت مرکزی، چه پیشنهادی بزرگی به دولت مرکزی ارائه کرده اند؟**

بی شک این پیشنهاد باید به اندازه ای مهم باشد که دولت مرکزی را ترغیب کند تا انتقال آب کارون را متوقف سازد.

شاهد این ادعا سخنان مقتدایی استاندار انتصابی احواز است. وی در اولین سخنان خود پس از انتصاب، انتقال آب کارون را تعارض در سرمایه گذاری نامید.

وی از دولت مرکزی خواست تا به جای صرف هزینه‌های زیاد برای انتقال آب کارون به زاینده رود که تهدید کننده امنیت ملی است، از طرح بزرگ کشاورزی ۸۰۰ هزار هکتاری خامنه ای در اقلیم احواز حمایت کند و در عوض امنیت ملی را تامین کند.

**براستی این طرح چیست و چگونه می‌تواند امنیت ملی را تامین کند؟**

جنبش ملی دموکراتیک عرب الاحواز جزئیات بیشتری درباره این طرح را در یادداشتی جداگانه تحت عنوان " پشت پرده حضور غیر بومیان در حلقه انسانی حفاظت از کارون" منتشر کرد.

## پشت پرده حضور غیربومیان در حلقه انسانی حفاظت از کارون

انتشار 24 اکتوبر 2013



Photo : Madyar Shojaeifar

FARS NEWS AGENCY



مردم عرب احواز در طول ۸۸ سال اشغالگری بی رحمانه رژیم ایران هیچ وقت به چشم خود ندیده اند که یک مسئول منتصب غیربومی در احواز به صورت مستقل و بدون تعصب و نژادگرایی عمل کند و یا اندکی با دیدگاه انسانی یا دیدگاه دینی خیرخواه مردم منطقه باشد.

در روزهای اخیر زمانی که گروهی وابسته به مسئولان حکومتی برای ایجاد کمربند سلامتی کارون در کنار جوانان عرب ایستادند، این امر در نظر فعالان آگاه عرب سؤال برانگیز بود.

با گذر چند روز از این هیاهو و ظهور صفحه‌هایی برفیسبوک در دفاع از کارون، برخی از مسئولان منتصب دولت اشغالگر در احواز به سخن آمده و زوایای تاریک طرح جدیدشان را نمایان ساختند.

استاندار جدید احواز در اولین سخنان خود پس از انتصاب به صراحت اعلام کرد؛ "اجرای طرح ۸۰۰ هزار هکتاری مقام معظم رهبری در خ و زس ت ا ن به آب نیاز دارد و در این شرایط آیا برداشت آب از سرچشمه‌های کارون تعارض در سرمایه‌گذاری نیست؟". دیگر مسئولان استان نظیر محمد سادات ابراهیمی نماینده شوشتر در پارلمان نیز نظری مشابه استاندار داشت.

طبق آخرین آمار موجود در اقلیم احواز یک میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار زمین کشاورزی قابل کشت و زراعت وجود دارد که در حال حاضر تنها در ۳۲۰ هزار هکتار از این زمینها، کشاورزی صورت می‌گیرد.

در سفری که رهبر دولت اشغالگر در سال ۱۳۷۵ به اقلیم داشت، دستور احیای ۸۰۰ هزار هکتار از زمینهای کشاورزی و لم یزرع این منطقه را صادر کرد.

قرار است براساس این طرح ملی زمین‌های ناهموار اقلیم احواز مسطح شوند و آبرسانی صورت گیرد و مشابه با طرح‌های ملی دیگر، زمین‌های آماده شده به کشاورزان غیر عرب و از خارج اقلیم واگذار شود.

تاکنون نیز بیش از ۴۰ هزار هکتار از این طرح به بهره‌برداری رسیده است. براساس اظهارات علاقه‌مند قائم مقام مجری طرح احیای دشت‌های خوزستان و ایلام، برای ۳۰۰ هزار نفر اشتغال پایدار فراهم می‌شود.

مؤسسه جهاد نصر وابسته به وزارت جهاد کشاورزی قرارداد توسعه، تجهیز، تسطیح و یکپارچه‌سازی اراضی استان احواز به عنوان بخشی از طرح بزرگ خامنه‌ای در سطح ۲۰۰ هزار هکتار با پیمانکاران را منعقد ساخته که بناست در قالب طرح پنج ساله به بهره‌برداری برسد.

پیش‌بینی می‌شود که با تکمیل این طرح بیش از یک میلیون و پانصد هزار نفر از خانواده‌های روستایی زاگرس نشین طی چند سال آینده وارد اقلیم احواز خواهند شد تا سند مالکیت زمین کشاورزی تحویل گرفته و در آنجا نشین کنند.

بدین ترتیب نمایندگان دولت اشغالگر در اقلیم احواز به منظور متقاعد ساختن دولت خود به متوقف ساختن طرح‌های انتقال آب کارون به فلات مرکزی فارس، طرح ملی واگذاری کل زمین‌های اقلیم عربی احواز به کشاورزان غیربومی را پیشنهاد داده‌اند.

این امر در حالی روی می‌دهد که طی این روزها بدخواهان ملت عرب طرح غیرانسانی خود را در کنار شعار دفاع از کارون سر می‌دهند.

آنها در عین حال که می خواهند خود را مدافع حقوق مردم عرب نشان دهند، به شکل موزیانه ای در حال کسب اعتبار از دولت مرکزی برای به اجرا گذاشتن بزرگترین طرح تاریخ ایران برای پاکسازی نژادی عرب های احواز هستند.

بررسی سخنان مسئولان غیربومی نشان می دهد که آنها انتقال آب را به دلیل نابودی کشاورزی احواز و برانگیختن اعتراضات مردمی برضد امنیت ملی می دانند، حال آنکه آنان توقف انتقال آب کارون و واگذاری صدها هزار هکتار از زمین های احواز به غیربومیان را تامین گر امنیت ملی معرفی می کنند.

به زبانی دیگر؛ مسئولان بلند مرتبه دولت اشغالگر همواره تاکید داشته اند که "احواز مدعی دارد و مدعی خواهد داشت" و هر چه زودتر باید ضمن انتقال ثروت ها به مناطق مرکزی، فرایند آسملاسیون را نیز باید به پیش برد. مسئولان منتصب دولت اشغالگر در احواز ضمن تایید نظر دولتمردان ایرانی در مرکز، در حال چانه زنی با تهران هستند. آنان به مسئولان عالی رتبه دولت اشغالگر می گویند؛ شما بودجه بیشتری در اختیار ما بگذارید تا مابقی زمین های کشاورزان عرب را مصادره، آن زمین ها را تسطیح، کانال کشی و آماده بهره بردای کنیم، و رقمی بیش یک میلیون نفر را از مناطق دیگر در اقلیم احواز نشیمین دهیم، تا به آنها سند مالکیت زمین واگذار کنیم و ساکن همین منطقه شوند.

در این میان مردم عرب در بهترین حالت به عنون کارگران فصلی مشغول به کار می شوند و اندک زمانی می گذرد تا بیشتر آنها نیز از احواز به دیگر مناطق مهاجرت کنند.

ملت مبارز عرب دهه هاست که عزیزترین جوانان خود را نثار دفاع از هویت و آب و خاک احواز کرده است. هرگونه تعدی به آب و خاک احواز گناهی نابخشودنی است و تبعات بسیار بزرگی برای اشغالگران خواهد داشت.

جوانان عرب در داخل و خارج از احواز باید هوشیار باشند و فریب این عوامفریبی را نخورند. ملت عرب آب و خاک خود را باهم می خواهد و حاضر نیست یکی را فدای دیگری سازد. از دست دادن هرکدام از آنها به معنای تن دادن به پاکسازی نژادی دولت اشغالگر و نژادگرای ایران است.

التیاری الوطنی العربی الیمقراتی فی الأحواز

جنبش ملی دموکراتیک عرب الاحواز



## سرسپردگان مرکز به سخن آمده اند

انتشار 12 نوامبر 2013

در دو دهه اخیر ویس از آنکه دولت مرکزی ایران طرح های توسعه نیشکر فاجعه آور ومصیبت زا را در اقلیم احواز تاسیس کرد، به دلیل مصرف بالای آب توسط طرح های ده گانه نیشکر وانتقال آب به فلات مرکز نشینان اقلیم احواز رو به خشکی نهاد. مسئولان غیربومی احواز این سرسپرده های دولت مرکزگرای ایران، درپاسخ به اعتراضات مردمی سخنان عجیب و غریبی به زبان آوردند.

در پاسخ به اعتراضات مردمی نسبت به آلودگی غیرقابل تصور هوای شهر احواز، مسئولان توسعه نیشکر بارها اعلام کردند که توسعه نیشکر نه تنها آلوده کننده هوا نیست بلکه با ایجاد در حدود ۳۹۰ هزار هکتار فضای سبز نقش مهمی در کنترل هوا دارد. این دروغ گوها گویا مردم را کم فهم تصور کرده اند. چرا که طرح های توسعه نیشکر با مصرف کل آب جاری در بستر رودخانه نیمه جان کارون هم از طرفی سبب خشک شدن این اقلیم و کاهش شدید رطوبت هوا و به راه افتادن طوفان های شن شده است و هم باتخلیه پساب های شور خود در رودخانه ها و تالاب ها سبب نابودی هور (تالاب) العظیم و نابودی پوشش سبز دشت ها و سبب نابودی نخلستانها شده و هم باتولید زیاد مواد آلاینده به هنگام سوزاندن مزارع نیشکر جهت آسان کردن برداشت محصول سبب آلودگی شدید هوا می شوند. اخیرا باران اسیدی در احواز ۹ هزار نفر را دچار تنگی نفس ساخته است. اکسیژن تولیدی توسط توسعه نیشکر زمانی ارزش دارد که هوا خالی از گردوغبار باشد. اکسیژن باشد یانباشد ذرات ریز گردوغبار با قطر کمتر از ۱۰ میکرون از مجاری تنفسی انسان عبور کرده و جذب خون می شوند. این امر منجر به بیماری هایی نظیر سرطان و انواع بیماری های قلبی می شود.

درموردی مشابه، حجازی استاندار سابق احواز پس از آنکه از آمار محرمانه مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا که توسط معاونت بهداشت استان تهیه شده، باخبر شده است شوکه شده و اقدام به دروغ پردازی کرد. حجازی گفته است که مردم اقلیم احواز غذاهای سرخ کردنی و فست قود زیاد می خورند به همین خاطر میزان مرگ و میر بیمار های قلبی در این اقلیم به شدت افزایش یافته است. وی از مسئولان استانی خواست تا فاضلاب های روباز استان را اصلاح کنند تا از میزان بیمار های قلبی کاسته شود!

این در حالی است که دکتر محمد الستی متخصص بیماری های قلبی و عروقی در گفت و گو با ایسنا درباره آمار بالای مرگ و میر بر اثر بیماری های قلبی که توسط معاونت بهداشت استان اعلام شد، اظهار کرد: مشکلات قلبی یکی از شایع ترین بیماری های موجود در اقلیم احواز و یکی از اصلی ترین عوامل مرگ و میر استان محسوب می شود و گرمای اهواز تأثیر مستقیمی بر این موضوع ندارد.

محرمانه بودن آمار های مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا و تناقض عیان در سخنان استاندار سابق احواز با گفته متخصصان، همگی حکایت از آن دارد که فاجعه ای در حال وقوع است.

رییس بیمارستان "شفا"ی احواز دکتر محمد پدram اظهار داشته است: تعداد بیماران سرطانی در استان خوزستان رو به افزایش است بطوری که سالانه بیش از یک هزار مورد جدید ابتلا به بیماری سرطان در کودکان و بزرگسالان به ثبت می رسد. از سال ۶۴ شمسی که این مرکز تاسیس شده تاکنون ۲۰ هزار مورد بیمار سرطانی در اطفال و بزرگسالان شناسایی شده است.

وی در مورد دلایل آمار بالای سرطان و تالاسمی در خوزستان گفت: مشکلات ژنتیکی، عوارض ناشی از جنگ تحمیلی، وجود صنایع سنگین، آلودگی آب آشامیدنی به دلیل ورود فاضلاب صنعتی، خانگی و همچنین سموم شیمیایی آلودگی‌های محیطی و گرد و غبار از جمله عوامل گسترش روز افزون این بیماری در استان خوزستان است.

پدرام این سخنان را ۶ سال قبل یعنی مهرماه سال ۱۳۸۷ شمسی بیان کرد.

دکتر شهرام ابراهیمی، کارشناس برنامه سرطان مرکز بهداشت احواز، گفته است: از میان بیش از صد نوع سرطان شناسایی شده، ۵۲ نوع سرطان در خوزستان دیده می‌شود و مرگ و میر ناشی از سرطان به تنهایی بیش از مرگ و میر به علت بیماری‌های آیدز، سل و مالاریا است.

وی افزود: انتظار بود از هر صد هزار نفر، صد نفر مبتلا به سرطان شناسایی شود که اکنون با توجه به افزایش فاکتورهای خطر و عوامل مستعدکننده، این آمار افزایش یافت و به ۱۴۶ مورد از هر صد هزار نفر در سال رسیده است.

سخنان دکتر ابراهیمی نشان می‌دهد که درصد سرطان در اقلیم احواز در حدود ۵۰ درصد نسبت به حالت عادی افزایش یافته است.

مرکزگراها و سرسپرده‌های مرکز سعی در آن دارند تا بلاهایی که به دست دولت مرکزی و به شکل برنامه ریزی شده بر سر مردم عرب احواز آمده است را نتیجه خطا و اشتباه مدیریتی معرفی کنند.

بیش از دو دهه است که انواع سرطان‌ها و بیماری‌های قلبی سالانه هزاران تن از ساکنان احواز را به کام مرگ می‌فرستند اما مسئولان غیربومی استان سخنی نگفته اند و اعتراضی از خود نشان نداده اند. پس چه شده است که اینان یکباره زبان گشودند و شعار دفاع از کارون سرداده اند؟!

سبب هر چه هست سکوت همه جانبه مسئولان غیربومی استان بر تاراج همه جانبه ثروت‌های طبیعی احواز درده‌های گذشته و زبان گشودن اخیر آنان دلالت بر یک امر دارد. هر چه هست اقدامی هماهنگ شده است. این هماهنگی به قصدی خاص صورت می‌گیرد.

آنچه روشن است اظهارات اخیر مسئولان استان به منظور تغییر وضع موجود و بازگشت وضعیت رودخانه‌های اقلیم احواز به حالت گذشته نیست. در بهترین حالت آنها می‌خواهند که وضعیت فعلی کارون تغییر نیابد. وضعیتی که در آن کارون به یک فاضلاب روباز تبدیل شده است.

هر چه هست بر مردم عرب است که هوشیار باشند که توطئه‌ای جدید در راه است. به ویژه که استاندار جدید احواز گوشه‌هایی از توطئه جدید را نمایان ساخت. این سرسپرده گان مرکز که حاضر نیستند آمار مرگ و میر مردم احواز را اعلام کنند و در عوض به عوامفریبی و دروغ پردازی روی می‌آورند به هیچ وجه خیرخواه مردم عرب نخواهند بود.

پادماز

## اعتراضات مردمی علیه تخریب محیط زیست اقلیم احواز



## بررسی بحران محیط زیست احواز در پارلمان بریتانیا

انتشار 15 مه 2013



به ترتیب از سمت چپ: یوسف عزیزی، د. وفیق مصطفی، هیفاء الاسدی، الهام الساعدی و ابراهیم العربی

در نشست شماری از فعالان حقوق بشر احوازی با هیئت حقوق بشر پارلمان بریتانیا، موارد مختلف نقض حقوق بشر ملت عرب احواز بررسی شد. در این نشست خانم هیفا اسدی به نابودی محیط زیست احواز توسط دولت مرکزی ایران پرداخته و نتایج منفی آن بر زندگی ملت عرب احواز را بررسی کرد.

### متن سخنان خانم هیفا اسدی به شرح زیر است:

محیط زیست اقلیم احواز در طول قرن‌ها وابسته به آب رودخانه‌های کارون، کرخه، دز و جراحی است که در این اقلیم جریان دارند. این رودخانه‌ها نقش مهمی در بقای تالاب‌های فلاحیه و العظیم دارند و زندگی کشاورزان عرب وابسته به آب این رودخانه است. همچنین آب شیرین رودخانه مانع از ورود آب شور خلیج عربی به مناطق ساحلی بود. از مهمترین اقدامات جمهوری اسلامی در نابودی محیط زیست احواز، انتقال میزان زیادی از آب رودخانه‌های کارون و کرخه به استان‌های مرکزی ایران بدون رعایت میزان آب مورد نیاز اقلیم احواز است. از جمله این سدها و تونل‌های انحراف و انتقال آب می‌توان به سد انحرافی و تونل چشمه لنگان (اصفهان) سد انحرافی و تونل سبز کوه‌رنگ ۱ و کوه‌رنگ ۲ (چهارمحال و بختیاری)، سد انحرافی و تونل سبز کوه (چهارمحال و بختیاری)، سد و تونل کوه‌رنگ ۳ (اصفهان) اشاره کرد.

همچنین دهها سد بر روی رودخانه های احواز ساخته شد که باعث برهم خوردن جریان طبیعی آب ورودی به اقلیم احواز شده است. به عنوان مثال در اقلیم احواز؛ ۴۰ سد بر روی حوزه آبریز کارون بزرگ، ۱۶ سد بر حوزه آبریز کرخه و ۱۳ سد بر حوزه آبریز جراحی ساخته شده و یا در حال ساخت است. در این میان، ۸ سد روی رودخانه کارون، یک سد و چند تونل انحرافی روی رودخانه دز و ۳ سد روی رودخانه کرخه ساخته شده است.

علاوه بر این طرح های توسعه نیشکر هفت تپه و کارون، میان آب در جنوب شرق سوسه (شوش)، امام خمینی در منطقه شیعیبه تستر (شوشتر) و دهخدا و امیر کبیر و سلمان فارسی و دعیل خزاعی و فارابی در شمال و جنوب احواز تاسیس شدند. به واسطه این طرح ها بیش از ۲۵۰ هزار هکتار از زمینهای کشاورزان عرب مصادره شدند. این طرحها بر روی زمین های مرغوب کشاورزان عرب از شمال شوشتر تا محمره بر زمینی به طول تقریبی ۲۵۰ کیلومتر و عرض متغیر از ۱۵ تا ۵۰ کیلومتر ایجاد شده اند. مهمترین ضرری که این طرحها برای محیط زیست احواز داشته اند پسابهای خیلی شور با شوری بیش از ۴۰۰۰ واحد (میکروموس) است.

همچنین از دیگر اقدامات مخرب جمهوری اسلامی در تخریب محیط زیست احواز رها ساختن پساب شهری و صنعتی و کشاورزی دهها شهر غرب کشور در رودخانه های اقلیم احواز است.

از دیگر اقدامات نظام خشک کردن هور العظیم بواسطه ایجاد خاکریز در مرز ایران و عراق در درون این هور و فعالیت شرکت نفت ایران در این هور است. این شرکت صد فقره چاه نفت در این هور برپاساخت و کیلومترها جاده در درون آن تاسیس کرد. در نتیجه این اقدامات شرکت نفت هور العظیم که نقش مهمی در حفظ تعادل محیط زیست خاورمیانه دارد، به کلی تخریب شده و خشکانده شده است. بنا به اظهارات علی محمد شاعری معاون سازمان محیط زیست کشور "حدود ۵۰۰ هزار هکتار از مساحت تالاب های اقلیم احواز خشک شده و این امر علت اصلی طوفان های شن است."

### نتایج این اقدامات نظام در تخریب محیط زیست به شرح زیر است:

آب ورودی به اقلیم احواز به شدت کاهش یافته است. همزمان میزان فاضلابهای ورودی به بستر رودخانه ها افزایش یافته است. پساب های شور طرحهای عظیم توسعه نیشکر سبب شوری شدید آب رودخانه ها شده است. شوری آب رودخانه به گونه ای است که زمین های کشاورزان عرب که در زیر دست این طرحها قرار دارند به شدت میزان ثمردهی شان کاهش یافته است. همچنین ذخیره کردن پساب های شور در مساحت وسیعی از زمین های اطراف محمره جهت تبخیر آنها سبب شده است تا کوههای نمک در اطراف محمره بوجود بیایند و تهدید بزرگی برای سلامتی مردم عرب احواز شده است.

در پی آلودگی شدید آب رودخانه ها میزان جامدات محلول در آب به شدت افزایش یافته است. به گونه ای که در عبادان و محمره میزان جامدات محلول در آب به ۴۸۰۰ میلی گرم در لیتر رسیده است. این در حالی است که استاندارد جهانی آب با میزان جامدات محلول بالای ۱۲۰۰ میلی گرم در لیتر را غیر قابل شرب معرفی می کنند.

همچنین در پی نابودی شبه کامل هور العظیم میزان رطوبت هوا در تمام اقلیم احواز کاهش یافته و سبب تسهیل ورود طوفانهای شن از صحراهای همجوار احواز به درون اقلیم شده است. در نتیجه شاخص استاندارد هوا در اقلیم احواز به بیش از ۶۰۰ واحد رسید. این در حالی است که در سطح جهانی مقادیر بالای ۳۰۰ واحد از این شاخص به عنوانی بحرانی و خطرناک معرفی می شود. در سال ۲۰۱۲ احواز از سوی سازمان بهداشت جهانی آلوده ترین شهر دنیا شناخته شد. همچنین در نتیجه تخریب هور العظیم در حدود چهل روستای عرب که در اطراف این هور واقع شده اند خالی از سکنه شده اند و ساکنان آنها به حاشیه شهرها مهاجرت کرده اند.

همچنین کاهش زیاد آب شیرین در رودخانه کارون در عبادان و محمره سبب ورود آب شور خلیج به این مناطق شده و مرگ نخلستانهای کشاورزان عرب را به دنبال داشته است.

تخریب شدید محیط زیست در احواز تأثیرات منفی زیر را بر زندگی مردم عرب احواز دارد:

آلودگی شدید هوا در سالهای گذشته سبب افزایش شدید بیمارهای رئوی و تنفسی شده است و دهها نفر در اثر این بیماری ها جان خود را از دست داده اند.

آلودگی شدید آب سبب افزایش شدید بیمارهای گوارشی و کلیوی شده است.

کاهش میزان آب رودخانه ها و شوری شدید آب ها و منع کشاورزان از برداشت آب توسط نظام به بهانه بی آبی اقلیم و همچنین مصادره وسیع زمین های کشاورزان عرب توسط طرح های توسعه نیشکر، سبب شده است تا هزاران کشاورز عرب احوازی مجبور به مهاجرت به حاشیه شهرها شده اند. در نتیجه و بنا به آمارهای رسمی ایران تنها در شهر احواز بیش از ۴۰۰ هزار عرب در حاشیه فقیر در شرایط سخت اقتصادی و بهداشتی و اجتماعی زندگی می کنند. تنها در شهر احواز نوزده منطقه حاشیه نشین وجود دارد که عبارتند از:

صیاحی، شیلنگ آباد، رزمندگان، گلدشت، گل بهار، کریشان، عین الدّوا، ملاشیه، چنیه، جنگیه، کوت عبدالله، کانتکس، قلعه کنعان، کوی طاهر، آل صافی، منبع آب، حصیرآباد، زرگان، زوویه ۱ و زوویه ۲، (۴ و ۵)

### ریشه های بحران:

تبعیض اعمال شده بر مردم عرب در زمینه مدیریت اقلیم و همچنین واگذاری تمامی مناصب به مسئولان غیربومی سبب شده تا حق مردم عرب اقلیم احواز در منابع آبی و طبیعی رعایت نشود و منابع به سود دیگر استانها و به ضرر اقلیم احواز تقسیم شوند. به گونه ای که با وجود بحران شدید زیست محیطی کنونی در احواز، همچنان پروژه های انتقال آب رودخانه های احواز به دیگر استانها نه تنها متوقف نشده است بلکه پروژه های جدیدی به آن نیز اضافه شده است و پروژه های سد سازی با شدت تمام در جریان است.

## بیانیه جنبش ملی دموکراتیک عرب الاحواز درباره انحراف آب کارون

انتشار: 14 اکتوبر 2014

جنبش ملی دموکراتیک عرب الاحواز در بیانیه ای ضمن نکوهش سیاست های آپارتایدی رژیم جمهوری اسلامی که در راستای پاکسازی نژادی ملت عرب الاحواز به پیش می رود، به شرح طرح های انحراف آب کارون، کرخه، جراحی، دز و دیگر حوضه های آب ریز احواز پرداخت. در این بیانیه آمده است:

### جنبش ملی دموکراتیک عرب الاحواز

#### نابودی محیط زیست احواز را متوقف سازید

انحراف آب رودخانه های جاری در اقلیم احواز از گذشته در راس سیاست های دولت مرکزی ایران جهت پاکسازی نژادی مردم عرب بوده است. در سال ۱۳۲۲ شمسی تونل کوه رنگ ۱ توسط دولت مرکزی ایجاد شد، آن تونل سالانه بیش از ۲۵۵ میلیون متر مکعب آب را از سرشاخه های کارون به حوضه زاینده رود منتقل می کند.

پس از بر سرکار آمدن جمهوری اسلامی، سیاست های تاراج سریع و وسیع ثروت های طبیعی ملت عرب احواز شتاب خاصی به خود گرفت. در اوج جنگ ایران با عراق، و در حالی که توجه همه معطوف به جنگ بود، دولت مرکزی ایران دومین تونل موسوم به کوه رنگ ۲ را جهت انتقال سالانه بیش از ۲۵۵ میلیون متر مکعب آب از سرچشمه های رودخانه کارون به زاینده رود راه اندازی کرد!

طبق اظهارات مسئولان نظام، اکنون نیز تونل کوه رنگ ۳ در دست بهره برداری است، تا سالانه ۲۵۵ میلیون متر مکعب آب را به زاینده رود منتقل سازد!

مجموعه تونل های کوه رنگ ۱ و ۲ و ۳ به همراه تونل چشمه لنگان سالانه هزار میلیون متر مکعب آب را از سر شاخه های کارون راهی کویر مرکزی ایران می کنند تا کویری جدید در احواز به وجود آید.

سد سازی یکی دیگر از سیاست های ویرانگر است، که نتایج وخیمی را برای ملت عرب احواز رقم زده است. استان اصفهان در مجموع هفت سد و تونل جهت انتقال آب کارون بر روی سرشاخه های این رودخانه ساخته است که بیش از هزار و صد میلیون متر مکعب آب را به زاینده رود منتقل می کنند.

در حال حاضر ۱۹ سد بر روی حوزه آبریز کارون و ۱۲ سد بر روی حوضه آبریز کرخه و ۵ سد بر روی حوضه آبریز جراحی در دست ساخت است. از این سدها، ۱۲ سد در استان لرستان بر روی حوضه های آبریز کارون و کرخه در دست



ساخت هستند که قادر خواهند بود ۸۰۰ میلیون مترمکعب آب را ذخیره کرده و به مصارف محلی برسانند. چنین نیز دوسد در ایلام با ظرفیت سالانه ۱۰۴۰ میلیون مترمکعب بر روی حوضه آبریز کرخه و سه سد درکهکیلویه و بویراحمد بر روی حوضه آبریز جراحی با ظرفیت سالانه ۱۲۴۰ میلیون متر مکعب آب در دست ساخت هستند.

تاکنون ۲۵ سد با ظرفیت ۱۰۴۴۰ میلیون مترمکعب آب درسال بر روی حوضه آبریز کارون مورد بهره برداری قرار گرفته اند. این سدها در استان های چهارمحال و بختیاری و لرستان و شمال اقلیم احواز هستند.

از سوی دیگر آن دسته از سدهایی که درشمال اقلیم احواز احداث شده اند نیز ثمره ای برای کشاورزان عرب ندارند، چرا که تنها عاید مردم عرب از این سدها فاضلاب استان های دیگر است که به بستر رودخانه هایشان وارد می شود. به گفته دلاور نجفی یکی از مسئولان سابق محیط زیست درحال حاضر میزان آب جاری در رودخانه کارون ۹۰ متر مکعب درثانیه است که بیش از نیمی از آن آب، فاضلاب های دیگر استان ها است.

کارشناسان امور محیط زیست معتقدند که بهره برداری از سدهای در دست ساخت می تواند فاجعه بزرگی برای اقلیم احواز به همراه داشته باشد. پس از آنکه در سال های اخیر رودخانه های کرخه و جراحی تقریباً به شکل کامل خشک شده اند، اکنون نیز خشکی کامل رودخانه کارون را تهدید می کند.

بهره برداری از این سدها سبب خواهد شد تا نسبت فاضلاب جاری دربستر رودخانه کارون به نود درصد نیز برسد و رودخانه کارون را به یکی از بزرگترین فاضلاب های روباز جهان تبدیل خواهد کرد.

دولت مرکزی ایران باسپردن مسئولیت اجرای طرح های انتقال آب به فلات مرکزی فارس به مسئولان اصفهانی، عملاً به مرکز نشینان فلات مرکزی اجازه داده است تا به میل خود از سرچشمه های کارون سرقت های حرفه ای خود را دنبال کنند.

نتیجه عملکرد دولت مرکزی چیزی نیست جز نابودی محیط زیست مناطق عرب نشین و سوق دادن مردم عرب به سوی آوارگی در دیگر شهرها است، امری که تطبیق نقشه های شوم و استعمارگرانه پاکسازی نژادی را سرعت می بخشد.

سیاستمداران دولت نیز به طبیعت حال دربرداشت آب از کارون تنها و تنها مصلحت اصفهانی ها ویزدی ها و رفسنجانی ها و دیگر مرکز نشینان را مد نظر دارند. آنان هیچ گونه توجهی به انتشار انواع بیماری های کلیوی و روده ای درمیان شهروندان اقلیم احواز، خشکی رودخانه ها، نابود شدن تالاب ها، ویرانی نخلستان ها و نابودی محیط زیست ندارند.

مرکز نشینان نیز همراه با سیاست های دولت برای پاکسازی نژادی و به واسطه امتیازی که دربرداشت آب از رودخانه کارون دریافت کرده اند، نه حق دیگرانسانها را رعایت می کنند و نه نابودی محیط زیست برایشان اهمیتی دارد.

جمهوری اسلامی نیز برای ادامه سیاست های غیر انسانی و استعمارگرانه خود، با انتصاب مسئولان غیرعرب در سطح مدیریت های استانی و شهرستانی اقلیم احواز سعی دارد هر چه سریعتر به اهداف خود برسد.

در همین راستا یک نماینده مجلس، برای التیام بخشیدن به زخم های کهنه شهروندان عرب با کسب اجازه از نهادهای امنیتی بار دیگر به موعظه گری پرداخت. شریف حسینی با اسفناک خواندن وضعیت رودخانه کارون درباره احتمال بروز "بحرانی شدید" در ارتباط با این رودخانه هشدار داد!



او در گفت‌وگو با خبرگزاری کار ایران، ایلنا، با بیان این که در برخی از قسمت‌های این رودخانه "آب از قوزک پا بالاتر نمی‌آید" از ناتوانی برای تامین آب مورد درخواست کشاورزان برای آبیاری ۷۰ هزار هکتار زمین خبر داد.

حسینی، لایروبی رود کارون را از وظایف دولت خواند که "اجرا نشدن آن طی چند سال گذشته به یکی از مشکلات بزرگ این رود بدل شده است."

این نماینده، آلوده شدن آب کارون را نیز از جمله مشکلات کنونی آن اعلام کرد. شریف حسینی از دلیل اصلی همه این مشکلات که همانا انحراف آب حوضه آبریز کارون به مناطق کویری ایران است، جرات نداشت که سخنی به میان آورد!

جنبش ملی دموکراتیک عرب الاحواز با رصد تحرکات و برنامه ریزی های استعمارگرانه سایر مسئولان رژیم بر ضد مردم عرب، به آنان هشدار می دهد؛ که هر چه زودتر از ادامه پاکسازی نژادی بر علیه مردم عرب دست برداشته و سایر برنامه های انحراف آب را متوقف سازند.

ما از مردم عرب دعوت می کنیم برای تامین سلامتی جامعه خود، تامین آینده اقتصادی، آینده سیاسی و زیست محیطی سرزمین خود و حفظ هویت ملی به اعتراض علیه انحراف آب رودخانه های احواز توسط دولت مرکزی و کویر نشینان ادامه دهند.

بی تردید مسئولیت تبعات این طرح های استعمارگرانه بر عهده دولت مرکزی ایران است. مسئولان نهادهای تصمیم گیرنده برای چنین طرح های پاکسازی نژادی نیز بر حسب قوانین بین المللی مجرم هستند و دیر یا زود محاکمه خواهند شد.

**جنبش ملی دموکراتیک عرب الاحواز**

۱۴ اکتبر ۲۰۱۳

## تجمع وسیع احوازیها برای نجات کارون

انتشار 24 اکتوبر 2013



جمع وسیعی از شهروندان احوازی و دوستاناران محیط زیست روز پنج شنبه ۲۴ اکتبر ۲۰۱۳ در اعتراض به طرح های انحراف آب از حوضه های آبریز کارون به سوی شهرهای اصفهان، رفسنجان، قم و دیگر شهرهای مرکزی ایران، در مرکز اقلیم گرد هم آمدند. آنان در یک حرکت خودجوش و نمادین حلقه ای انسانی در ساحل غربی کارون در مرکز اقلیم تشکیل دادند.

در این تجمع پلاکارهایی حامل شعارهایی به زبان عربی در دفاع از رودخانه کارون برافراشته شد. شریف حسینی نماینده شهر احواز در پارلمان مرکزی ایران نیز در این تجمع حاضر شد. وی بیشتر در سخنان شدید اللحنی سیاست های نادرست مسئولان غیربومی اقلیم احواز را به باد انتقاد گرفته بود.

هدف از این تجمع رساندن پیام شهروندان احوازی به سایر مردم، مسئولان مربوطه و فعالان محیط زیست است. شهروندان احوازی می گویند که طرح های مختلف انحراف آب کارون از سرشاخه های آن به سوی شهرهای مرکزی باعث ایجاد یک کویر بزرگ در تمام جلگه احواز خواهد شد.

کم آبی ناشی از انحراف آب رودخانه های کارون، جراحی، کرخه و دز باعث انتشار بسیاری از بیماریها و دیگر مشکلات شده است.

این دومین تجمع مردم احواز که در اعتراض علیه سوء استفاده مرکز نشینان از نفوذشان در دولت مرکزی و مصادره آب اقلیم احواز صورت می گیرد.

فعالان احوازی در امور محیط زیست و حقوق بشر معتقدند که طرح های انحراف آب و... که بر بالادست روخانه های احواز در جریان است، طبق قوانین بین المللی در زمره طرح های پاکسازی نژادی شمرده می شوند و در سازمان های بین المللی موضوع را پیگیری خواهند کرد.

شایان ذکر است که دسته ای از مسئولان غیربومی اقلیم احواز به منظور متقاعد ساختن دولت مرکزی به متوقف ساختن انتقال آب کارون، پیشنهاد واگذاری تمامی زمین های کشاورزی این اقلیم به کشاورزان غیربومی داده اند. امری که به شدت از سوی فعالان عرب احوازی رد شده است.



shahab.sawary

## سومین طوفان انسانی برای دفاع از کارون در احواز

انتشار 01 نوامبر 2013



امروز جمعه دهم آبان مصادف با یکم نوامبر ۲۰۱۳ هزاران تن از مردم احواز در ساحل غربی کارون گرد هم آمده و با تشکیل سومین زنجیره عظیم انسانی، مخالفت خویش با انحراف آب کارون به سوی اصفهان، رفسنجان و دیگر مناطق مرکزی ایران را اعلام کردند.

معارضان کارون را نماد حیات خود دانسته که در نبود آن طوفان های شن تمام وجود آنها را با تهدید مواجه خواهد کرد.

سومین طوفان بشری برای دفاع از کارون که زنجیره سکوت نامیده شده است، در پی ناخرسندی مردم احواز از اظهارات مسئولان رد بالای دولت اشغالگر جمهوری اسلامی و اصرار مسئولان ذینفوذ اصفهانی بر انتقال آب از سرشاخه های کارون صورت می گیرد.



در اظهارات غیر مسئولانه مقامات ایرانی، معصومه ابتکار رئیس سازمان محیط زیست در سفری که هفته گذشته به احواز داشت اظهار کرد؛ انتقال آب کارون باید به گونه ای صورت بگیرد که به این رودخانه ضرر نزنند!

این سخنان ابتکار و سخنان قبلی وی به هنگام دیدار از اصفهان که در آنجا قول احیای زاینده رود را داده بود، سبب نارضایتی بیشتر مردم سراسر اقلیم احواز شده است.

معترضان در تجمع امروز پلاکاردها و دست نوشته های حامل شعارهایی در دفاع از رودخانه کارون در دست داشته اند.

مردم اقلیم احواز ضمن اعلام انزجار خود از عملکرد استعمارگرانه دولت ایران خواهان توقف تمام پروژه های انحراف آب کارون و پایان دادن به غارت ثروت های طبیعی اقلیم احواز نظیر نفت، زمین کشاورزی و توقف تصمیم گیری مسئولان مناطق فارس نشین برای سرنوشت مردم احواز هستند.

شهروندان احوازی معتقدند که برداشت آب از سرشاخه های کارون زندگی تمام مردم استان های پایین دست را تهدید می کند و مسئولان این استان ها باید تصمیم گیر نهایی برای هرگونه طرح انتقال آب از سرشاخه های کارون باشند.

در این راستا پیشتر مسئولان شرکت آب منطقه ای چهارمحال و بختیاری اعلام کرده بودند که آنها هیچ گونه نظارتی بر سایر منابع آب در جغرافیای استان خود ندارند و مدیریت امور منابع آب چهارمحال و بختیاری در اختیار استان اصفهان است!

کارشناسان امور آب و محیط زیست می گویند؛ طرح های انحراف آب از حوضه های آبریز کارون به شهرهای اصفهان، رفسنجان، قم و دیگر شهرهای مرکزی ایران، انتقال آب بین دو حوضه آبریز از هم مجزا است و دستکاری خطرناکی در اقلیم آب و هوای این مناطق محسوب می شود.

کم آبی ناشی از انحراف آب رودخانه های کارون، جراحی، کرخه و دز سبب خشک شدن تالاب های اقلیم احواز شده و طوفان های شن احواز را به آلوده ترین شهر جهان مبدل کردند.

آلودگی هوا در دیگر شهرهای غرب کشور نظیر کرمانشاه، عیلام و بوشهر چند برار آلودگی در تهران است.

شایان ذکر است بنا به نتایج تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی احواز در سال ۸۹ شمسی، حداقل ۲۰ درصد متوفیان احوازی در اثر مسمومیت به ذرات ریز آلاینده (PM10) جان خود را از دست می دهند.

تاکنون ۵۲ نوع سرطان در احواز تشخیص داده شده است و بنا به اظهارات مسئولان بیمارستان شفا ای احواز، در سال های اخیر بیماری سرطان در اقلیم احواز رشد چشمگیری داشته است.

امتناع مسئولان استانی از اعلام آمارهای مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا و آب شرب سبب شده است تا برخی از فعالان محیط زیست احوازی علت موافقت مسئولان امنیتی با این تجمعات را وجود آمارهای بسیار خطرناک در زمینه مرگ و میر ناشی از شدت آلودگی هوا می دانند.

## پنجمین حلقه انسانی دفاع از کارون با دخالت نیروهای امنیتی متفرق شد

انتشار 08 نوامبر 2013



ساعت ۵ بعد از ظهر امروز جمعه ۸ نوامبر ۲۰۱۳ در حالی که حلقه انسانی دفاع از کارون در حال شکل گیری بود، با مداخله نیروهای امنیتی متفرق و از ادامه تجمع ممانعت به عمل آمد.

دوستاناران محیط زیست از احواز گزارش دادند که همانند هفته های گذشته قرار بر این بوده که بعد از ظهر امروز نیز تجمع یاد شده موسوم به حلقه انسانی دفاع از رودخانه کارون برگزار شود، اما در همان زمان شاهد حضور گسترده نیروهای لباس شخصی و نیروهای انتظامی در محل تجمع بوده اند.

نیروهای انتظامی و امنیتی حاضر در محل تجمع در گفتگو و فیلمبرداری همزمان با حاضران به آنان گفته اند که آب رودخانه کارون به اصفهان منتقل نخواهد شد!

گزارشگران حقوق بشر و فعالان محیط زیست معتقدند که گفته های نیروهای امنیتی در مورد عدم انتقال آب کارون را به هیچ وجه قبول نداشته و چنین گفته هایی را نوعی ترفندهای عوامفریبانه تلقی می کنند.

حلقه های دفاع از رودخانه کارون زمانی شکل گرفت که دوستاناران محیط زیست و فعالان حقوق بشر با دعوت از مردم احواز و دیگر شهرهای اقلیم خواستار برگزاری تجمع های اعتراضی، مدنی و مسالمت جو شده بودند.

آنان هدف از اعتراض های مدنی و مسالمت جویانه خود را توقف تمامی پروژه های انتقال آب کارون به دیگر مناطق مرکزی ایران اعلام کرده بودند.

در چند روز گذشته نیز به دلیل بارش باران های اسیدی ناشی از آلودگی هوای احواز حدود شش هزار نفر از شهروندان این شهر دچار تنگی نفس شده و در بیمارستان ها بستری شدند.

سازمان بهداشت جهانی تا به حال در دو سال متوالی شهر احواز را به عنوان آلوده ترین شهر جهان معرفی کرده است. شاخص های آلودگی در احواز غیر قابل شمارش هستند و متخصصان امور بهداشت و درمان تا به حال بیش از ۵۰ نوع بیماری سرطان افزون بر انواع بیماری های دیگر را در این شهر و دیگر شهرهای اقلیم احواز تشخیص داده اند.

## تجمع حمایت از کارون برگزار شد

انتشار 28 نوامبر 2013



در ادامه سلسله تجمع های حمایت از کارون و برای ممانعت از انحراف آب این رودخانه به سوی کویرهای مرکزی ایران، پنجمین تجمع موسوم به حلقه انسانی کارون بعد از ظهر امروز پنج شنبه ۲۸ نوامبر ۲۰۱۳ مصادف با ۷ آذر ۱۳۹۲ در احواز برگزار شد.

تجمع کنندگان در ساحل غربی این رودخانه با حمل پلاکاردها و دست نوشته های به زبان های عربی و فارسی مخالفت خود را با طرح انحراف آب کارون اعلام کردند. مردم در این تجمع ضمن اعلام مخالفت خود با سایر طرح های انتقال آب خواستار توجه فوری دولت به وضعیت نابسامان و بسیار خطرناک آب و هوای اقلیم احواز شدند.

همچنین حاضران در این تجمع خواستار شفاف سازی عملکرد وزارت خانه های نفت، نیرو و کشاورزی در اقلیم شده اند. آنها از تخریب محیط زیست احواز توسط شرکت های تابعه وزارتخانه های یاد شده به خشم آمده اند. تجمع کنندگان معتقدند که مهمترین دلایل آلودگی آب و هوا را باید در عملکرد غیر مسولانه این وزارتخانه های جستجو کرد.

فعالان محیط زیست از احواز گزارش دادند که بیش از سی هزار نفر در تجمع امروز شرکت کردند. در این میان نیروهای امنیتی لباس شخصی و نیروی انتظامی در ابتدای شکل گیری این تجمع ممانعت هایی به عمل آورده و مردم را تهدید کرده اند.

نیروهای انتظامی در این تجمع با چند خبرنگار محلی درگیر شده و به آنها گفته اند که حق ندارند که این موضوع را پوشش خبری دهند.

با گذر وقت و زیاد شدن تعداد مردم در محل تجمع نیروهای امنیتی نیز عقب نشینی کرده و از درگیری با مردم منصرف شده اند. پس از این حادثه خبرنگاران صدا و سیمای استان برای اولین بار در محل تجمع حاضر شده و از این مراسم نمادین فیبرداری کردند. خبرنگاران صدا و سیمای استان در تجمع های قبلی مردم حضور نداشته و این نهاد حکومتی به این موضوع بی اعتنا بوده است.

معترضان در این تجمع گفته اند تا عقب نشینی دولت از طرح های انتقال آب کارون و سامان بخشیدن به وضعیت هوای منطقه به تجمع های خود ادامه خواهند داد.

چندی پیش در اثر بارش باران اسیدی و گرفتگی هوا ناشی از پراکندگی ذرات معلق اورانیوم خفیف بیش از ۲۰ هزار شهروند احوازی راهی بیمارستانها شدند.

پزشکان محلی در احواز میگویند که شاهد تولد نوزادان ناقص الخلقه در این شهر و دیگر شهرهای اقلیم احواز هستند.

کارشناسان مسائل زیست محیطی و امور بهداشتی معتقدند که آلودگی هوای اقلیم به انواع آلاینده ها دلیل اصلی مرگ و میر و تولد نوزادان ناقص الخلقه است.

شهر احواز برای دومین سال پیاپی از سوی سازمان بهداشت جهانی به عنوان آلوده ترین شهر جهان اعلام شده است.



## مردم احواز در گفتگو با صداوسیما دولت مرکزی، از نسل کشی سخن می گویند

انتشار 01 دسامبر 2013

صدا و سیما دولت مرکزی ایران در احواز، با مردمی که روز پنجشنبه ۲۸-۱۱-۲۰۱۳ در حمایت از کارون و در اعتراض به آلودگی هوای شهر احواز تجمع کرده بودند، مصاحبه انجام داد اما به جای پخش مصاحبه و رساندن صدای مردم به مسئولین، روز شنبه نیروهای امنیتی به منازل مصاحبه کنندگان در کوی بهارستان و مناطق دیگر احواز یورش برده و آنها را بازداشت کردند.

در این تجمع که بیش از ۲۰ هزار نفر شرکت کرده بودند، مردم خواستار توقف پروژه انتقال آب کارون و پایان دادن به کشتار مردم احواز به واسطه آلودگی ها شده اند. در این زمینه اعتراضاتی از زبان بعضی مسئولین بومی در مورد این فاجعه انسانی صورت گرفته اما هیچگونه عکس العمل مثبتی از سوی دولت مرکزی مشاهده نشده است.

سیاستهای ویرانگر نظام حاکم نظیر ده طرح نیشکر که ۴۱ در صد زمین های کشت شده استان را شامل می شود و مصرف ۶۱ درصد آب کارون برای این طرح امنیتی و غیر اقتصادی، خشکاندن هورها (تالاب ها) از جمله هور العظیم بوسیله سد سازی های سپاه، و انتقال آب کارون به درون فلات مرکزی روز به روز بر عمق این فاجعه می افزاید.

علاوه بر حفاری چاه های نفت، وجود ۳۸ شرکت پتروشیمی و ۱۱۳ واحد صنعتی آلاینده، وجود بزرگترین شرکت مواد شیمیایی در داخل شهر احواز و مهمتر از همه دفن زباله های هسته ای در کوه های الله و اکبر و مناطق حافظت شده در نزدیک شهرستان سوس از مهم ترین عوامل آلودگی هوا می باشد که مسئولین استانی را به سکوت واداشته است.

پزشکان محلی در احواز می گویند که شاهد تولد نوزادان ناقص الخلقه در این شهر و دیگر شهرها این اقلیم هستند. کارشناسان مسائل زیست محیطی و امور بهداشتی معتقدند که آلودگی هوای احواز به انواع آلاینده ها دلیل اصلی مرگ و میر و تولد نوزادان ناقص الخلقه است. شهر احواز برای دومین سال پیاپی از سوی سازمان بهداشت جهانی به عنوان آلوده ترین شهر جهان اعلام شده است.

## در دفاع از کارون و هور العظیم، احوازیها خواستار توقف انتقال آب و برچیدن سدها شدند

انتشار 19 دسامبر 2013



امروز پنج شنبه نوزدهم دسامبر ۲۰۱۳ هزاران احوازی در ساحل کارون گردهم آمده و با تشکیل زنجیره انسانی، مخالفت خویش با انحراف آب کارون به سوی فلات مرکزی ایران و خشک کردن تالابها و رودخانه های این اقلیم بواسطه سدسازی بی رویه را اعلام کردند. تجمع کنندگان احوازی سخنان اخیر مسئولان اصفهانی و توهین آنها به مردم احواز را محکوم کرده، و اعلام کردند که دفاع از کارون، نماد حیات اقلیم احواز، نشانه شعور بالای اجتماعی و سیاسی مردم این اقلیم است.

این زنجیره انسانی در پی ناخرسندی مردم احواز از اظهارات مسئولان اصفهانی و توهین های آنها به مردم اقلیم احواز، حمایت دولت مرکزی از طرح های انتقال آب کارون و تخصیص بودجه به این طرحها، بی توجهی دولت مرکزی به وسعت فاجعه انسانی ناشی از آلودگی شدید هوای احواز و پاسخگو نبودن مسئولان استانی و مرکزی در برابر تلافات انسانی ناشی از این بحران، صورت گرفته است.

در زمینه انتقال آب کارون، پیشتر معصومه ابتکار رئیس سازمان محیط زیست در گزارش زیست محیطی خود اظهار کرد؛ انتقال آب کارون تنها در صورتی انجام می شود که به این رودخانه ضرر وارد نشود.

این سخنان ابتکار با عملکرد متناقض دولت روحانی در تخصیص بودجه به طرح بهشت آباد برای انتقال آب کارون و حذف بودجه مقابله باریزگرده های اقلیم احواز همراه بوده و علاوه بر نارضایتی مردم احواز یکی از علل اصلی استعفای دستجمعی نمایندگان این اقلیم محسوب می شود.

معارضان در تجمع امروز پلاکاردها و دست نوشته های حامل شعارهایی در دفاع از رودخانه کارون و هور (تالاب) العظیم در دست داشته اند. هور العظیم یکی از مهمترین تالاب های خاورمیانه است که به واسطه سدسازی بر روی رودخانه های کرخه و دویریج و میمه و همچنین طرح امنیتی سپاه پاسداران موسوم به طرح دایک و حفر بیش از ۱۰۰ چاه نفت و تاسیس دکل های نفتی و ساخت کیلومترها جادها توسط شرکت نفت، خشکانده شده است. خشک شدن این تالاب یکی از علل اصلی طوفان های شن احواز است.

مردم اقلیم احواز ضمن اعلام انزجار خود از عملکرد غیرمسئولانه دولت مرکزی خواهان توقف تمام پروژه های انحراف آب کارون و پایان دادن به طرح های ساخت سدها بر روی رودخانه های اقلیم احواز شده اند.

درتجمع مشابهی که ۲۸ نوامبر گذشته برگزار شده بود، شماری ازتجمع کنندگان عرب که باصداوسیمای استان مصاحبه انجام داده واعتراضات خود رابه زبان آورده بودند، روز پس از تجمع با حمله نیروهای اطلاعات به منازلشان بازداشت شدند.

کم آبی ناشی از انحراف آب رودخانه های کارون، جراحی، کرخه و دز سبب خشک شدن تالاب های اقلیم احواز شده و طوفان های شن احواز را به آلوده ترین شهر جهان مبدل کردند.

شایان ذکر است که نتایج پژوهشی وسیع که اخیرا در ۱۳ کشور اروپایی صورت گرفته است نشان می دهند که ذرات ریزآلاینده هوا حتی در غلظت های ۲۵ میکروگرم درمترمکعب نیز کشنده هستند و به ازای هر پنج میکروگرم افزایش در غلظت این ذرات، خطر مرگ هفت درصد افزایش می یابد. این درحالی است که براساس آمارهای رسمی هواشناسی احواز، غلظت ذرات ریز در هوای اقلیم احواز در بیشتر روزهای سال از ۴۰۰۰ میکروگرم درمترمکعب بیشتر بوده و در مواقعی نیز به ۹۴۰۰ میکروگرم درمترمکعب نیز رسیده است.

## اعتراض مردم عرب علیه تخریب هور فلاحیه

انتشار 06 فوریه 2014



در اعتراض به نابودی محیط زیست، مردم شهر فلاحیه در جنوب شرق احواز مرکز اقلیم روز چهارشنبه ۵ فوریه ۲۰۱۴ در این شهر راهپیمایی کردند. معترضان با بلند کردن پارچه نوشته هایی اقدامات سازمان ها و شرکت های نابود کننده محیط زیست و بی توجهی مسئولان مربوطه درباره هور فلاحیه که زیستگاه بسیاری از مردم بوده را محکوم ساختند.

پیش از این نیز مردم شهرهای اقلیم نسبت به اقدام دولت در انتقال آب کارون به سوی اصفهان اقدامات مستمر و مابهی انجام داده بودند. در طی هفته های گذشته مردم شهر حمیدیه در غرب احواز نیز در اعتراض به تخریب کاخ شیخ عبدالحمید بن خزعل در این شهر تجمع های اعتراضی برگزار کرده بود.

## طغیان خود محوری نزد مرکزگراها

نویسنده: مهدی هاشمی

انتشار 12 ژانویه 2014

حداقل چهارسال قبل ازآنکه زنجیره انسانی ساکنان شهر احواز در دفاع از کارون شکل بگیرد فعالان عرب احوازی در خارج از کشور بارویکرودهای متفاوت سیاسی، با انتشار عکس و فیلم از تخریب محیط زیست اقلیم احواز و نوشتن مقاله و گزارش گوشه های مختلف نابودی محیط زیست این اقلیم به دست دولت مرکزی ایران را شرح داده بودند. از همان زمان این فعالان احوازی نسبت به فاجعه زیست محیطی ناشی از سیاست های غیرانسانی دولت مرکزی ایران هشدار داده بودند.

در سه دهه سپری شده از عمر جمهوری اسلامی، حاکمان محلی دولت مرکزی ایران در اقلیم احواز در برابر مطرح شدن خواسته های مردمی همواره ایستاده اند و به جای تن دادن به خواسته های مردم عرب اقدام به فرافکنی کرده و روشنفکران عرب را به تحریک مردم و مطرح کردن خواسته های خود از زبان مردم متهم کرده اند. این مرکزگراها همواره مردم عرب را در حد و اندازه مطرح کردن خواسته های حق طلبانه و هویت طلبانه ندانسته و "تجزیه طلبان" را مسئولان گمراه کردن مردم می دانند.

انتفاضه آوریل ۲۰۰۵ اعتراض بزرگ ملت عرب الاحواز علیه سیاستهای نژادپرستانه تغییر بافت جمعیتی و طرح های غارت زمینهای مردم عرب و مخرب محیط زیست مانند طرح های ویرانگر نیشکر بود که امروزه خود یکی از اساسی ترین علل شوری آب رودخانه ها و شور شدن مساحت های وسیعی از خاک اقلیم احواز، نابودی تالاب ها و آلودگی هوا به دلیل سوزندان آن به هنگام برداشت، تزریق پسابهای شور این طرحها به سفره های زیر زمینی آب اقلیم احواز است. علاوه بر این طرح های مذکور از لحاظ اجتماعی و اقتصادی بزرگترین ضرر تاریخی در تمام دوران حاکمیت دولت مرکزی ایران را به ملت عرب احواز وارد ساخته است؛ جهش شدید حاشیه نشینی در شهر احواز و دیگر شهرها به حدی بوده است که رقم فعلی عربهای حاشیه نشین این شهر را به بیش از ۴۵۰ هزار نفر رسانده است.

بحران محیط زیست احواز و فجایع انسانی ناشی از این بحران رسواکننده ادعاهای دولت مرکزی است. دیگر نمی توان تنگی نفس بیش از ۵۰ هزار احوازی را انکار کرد. مسئولان محلی اقلیم احواز به منظور ممانعت از رسوایی های بیشتر به ممنوعیت انتشار آمارهای مرگ و میر و میزان سرطان و بیماری های قلبی و عروقی روی آورده اند.

در اقدامی مشابه در حوزه حقوق بشر نیز این روزها دولت مرکزی ایران با همکاری مرکزگراهای عرب ستیز در خارج از کشور، متد جدیدی را برای اعدام تدریجی و بدون هزینه فعالان سیاسی احوازی به کار گرفته است. به این ترتیب که زندانیان سیاسی عرب در طول یک الی دوماه ناپدید شده و سپس خانواده آنها از اعدام آنها مطلع می شوند. تمامی مراحل این

متد جدید به شکلی انجام می شود که ابهام و تردید حتی پس از اطلاع خانواده از اعدام فرزندانشان همواره باقی بماند تا با همکاری اپوزیسیون مرکزگرای ایرانی، اخبار مبهم ناپدید شدگان عرب در طول مدت سه الی چهار ماه هضم شود و ضرری متوجه دولت مرکزی ایران نشود. این متد جدید را می توان ماشین مرکزی برای اعدام تدریجی فعالان عرب نامید. به این ترتیب واقعه اعدام فعالان عرب به عنوان حادثه ای فعلی و کنونی مورد بررسی قرار نمی گیرد بلکه به عنوان حادثه که در گذشته رخ داده است بررسی می شود.

از طرف دیگر حتی در همین کشور ستم و تبعیض و نژادپرستی ایران، رسانه های فارسی زبان مخالف نظام در داخل و خارج از کشور به هنگام بازداشت شدن یک فعال زن و یا یک فعال سیاسی مرکزگرا به مناقشه علل زندانی شدن وی و خواسته ها و خاستگاه سیاسی وی می پردازند. به این ترتیب مسائلی نظیر مشکلات زنان، دگرباشان و غیره در سطح رسانه ها مطرح می شوند. سکوت عمدی رسانه های فارسی زبان در قبال اعدام و مرگ انسان عرب در اقلیم احواز حکایت از آن دارد که مرکزگراها می خواهند در را بر روی مطرح شدن خواسته های غیر مرکزی در ایران ببندند. برای این کار آنها نشان داده اند که حاضرند برای مطرح نشدن خواسته های ملل غیر فارس، برکشتار این مردم به دست دولت مرکزی نه تنها سکوت کنند بلکه در آن دخیل باشند.

بی شک رویکرد سیاسی و خواسته های فعالان احوازی در خارج از کشور جدای از خواسته ملت عرب احواز نبوده و نیست؛ اعدام فعالان سیاسی عرب در داخل به دست دولت مرکزی و به زندان افتادن صدها فعال عرب دیگر دلیلی عیان بر چالش های وسیع ملت عرب در رویارویی با دولت مرکزی است. نیز آنچه روشن است؛ در رویکرد مخفی نگه داشتن حقیقت خواسته های ملل غیر فارس فرقی میان مصباح یزدی و یا سعید حجاریان یا محمد خاتمی و یا علی نوری زاده و یا شاهزاده پهلوی! وجود ندارد. مرکزگراها در هر جا که باشند به استناد او هام غیر انسانی خود بر قتل مردمان بی گناه عرب صحنه می گذارند و تلاش بر مخفی نگه داشتن آن دارند.

مرکزگراها طی نه دهه گذشته آنقدر سیاست انکار را علیه ملت عرب به کار برده اند که اکنون طبیعت در برابر آنها قد علم کرده است. این امر سبب شده است که مرکزگراها آنقدر خودمحرانه بنگرند و بیندیشند که حاضر نیستند بپذیرند فجایع زیست محیطی فعلی، ناشی از چپاول و غارت بی حساب و کتاب ثروت های سرزمینی است که صاحبان اصلی آن به اسارت مرکزگراها درآمده اند.

انتفاضه ۲۰۰۵ اعتراض مردمی عظیمی بود که مرکزگراها تا به امروز حاضر نیستند پیام آنرا بشنوند. درد ورنج های صدها زندانی سیاسی عرب و فاجعه از دست رفتن جان دهها فعال سیاسی که جان خود را بر سرچوبه های دار و سیاه چالهای دولت مرکزگرا از دست داده اند، همگی اعتراضاتی هستند حامل پیامی خاص. مرکزگراها با انکار این اعتراض ها همچنان نشان داده اند که به هیچ وجه حاضر نیستند اجازه مطرح شدن خواسته های ملت عرب و دیگر ملل تحت ستم را بدهند.

## رویکرد بومی مخالف با تغییر ترکیب جمعیتی در احواز

انتشار 02 مارس 2014

بقلم: نوری حمزة

مردم عرب اقلیم احواز از بدو لشکرکشی رضاخان و اشغال سرزمین آنان تا به امروز همواره در برابر سیاست های دولت مرکزی ایستادگی کرده اند. تغییر بافت جمعیتی اقلیم احواز یکی از خطرناکترین سیاست هایی بود که بلافاصله پس از برچیده شدن حاکمیت عربی از سوی رژیم حاکم آن زمان به کار گرفته شد و تا به امروز ادامه دارد.

طی مقاومت شهروندان عرب در برابر سیاست های غیر انسانی دولت ایران در اقلیم احواز هزاران شهروند احوازی جان خود را از دست دادند، بسیاری نیز از سرزمین آباء و اجدادی خود تبعید شدند و...

مهمترین دلیل مقاومت ملی، جمعی، گروهی و فردی در برابر سیاست های ایران در احواز را نشأت گرفته از روح آزادی خواه و استعمار ستیز انسان عرب می دانیم.

دولت ایران در نتیجه سیاست های جهانی و اقلیمی توانست سرزمین ما را اشغال، ثروت های مردم ما را غارت و آحاد ملت ما را به انقیاد و بردگی بکشد. بنا براین مقاومت ملت ما مقاومت برای رهایی از بردگی است. در مقاومت ملی برای رهایی از بردگی که توسط دولت فارس سالار ایران بر مردم ما تحمیل شده، موارد دیگری نیز نهفته است که در ادامه این نوشته به آنها اشاره می کنیم.

### اقتصادی - اجتماعی:

از جمله دلایل ایستادگی احوازی ها در برابر مهاجرت غیر عرب ها به اقلیم احواز، سلب زمین های مردم عرب از سوی اشغالگران بود. نظام ایران جهت ایجاد هزاران فرصت شغلی در زمینه کشاورزی چند صد هزار هکتار زمین کشاورزی را طی دوره های مختلف از کشاورزان عرب مصادره کرد.

طرح های توسعه نیشکر و کشت و صنعت های بزرگ را راه اندازی نمود و اقوام و ملیت های دیگر را به اقلیم احواز گسیل داد. بنابراین در مقابل هجرت غیرعرب ها به احواز، مردم عرب با از دست دادن زمین های کشاورزی خویش منبع درآمد و راهکار امرار معاش خود را از دست می دادند.

مهاجرت کارمندان ادارات و سازمان های دولتی و نظامی جهت اشتغال در مناطق عرب نشین، سبب شده است که شهروند عرب در سایه تبعیض سیستماتیک اعمال شده، هیچ امیدی به اشتغال در وطن نیاکان خود نداشته باشد. مهاجرت کارمندان و کارگران غیر عرب جهت اشتغال در شرکت ها، کارخانه های صنعتی، صنعت نفت، پتروشیمی و مراکز تجاری نظیر بندر و حتی بازار شهرهای عرب نشین، راه را بر اشتغال جوانان عرب در اقلیم احواز کاملاً بسته است.

در این زمینه، بررسی ها نشان می دهد که مثلاً در اصفهان اکثریت مطلق شاغلان اهل استان اصفهان هستند. در شهرهای سمنان، یزد، شیراز، مشهد، قزوین و... نیز وضع به همین منوال است. در اقلیم احواز اما بیش از ۷۰ درصد مشاغل موجود در بخش های اداری، نظامی، صنعتی و کشاورزی وابسته به دولت و حتی شاغلان در بخش خصوصی را مهاجرانی اشغال کرده اند که در دوره های مختلف به اقلیم احواز گسیل داده شده اند.



این امر سبب شده است تا ترکیب قومی حاشیه نشینان شهر احواز مرکز اقلیم احواز و چند شهر دیگر، در سطح جهان بی نظیر باشد. بی نظیر به این معنا که، ساکنان اصلی اقلیم احواز، تقریباً صد درصد حاشیه نشینان این اقلیم را تشکیل می دهند.

در شهر مشهد که به لحاظ حاشیه نشینی در سطح ایران دارای رتبه اول است، اکثریت مطلق حاشیه نشینان را افغانی ها و مهاجران تبعیدی عرب احوازی و عرب عراقی تشکیل می دهند. در تهران نیز شهروند تهرانی الاصل در حاشیه زندگی نمی کند و تمام حاشیه نشینان مهاجرانی هستند که از دیگر شهرها و روستاها به تهران آمده و در حاشیه این شهر سکنی یافته اند.

ورود دهها هزار تن از مهاجران غیر عرب و در اختیار قرار دادن فرصت های شغلی با درآمد بسیار بالا و اختصاص دادن امکانات رفاهی به آنان از سوی دولت جهت اقامت همیشگی در این اقلیم، سبب شده است تا شهرهای اقلیم احواز به دو بخش مهاجرین غیر عرب ثروتمند و بخش حاشیه نشین عرب تهی دست و رانده شده تقسیم شوند.

### سیاسی:

از زمان ورود ارتش رضاخان به احواز تا به امروز دولت مرکزی ایران مردم عرب را به عنوان تهدیدی اساسی برای تمامیت ارضی خود می داند.

این نگاه که خود برخاسته از اعتقاد درونی گردانندگان دولت مرکزی مبنی بر اینکه آنها به ناحق دست به اشغال احواز زده اند، سبب شده است، تا حاکمان مرکزی ایران همواره رویکردی مطلقاً امنیتی نسبت به اقلیم احواز داشته باشند.

رویکرد امنیتی دولت ایران سبب شده تا نظام های متوالی سیاست هایی با توجیه گری امنیتی محض را در این اقلیم به کار گیرند. سیاست هایی که همواره شهروندان احوازی را در تمامی زمینه ها به حاشیه رانده است.

مصادره زمین های کشاورزان عرب، ذخیره کردن آب رودخانه های اقلیم احواز در پشت سدها در خارج از اقلیم احواز، محرومیت کامل جوانان عرب از فرصت های شغلی ایجاد شده در اقلیم احواز، مهاجرت غیر عرب ها به احواز و دهها مورد دیگر ابزارهایی هستند که دولت مرکزی ایران در رویارویی امنیتی با ملت عرب احواز طی نه دهه بکار گرفته است.

### زیست محیطی:

در اقتصاد مبتنی بر حفاظت از محیط زیست طرح های اقتصادی بسته به میزان سازگاری با محیط زیست در اولویت قرار می گیرند. دولت ایران اما در سرزمین های اشغالی هیچ کدام از شاخص های زیست محیطی را مد نظر قرار نمی دهد و فقط در راستای امور امنیتی تمامی طرح های اقتصادی را پی ریزی می کند.

به عنوان مثال طرح های توسعه نیشکر(علاوه بر اینکه بیش از ۷۰ درصد سایر شاغلان خود را مهاجران غیرعرب تشکیل می دهند) به شدت محیط زیست اقلیم احواز را تخریب کرده و موجب گسترش انواع بیماری های خطرناک در اقلیم احواز شده اند.

چنین طرحی که نه توجیه اقتصادی دارد و نه سازگار با محیط زیست است، نمونه بارزی از یک طرح امنیتی که به سود دولت مرکزی و به ضرر ملت عرب احواز است. آینده نگری اقتصادی که حفاظت از محیط زیست و حفظ منابع برای تحویل به نسل های آینده را محور کار خود قرار می دهد به هیچ وجه با اجرای چنین طرح هایی سازگار نیست.



مثال دیگر طرح ۸۰۰ هزار هکتاری موسوم به (طرح رهبری) است که حسن روحانی در سفر اخیر خود به احواز از تصمیم دولت متبوعش برای تحقق آن طی سه سال خبر داد.

بر اساس این طرح (ملی) ۸۰۰ هزار هکتار از زمین های احواز هموارسازی شده تا در اختیار متقاضیان از میان عموم ایران قرار گیرد! تجربه طرح های توسعه نیشکر و بکارگیری اکثریت مهاجر در این طرح ها و همچنین استمرار رویکرد امنیتی بر ضد شهروندان عرب و حاکمیت مطلق غیر عرب ها بر این اقلیم نشان می دهد که اکثریت مطلق این زمین ها به مهاجران غیر عرب اختصاص خواهد یافت.

عقل حسابگر که سلامت محیط زیست را مدنظر قرار دهد به هیچ وجه نمی پذیرد که زیستگاه اصلی شهروندان عرب در اختیار صدها هزار مهاجر قرار گیرد تا بار دیگر هزینه گسترده آلودگی محیط زیست منطقه را شهروند عرب پرداخت کند.

این طرح نیز برای عرب ها نه تنها توجیه اقتصادی ندارد بلکه تهدیدی بزرگ برای محیط زیست احواز محسوب می شود؛ طرح مذکور به ضرر شهروندان عرب و به سود مهاجران است.

در زیر سایه چنین طرح هایی، عرب ها باید هزینه آلودگی هایی را بپردازند که ناشی از فعالیت های غیر استاندارد دولتی در بخش های کشاورزی، صنعت، نفت و پتروشیمی است. فعالیت هایی که اکثریت مطلق سود آن به جیب مهاجران غیر عرب می رود.

مردم عرب احواز در چنبره سیاست های ظالمانه دولت ایران قریب به دهه است که ملزم به پرداخت هزینه خوشی، رفاه و درآمد بالای مهاجران غیر عرب است. این هزینه های هنگفت باعث ابتلای شهروندان عرب به انواع سرطان و دیگر بیماری ها شده است.

آلودگی همه جانبه و وسیع آب و خاک و هوای اقلیم احواز به حدی است که سلامت نسل های حاضر و آینده عرب احوازی را تهدید می کند. لذا نگرانی عرب ها از استمرار وضعیت فعلی مبتنی بر دلایل واقعی است که نشان می دهد در آینده ای نه چندان دور عرب ها نه زمینی و نه آبی برای کشت خواهند داشت. ساکنان اصلی حتی از وجود هوا و محیط سالم برای ادامه حیات در اقلیم احواز محروم خواهند ماند.

دانستن اینکه هیچ نشانه ای دال بر کاهش تبعیض سیستماتیک نسبت به عرب ها و ورود آنها به سیستم اقتصادی وجود ندارد، نگرانی مردم عرب را دوچندان می کند.

### فرهنگی:

مهاجرانی که وارد اقلیم احواز می شوند نه تنها حداقل امکانات معیشتی را نیز از دست شهروندان عرب می ستانند بلکه به هویت عربی احواز نیز دراز دستی می کنند.

مهاجران اقدام به تاسیس تشکیلات سیاسی و اجتماعی کرده و خود را صاحب اصلی اقلیم احواز و شهروندان عرب را مهاجر می خوانند! وقاحت اینان تا آنجا پیش رفته است که در شهر احواز، زبان و فرهنگ عربی و لباس عربی را به سخره می گیرند.

آنان با در اختیار داشتن تمام امکانات فرهنگی نظیر صدا و سیمای استانی و نشریات محلی همواره به فرهنگ عرب می تازند.

شاخه هایی از مهاجران پا را فراتر نهاده و اقدام به تاسیس گروه‌های شوونیست کرده و افکار نژادپرستانه را برضد ملت عرب ترویج می کنند و طرفداران خود را به دشمنی با شهروند عرب آموزش می دهند.

جمهوری اسلامی نیز از تشکیلات شوونیست ملی گرای ایرانی در احواز حمایت می کند تا در زمان مناسب آنها را جهت سرکوب مردم عرب بکار گیرد. نمونه بارز این حالت، کشتار مردم عرب محمره به دست مهاجران غیر عرب در سال ۱۳۵۸ شمسی است.

بنابراین ورود شمار بیشتری از مهاجران به اقلیم احواز تهدیدی جدی برای زبان و فرهنگ و جان شهروندان عرب محسوب می شود.

اقدامات مذکور، هیچکدام تصادفی نبوده و نتیجه سیاست هایی تدوین شده است. همگان می دانند که طراحان این سیاست ها بر اساس دغدغه های ناسیونالیستی و به منظور تاسیس دولت - ملت ایران آنها را ترسیم کرده اند.

در مقابل سیاست های غیر انسانی دولت ایران، ملت عرب الاحواز با قیام های مکرر خود نشان داد که فرایند آسیمیلاسیون را نپذیرفته و مصرانه به ایستادگی در برابر آن ادامه خواهد داد.

از سوی دیگر مردم عرب به هیچ وجه توجیه گری های آسیمیله شدگان و خودباخته گان که سعی می کنند وجود مهاجران در احواز را امری عادی جلوه دهند، قبول ندارند.

تا زمانی که مهاجرت به احواز متوقف نشده و مسئولیت اداره اقلیم احواز به دست ساکنان اصلی عرب آن نباشد، ورود مهاجران به اقلیم احواز به منزله استمرار ستیزه جویی امنیتی نظام با ملت عرب بوده و هر زمان ممکن است آتش رویارویی همه جانبه بین ملت عرب و دولت مرکزی و حامیانش را شعله ور سازد.

بی تردید مسئولیت تمام تبعات هر حادثه ای بر عهده دولت ایران و سایر (روشنفکران) و فعالان سیاسی و اجتماعی ایرانی و چنین نیز بر عهده سازمان های بین المللی خواهد بود.

## Here are the world's worst cities for air pollution, and they're not the ones you'd expect

By [Ritchie King](#) and [Lily Kuo](#) October 18, 2013

Exposure to air pollution is getting worse in parts of the world, especially industrializing countries, according to the WHO. The WHO's key announcement yesterday was that it has [included outdoor air pollution](#) on its definitive list of the world's known carcinogens—an addition that, it hopes, will get governments to do something about it. Air pollution is the world's worst environmental carcinogen and more dangerous than second-hand smoke, for instance, the [health body said](#).

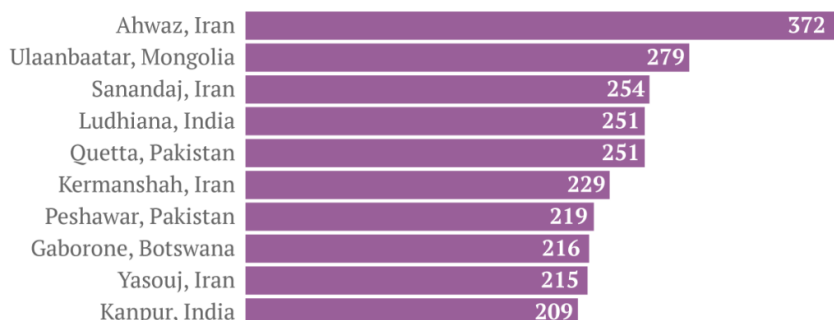
+

As the chart above shows, the cities with the worst air are often not big capitals, but provincial places with heavy industry in them or nearby. Ahwaz, for instance, in southwestern Iran, far outstrips infamously polluted cities like New Delhi or Beijing, with 372 parts per million of particles smaller than 10 micrometers (PM10), compared to the world average of 71. Life expectancy for the city of 1.2 million residents is the [lowest in Iran](#).

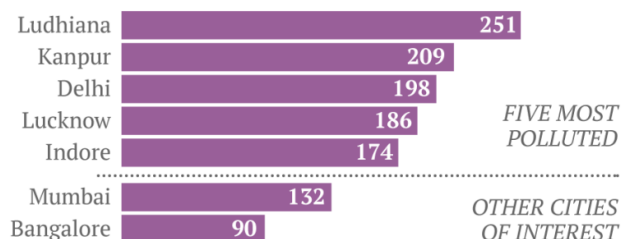
### Cities with the worst outdoor air pollution

Pollution is defined as airborne particles less than 10 micrometers in diameter (PM10). Values shown are annual averages in micrograms per cubic meter of air.

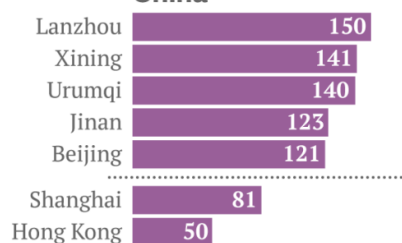
#### Overall



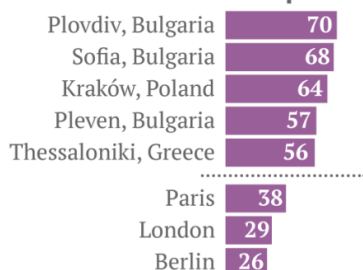
#### India



#### China



#### European Union



#### United States



Why so bad? In Ahwaz, Iranian meteorology officials have blamed the US for the spike, claiming the presence of US forces in Iraq during the Iran-Iraq war of the 1980s destroyed agriculture and caused desertification. But researchers cite heavy industry in and around the city, like oil, metal and petrochemical processing, and blame the desertification on the draining of marshes and a national project that has [diverted local water](#) away from the city.

## تصاویری از تخریب هور العظیم



**بروال**  
www.Borwall.com

photo: borwall



**بروال**  
www.Borwall.com

photo: borwall





**بروال**  
www.Borwall.com

photo: borwall



**بروال**  
www.Borwall.com

photo: borwall



**بروال**  
www.Borwall.com

photo: borwall



**بروال**  
www.Borwall.com

photo: borwall





**بروال**  
www.Borwall.com

photo: borwall



**بروال**  
www.Borwall.com

photo: borwall



عکسهایی از تجمعات احوازیها در دفاع از کارون و هور العظیم و محیط زیست اقلیم احواز













طوفان کارون

مخالفت با خشک شدن کارون...





